بسم الله الرّحمن الرّحیم

پارسا ۳

فیپا

پیشگفتار

مقدمه

به طورعمده در تمامی کتاب‌های نظری تولید محتوا محتوای آموزش زبان را به دو دستهٔ عمده تقسیم می‌نمایند: محتوای تفکیکی و محتوای تلفیقی. اساس این تقسیم بندی بر مبنای نگاهی است که برنامهٔ درسی مورد نظر در قبال زبان دارد. شیوه‌های تولید محتوای تفکیکی بر این باورند که می‌توان زبان را به بخش‌های کوچکتری تقسیم کرد و با آموزش جداگانهٔ هر بخش مخاطب را قادر ساخت تا زودتر به اهداف مورد نظر و تخصصی خوش دست یابد. از سوی دیگر در رویکرد تلفیقی زبان به منزلهٔ کلافی در نظر گرفته می‌شود که که تفکیک و جداسازی نه تنها عاملی برای تسهیل و تسریع یادگیری در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلکه در نهایت زبان آموز را در معرض گونه‌ای مصنوعی و غیر واقعی از زبان قرار می‌دهد که هیچ یک از گویشوران بومی زبان به این طریق از زبان بهره نمی‌گیرند. مثلاً کمتر دیده نمی‌شود که فردی از مهارت گفتن، به جز در سخنرانی‌ها و تک‌گویی‌های یک طرفه، به صورت منفک و بدون توجه به سایر مهارت‌ها استفاده نماید. ما معمولاً چیزی را می‌شنویم یا می‌خوانیم و همسوی با آن به بیان یک موضوع می‌پردازیم. حتی در پاره‌ای از موارد آنچه را که می‌گوییم را همزمان می‌نویسیم.

کتاب آموزش زبان فارسی پارسا در سه سطح مقدماتی، متوسطه و پیشرفته می‌کوشد تا با ارائهٔ زبان فارسی در محیطی واقعی و نزدیک به محیط اجتماعی حاکم بر زبان فارسی در ایران به آموزش این زبان بپردازد.

در زمان تهیه و تدوین این اثر توجه به چند موضوع الزامی بوده است:

- زبان آموزان مخاطب این کتاب فارسی آموزانی هستند که در حال حاضر در ایران حضور ندارند و چندان با محیط واقعی زبان دسترسی ندارند و فرهنگ ایرانی را نیز خوب نمی‌شناسند. البته این بدین معنا نیست که این کتاب برای محیط‌های زبان دوم آموزی غیرقابل استفاده است، اما نمی‌توان منکر این حقیقت شد که جامعهٔ هدف در زمان تألیف بیشتر زبان آموزانی بوده‌اند که فارسی را به عنوان یک زبان خارجی فرا می‌گیرند.
- ازآنجایی که کتاب حاضر در اساس برای محیط مجازی تعریف شده است، بیشتر تکالیف و تمرین‌های کتاب به صورت تمرین‌های بسته در نظر گرفته شده که قابلیت تصحیح آن با ماشین برای دانشگاه‌های مجازی نیز ممکن باشد.
- در کتاب پارسا جامعهٔ ایرانی اسلامی به عنوان یک جامعهٔ جهانی در نظر گرفته شده؛ از همین رو، تلاش شده تا اشاراتی نیز به نکات فرهنگی مشترک در جوامع دیگر نیز انداخته شود.
- کارکردهای زبان به خصوص در سطوح پایین بیشتر محدود به کارگرهای مورد نیاز شده و تلاش شده تا از هر گونه اضافه گویی و مواردی که احساس می‌شود نیاز درجه اول زبان آموز نباشد پرهیز شود.

ساختار کتاب

۱.واژه

واژه‌های پر بسامد در نظر گرفته شده است.
همه در قالب تسک و با رویکرد شناختی به زبان آموز ارائه شده است.
بلافاصله بعد از واژه‌ها تمرن امده تا زبان آموز استفاده از واژه‌ها را در محیط واقعی زبان تجربه کند.
برای آموزش آن از زبان واسط استفاده نشده، در مراحل پایین با استفاده از واژه بوده، در دوره‌های میانی و متوسطه، با استفاده از مثال، با هم آیی و تعریف واژه نامه ای بوده است.

۲.شنیدن

مهارت‌های شنیدن دیده شده نه صرف شنیدن، البته ذکر نشد در کتاب چون برخی اساتید به آموزش مهارت اعتقاد ندارند، ذکر و آموزش مهارت و یا عدم آموزش مستقیم آن به سلیقه استاد واگذار شده است. خود تکالیف کاملاً بر اساس مهارتها است.

۳.سخنرانی یا کارگروهی

زبان آموز بسته به موضوعی که مورد بحث است چند دقیقه به صورت تک گویی صحبت کند.
می تواند متن گفتاری خود را تنها یا با کمک دیگر دوستانش در کلاس آماده کند برای همین تحت دو عنوان سخنرانی یا کار گروهی ارائه شده که چگونگی اجرای آن بسته به سطح کلاس و سیاست‌های عمومی استاد در آموزش دارد.

۴.گفتگو

در کتاب اول دو گفتگو و در کتاب‌های بعدی یگ گفتگو آمده است.
گفتگوها یک موقعیت کار بردی در حوزۀ زبانی است که به زبان آموز واژه‌های آن را آموخته و چگونگی درک مطلب شنیداری آن را نیز در بخش قبل فرا گرفته است.
پیش از ورود به گفتگو زبان آموز با یک نکتۀ عمومی در گفتگو آشنا می‌شود (پیش گفتگو) این داده‌ها می‌توانند واژگانی، دستوری (که در قالب کلیشه و بدون آموزش مستقیم ارائه می‌شود) یا فرهنگی و فرازبانی باشد.
گفتگوها در قالب مدل گفتگو ارائه شد و از زبان آموز انتظار نمی‌رود صرفاً همین گفتگو را حفظ کرده و ارائه دهد.
برای تسهیل فرایند گفتگو و افزودن نکات اضافی توسط زبان آموز به بحث گفتگو در زیر هر گفتگو واژه‌های مرتبط دیگری از بخش‌ها و درس‌های گذشته گنجانده شده.
اساتید با ترغیب زبان آموز به استفاده از این واژه‌ها هم به مرور درس‌های پیش و هم به گسترش فرایند گفتگوهای دو نفره در کلاس کمک می‌کنند.

۵.بحث آزاد

این بخش در کتاب اول وجود ندارد.
هدف از آن افزایش توانایی زبان آموز در نقد و بیان دیدگاه‌های شخصی خودش است.
این بخش می‌تواند زبان آموز را از بیان صرف چند کلیشه رها کند.
نباید با خواندن و درک مفاهیم اشتباه گرفته شود. خواندن فقط بهانه ایست برای گفتن، از همین رو متون این بخش به نسبت بخش خواندن و درک مفاهیم به مراتب ساده تر است.

۶.خواندن

همان شرط که در مورد مهارت‌ها دربارۀ شنیدن دیده شده در خواندن هم هست.
پیش خواندن بخش پیش خواندن وجود دارد که اهداف عمده‌ای دارد. از جمله: آشنایی زبان آموز با واژه‌های دشوار موجود در متن، آماده سازی زبان آموز از نظر ذهنی با موضوع درس، آشنایی با ابعاد جهان شناختی و فرازبانی متن، ایجاد انگیزه و سوال برای زبان آموز برای مطالعه متن.
متن‌ها صرفاً یک متن آموزشی نیست. تلاش شده تا زبان آموزان علاوه بر یادگیری زبان فارسی، بر اطلاعات عمومی خودشان بیافزایند و هر چه اطلاعات واقعیتر باشد، به فرایند خواندن در کلاس کمک می‌کند. گفتنی است اطلاعات این متنها می‌تواند برای اساتید فارسی نیز جذاب باشد.

۷.دستور

بسامد موارد دستوری استخراج شده و در کتاب آمده است.
دستور آخرین بخش امده تا از تمرکز بیش از حد بر دستور در زمان گفتن جلوگیری شود.
بخشی از این دستورها در کتاب‌های دستور سنتی نبوده و مؤلفین با توجه به توصیفات جدید زبان شناسی گاهی دستور را توصیف نموده اند.

فهرست

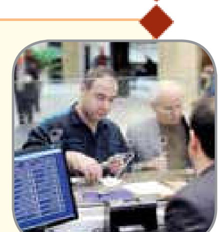












درس هفتم: تجارت و اقتصاد (۴۹-۵۶)

واژه: تجارت

کار گروهی

شنیدن: ویژگی‌های اقتصاد اسلامی (عبارات و اصطلاحات مربوط به اقتصاد در اسلام)

گفتگو: دادوستد

بحث آزاد: روش کمک برای آغاز کسب‌وکار

خواندن: عادت‌های مالی غلط در خانواده‌ها

بیاموزیم: نشانه‌های جمع



درس هشتم: اجاره کردن (۵۷- ۶۴)

واژه: اجاره

شنیدن: مشخصات خانه‌های اجاره‌ای (نقاط ضعف و قوت)

گفتگو: پرسش از خانه دلخواه افراد و پاسخ به آن

بحث آزاد: کدام خانه را اجاره کنم؟

خواندن: نکته‌های مهم در اجاره کردن خانه

بیاموزیم: اظهار ناراحتی افسوس و پشیمانی (ماضی استمراری)



درس نهم: نگرانی و تردید (۶۵- ۷۲)

واژه: نگرانی

شنیدن: بیان نگرانی و پاسخ به آن

کار گروهی

گفتگو: نگرانی و همدردی

بحث آزاد: برای برطرف شدن استرس چه می‌کنید؟

خواندن: نشانه‌هایی از استرس در زندگی روزمره

بیاموزیم: مضارع التزامی (تردید)



درس دهم: قانون و تنبیه (۷۳- ۸۰)

واژه: جرم و مجازات

شنیدن: بیان چند قانون برای مسافران و استثنائات هر یک

کار گروهی

گفتگو: تابلوهای راهنمایی و رانندگی و مفهوم آن‌ها (مکالمه پلیس با راننده خاطی)

بحث آزاد: صبر یا عجله؟

خواندن: قوانین عجیب‌وغریب در کشورهای مختلف

بیاموزیم: جمله شرطی (شرطی ممکن)



درس یازدهم: منابع انرژی (۸۱-۸۸)

واژه: منابع انرژی مختلف و توضیح آن‌ها

شنیدن: نحوه صرفه‌جویی در مصرف انرژی (برق)

کار گروهی

گفتگو: مکالمه درباره قبض گاز و مبلغ آن و دلیل زیاد بودن مبلغ آن و راه‌های صرفه‌جویی گاز

بحث آزاد: جریمه یا آموزش احترام به قانون؟

خواندن: روش‌هایی برای صرفه‌جویی آب در خانه

بیاموزیم: جمله شرطی (شرطی ناممکن)



درس دوازدهم: طبیعت و محیط‌زیست (۸۹-۹۶)

واژه: محیط‌زیست، تخریب آن و تفریح

شنیدن: مشکلات طبیعی و دلایل آن

کار گروهی

گفتگو: انواع زباله

بحث آزاد: کتاب‌های کاغذی یا کتاب‌های الکترونیکی؟

خواندن: بطری‌های پلاستیکی در طبیعت

بیاموزیم: ادات استثنا



درس سیزدهم: حیات‌وحش ایران (۹۷-۱۰۴)

واژه: طبقه‌بندی حیوانات و اسامی برخی از آن‌ها و اعضای مشخص هریک

شنیدن: مشخصات برخی حیوانات و آشنایی با مشخصات و زیستگاه چند حیوان

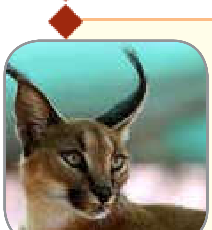
کار گروهی

گفتگو: حیوانات ایرانی و دلایل انقراض برخی از آن‌ها

بحث آزاد: کشتن مار ممنوع

خواندن: دو داستان از کلیله‌ودمنه

بیاموزیم: فرایند تکرار





درس چهاردهم: تمدن‌های بزرگ جهان (۱۰۵-۱۱۲)

واژه: آثار باستانی مهم ایران

شنیدن: نام، محدوده جغرافیایی و... چند تمدن مهم جهان

کار گروهی

گفتگو: توضیح درباره تمدن و نکات مهم هر تمدن

بحث آزاد: تمدن اسلامی

خواندن: شگفتی‌های شهر سوخته

بیاموزیم: حروف ربط



درس پانزدهم: تفاوت‌های فرهنگی (۱۱۳-۱۲۰)

واژه: اصطلاحات، غذا و مراسم رایج ایرانی

شنیدن: مقایسه برخی آداب، قوانین و غذاهای دو کشور ژاپن و ترکیه

کار گروهی

گفتگو: مراسم تدفین در ایران و نکاتی درباره فرهنگ فیلیپین

بحث آزاد: تفاوت فرهنگی و ازدواج

خواندن: فرهنگ مردن

بیاموزیم: فعل لازم، فعل متعدی



درس شانزدهم: اخبار (۱۲۱-۱۲۸)

واژه: انواع اخبار در روزنامه

شنیدن: گونه‌های خبری

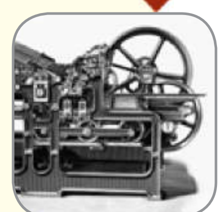
کار گروهی

گفتگو: اخبار ایرانی، صحبت درباره یک خبر جالب

بحث آزاد: چه قدر اخبار ببینیم؟

خواندن: پرطرفدارترین وب‌سایت‌ها در ایران و در دنیا

بیاموزیم: فعل مجهول



درس هفدهم: فن‌آوری و اختراعات (۱۲۹-۱۳۶)

واژه: آشنایی با چند اختراع مهم

شنیدن: چهار اختراع و اکتشاف مهم قرن بیستم

کار گروهی

گفتگو: مزیت‌های فن‌آوری

بحث آزاد: پیشرفت علمی و بهتر شدن زندگی

خواندن: اختراع جالب، اختراع خنده‌دار

بیاموزیم: متمم



درس هجدهم: جشن‌ها و اعیاد (۱۳۷-۱۴۴)

واژه: برخی آداب‌ورسوم ایرانیان در برگزاری جشن‌ها

شنیدن: آداب مردم هند، چین و ... در برگزاری برخی مراسم

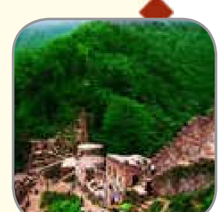
کار گروهی

گفتگو: کارهایی که در عید نوروز انجام می‌شود

بحث آزاد: خرافات و جشن

خواندن: مراسم ازدواج در ایران

بیاموزیم: پیشوندها و پسوندها



درس نوزدهم: جاذبه‌های گردشگری (۱۴۵-۱۵۲)

واژه: مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری در ایران

شنیدن: جاذبه‌های تفریحی، زیارتی، طبیعی و تاریخی کیش و سرعین. (بازشناسی انواع جاذبه‌های گردشگری از یکدیگر)

کار گروهی

گفتگو: عبارات و جملات رایج در بیان جاذبه‌های گردشگری مکان‌های مختلف و مشخصات آن‌ها

بحث آزاد: آب یا آثار باستانی؟

خواندن: مصاحبه‌ای با یک دوچرخه‌سوار ایرلندی

بیاموزیم: جمله



درس بیستم: ادبیات فارسی (۱۵۳-۱۶۰)

واژه: معرفی چند شاعر معروف ایرانی به همراه آثار و زندگی‌نامه آن‌ها

شنیدن: داستان ضحاک و کاوه آهنگر

کار گروهی

گفتگو: توضیح برخی ارکان شعر، چند بیت از سعدی و معنی آن

بحث آزاد: دوست دارید از زبان فارسی چه استفاده‌ای ببرید؟

خواندن: داستان طوطی و بقال

بیاموزیم: حرف‌اضافه مخصوص فعل

۱

درس اول

ادب

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با انواع تقاضای مؤدبانه آشنا شود.

۲. تفاوت گفتگوی مؤدبانه و غیر رسمی را بداند.

۳. بتواند جمله‌های مؤدبانه و غیر رسمی را به یکدیگر تبدیل کند.

۴. بداند که در هر موقعیتی چگونه صحبت کند.

۵. جمله‌های محترمانه را به صورت سؤالی مطرح نماید.

واژه‌ها و اصطلاحات جدید

عرض کردن
تشریف آوردن
جبران کردن
خدمت رسیدن
میل کردن
قدم رنجه کردن
صفا آوردن
چرخ چیزی چرخیدن
بقا
داد زدن
توهین
لحن
برخورد کردن
کم و بیش
خونسرد
بلافاصله
راهکار
دفعه
غریبه

واژه

تقاضای مؤدبانه

▪ سلام، می‌شود یک مقدار پول از شما قرض بگیرم؟

▫ بله، حتماً.

رسمی

▪ سپاس‌گزارم.
▪ لطف کردید.
▪ ممنون، از شما.
▪ ان‌شاءالله بتوانم جبران کنم.
▪ دست شما درد نکند.
▪ قربان دستت.

غیر رسمی





▪ سلام، می‌شود یک مقدار پول از شما قرض بگیرم؟

رسمی

▫ عذرخواهی می‌کنم، ...
▫ شرمنده‌ام
▫ شرمنده، ...
▫ ببخشید، ...

غیر رسمی

واژه‌های زیر را بشنوید.

دوستانه	رسمی
گفتی	فرمودید
گفتم	عرض کردم
آمدی	تشریف آوردید
آمدم	خدمت رسیدم

دوستانه	رسمی
خوردی	میل کردید
خوردم	خوردم
رفتی	تشریف بردید
رفتم	رفتم

دوستانه	رسمی
دیدی	ملاحظه کردید
دیدم	دیدم
از من خواستی	امر کردید/ فرمودید
از تو خواستم	تقاضا کردم

تمرین

الف) جمله‌های دوستانهٔ زیر را به جمله‌های رسمی و مؤدبانه تبدیل کنید.

	دوستانه	رسمی
۱	همین‌طور که می‌بینید، رئیس امروز نیامده.	
۲	اگر چیزی می‌خوری بگو.	
۳	قبلاً هم گفتم. من فقط از تو می‌خواهم مؤدب باشی.	
۴	دیروز گفتی این‌ها را دیده‌ای.	
۵	اگر فردا سفر نرفتید، من می‌آیم.	

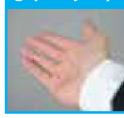
ب) با استفاده از واژه‌های بالا چند جملهٔ دوستانه بسازید و سپس آنها را به جمله‌های رسمی تبدیل کنید.

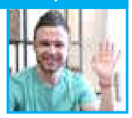
ج) از اصطلاحات مؤدبانهٔ زیر در چه موقعیت‌هایی استفاده می‌شود؟ (هر سؤال ممکن است بیش از یک پاسخ داشته باشد.)

الف. اجازهٔ مرخصی می‌دهید؟ ....
ب. ببخشید وقتتان را گرفتم. ....
پ. خوش‌آمدید. قدم رنجه کردید. ....
ت. قابل شما را ندارد. ....
ث. خوش‌آمدید. صفا آوردید. ....
ج. تشریف بیارید. قدمتان روی چشم. ....


۱. هنگام خرید کردن


۲. هنگام سلام کردن


۳. هنگام دعوت کردن


۴. هنگام خداحافظی کردن

شنیدن

الف) گفتگوهای زیر را بشنوید و جدول زیر را کامل کنید.

	نوع درخواست: رسمی	نوع درخواست: غیررسمی	درخواست را: می‌پذیرد	درخواست را: رد می‌کند
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				

ب) با توجه به متن صفحهٔ بعد، اصطلاحات زیر را کامل کنید.
سپس بگویید این اصطلاح برای تشکر است یا برای عذرخواهی؟

	تشکر	عذرخواهی
۱. ممنون استاد. لطف	○	○
۲. خیلی .... شدم.	○	○
۳. دستت	○	○
۴. خیلی.......................	○	○
۵. ان‌شاءالله.......................	○	○
۶. خواهش می‌کنم.	○	○
۷. .... خیلی لطف می‌کنی.	○	○
۸. .... گرفتم.	○	○

کارِ گروهی

در فرهنگ فارسی به جز استفاده از واژه‌های مؤدبانه، افراد باید کارهایی را انجام دهند تا ادب را رعایت کنند.
به نمونه‌های زیر توجه کنید:

- وقتی انسان بزرگ‌تر وارد اتاقی می‌شود که شما در آن نشسته‌اید باید برای سلام کردن بایستید.
- وقتی انسان بزرگ‌تر صحبت می‌کند، نباید حرف او را قطع کنید.
- همیشه باید با پدر و مادر با احترام صحبت کنید.

؟) آیا این موضوعات در فرهنگ شما وجود دارد؟ دربارهٔ این موضوع در کلاس صحبت کنید.

گفتگو

پیش‌گفتگو

تبریک

مبارک باشد! /تبریک عرض می‌کنم.
چرخش بچرخد! (خرید خودرو)
خدا به شما/بهتان ببخشدش!
ان‌شاءالله همیشه به شادی و خوشی!
صدسال به این سال‌ها! (سال نو)
قدم نورسیده مبارک! (فرزند)
خدا بچه‌تان را به شما ببخشد! (فرزند)

تسلیت

خدا بیامرزدش!
خدا رحمتش کند!
غم آخرتان باشد!
خدا به شما صبر بدهد!
ان‌شاءالله بقای عمر شما باشد!
روحشان شاد باشد!

گفتگو



تبریک

▪ سلام علی جان. قدم نورسیده مبارک!
▫ سلام آقا رضا. خیلی ممنون سلامت باشید!
▪ خیلی خوشحال شدم وقتی شنیدم بچه‌ات به‌دنیا آمده!
▫ لطف دارید خیلی ممنون؛
▪ حالا دختر است یا پسر؟
▫ دختر.
▪ خدا بهتان ببخشدش.

تسلیت

▪ بهزاد جان تسلیت عرض می‌کنم؛ خدا ان‌شاءالله پدرتان را رحمت کند.
▫ خیلی ممنونم؛ خدا رفتگان شما را هم بیامرزد.
▪ سلامت باشید. خدا بهتان صبر بدهد.
▫ ممنون. خیلی لطف کردید، تشریف آوردید.
▪ خواهش می‌کنم وظیفه است.



- مبارک باشد!/ تبریک عرض می‌کنم.
- چرخش بچرخد!
- خدا به شما/ بهتان ببخشدش!
- ان‌شاءالله همیشه به شادی و خوشی!
- صدسال به این سال‌ها!
- قدم نورسیده مبارک!
- خدا بچه‌تان را به شما ببخشد!

- خدا بیامرزدش!
- خدا رحمتش کند!
- غم آخرتان باشد!
- خدا به شما صبر بدهد!
- ان‌شاءالله بقای عمر شما باشد!
- روحشان شاد باشد!
- خدا بیامرزدش
- بقای عمر شما باشد

- خیلی لطف کردید متشکرم.
- خیلی لطف کردی. ایشالا بتوانم جبران کنم.
- قربان دستت خیلی لطف می‌کنی.

بحث آزاد

سلام،

اسم من فرامرز است، من ۱۸ سال دارم و در سال سوم دبیرستان تحصیل می‌کنم. اسم بهترین دوست من سیامک است. من و سیامک از بچگی با هم دوست بوده‌ایم. ما همیشه با هم هستیم. با هم درس می‌خوانیم، با هم تفریح می‌کنیم و با هم ورزش می‌کنیم. سیامک خیلی پسر خوبی است. او همیشه در درس‌ها به من کمک می‌کند. مخصوصاً در درس ریاضی که من خیلی ضعیف هستم. همیشه به من می‌گوید ما باید آنقدر تلاش کنیم تا در یکی از دانشگاه‌های خوب ایران قبول شویم و ادامه تحصیل بدهیم.

او تقریباً هر روز با من تماس می‌گیرد و در مورد درس‌هایم با من صحبت می‌کند. سیامک برای درس خواندن همکلاسی خیلی خوبی است؛ اما در زمان ورزش کردن هم‌تیمی خیلی خوبی نیست. ما هر دو فوتبال بازی می‌کنیم. سیامک در زمین ورزش همیشه سر من فریاد می‌زند و می‌گوید من بازیکن خوبی نیستم و باید بیشتر تمرین کنم. حق با او است. بازی او از من خیلی بهتر است؛ اما دوست ندارم همیشه جلوی بقیهٔ بچه‌های تیم مرا مسخره کند. این کار او خیلی مرا ناراحت می‌کند.

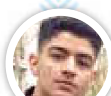
اگر یک روز یکی از دوستان شما با بی‌ادبی با شما صحبت کند، چکار می‌کنید؟





فرید

به نظر من سیامک دوست خوبی نیست. درست است که او در درس‌ها به تو کمک می‌کند؛ اما اگر کسی شما را مسخره کند، دیگر دوست شما نیست. به نظر من رابطهٔ خودت را با او قطع کن و اجازه نده دیگران به‌راحتی به تو توهین و بی‌ادبی کنند.



عارف

من با فرید موافقم. سیامک پسر خوبی است و در درس‌ها به تو خیلی کمک می‌کند؛ اما او حق ندارد به تو بی‌احترامی کند. شاید چون او فکر می‌کند تو در درس‌ها به او نیاز داری. برای همین با تو با بی‌ادبی رفتار می‌کند؛ البته من مثل فرید نمی‌گویم که تو دیگر با او دوست نباش؛ اما اگر چند هفته با او کمتر صحبت کنی متوجه می‌شود که نباید این رفتار زشت را با تو انجام دهد.



عباس

من اگر جای تو باشم خیلی راحت با او صحبت می‌کنم و به او می‌گویم از این رفتار تو در زمین فوتبال ناراحت شدم. اگر او دوست تو است باید بتوانی خیلی راحت از او انتقاد کنی.



مسعود

راستش من هم این مشکل را با دوستم داشتم. هر بار که به او می‌گفتم از این رفتارت ناراحت می‌شوم تا چند روزی بی‌ادبی نمی‌کرد؛ اما بعد از چند روز دوباره همه چیز را فراموش می‌کرد و دوباره همین رفتارش را تکرار می‌کرد. یک‌بار تصمیم گرفتم با بی‌ادبی با او برخورد کنم. وقتی این کار را کردم او متوجه کار زشتش شد و دیگر این کار را نکرد.



مهدی

آقا مسعود؛ به نظر من این کار اصلاً درست نیست. شما نباید به کسی توهین کنید. حتی اگر او به شما توهین کند. اگر کسی به من بی‌احترامی کند، من به او احترام می‌گذارم تا او از رفتار خودش شرمنده شود و دیگر این کار را تکرار نکند.



سعید

به نظر من سیامک پسر خوبی است و فقط می‌خواهد به شما کمک کند. من اگر جای شما بودم از او تشکر می‌کردم و نمی‌گفتم او به من بی‌ادبی می‌کند.



محسن

سعید جان من با شما مخالفم. البته درست است که او می‌خواهد به شما کمک کند ولی نباید کاری کند که شما احساس کنید به شما بی‌احترامی می‌کند.

نظر شما در این مورد چیست؟

خواندن

پیش‌خواندن

چگونه با افراد بی‌ادب رفتار کنیم؟

استاد، تقریباً نیم ساعت بود که به کلاس آمده بود و درس جدید را شروع کرده بود. دانشجویی بدون اینکه در بزند و یا از استاد اجازه بگیرد، وارد کلاس شد و روی صندلی نشست. چند دقیقه بعد موبایلش را از کیفش درآورد و برای یکی از دوستانش پیامک فرستاد. همه با عادت‌های بد او آشنا بودند. او بعد از کلاس به یکی از دانشجوها گفت: «چه لباس مسخره‌ای پوشیده‌ای»، وقتی دوستش به او گفت: «چرا او را مسخره می‌کنی؟» در جواب با لحن بدی گفت: «دوست دارم مسخره کنم، به تو ربطی نداره».

متن زیر را بادقت بخوانید.

۱ گاهی اوقات با کسانی برخورد می‌کنیم که بد صحبت می‌کنند یا رفتار نادرستی از خود نشان می‌دهند. به این افراد، «گستاخ» یا بی‌ادب می‌گویند. همهٔ ما کم‌وبیش در این موقعیت‌ها بوده‌ایم. گاهی آنها از رفتار خود پشیمان می‌شوند و عذرخواهی می‌کنند؛ اما بعضی وقت‌ها نه‌تنها پشیمان نمی‌شوند، بلکه رفتار زشت خود را تکرار می‌کنند. روانشناسان دو راه را برای برخورد با افراد گستاخ پیشنهاد می‌کنند:

۲ بهترین راه در برخورد با افراد گستاخ این است که خونسرد باشید و با آرامش با آنها برخورد کنید. آرام کردن فضا همیشه خوب است. یکی از راه‌های آرام کردن فضا، گفتن این جمله است: «لطفاً بیا آرام با هم صحبت کنیم!». شما با خونسردی و زبان نرم می‌توانید به او کمک کنید تا متوجّه کار نادرست خود شود. سعی کنید رابطهٔ دوستانه و محبت‌آمیز خود را حفظ کنید. به آن فرد فرصت دهید، کمی آرام شده و رفتارش را با شما عوض کند. مراقب باشید هرگز نباید او را عصبانی کنید.

۳ اشتباهی که همه ما انجام می‌دهیم، این است که در این مرحله بلافاصله شروع به توضیح دادن و حرف زدن می‌کنیم. یا او را در آن لحظه مجبور می‌کنیم مودّب باشد. بدانید که این کار، باعث بدتر شدن رفتار او خواهد شد. مناسب‌ترین راهکار این است که خودتان را از آن فضا خارج کنید؛ یعنی، از آن مکان دور شوید. این یکی از سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه‌های جلوگیری از رفتارهای بی‌ادبانه است. حتّی اگر هنوز مشغول حرف زدن با شما بود، بدون این که کاری کنید یا حرفی بزنید، از او دور شوید. چون آن فرد گستاخ، اگر غریبه باشد، شما مجبور نیستید باز هم در آینده او را ببینید؛ امّا اگر از دوستان یا همکارانتان باشد، خیلی زود خواهد فهمید که بی‌ادبی کرده و از کار خود پشیمان می‌شود. شاید او دفعهٔ بعد سعی کند که با شما مؤدب‌تر باشد.

تمرین

هر یک از جمله‌های زیر مربوط به کدام بند از متن است.

۱. در اطراف ما، انسان‌های بی‌ادب وجود دارد. .... ( )
۲. با فرد بی‌ادب نباید خیلی صحبت کنیم. .... ( )
۳. با انسان‌های بی‌ادب، باید با خونسردی برخورد کنیم. .... ( )
۴. رفتار دوستانه با فرد بی‌ادب، باعث آرامش او می‌شود. .... ( )
۵. بعضی وقت‌ها باید از افراد بی‌ادب دور شویم. .... ( )

تمرین

با توجه به متن، معنی واژه‌های زیر را حدس بزنید.

۶ راهکار	۳ خونسرد	۲ کموبیش
۷ غریبه	۵ بلافاصله	۱ برخورد کردن
	۸ دفعه	۴ فضا

الف.سریع	ب.ناآشنا	پ.آرام
ت.کموزیاد	ث.راه‌حل	ج.موقعیت
چ.رفتار کردن	ح.مرتبه	

بیاموزیم

برای درخواست مؤدبانه از دیگران، چند راه‌حل وجود دارد:

درخواست مؤدبانه

الف) جمع بستن ضمیرها و فعل‌های امر

تو به خانه برو. ↓ شما به خانه بروید.

این کتاب را بردار. ↓ این کتاب را بردارید.

او حالش خوب نیست. ↓ ایشان حالش خوب نیست.

ب) استفاده از واژه‌های محترمانه در ابتدای جمله

این کتاب را بردار.
↓
لطفاً این کتاب را بردارید.

این واژه‌ها عبارت‌اند از:

لطفاً	لطف کنید	لطف می‌کنید
می‌شود	آیا ممکن است	امکان دارد
در صورت امکان	اگر امکان دارد	

ج) سؤالی کردن جمله

آن کتاب را به من بدهید.
↓
آن کتاب را به من می‌دهید؟

آن کتاب را به من بدهید.
↓
می‌شود/امکان‌دارد این کتاب را بدهید؟

تمرین

متن زیر را بخوانید.

دانشجویان عزیز، امروز می‌خواهم دربارهٔ جمله‌های عادی و مؤدبانه با شما صحبت کنم. من چند مثال عرض می‌کنم؛ شما بگویید کدام عادی یا محترمانه است؟

پدر گفت. / پدر فرمود.
شما کجا تشریف داشتید؟ / تو کجا بودی؟
آن لیوان آب را بده. / لطفا لیوان آب را به من بده.
برو داخل اتاق من می‌آیم. / تشریف ببرید داخل اتاق من می‌آیم.
احمد پنجره را می‌بندی؟ / امکان دارد پنجره را ببندی؟

الف) ۵ جملهٔ مؤدبانهٔ متن بالا را در جدول بنویسید و بگویید از چه راهی برای مؤدبانه کردن آنها استفاده‌شده است؟

جمله	واژهٔ محترمانه	واژهٔ رسمی	سؤالی کردن	جمع بستن
۱.	.....	.....	.....	.....
۲.	.....	.....	.....	.....
۳.	.....	.....	.....	.....
۴.	.....	.....	.....	.....
۵.	.....	.....	.....	.....

ب) جمله‌های زیر را با توجه به واژه‌های زیر، به درخواست‌های مؤدبانه تبدیل کنید.
(می‌شود/ امکان دارد/ لطفاً/ لطف کنید/ ببخشید/ اگر امکان دارد/ لطف می‌کنید / در صورت امکان/ آیا ممکن است؟)

۱	کتاب را روی میز بگذار.
۲	غذایت را بخور.
۳	تلفن را به برادرت بده.
۴	آن لیوان را به من می‌دهی؟
۵	تلویزیون را روشن کن.
۶	آن جمله را دوباره تکرار کن.
۷	صدایت ضعیف است. بلندتر حرف بزن.

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۲

درس دوم

دوست خوب

■ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با برخی از صفات افراد آشنا شود.

۲. خصوصیات مثبت و منفی را بداند.

۳. بتواند به خوبی دیگران را توصیف کند.

۴. برخی از پسوندهای صفت‌ساز را بشناسد.

۵. با جایگاه صفت در جمله آشنا شود.

۶. با مفهوم ریشهٔ واژه آشنا شود.

■ واژه‌های جدید

دلسوز
لجباز
سخاوتمند
عبوس
بی ملاحظه
ولخرج
پر جنب و جوش
شلخته
پر چانه
خنگ
کودن
دست و دل باز
نابغه
از کوره در رفتن
روی کسی حساب کردن
همه فن حریف
تو دل برو
خر خون
آچار فرانسه
پا به پا
خودباوری
با چیزی کنار آمدن
خوش گذرانی
متناسب
معرض
خنده از ته دل

واژه

صفات زیر را بشنوید.

عصبی	شوخ	بی‌ادب	دلسوز	لجباز
بی‌نظم	سحرخیز	باهوش	درس‌خوان	پرخور
دروغ‌گو	سخاوتمند	مذهبی	اخمو / عبوس	کم‌حافظه
راست‌گو	مهمان‌نواز	منظم	بی‌ملاحظه	ولخرج

از صفات بالا کدام‌یک مثبت و کدام‌یک منفی است؟ به هر بخش دو صفت اضافه کنید.

+

۱.	۲.
۳.	۴.
۵.	۶.
۷.	۸.
۹.	۱۰.
۱۱.	۱۲.

−

۱.	۲.
۳.	۴.
۵.	۶.
۷.	۸.
۹.	۱۰.
۱۱.	۱۲.

تمرین

با توجه به متن، افراد زیر را توصیف کنید.



محسن یک اخلاق بسیار بد دارد. او ۳۲ سال دارد؛ اما هنوز نتوانسته ازدواج کند؛ چون نمی‌تواند پولش را پس‌انداز کند. او همیشه به فکر تفریح است و دوستانش را به رستوران‌های گران‌قیمت و حتی سفرهای خارجی می‌برد.

....

....



منصوره هم‌اتاقی من است. او باهوش‌ترین کسی است که من تابه‌حال دیده‌ام. هرروز صبح زود از خواب بیدار می‌شود و مطالعه می‌کند. او در درس‌ها خیلی به من کمک می‌کند. به نظر من منصوره دوست بسیار خوبی است.

....

....



من اصلاً نمی‌توانم جک تعریف کنم. هیچ‌کس به جک‌های من نمی‌خندد؛ اما برادرم خیلی پسر بانمکی است، برای همین وقتی جک می‌گوید همه می‌خندند. من او را خیلی دوست دارم. تنها ایراد او این است که کمی بدقول است. هر وقت به کسی قول می‌دهد، انجام نمی‌دهد. می‌گوید فراموش کردم.

....

....



همسایهٔ ما همیشه مهمان دارد. این کار او واقعاً من را عصبی می‌کند؛ چون همیشه مهمان‌های او ساعت ۳ یا ۴ صبح به خانه می‌روند. هفتهٔ پیش آن‌قدر عصبانی شدم که می‌خواستم به پلیس زنگ بزنم و از او شکایت کنم.

....

....



اسم دختر من نسرین است. او ۱۷ سال دارد و در دبیرستان درس می‌خواند. نسرین خیلی دختر مهربانی است. چند روز پیش که من در بیمارستان بستری‌شده بودم او چند شب نخوابید و در کنار من ماند.

....

....



من و خواهرم خیلی با هم رابطهٔ خوبی نداریم. او چند سال از من کوچک‌تر است؛ اما اصلاً به من احترام نمی‌گذارد. او به حرف هیچ‌کسی گوش نمی‌دهد. حتی معلم‌هایش در مدرسه هم از دست او ناراحت هستند.

....

....

تمرین: دور واژهٔ متفاوت خط بکشید.

۱. پرجنب‌وجوش، پرانرژی، تنبل، فعال
۲. مهربان، اخمو، خوش‌اخلاق، خونگرم
۳. تمیز، مرتب، شلخته، منظم
۴. اجتماعی، خجالتی، پرچانه، پرحرف
۵. باهوش، خِنگ، کودن، کم‌عقل

شنیدن

الف) در گفتگوهای زیر افراد در مورد هم‌اتاقی‌هایشان در خوابگاه دانشگاه صحبت می‌کنند. به این گفتگوها گوش دهید و جدول زیر را کامل کنید.

	منظم	دلسوز	لجباز	شوخ	عصبی	راست‌گو	سحرخیز	درس‌خوان	سخاوتمند	بی‌ملاحظه	مهمان‌نواز	کم‌حافظه
زهرا	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○
سعیده	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○
محمد	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○
گلناز	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○	○

ب) یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید. آیا گوینده با هم‌اتاقی‌اش صمیمی است یا خیر؟ چرا؟

	بله	خیر	چون ...
او با زهرا صمیمی است.			
او با سعیده صمیمی است.			
او با محمد صمیمی است.			
او با گلناز صمیمی است.			

ج) یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و معنی اصطلاحات جدول زیر را حدس بزنید.

۱. مغزش مثل کامپیوتر کار می‌کند.
۲. این دختر فرشته است.
۳. زود از کوره در می‌رود.
۴. انگارنه‌انگار!
۵. غذاهایی درست می‌کند که انگشت‌هایت را با آن می‌خوری.
۶. آن‌قدر خندیدم که اشکم درآمد.
۷. می‌توانم روی کمک گلی حساب کنم.
۸. او منظم‌ترین آدمی است که من در عمرم دیده‌ام.

کار گروهی

؟ به یکی از دوستان یا آشنایان خود فکر کنید و بگویید او کدام‌یک از صفات زیر را دارد؟ واژه‌های داخل [ ] عامیانه هستند.

خصوصیات مثبت	خصوصیات منفی
مهربان، خونگرم، خوش‌اخلاق، [دست‌ودل‌باز]، قابل‌اعتماد، اجتماعی، صبور، رازدار، فعال و پرانرژی، آرام، باهوش، شوخ، جدی، کم‌حرف، تمیز، مرتب، باادب	بداخلاق، زودرنج، اخمو، [خنگ] و کودن، خسیس، شلخته، پرحرف و [پرچونه]، بی‌ملاحظه، بی‌نظم، لجباز، خودخواه، غیرقابل‌اعتماد، خجالتی، تنبل، [خرخون]، حسود، ولخرج، [شیطون]

گفتگو

پیش‌گفتگو

واژه‌های مرتبط موجود در هر ستون را به هم وصل کنید.

خوش‌قلب	دوست‌داشتنی
روی حرف‌هایش می‌شود حساب کرد.	خوش‌قول
باخدا	همه‌فن‌حریف، کسی که هر کاری را می‌تواند انجام دهد
آچارفرانسه	مهربان
تودل‌برو	باایمان و خداترس

گفتگو



- ■ احمدرضایی را یادت است؟ هم‌دانشگاهی‌مان تو دانشگاه فردوسی مشهد!
- □ آره! یادم است. پسر خوبی بود. چطور مگر؟
- ■ شنیدم که تازگی‌ها استاد دانشگاه فردوسی شده!
- □ جداً! چقدر عالی. من خیلی ازش خوشم می‌آمد. واقعاً پسر باهوشی بود.
- ■ از این گذشته، خیلی آدم باخدایی بود. هرروز بعد از نماز صبح چند صفحه قرآن می‌خواند؛ بعد می‌رفت سر کلاس.
- □ خیلی پسر خوبی بود. ان‌شاءالله که همیشه موفق باشد.
- ■ ان‌شاءالله!

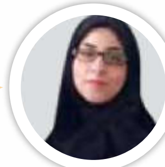
- خوش‌قلب و مهربان
- اجتماعی و خونگرم
- صبور و آرام
- رازدار و قابل‌اعتماد
- فعال و پرانرژی
- تمیز و مرتب
- کم‌حرف و خجالتی

- باایمان و خداترس
- باادب و بافرهنگ
- بداخلاق و اخمو
- کودن و بی‌استعداد
- شلخته و بی‌نظم
- لجباز و خودخواه
- شوخ و بامزه

- آچارفرانسه و همه‌فن‌حریف
- دست‌ودل‌باز
- تودل‌برو و دوست‌داشتنی
- خنگ و کم‌عقل
- پرچانه و وراج
- خرخون

بحث آزاد

نام بهترین دوست شما چیست؟
چند ساله است؟ خصوصیات مثبت و منفی او چیست؟



مهناز
۲۷ساله - از شیراز

میترا بهترین دوست من است. او دانشجوی دکتری تاریخ است و بیشتر روز را مطالعه می‌کند. هر وقت یک کتاب جدید می‌خرد آن را به من هم قرض می‌دهد. گاهی با هم به موزه می‌رویم و ساعت‌ها در مورد موضوعات تاریخی باهم صحبت می‌کنیم. من چیزهای زیادی را از او یاد گرفته‌ام. تنها بدی‌اش این است که زیاد اهل تفریح نیست. همیشه ترجیح می‌دهد در خانه بماند و کتاب بخواند.



مجید
۲۲ساله - از اصفهان

قاسم دوست خوبی است. او خیلی دست‌ودل‌باز و مهربان است. تقریباً هر هفته همهٔ دوستانش را دعوت می‌کند و در خانه‌اش مهمانی می‌گیرد. تنها ایراد او این است که خیلی بدقول است؛ چون معمولاً شب‌ها تا دیروقت بیدار است، صبح‌ها دیر از خواب بیدار می‌شود و همیشه به کلاس‌ها و قرارهایش دیر می‌رسد.



مهدی
۳۵ساله - از تهران

ابوالفضل حدوداً ۳۵ ساله است و وضع مالی مناسبی دارد. هر وقت کسی مشکل مالی داشته باشد، او همیشه اولین کسی است که سعی می‌کند این مشکل را حل کند. از این گذشته ابوالفضل خیلی رازدار هم هست، پس همه خیلی راحت در مورد مشکلاتشان با او صحبت می‌کنند و می‌دانند او رازشان را به هیچ‌کس نمی‌گوید؛ اما گاهی اوقات به نظر می‌رسد که در زندگی خصوصی شما فضولی می‌کند. مثلاً اگر بخواهید به سفر بروید باید به او بگویید کجا می‌روید؟ با کی می‌روید؟ چرا می‌روید؟ و ...



فریبا
۲۷ساله - از تهران

سمیه دختر پرانرژی و فعالی است. او تقریباً هرروز به باشگاه می‌رود و ورزش می‌کند. سمیه سوارکار خوبی است و چندین سال قهرمان سوارکاری شهر ما بود. او خیلی مؤدب است و به همه، به‌خصوص پدر و مادرش، احترام می‌گذارد. من و او بیشتر مواقع با هم هستیم برای همین من هم مجبورم بیشتر وقتم را در باشگاه بگذرانم. این تنها مشکل دوستی با سمیه است. باید آنقدر انرژی داشته باشی که بتوانی پابه‌پایش فعالیت کنی.

۱. کدام‌یک از این چهار نفر برای دوستان خود، دوست بهتری هستند؟
۲. اگر بخواهید کسی را به‌عنوان دوست خود انتخاب کنید، دوست دارید دوستتان بیشتر شبیه کدام‌یک از این افراد باشد؟ چرا؟

خواندن

پیش‌خواندن

الف) بحث کنید.

- شما معمولاً چند ساعت از وقت خود را با دوستانتان می‌گذرانید؟
- دوستانتان شما چطور به شما کمک می‌کنند؟

ب) تندخوانی:

واژه‌های زیر را بخوانید. این واژه‌ها با کدام‌یک از واژه‌های رنگی در متن مترادف هستند.

خندهٔ واقعی : .... ، **تحمل کردن :** ....،
اعتمادبه‌نفس : ....، **بیمار شدن :** ....،
مناسب : ....

آیا دوست خوب، سلامتی می‌آورد؟!

۱ انسان‌ها دوست دارند با یکدیگر ارتباط داشته باشند؛ با هم حرف بزنند و در مشکلات به همدیگر کمک کنند. شما در کنار یک دوست خوب می‌توانید خوشحالی‌تان را جشن بگیرید و در زمان ناراحتی با او حرف بزنید. با داشتن رفیق، هیچ‌وقت تنها نمی‌مانید و همیشه یک نفر در کنار شما هست. دوست خوب خودباوری شما را افزایش می‌دهد و استرس‌های شما را از بین می‌برد. او به شما کمک می‌کند تا راحت‌تر با مشکلات زندگی مثل بیکاری، بیماری یا مرگ عزیزان کنار بیایید. شما را تشویق می‌کند که عادت‌های خوب را حفظ و عادت‌های بد را ترک کنید. علاوه بر این، داشتن دوست خوب می‌تواند سلامت جسمی شما را تقویت کند. شاید باور نکنید؛ اما دوستی و رفاقت تأثیر خیلی زیادی بر سلامت و آرامش شما دارد. دوست خوب باعث حفظ تندرستی می‌شود.

وزن متناسب

۲ شاید شما فکر کنید، بودن با دوستان، روشی برای پرکردن اوقات فراغت، خوش‌گذرانی و پرخوری است؛ امّا محققان می‌گویند: برخی از دوستان به شما کمک می‌کنند تا وزنی متناسب و بدنی سالم‌تر داشته باشید. آنها معتقدند، دوستان می‌توانند سلامت جسمی شما را نیز تقویت کنند. هرچه رابطهٔ شما با دوستانِ لاغر، صمیمی‌تر و نزدیک‌تر باشد، احتمال اینکه از نظر سایز و وزن به آنها شبیه شوید، بیشتر است؛ زیرا بین وزن شما با دوستانتان ارتباط مشخصی است؛ یعنی اگر دوستان شما لاغر باشند، شما هم لاغر می‌شوید. چون دوستان لاغر معمولاً کمتر غذاهای پرچرب می‌خورند.

عمر طولانی‌تر

۳ بسیاری از افراد وقت یا حوصله ورزش کردن را ندارند. اگر شما هم یکی از این افراد هستید، می‌توانید یک یا چند نفر از دوستانتان را هنگام ورزش با خود همراه کنید. مطمئناً ورزش کردنِ گروهی از تنهایی ورزش کردن بهتر است؛ مثلاً اگر با یکی از دوستان به پیاده‌روی بروید، هم فرصتی برای گفتگو و خنده خواهید داشت و هم گذر زمان را احساس نخواهید کرد. به گزارش محققان استرالیایی افرادی که دوستان زیادی دارند، نسبت به افرادی که دوستان کمتری دارند، بیشتر عمر می‌کنند. همچنین روابط اجتماعی قوی می‌تواند به سلامت مغز افراد کمک کند و طول عمر را افزایش دهد.

قلب سالم‌تر

۴ مطالعات نشان می‌دهد، افرادی که روابط اجتماعی بیشتری دارند، کمتر در معرض بیماری‌های قلبی قرار می‌گیرند. آخرین باری را که با دوستانتان بلند خندیدید به یاد می‌آورید؟ خوب است بدانید که خندهٔ از ته دل، تأثیر شگفت‌انگیزی بر سلامتِ انسان دارد. گفته می‌شود، داشتن دوستان خوب به کاهش فشارخون کمک می‌کند و درنتیجه احتمال ابتلا به ناراحتی‌های قلبی را کاهش می‌دهد. جالب اینکه محققان می‌گویند: «نداشتن دوستان خوب و روابط اجتماعی، خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی را دو برابر می‌کند.»

تمرین

با توجه به متن دربارهٔ سؤالات زیر بحث کنید.

۱. دوستان شما تا چه اندازه در سلامت جسمی شما تأثیر دارند؟
۲. شما با کدام‌یک از بندهای متن موافق یا مخالف هستید؟ چرا؟

بیاموزیم

صفت، کلمه‌ای است که حالت و چگونگی اسمی را از قبیل رنگ، شکل، اندازه، مزه، جنس، نسبت و ... بیان می‌کند.

از صفت‌ها معمولاً در دو جایگاه استفاده می‌شود:

قبل از فعل‌های ربطی (است، بود، شد)	بعد از اسم ـِ
آن پیراهن قرمز است.	آن پیراهنِ قرمز را به من بده.

پسوندهای صفت‌ساز

برخی صفت‌ها ساختاری ساده دارند (خوب، سرد، سبز و ...)، اما برخی دیگر را می‌توان با استفاده از ریشه و پسوند ساخت.

ریشه + پسوند[1] = صفت

	ریشه (بن ماضی، بن مضارع[2] و اسم)	پسوند	صفت	مثال
۱.	نویس (بن مضارع) گوی (بن مضارع)	ـَنده	نویسنده گوینده	دوست من نویسنده است.
۲.	دان (بن مضارع) توان (بن مضارع)	ـا	دانا توانا	خداوند دانا و توانا ما را دوست دارد.
۳.	گری(بن مضارع) خند(بن مضارع)	ـان	گریان خندان	برادرم گریان به خانه آمد.
۴.	خرید (بن ماضی) گرفت (بن ماضی)	ـار	خریدار گرفتار	او خریدار لباس‌های گران است.
۵.	توان (بن مضارع) رُفت (بن ماضی) ستم (اسم)	ـگر	توانگر رفتگر ستمگر	او بسیار ستمگر بود.
۶.	طلب (بن مضارع) ستم (اسم)	ـکار	طلبکار ستمکار	من با انسان ستمکار صحبت نمی‌کنم.

۱. نکته: با استفاده از پسوند به‌جز صفت می‌توان قید و اسم نیز ساخت.

۲. بن ماضی و بن مضارع به شکل زیر ساخته می‌شود.

بن مضارع = حذف «ب» از فعل امر   مثال: بخور خور   بنویس نویس

بن ماضی = حذف علامت مصدر (ن)   مثال: خوردن خورد   رفتن رفت   پوشیدن پوشید

تمرین

الف) با استفاده از صفت‌ها، ریشه (بن‌ماضی، بن‌مضارع و اسم) را بنویسید و با صفت‌ها جمله بسازید.

ریشه	صفت	جمله
نال	نالان	حمید خسته و نالان به خانه آمد.
	ستمگر	
	خریدار	
	گریان	
	خندان	
	دانا	
	توانا	
	نویسنده	
	ستمگر	
	رازدار	

ب) با توجه به صفت‌های داخل پرانتز جمله‌های زیر را کامل کنید.

(توانگـر، دانا، آفریدگار، خواسـتار، طلبکار)

۱- ما انسان‌ها .... بزرگ و مهربانی داریم.
۲- حمید و حسین .... حضور در دانشگاه مجازی هستند.
۳- افراد .... وظیفه دارند به اطرافیانشان کمک کنند.
۴- سمیرا از دوستش .... است.
۵- توانا بوَد هرکه .... بوَد.

ج) متن خواندن صفحهٔ پیش را دوباره بخوانید و زیر پنج جمله که در آن صفت وجود دارد، خط بکشید.

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۳

درس سوم

مدیریت و برنامه‌ریزی

■ واژه‌های جدید

انصراف
توسعه
نقطه عطف
شعبه
پر درآمد
جایگاه اجتماعی
مهاجرت
انگیزه
وقت تلف کردن
دوران حاضر
عمده
صرفه جویی
از مد افتادن
فراهم کردن
لباس دست دو

■ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با واژه‌های مرتبط با تصمیم‌گیری آشنا شود.

۲. بتواند دربارهٔ برنامه‌های آینده و گذشته‌اش صحبت کند.

۳. از جمله‌های التزامی به خوبی استفاده کند.

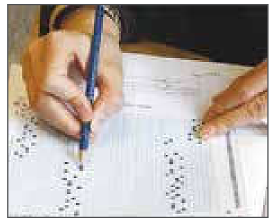
۴. تفاوت بیان تصمیم در زمان گذشته و حال را بداند.

۵. بتواند موضوع هر بند را در متن‌ها درک کند.

واژه

نقاط عطف در زندگی


مدرسه رفتن


قبول شدن در کنکور

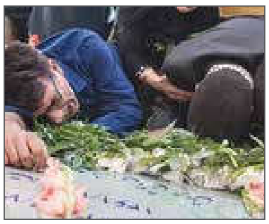

آشنا شدن با یک فرد موفق


ازدواج


بچه‌دار شدن


مهاجرت


تغییر شغل دادن

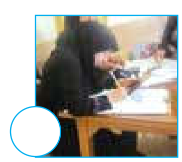

فوت پدر و مادر

تمرین

۱. به نظر شما هر یک از اهداف زیر مربوط به کدامیک از افراد زیر است.
۲. پاسخ خود را توضیح دهید. (پاسخ‌ها ممکن است با هم متفاوت باشد.)


نام: محمد رحیمی
سن: ۲۳ سال
شغل: دانشجوی مهندسی


نام: زهرا صالحی
سن: ۲۸ سال
شغل: کارمند بانک


نام: سوسن فاطمی
سن: ۲۰ سال
شغل: دانشجوی هنر

من می‌خواهم ...

- الف) در آینده دکتر بشوم.
- ب) در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران تحصیل کنم.
- پ) نقاش معروفی بشوم و در شهرهای مختلف ایران نمایشگاه بزنم.
- ت) سخت کار کنم تا در کارم پیشرفت کنم.
- ث) یک رستوران بزرگ افتتاح کنم (بزنم).
- ج) یک شرکت خصوصی افتتاح کنم و برای خودم کار کنم.
- چ) در آزمون کنکور قبول شوم و ادامه تحصیل بدهم.
- ح) از رشتهٔ خود انصراف بدهم.
- خ) کارم را توسعه بدهم.
- د) در آینده فوتبالیست معروفی شوم.


نام: صادق بهرامی
سن: ۳۵ سال
شغل: آشپز


نام: زینب نوروزی
سن: ۹ سال
شغل: دانش‌آموز


نام: علی دایی
سن: ۱۷ سال
شغل: دانش‌آموز و ورزشکار

کارِ گروهی

یک بند به جدول زیر اضافه کنید.

	تصمیم گذشته	نقطهٔ عطف	تصمیم آینده
۱	من می‌خواستم به تهران مهاجرت کنم.	اما وقتی ازدواج کردم.	تصمیم گرفتم در شهر خودم زندگی کنم.
۲	من نمی‌خواستم ورزشکار شوم.	اما وقتی در کنکور پزشکی قبول شدم.	تغییر رشته دادم.
۳	من می‌خواستم در آلمان ادامه تحصیل دهم.	اما وقتی مادرم فوت کرد و پدرم تنها شد.	تصمیم گرفتم در ایران بمانم.
۴	....	....	....

شنیدن

الف) گفتگوهای زیر را گوش دهید. در هر کدام نقطهٔ عطف زندگی آنها چه بوده است؟

۱ ....

۲ ....

۳ ....

ب) یکبار دیگر به گفتگوها گوش دهید. اهداف زیر مربوط به کدامیک از این سه نفر است؟ این اهداف برای چه زمانی است؟

اهداف	۱	۲	۳	هدفِ گذشته	هدفِ امروز
افتتاح یک شرکت بزرگ	◯	◯	◯	◯	◯
افتتاح یک مغازهٔ کوچک	◯	◯	◯	◯	◯
افتتاح چند شعبهٔ جدید	◯	◯	◯	◯	◯
نقّاش شدن	◯	◯	◯	◯	◯
معلم شدن	◯	◯	◯	◯	◯
دکتر شدن	◯	◯	◯	◯	◯

ج) یکبار دیگر به گفتگوها گوش دهید و جدول زیر را کامل کنید.

		درست	غلط
۱	او پس از قبول شدن در دانشگاه متوجه شد نقاش خوبی نیست.	◯	◯
۱	پدرش به او پول داد تا یک شرکت بزرگ طراحی لباس افتتاح کند.	◯	◯
۲	وقتی پریسا دانشجو بود، پدرش فوت کرد.	◯	◯
۲	مادر پریسا به او اجازه نداد تا یک رستوران باز کند.	◯	◯
۳	آنها پول کافی برای افتتاح مغازهٔ صنایع دستی ندارند.	◯	◯
۳	او هنوز در مدرسه، ریاضی درس می‌دهد.	◯	◯

گفتگو

پیش‌گفتگو

می‌خواهی چه رشته‌ای را انتخاب کنی؟

می‌خواهم رشته‌ای را انتخاب کنم که



- در آینده فرد مفیدی برای کشورم باشم.
- به آن علاقه داشته باشم.
- با آن بتوانم یک شغل پردرآمد پیدا کنم.
- در آینده بتوانم آدم مشهوری بشوم.
- در آینده بتوانم استاد خوبی بشوم.
- در آینده بتوانم در یک دانشگاه خوب درس بخوانم.
- در آینده بتوانم زندگی راحتی داشته باشم.



■ تصمیم گرفتی توی دانشگاه چه رشته‌ای را انتخاب کنی؟

□ آره رشتهٔ ادبیات فارسی را انتخاب کردم.

■ چرا ادبیات فارسی؟ تو که می‌خواستی مهندس بشوی.

□ آره. ولی وقتی خوب فکر کردم دیدم به مهندسی علاقه ندارم.

■ چرا؟ مهندسی که خیلی رشتهٔ خوبی است.

□ می‌دونی، من از بچگی می‌خواستم شاعر بشوم. برای همین ادبیات فارسی را انتخاب کردم.

■ به نظر من مهندسی بهتر است؛ چون هم جایگاه اجتماعی‌اش بالاتر است و هم درآمد خوبی دارد.

□ برای من درآمد خیلی مهم نیست. من می‌خواهم شغلی داشته باشم که به آن علاقمندم.

- مدرسه رفتن
- قبول شدن در کنکور
- آشنا شدن با یک فرد موفق
- ازدواج
- بچه‌دار شدن
- مهاجرت
- تغییر شغل دادن
- فوت پدر و مادر

- می‌خواهم در آینده دکتر بشوم.
- می‌خواهم در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران تحصیل کنم.
- می‌خواهم نقاش معروفی بشوم و در شهرهای مختلف ایران نمایشگاه بزنم.
- می‌خواهم سخت کار کنم تا در کارم پیشرفت کنم.
- می‌خواهم یک رستوران بزرگ افتتاح کنم (بزنم).

- می‌خواهم یک شرکت خصوصی افتتاح کنم و برای خودم کار کنم.
- می‌خواهم در آزمون کنکور قبول شوم و ادامه تحصیل بدهم.
- می‌خواهم از رشتهٔ خود انصراف بدهم.
- می‌خواهم کارم را توسعه بدهم.
- می‌خواهم می‌خواهم در آینده فوتبالیست معروفی شوم.

بحث آزاد

سلام. اسم من محمد جواد است. من دوست دارم درآینده مهندس شوم. امسال سال چهارم دبیرستان هستم و قرار است درآزمون ورودی دانشگاه‌ها شرکت کنم. این آزمون بسیار دشوار است و همه قبل از این آزمون چند سال برنامه‌ریزی می‌کنند تا با مطالعهٔ مناسب در این آزمون موفق باشند. راستش را بخواهید من زیاد اهل مطالعه نیستم. شب‌ها معمولاً تا دیروقت بازی‌های کامپیوتری انجام می‌دهم و صبح‌ها هم تا نزدیک ظهر می‌خوابم. برای همین امسال با یک مشاور صحبت کردم تا او در برنامه‌ریزی به من کمک کند.

او این برنامه را به من پیشنهاد کرده است؛ اما هر قدر تلاش می‌کنم نمی‌توانم به این برنامه عمل کنم.

نمی‌دانم باید چه کار کنم؟
شما می‌توانید به من کمک کنید؟

	۹:۰۰ تا ۱۲:۰۰		۲:۰۰ تا ۶:۰۰
شنبه	ریاضی	نهار و نماز و استراحت	ادبیات فارسی
یکشنبه	فیزیک		زبان عربی
دوشنبه	شیمی		مرور
سه‌شنبه	ریاضی		زبان انگلیسی
چهارشنبه	فیزیک		بینش اسلامی
پنجشنبه	شیمی		مرور
جمعه	مرور		استراحت





جواد جان این برنامه، برنامهٔ خوبی نیست. وقت چندانی برای استراحت نگذاشتی. تو باید یک سال روزی هفت ساعت درس بخوانی. ممکن است بعد از چند ماه انگیزهٔ تو را از بین ببرد. باید با مشاورت صحبت کنی و از او بخواهی وقت بیشتری برای خواب و بازی کامپیوتری برای تو بگذارد.



من با سعید موافقم. این برنامه، برنامهٔ مناسبی نیست چون تو خودت آن را ننوشته‌ای. من هیچوقت برای برنامه‌ریزی با مشاور صحبت نمی‌کنم. به نظر من هیچ وقت یک نفر دیگر نمی‌تواند برای شما برنامه‌ریزی کند. این برنامه را فراموش کن و یک برنامهٔ دیگر بنویس. مثلاً تو معمولاً شب‌ها بیداری، پس طوری برنامه‌ریزی کن که شب‌ها درس بخوانی و صبح‌ها بخوابی.



آقا سعید، من کاملاً با شما مخالفم. مشاور تحصیلی متخصص است و سال‌هاست دیگران را راهنمایی می‌کند. آقا محمد جواد شما باید بیشتر تلاش کنید و کمتر وقتتان را تلف کنید. من مطمئنم اگر به این برنامه عمل کنید حتماً موفق می‌شوید.



جواد جان من از تو یک سؤال مهم دارم. آیا به این فکر کرده‌ای که بعد از قبول شدن در دانشگاه هم باید این برنامه را ادامه بدهی؟ برای اینکه مهندس بشوی باید در دانشگاه خیلی بیشتر از این درس بخوانی. آیا می‌توانی چند سال اینطور زندگی کنی؟

۱. نظر شما در این باره چیست؟
۲. چطور می‌توان به محمد جواد کمک کرد؟

خواندن

پیش‌خواندن

فرض کنید، ۶ ماه پیش یک گوشی تلفن همراه خریده‌اید.
امروز یکی از دوستانتان به شما می‌گوید مدل جدید گوشی شما به بازار آمده، شما چکار می‌کنید؟

۱ گوشی جدید را نمی‌خرید چون گوشی شما هنوز قابل استفاده است.

۲ منتظر می‌مانید و بعد گوشی را از حراجی‌ها می‌خرید.

۳ شما سریع گوشی جدیدتر را می‌خرید.

؟ پیشنهاد شما: ....



متن زیر را بادقت بخوانید و برای هر بند یک عنوان مناسب بنویسید.

چگونه پول خود را مدیریت کنیم؟

یکی از بزرگترین نگرانی‌ها در زندگی، مدیریت مالی است، اگر متأهل هستید و فرزندان زیادی هم دارید، بدون شک زندگی برای شما در دوران حاضر، در شهرهای بزرگ بسیار مشکل است و هفتهٔ پایانی ماه، روزهای سختی را خواهید داشت؛ پس باید برای خرج کردن برنامه مناسبی داشته باشید. با کمی دقت در چگونگی خرید و مصرف کالا می‌توانید، هزینه‌های زندگی را کمتر کنید. کافی است به پیشنهادهای زیر خوب دقّت کنید.

• ....

شاید شنیده یا دیده باشید که بعضی افراد همیشه از فروشگاه‌ها به صورت عمده خرید می‌کنند. مثلاً فرض کنید فرزندان شما هر روز پنج عدد شکلات می‌خورند. شما به جای اینکه هر روز به فروشگاه بروید و پنج عدد شکلات بخرید، می‌توانید در ابتدای هر ماه صد و پنجاه عدد شکلات بخرید. به این نوع خرید اصطلاحاً خرید عمده می‌گویند. معمولاً بسیاری از فروشگاه‌ها کالاهای خود را به صورت عمده می‌فروشند. بهتر است شما نیز، از این امتیاز استفاده کنید و به صورت عمده کالاهای مورد نیاز خود را بخرید؛ زیرا بسیاری از فروشندگان برای خریدهای عمده، تخفیف خوبی می‌دهند، با این کار پول کمتری می‌پردازید و در زمان و هزینه‌های خود صرفه‌جویی می‌کنید.

• ....

حراجی‌ها، مکان خوبی هستند که شما همیشه می‌توانید در آنجا زیر قیمت بازار خرید کنید. هنگامی که کالایی در بازار می‌آید، قیمت آن بسیار بالا است، بعد از مدّتی همان کالا را می‌توانید در حراجی‌ها با قیمت پایین‌تر پیدا کنید. مثلاً،لباس‌های تابستانی خود را اوایل پاییز در حراجی‌ها خریداری کنید. البته ممکن است این کالای ارزان از مد بیفتد، امّا باز هم این کار به نفع شما است. فقط کافی است وقتی جنس جدیدی در بازار می‌آید، سریع از فروشگاه‌ها خرید نکنید. بهتر است اندکی صبر کنید. پیشنهاد می‌کنیم، اگر برای کودکان و نوجوانان پوشاک می‌خرید، کمی بزرگتر بخرید تا سال بعد در آن فصل هم بتوانند از آن استفاده کنند.

• ....

همیشه بهتر است از هزینه‌های غیرضروری بکاهید. مثلاً، کمتر به رستوران بروید، شما می‌توانید به جای این کار، با اندکی زحمت، مواد لازم برای تهیه یک غذای خانگی مثل ساندویچ را فراهم کنید و در خانه، غذای خود را آماده کنید. یا هنگام گرانی برخی از مواد غذایی، می‌توانید از مواد دیگر استفاده کنید؛ مثلاً، در گرانی گوجه‌فرنگی، می‌توانیداز بازار رب گوجه‌فرنگی بخرید و یا مثلاً ماشین خود را به جای بردن به کارواش، خودتان بشویید. شما معمولاً ساعت‌هایی را در هفته برای خرید وقت می‌گذارید و گاهی اوقات فرصت خرید کردن ندارید. بهتر است به جای خرید حضوری، خرید اینترنتی کنید با این کار، در هزینه رفت و آمد شما نیز صرفه‌جویی می‌شود. با حذف این هزینه‌های غیرضروری، شما می‌توانید هر ماه پول زیادی را پس‌انداز کنید.

تمرین : در متن بالا به کدامیک از شیوه‌های زیر برای صرفه جویی در هزینه‌ها اشاره شده است؟

○ خرید اینترنتی برای کاهش هزینه‌های حمل و نقل شهری	○ خریدن لباس دست دوم
○ شستن لباس در روزهای تعطیل	○ خرید تی‌شرت در زمستان
○ خرید لباس‌های گشاد	○ آشپزی کردن به جای رفتن به رستوران
○ استفاده از حمل و نقل عمومی به جای خودروی شخصی	○ خرید لباس‌های مد روز از فروشگاه

بیاموزیم

مضارع التزامی ›› برای بیان **قصد و نیت**

برای بیان قصد انجام کاری از فعل «خواستن» و مضارع التزامی استفاده می‌شود.

قصد برای حال و آینده

مضارع اخباری فعل خواستن + مضارع التزامی



می‌خواهم بروم	می‌خواهی بروی	می‌خواهد برود
می‌خواهیم برویم	می‌خواهید بروید	می‌خواهند بروند

مثال: من می‌خواهم سال آینده به کربلا بروم.

قصد در گذشته

ماضی استمرای فعل خواستن + مضارع التزامی



می‌خواستم بروم	می‌خواستی بروی	می‌خواست برود
می‌خواستیم برویم	می‌خواستید بروید	می‌خواستند بروند

مثال: من می‌خواستم سال آینده به کربلا بروم.

تمرین

الف) جمله‌های زیر را مرتب کنید.

	بخورم/ غذا/ ساعت۲/ می‌خواهم/ بعد از ظهر	مثال: می‌خواهم ساعت ۲ بعد از ظهر غذا بخورم.
۱	می‌خواستند/ اتوبوس/ با/ آنها/ بروند/ ورزشگاه	
۲	برویم/ زیارت/ فردا/ من و علی/ می‌خواهیم/ به	
۳	می‌خواهد/ برادرم/ تابستان/ برای/ کند/ برنامه‌ریزی	
۴	به/ دیدار/ می‌خواستیم/ من و خانواده‌ام/ برویم/ پدربزرگم/ دیروز	
۵	می‌خواهم/ تحصیل/ برای/ بروم/ ایران/ به	

ب) با توجه به اطلاعات داخل پرانتز مانند مثال جمله بسازید.

	من/ مسافرت رفتن/ سال آینده/ قصد برای حال و آینده	مثال: من می‌خواهم سال آینده به مسافرت بروم.
۱	آنها/ درس خواندن/ دیروز/ قصد در گذشته	
۲	ما/ به پارک رفتن/ هفتهٔ بعد/ قصد در گذشته	
۳	پدرم/ مغازه باز کردن/ سال گذشته/ قصد در گذشته	
۴	سارا و زهرا/ رستوران رفتن/ برای شام/ قصد برای حال و آینده	
۵	شما/ کوهنوردی رفتن/ جمعهٔ آینده/ قصد در گذشته	

ج) برای هر یک از قصدهای مربوط به «حال و آینده» و برای قصدهای در «گذشته» سه جمله بنویسید.

قصد برای حال و آینده	قصد در گذشته
مثال: می‌خواهم سال آینده در رشتهٔ ادبیات فارسی تحصیل کنم.	سال گذشته می‌خواستم زبان فارسی را یاد بگیرم.
۱-	۱-
۲-	۲-
۳-	۳-

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۴

درس چهارم

پشیمانی

▪ واژه‌های جدید

مشورت
ای کاش
قهر کردن
سر زدن
راضی بودن
کیف داشتن
فدای سرت
انگار
حسابی
گیر آمدن
مخفیانه
سرطان
ریه
پول تو جیبی
سود
قسط
به قول وفا کردن
کادو

▪ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. دربارهٔ پشیمانی‌هایش صحبت کند.

۲. بتواند به خوبی از ای کاش در جمله‌ها استفاده کند.

۳. بعضی از جمله‌ها را به چند روش بیان کند.

۴. از باید در جمله‌های گذشته استفاده کند.

۵. با ماضی بعید آشنا شود.

واژه

جمله‌های زیر را بشنوید.



- قبل از این کار با چند نفر مشورت می‌کردم.
- بیشتر برای خانواده‌ام وقت می‌گذاشتم.
- بیشتر به پدر و مادرم سر می‌زدم.
- یک کامپیوتر بهتر خریده بودم.
- به او قول نداده بودم.
- یادگرفتن زبان فارسی را زودتر شروع می‌کردم.
- این شغل را انتخاب نکرده بودم.
- با برادرم قهر نکرده بودم.
- سر او فریاد نزده بودم.
- عصبانی نشده بودم.

تابه‌حال از چه کارهایی پشیمان شده‌اید؟

تمرین

این افراد ممکن است از چه چیزی پشیمان باشند؟ برای هرکدام چند جمله بنویسید.



سه سال پیش پدر و مادرم را تنها گذاشتم و برای تحصیل به تبریز رفتم. دیروز به من خبر دادند که پدرم فوت کرده!

ای کاش ....

نباید ....



دیروز با دوستم دعوا کردم. من خیلی عصبانی شدم و حرف‌های بدی به او زدم. الان باهم قهر هستیم.

ای کاش ....

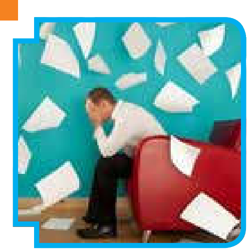
نباید ....



چند ماه پیش یک تلویزیون خریدم. تلویزیون خوبی است؛ اما خیلی کوچک است.

ای کاش ....

نباید ....



من در دانشگاه ریاضیات خواندم و امسال از دانشگاه فارغ‌التحصیل شدم. چند ماهی است که دنبال یک شغل خوب می‌گردم؛ اما با این مدرک هنوز شغل مناسبی پیدا نکرده‌ام.

ای کاش ....

نباید ....

شنیدن

(الف) به گفتگوهای زیر گوش دهید و جدول زیر را کامل کنید.

	آیا افراد از تعطیلات عید خود راضی بوده اند؟ بلی	خیر		در هر گفتگو افراد از چه موضوعی پشیمان هستند؟
۱			ای کاش... ○	الف) پولش را در بانک نگذاشته بود.
۲			ای کاش... ○	ب) فقط دو روز هتل رزرو کرده بود.
۳			ای کاش... ○	پ) از ایران با خودش کنسرو نبرده بود.
۴			ای کاش... ○	ت) با ماشین شخصی به مسافرت رفته بود.
۵			ای کاش... ○	ث) شب قبل از سفر خوب نخوابیده بود.
۶			ای کاش... ○	ج) پرخوری کرده بود.

(ب) یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید در هر مورد کدام جمله درست و کدام جمله غلط است.

	✓	✗
۱. آنها در اهواز زندگی می‌کنند.		
۲. او امسال در تعطیلات عید به مسافرت رفته است.		
۳. او در تعطیلات عید با دوستانش به مسافرت رفته است.		
۴. آنها از باغ ارم شیراز سوغاتی خریده‌اند.		
۵. غذای حلال در کشور چین بسیار گران است.		
۶. پای او در تعطیلات عید شکست و مجبور شد تمام طول عید در بیمارستان بماند.		

(ج) دربارهٔ معنی جمله‌های زیر در کلاس گفتگو کنید، در صورت نیاز می‌توانید یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید.

۱. وای چقدر کیف داشت.	....
۲. فدای سرت.	....
۳. جایت خالی.	....
۴. سال نو مبارک.	....
۵. فقط یکم برای غذا اذیت شدیم.	....
۶. صد بار بهت گفتم.	....

کارِ گروهی

(؟) ۱. آیا در حال حاضر از موضوعی پشیمان هستید؟

۲. آن موضوع چیست؟ چکاری را باید انجام می‌دادید و چکاری را نباید انجام می‌دادید؟ در این‌باره در کلاس صحبت کنید.

گفتگو

پیش‌گفتگو

۱. نباید خانواده‌ام را تنها می‌گذاشتم. ای‌کاش ....
۲. نباید آنقدر تنبلی می‌کردم. ای‌کاش ....
۳. نباید بدون مشورت این لپ‌تاپ را می‌خریدم. ای‌کاش ....
۴. نباید این رشته را انتخاب می‌کردم. ای‌کاش ....
۵. نباید مهمان‌هایم را به این رستوران دعوت می‌کردم. ای‌کاش ....
۶. نباید با رئیسم دعوا می‌کردم. ای‌کاش ....
۷. نباید این لباس گران را می‌خریدم. ای‌کاش ....

گفتگو

- سلام. چرا اینقدر ناراحتی؟
- سلام. دلم برای خانواده‌ام خیلی تنگ شده.
- خوب چرا نمی‌روی خانواده‌ات را ببینی؟
- آخر آنها در خوزستان زندگی می‌کنند. من اینجا تنها هستم.
- چرا؟
- چند سال پیش در تهران یک شغل پردرآمد پیدا کردم و آمدم اینجا. پدر و مادرم هنوز در خوزستان زندگی می‌کنند.
- الان پشیمانی که این شغل را انتخاب کرده‌ای؟
- آره. نباید به تهران می‌آمدم. ای‌کاش پیش خانواده‌ام می‌ماندم.



- ای‌کاش خانواده‌ام را تنها نمی‌گذاشتم.
- ای‌کاش اینقدر تنبلی نمی‌کردم.
- ای‌کاش بدون مشورت این لپ‌تاپ را نمی‌خریدم.
- ای‌کاش این رشته را انتخاب نمی‌کردم.
- ای‌کاش مهمان‌هایم را به این رستوران دعوت نمی‌کردم.
- ای‌کاش با رئیسم دعوا نمی‌کردم.
- نباید این لباس گران را می‌خریدم.
- نباید عصبانی می‌شدم.

- باید یادگرفتن زبان فارسی را زودتر شروع می‌کردم.
- باید قبل از این کار با چند نفر مشورت می‌کردم.
- ای‌کاش بیشتر برای خانواده‌ام وقت می‌گذاشتم.
- ای‌کاش یک کامپیوتر بهتر می‌خریدم.
- نباید به او قول می‌دادم.
- نباید این شغل را انتخاب می‌کردم.
- باید بیشتر به پدر و مادرم سر می‌زدم.
- نباید با برادرم قهر می‌کردم.
- نباید سر خواهرم داد می‌زدم.

بحث آزاد

TOurAj:
سلام مهدی جان! چطوری؟ حالت خوبه؟
MAhd!23:
تورج جان سلام. خوبم ممنون. چه خبر؟
TOurAj:
راستش چند روزه که اصلاً حالم خوب نیست. دیروز بعد از ۲۵ سال یکی از دوستان دوران دبیرستانم رو دیدم؛ اما متوجه شدم سرطان ریه گرفته. خیلی ناراحت شدم.
MAhd!23:
جداً؟! ای‌بابا! ☹
نگران دوستت نباش. سرطان بیماری خطرناکی است؛ اما خیلی‌ها تا به امروز توانسته‌اند این بیماری را شکست بدهند. من حتماً برای دوستت دعا می‌کنم و از خدا می‌خوام هر چه زودتر شفا پیدا کنه.
TOurAj:
راستش فکر می‌کنم تقصیر منه که اون سرطان گرفته. من و مهران در دبیرستان با هم درس می‌خوندیم. ما دوستان خوبی بودیم تا اینکه یک روز متوجه شدم مهران مخفیانه سیگار می‌کشه. خیلی ناراحت شدم. چند بار ازش خواستم تا دیگر این کار رو نکنه؛ اما او به حرف من گوش نمی‌داد. برای همین دیگه ارتباطم رو باهاش قطع کردم. چند روز پیش فهمیدم به خاطر مصرف بیش از حد سیگار، سرطان ریه گرفته و حالش چندان خوب نیست. خیلی از دست خودم ناراحت شدم. اگر در اون زمان ارتباطم رو قطع نمی‌کردم شاید می‌تونستم کاری کنم که او سیگار را ترک کنه.
MAhd!23:
اینکه مهران به خاطر سیگار کشیدن سرطان گرفته به تو ربطی نداره. تو به‌عنوان یک دوست به او گفتی که سیگار نکشه و او باید به حرف تو گوش می‌داده. مقصر اصلی خود مهرانه نه تو.
TOurAj:
ولی فکر می‌کنم به‌اندازۀ کافی تلاش نکردم. شاید باید این موضوع را به پدر و مادرش می‌گفتم. شاید اون‌ها می‌تونستن کاری کنن که مهران دیگر سیگار نکشه.
MAhd!23:
مطمئن باش تا امروز بارها و بارها پدر و مادرش به او گفته‌اند که سیگار نکشه و او به حرف اون‌ها گوش نداده است. او باید خودش تصمیم می‌گرفت که سیگار نکشه.
TOurAj:
وقتی در دبیرستان بود، ممکن بود پدر و مادرش پول‌توجیبی او را قطع کنن تا او نتواند سیگار بخره. شاید هم اگر چند وقتی با او روابطم را کم می‌کردم بهتر بود. باید به او می‌گفتم دلیل قطع ارتباطم با او مسألۀ سیگار بوده. این‌طور ممکن بود برای حفظ دوستی‌مان سیگار را ترک کنه.
MAhd!23:
شاید هم نه! ممکن بود او باعث می‌شد تا تو هم سیگاری شوی. ممکن بود امروز تو به جای او مریض باشی. به نظر من تو مقصر نیستی.

گفتگوی بالا را خواندید. به نظر شما مقصر کیست؟ آیا تورج به‌اندازۀ کافی تلاش کرده است؟ او برای نجات دوستش باید چکار می‌کرد؟

خواندن

پیش‌خواندن

آیا تابه‌حال از انجام کاری در گذشته پشیمان شده‌اید؟ دلیل پشیمانی شما چیست؟
برای اینکه دوباره از انجام کاری پشیمان نشوید، چه می‌کنید؟


دکتر رحیمی - روانشناس

پشیمانی دیگر سودی ندارد.

همهٔ ما در زندگی کارهایی را انجام می‌دهیم که بعد با خود می‌گوییم: «چرا این کار را انجام دادم؟» اصطلاحاً به احساس نارضایتی از انجام دادن یا ندادن کاری در گذشته «پشیمانی» می‌گویند. مثلاً ممکن است کسی شغلی را انتخاب کند که درآمد بالایی داشته باشد؛ اما آن را دوست نداشته باشد و بعد از چند سال تصمیم بگیرد شغلش را عوض کند. به نظر من در دنیا پنج اتفاق وجود دارد که شما حتماً از انجام آن پشیمان خواهید شد. پس می‌توانید این پنج اشتباه را در زندگی انجام ندهید.

۱. هر بار کاری را فقط به خاطر پول درآوردن شروع می‌کنید، پشیمان می‌شوید.

اگر به خاطر پول درآوردن وارد کاری شده‌اید و از کار خود لذت نمی‌برید، مطمئن باشید بعداً پشیمان خواهید شد. کیست که از پول بدش بیاید؛ اما اگر شما در جایی کار می‌کنید که از کارتان لذت نمی‌برید، دارید عمرتان را تلف می‌کنید. افرادی که فقط برای پول درآوردن کار می‌کنند، همیشه باید به این فکر کنند که چطور از زندگی‌شان لذت ببرند. درست است که برای پرداخت قسط‌ها، اجاره‌خانه و هزینه‌های منزل، پول خیلی مهم است؛ اما زندگی کوتاه‌تر از آن است که بخواهید فقط به دنبال پول باشید. کاری را انجام دهید که دوست دارید. مطمئن باشید که به دنبال آن پول هم خواهد آمد.

۲. هر بار که سر فرزندانتان داد می‌زنید، پشیمان می‌شوید.

اگر سر فرزند داد بزنید، مطمئناً خیلی زود پشیمان می‌شوید و با خود می‌گویید: «ای‌کاش این کار را نمی‌کردم.» مطمئناً می‌دانید که با داد زدن کاری درست نمی‌شود. فقط بچه‌ها را می‌ترسانید و خودتان را اذیت می‌کنید. البته نباید از تربیت بچه‌ها غافل شد؛ اما داد زدن روش مناسبی برای تربیت بچه‌ها نیست.

۳. هر بار که هنگام خوشحالی قول می‌دهید، پشیمان می‌شوید.

همهٔ ما وقتی خوشحالیم بدون اینکه خوب فکر کنیم به دیگران قول می‌دهیم. معمولاً در زمان خوشحالی چندان به این موضوع فکر نمی‌کنیم که آیا می‌توانیم به قول خود وفا کنیم یا نه. به همین دلیل معمولاً کسانی که در زمان خوشحالی به دیگران قول می‌دهند، از قولی که داده‌اند پشیمان می‌شوند.

۴. هر بار هنگام عصبانیت به کسی ایمیل یا پیامک می‌زنید، پشیمان می‌شوید.

هیچ‌وقت سعی نکنید از طریق وسایل ارتباطی مانند رایانه و تلفن همراه عصبانیتتان را به دیگران نشان دهید. نیازی به گفتن ندارد؛ اما خیلی از ما این کار را می‌کنیم. به نظر من تا زمانی که می‌توان دربارهٔ مشکلات گفتگو کرد، ارسال ایمیل یا پیامک در شبکه‌های اجتماعی کار درستی نیست. گاهی اوقات از دست کسی عصبانی می‌شوید و خیلی سریع پیامی را برای او ارسال می‌کنید؛ اما درست فردای آن روز متوجه می‌شوید که اشتباه کرده‌اید و می‌توانستید این مشکل را با یک گفتگوی ساده حل کنید؛ پس سعی کنید در زمان عصبانیت برای کسی پیام نفرستید؛ چون حتی اگر بلافاصله متوجه اشتباهاتان شوید، «پشیمانی دیگر سودی ندارد».

۵. هر بار که برای خانواده‌تان وقت نمی‌گذرانید، پشیمان می‌شوید.

هیچ‌چیز در دنیا لذت‌بخش‌تر از وقت گذراندن با همسر و فرزندان نیست. شاید آن‌قدر مشغول کار هستید که تا دیروقت در محل کار می‌مانید. شاید دوست دارید برای فرزندتان یک لپ‌تاپ گران‌قیمت بخرید. شاید دوست دارید همسرتان بهترین لباس‌های دنیا را بپوشد؛ اما فراموش نکنید، اینکه آخر هفته با آنها به پارک یا خارج از شهر بروید، خیلی بیشتر از یک کادوی گران‌قیمت آنها را خوشحال می‌کند. علاوه بر این، هرقدر که می‌توانید به دیدار پدر و مادرتان بروید. یادتان باشد، شاید برای شاد کردن آنها فرصت زیادی نداشته باشید.

تمرین

الف) متن را بخوانید. شما چقدر با دکتر رحیمی موافق هستید. دربارهٔ پاسخ‌ها با همکلاسی‌های خود بحث کنید.

	کاملاً موافقم	موافقم	تا حدی موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱. هر بار کاری را فقط به خاطر پول درآوردن شروع می‌کنید، پشیمان می‌شوید.					
۲. هر بار که سر فرزندانتان داد می‌زنید، پشیمان می‌شوید.					
۳. هر بار هنگام عصبانیت به کسی ایمیل یا پیامک می‌زنید، پشیمان می‌شوید.					
۴. هر بار که هنگام خوشحالی قول می‌دهید، پشیمان می‌شوید.					
۵. هر بار که برای خانواده‌تان وقت نمی‌گذرانید، پشیمان می‌شوید.					

ب) با اصطلاحات زیر جمله بسازید.
(می‌توانید به‌جای واژه‌های رنگی از واژه‌های دیگر استفاده کنید.)

۱. زندگی کوتاه‌تر از آن است که ... .
۲. سر کسی داد زدن.
۳. نباید از او غافل شد.
۴. به قول خود وفا کردن.
۵. وقت گذراندن با خانواده.

بیاموزیم

جمله‌های تاسفی (پشیمانی)

در زبان فارسی هنگامی‌که می‌خواهیم از کاری که درگذشته **انجام‌نشده** یا **خوب انجام‌نشده** اظهار پشیمانی کنیم از یکی از دو ساختار زیر استفاده می‌کنیم:

۱

باید + ماضی استمراری

باید بیشتر تلاش می‌کرد.

۲

کاش + ماضی استمراری یا ماضی بعید

کاش بیشتر به دیدن پدرم می‌رفتم.

کاش بیشتر به دیدن پدرم رفته بودم.

یادآوری	
ماضی استمراری	می‌رفتم، می‌رفتی، می‌رفت، می‌رفتیم، می‌رفتید، می‌رفتند
ماضی بعید	رفته بودم، رفته بودی، رفته بود، رفته بودیم، رفته بودید، رفته بودند

تمرین

الف) جمله‌های ماضی استمراری زیر را مانند مثال به جمله‌های ماضی بعید تبدیل کنید.

	مثال: ای کاش به بازار **می‌رفتم**.	**ای کاش** به بازار **رفته بودم**.
	مثال: باید خوب درس **می‌خواندم**.	**ای کاش** خوب درس **خوانده بودم**.
۱	کاش این اشتباه را نمی‌کردم.	
۲	ای‌کاش بیشتر درس می‌خواندید.	
۳	وای باید این کار را دیروز انجام می‌دادیم.	
۴	کاش در امتحان قبول می‌شدی.	
۵	آه باید در جلسه شرکت می‌کردید.	
۶	آخ باید به دوستم تلفن می‌زدم.	
۷	ای‌کاش به کشورتان نمی‌رفتید.	
۸	کاش به مسافرت نمی‌رفتند.	

ب) جمله‌های زیر را با استفاده از واژه‌های داخل پرانتز مانند مثال به جملهٔ تأسفی تبدیل کنید.

۱	من پارسال با خانواده‌ام به مسافرت نرفتم. (باید) مثال: من باید پارسال با خانواده‌ام به مسافرت می‌رفتم.
۲	به دیدار دوستم رفتم. (کاش) ....
۳	ما به مهمانی رفتیم (باید) ....
۴	این کار خوب را انجام داد. (ای‌کاش) ....
۵	آنها به مسافرت می‌روند. (باید) ....
۶	رضا خوب درس خواند. (ای‌کاش) ....

ج) با استفاده از واژه‌های «کاش»، «ای‌کاش» و «باید» جمله بسازید.

۱. ....(کاش)
۲. ....(ای کاش)
۳. ....(باید)

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۵

درس پنجم

آرزوها

■ واژه‌های جدید

خدا کند
مجری
کاشکی
فلش
پوست کسی را کندن
پکر
لنگ ظهر
یواش
پا شدن
تعمیرگاه
یک عالمه
پریز برق
چراغ جادو
صلح
سوسک
نسل
منقرض شدن
برآورده شدن
نقطه مقابل
فرمان ماشین
هوای کسی را داشتن
به هیچ وجه
بزرگراه
تجربه
تحقق

■ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. آرزوهایش را بیان کند.

۲. بتواند برای دیگران آرزو کند.

۳. ماضی التزامی را بشناسد.

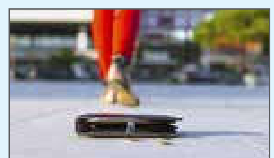
۴. بتواند برای بیان آرزوهایش از ماضی و مضارع التزامی استفاده کند.

۵. تفاوت کاربرد ماضی و مضارع التزامی را بداند.

واژه

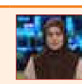
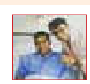
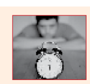
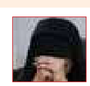
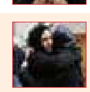
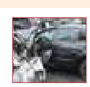
افراد در کدام‌یک از موقعیت‌های جدول، آرزوهای زیر را دارند؟

۱. خدا کند حالش هر چه زودتر خوب شود.	۲. خدا کند یک نفر بیاید و به من کمک کند.	۳. خدا کند در مسیر زیاد ترافیک نباشد.	۴. خدا کند پیدایش کند.
۵. خدا کند نشکسته باشد.	۶. خدا کند اینجا پریز برق باشد.	۷. خدا کند قبول شود.	۸. خدا کند آن را ندزدیده باشند.

			
شارژ باتری موبایل زهرا تمام شده.	بنزین ماشین مریم تمام‌شده.	سعیده امتحانش را خوب نداده.	مجید سوئیچ ماشینش را گم‌کرده.
۶. خدا کند اینجا پریز برق باشد.			
			
مریم برای تعطیلات نوروز به یک کشور دیگر سفرکرده. کیف پول او گم‌شده.	محمد منتظر تاکسی است، ساعت ۱۱:۳۰ است. او ساعت ۱۲:۰۰ پرواز دارد.	پدر سمیرا چند روزی است که در بیمارستان بستری‌شده.	پارسا را با آمبولانس به بیمارستان می‌برند. پای او در باشگاه آسیب‌دیده.

تمرین

آرزوهای زیر را بخوانید. به نظر شما هر یک از این افراد در چه موقعیتی این آرزو را دارند؟

	آرزو	موقعیت
	مثال: مریم: امیدوارم در همهٔ مراحل زندگی موفق باشید.	مریم مجری تلویزیون است. این جمله را در پایان برنامه می‌گوید.
	مهدی: آرزو می‌کنم هرچه زودتر حالتان خوب شود.	
	شایان: کاشکی زوتر بیاید.	
	منیره: کاش با پدرت مشورت می‌کردی.	
	سحر: ان‌شاءالله خدا به شما صبر بدهد.	
	جمشید: خدا کند زنده باشد.	

شنیدن

الف) به گفتگوها گوش دهید. در هر گفتگو چه مشکلی پیش‌آمده و هر فرد چه آرزویی می‌کند؟

	مشکل	آرزو
۱		
۲		
۳		
۴		
۵		
۶		

ب) یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید در هر مورد کدام جمله درست و کدام جمله غلط است.

		درست	غلط
۱	او امروز به فلش نیاز دارد.		
۲	او دیروز خیلی خسته بوده؛ چون نتوانسته به‌اندازهٔ کافی بخوابد.		
۳	پدر او به خاطر بیماری قلبی در بیمارستان است.		
۴	تاریخ امتحان فیزیک او روز چهارشنبه ساعت ۱۰:۰۰ صبح است.		
۵	ماشین آنها زیاد خراب نمی‌شود.		
۶	آنها در خارج از شهر عکاسی می‌کنند.		

ج) دربارهٔ معنی جمله‌های زیر در کلاس گفتگو کنید؛ در صورت نیاز می‌توانید یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید.

۱	... پوست من را می‌کند.	
۲	چرا پکری؟	
۳	خدا بد نده.	
۴	لنگ ظهر است.	
۵	غصه نخور.	
۶	یواش.	

کارِ گروهی

ابتدا چند موقعیت را توصیف کنید که در آن مشکلی پیش‌آمده است. سپس موقعیت‌ها را برای دوستانتان در کلاس توضیح دهید. دیگر اعضای گروه برای این موقعیت باید یک آرزو کنند.

مثال: ساعت ۸ صبح است و شما در ایستگاه اتوبوس نشسته‌اید. شما ساعت ۸:۱۵ دقیقه جلسه دارید.
«کاشکی اتوبوس زودتر بیاید.»؛ «امیدوارم دیر به جلسه نرسم.»؛ «خدا کند جلسه دیرتر شروع شود.»

گفتگو

پیش‌گفتگو

واژه‌هایی برای آرزو کردن			
ای‌کاش	کاشکی	دوست دارم	می‌خواهم در آینده
امیدوارم	یعنی می‌شود	آرزو می‌کنم	از خدا می‌خواهم

گفتگو

■ بزرگ‌ترین آرزوی تو چیست؟

□ بزرگ‌ترین آرزویم؟ من همیشه دوست داشتم یک خانهٔ خیلی بزرگ وسط جنگل داشته باشم. کاشکی الان یک عالمه پول داشتم تا می‌توانستم این خانه را بخرم. تو چی؟ بزرگ‌ترین آرزوی تو چیست؟

■ من همیشه نگران خانواده‌ام هستم؛ برای همین همیشه آرزو می‌کنم پدر و مادرم سالم و سلامت باشند.

□ امیدوارم پدر و مادرت هیچ‌وقت مریض نشوند.

■ ممنون!



- ای‌کاش حالش هر چه زودتر خوب شود.
- خدا کند در مسیر زیاد ترافیک نباشد.
- ان‌شاءالله نشکسته باشد.
- خدا کند قبول شوم.
- کاشکی اتوبوس زودتر بیاید.
- امیدوارم دیر به جلسه نرسم.
- خدا کند جلسه دیرتر شروع شود.
- خدا کند یک نفر بیاید و به من کمک کند.
- خدا کند پیدایش کنم.
- یعنی می‌شود اینجا پریز برق باشد.
- خدا کند آن را ندزدیده باشند.
- ان‌شاءالله خدا به شما صبر بدهد.
- امیدوارم در همهٔ مراحل زندگی موفق باشید.
- کاش با پدرت مشورت می‌کردی.

بحث آزاد



شاید همهٔ ما داستان «علاءالدین و غول چراغ جادو» را شنیده باشیم. داستان دربارهٔ جوانی است که یک روز چراغی را پیدا می‌کند که در آن یک غول زندگی می‌کند. این غول می‌تواند سه آرزوی او را برآورده کند. تصور کنید شما این چراغ را دارید؛ اما این چراغ فقط می‌تواند یکی از آرزوهای شما را برآورده کند. **این آرزو چیست؟ فراموش نکنید. فقط و فقط یک آرزو!**



فرید

من همیشه آرزو داشتم یک باغ بزرگ داشته باشم که بتوانم در آنجا زندگی کنم. یک باغ با درخت‌های میوهٔ زیاد. اگر این باغ را داشتم کلاً از شهر می‌رفتم و همیشه در آنجا زندگی می‌کردم.



کریم

چرا باغ؟ پول مهم‌تر است! اگر پول داشته باشی می‌توانی باغ هم بخری. من اگر چراغ جادو داشتم، آرزو می‌کردم تا صد میلیارد تومان پول داشتم. با این پول حتماً چند تا کارخانه تأسیس می‌کردم تا مردم بتوانند در آنجا کار کنند، بعد به همه جای دنیا سفر می‌کردم و از زندگی‌ام لذت می‌بردم.



محمد

آرزو می‌کردم بتوانم به همهٔ زبان‌های دنیا صحبت کنم. بعد حتماً به همهٔ دنیا سفر می‌کردم.



شهرداد

آرزو می‌کردم دیگر به مدرسه نروم. همیشه در خانه بمانم و تلویزیون تماشا کنم.



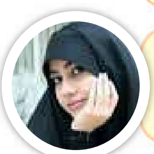
هانیه

من آرزو می‌کردم که دیگر در دنیا هیچ جنگی نباشد. آرزو می‌کردم همهٔ مردم دنیا کنار هم در آرامش و صلح زندگی کنند.



مریم

آرزو می‌کردم پدرم خیلی پولدار بشود تا دیگر هرروز صبح زود مجبور نباشد سرکار برود.



ملیحه

آرزو می‌کردم همهٔ سوسک‌ها می‌مردند. من از سوسک‌ها متنفرم. نمی‌دونم چرا نسلشان منقرض نمی‌شود؟



فریبا

آرزو می‌کردم مادرم دوباره زنده بشود تا بتوانم بیشتر در کنارش باشم.



فاطمه

آرزو می‌کردم هر کس هر آرزویی دارد به آرزویش برسد.

۱. آرزوهای بالا را خواندید. به نظر شما کدام آرزوها، آرزوهای خوبی بودند؟
۲. کدام آرزوها خوب نبودند؟ چرا؟
۳. آرزوی شما چیست؟

خواندن

پیش‌خواندن

بزرگ‌ترین آرزوی شما در زندگی چیست؟
آیا این آرزو در طول زندگی‌تان برآورده خواهد شد؟

آرزوهای عجیب یک مادربزرگ ۹۷ ساله



بسیاری از مردم آرزوها و رؤیاهایی دارند که هرگز به آن نمی‌رسند؛ امّا در نقطه مقابل عده‌ای هستند که در هر سن و سالی برای رسیدن به آرزوهایشان تلاش می‌کنند. یک مادربزرگ ۹۷ ساله آمریکایی پشت فرمان یک کامیون بزرگ نشست تا بتواند یکی از آرزوهایش را در سن ۹۷ سالگی برآورده کند. این مادربزرگ آرزوهایش را در یک لیست بلند نوشته است و قصد دارد به همه آنها برسد.

«آبروزی» پیرزن ۹۷ ساله دراین‌باره می‌گوید: «همیشه آرزو داشتم قبل از اینکه بمیرم پشت فرمان یک کامیون بنشینم و رانندگی کنم». «کادی»، نوهٔ خانم آبروزی همواره هوای مادربزرگش را دارد و او را برای رسیدن به اهدافش تشویق می‌کند. ماه گذشته «کادی» خانم «آبروزی» را به کلاس رانندگی با کامیون فرستاد و مادربزرگ هم هر روز بعد از اتمام کلاس، اطراف خانه‌شان در «نیوجرسی» رانندگی می‌کرد.

او بارها گفته است که به‌هیچ‌وجه در هنگام رانندگی استرس ندارد و از رانندگی با کامیون نمی‌ترسد. مربی رانندگی او می‌گوید: «خانم آبروزی مشکلات کمی در رانندگی دارد و می‌تواند با سرعت ۳۰ کیلومتر در ساعت حرکت کند»؛ امّا این مادربزرگ می‌گوید اگر وارد بزرگراه شود با سرعت ۱۴۰ کیلومتر حرکت خواهد کرد.

او در روزی که قرار بود مقابل چشمان همه با کامیون رانندگی کند، گفت: «من همیشه عاشق رانندگی با کامیون ۱۸ چرخ بوده‌ام؛ البته این تنها آرزوی من نیست و دلم می‌خواهد در آینده تجربه‌های بیشتری در رانندگی به دست بیاورم و هیچ ترسی هم از تجربه کردن چیزهای جدید ندارم.»

این مادربزرگ ۹۷ ساله برای آینده خود، برنامه جدیدی دارد و احتمالاً نوه‌اش «کادی» مجبور باشد مشکلات بیشتری را برای تحقق آرزوهای عجیب مادربزرگش تحمل کند؛ چون مادربزرگ به خبرنگارانی که دورش جمع شده بودند تا رانندگی او را تماشا کنند، گفت: «من، دلم می‌خواهد خلبان شوم و با هواپیما پرواز کنم»؛ امّا به نظر می‌رسد این بار کادی نتواند مادربزرگش را در رسیدن به آرزوی جدیدش کمک کند.

تمرین

الف) با توجه به متن نظر خود را دربارهٔ سؤالات زیر بگویید. (دلیل پاسخ‌های خود را در متن نشان دهید.)

۱. چرا خانم آبروزی قصد دارد با کامیون رانندگی کند؟

۲. خانم آبروزی برای رسیدن به آرزوهایش تابه‌حال چه کارهایی را انجام داده است؟

۳. به نظر شما آیا رانندگی با کامیون در بزرگراه برای خانم «آبروزی» خطرناک است؟

۴. به نظر شما آیا خانم آبروزی می‌تواند به همهٔ آرزوهایش برسد؟

ب) با توجه به معنی اصطلاحات زیر در متن با هر اصطلاح چند جمله بسازید.

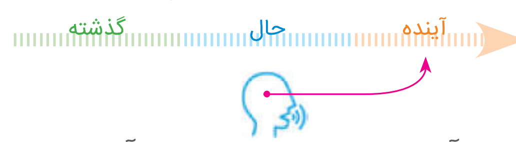
۱. در نقطهٔ مقابل	
۲. پشت فرمان نشستن	
۳. برآورده کردن	
۴. هوای کسی را داشتن	
۵. مقابل چشمان همه	
۶. تجربه به دست آوردن	
۷. تحقق آرزو	
۸. دلم می‌خواهد	

بیاموزیم

آرزو

در ابتدای جمله‌های آرزویی در فارسی از واژه‌های کاش، ای‌کاش، کاشکی، خدا کند، ان‌شاءالله و ... استفاده می‌شود.
در زبان فارسی برای بیان آرزو و خواسته‌ها از ماضی و مضارع التزامی استفاده می‌کنیم:

کاش / ای‌کاش + مضارع التزامی

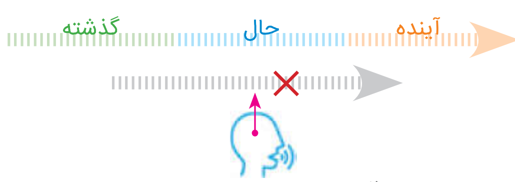


آرزو برای اتفاق رخدادی در حال یا آینده

کاش بروم	کاش بروی	کاش برود
کاش برویم	کاش بروید	کاش بروند

کاش به سفر بروم.
ای‌کاش در امتحانات قبول شوی.

کاش / ای‌کاش + ماضی التزامی



گوینده آرزو می‌کند که این اتفاق تا قبل از یک‌زمان خاص (در آینده، حال یا گذشته) رخداده باشد.

کاش رفته باشم	کاش رفته باشی	کاش رفته باشد
کاش رفته باشیم	کاش رفته باشید	کاش رفته باشند

کاش [تا دیشب] ماشین خریده باشند.
خدا کند [تا الآن] او به کشورش نرفته باشد.
خدا کند [تا فردا] به تهران رسیده باشند.

نکته: استفاده از ماضی التزامی در ساخت آرزویی بیشتر برای سوم شخص مفرد و جمع به کار می‌رود.

تمرین

الف) جمله‌های زیر را بخوانید؛ سپس برای هر مورد مانند مثال دو جملهٔ آرزویی بنویسید.

مثال: برادرم به خانهٔ دوستش رفته است.

کاشکی تا ساعت ۱۰ برادرم به خانهٔ دوستش رفته باشد. کاشکی برادرم به خانهٔ دوستش برود.

۱. سعید و احمد به مسافرت می‌روند.

....

۲. پسرم در امتحانات دانشگاه قبول شد.

....

۳. مهدی ماشین نو خرید.

....

۴. مادرم به زیارت امام رضا علیه‌السلام رفت.

....

۵. حسین و علی به ایران می‌آیند.

....

ب) متن زیر را بخوانید و زیر جمله‌های آرزویی آن خط بکشید.

الف) دوستم رضا همیشه می‌خواست بهترین ماشین دنیا را داشته باشد. ای‌کاش به آرزویش رسیده باشد. آخرین بار ۵ سال پیش او را دیدم، به من گفت: «برای دیدن خانواده‌ام می‌خواهم به کشور فرانسه سفر کنم». ان‌شاءالله به این سفر رفته باشد.

ب) برادرم دیروز برای خریدن ماشین به تهران رفت. ای‌کاش با برادرم رفته بودم. او می‌خواست ماشین نو بخرد. ای‌کاش آن ماشین را خریده باشد. دوستش حمید نیز می‌خواست با برادرم به تهران برود، خدا کند با او رفته باشد.

ج) مانند مثال پنج کاری را که آرزو دارید تا سال آینده همین موقع انجام داده باشید، بنویسید.

مثال: آرزو دارم تا سال دیگر همین موقع تدریس زبان فارسی را شروع کرده باشم.

....

....

....

....

....

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۶

درس ششم

بانک

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با اصطلاحات مربوط به بانک آشنا شود.

۲. بتواند دربارهٔ کارهای بانکی‌اش صحبت کند.

۳. تفاوت انواع حساب بانکی را بداند.

۴. اطلاعاتی درمورد اصطلاحات اقتصاد اسلامی داشته باشد.

۵. حرف ربط را بشناسد.

۶. تفاوت حرف ربط ساده و مرکب را تشخیص بدهد.

واژه‌های جدید

قبض
همراه بانک
دسته چک
دستگاه خودپرداز
برداشت کردن
مسدود کردن
واریز کردن
پرداخت کردن
وام گرفتن
حساب بانکی
قرض الحسنه
حساب جاری
ماهیانه
سرمایه گذاری
کیفیت
حساب ارزی
برداشت کردن
لزوم
ترتیب کاری را دادن
به درد خوردن
سوزاندن کارت
عابربانک
مدارک
پس انداز
کارت شناسایی
موجودی
نقد کردن
پاس کردن
برگشت زدن
محاسن
معایب
مجهز
گذرواژه
بی ربط
مراجعه کردن

واژه

هر تصویر مربوط به کدام واژه است؟









کارت بانکی

قبض

همراه بانک

اینترنت بانک

دستگاه خودپرداز

دسته چک

چک

ارز









تمرین

متن زیر را با استفاده از واژه‌های زیر پرکنید.

برداشت کردن - فعال کردن - مسدود کردن - پرداخت کردن - افتتاح کردن (باز کردن) - واریز کردن - وام گرفتن

۱. من از بچگی در بانک حساب داشته‌ام. وقتی خیلی کوچک بودم، یک روز پدرم من را به بانک برد و برایم یک حساب بانکی ....

۲. درصورتی‌که کارت‌بانکی خود را گم کردید، بلافاصله به نزدیک‌ترین شعبه رفته و آن را ....

۳. برای پرداخت شهریهٔ دانشگاه لازم نیست به بانک بروید. خیلی ساده می‌توانید با استفاده از اینترنت بانک پول را به حساب دانشگاه ....

۴. در گذشته و پیش از اختراع دستگاه‌های خودپرداز، مردم اگر به پول نقد نیاز داشتند باید به بانک می‌رفتند و از حساب خود پول ....

۵. برای استفاده از اینترنت بانک و همراه بانک باید حداقل یک‌بار به بانک بروید و حساب اینترنتی خود را ....

۶. اگر برای کاری مثل خرید خانه یا خودرو به پول نیاز دارید، می‌توانید از بانک .... فقط فراموش نکنید که قسط‌ها را به‌موقع ....

کارِ گروهی



؟ شما از کدام‌یک از انواع حساب‌های زیر معمولاً استفاده می‌کنید.

حساب قرض‌الحسنه	من برای خرید خانه به مقداری پول نیاز داشتم؛ برای همین، چند ماه پیش در یک بانک حساب قرض‌الحسنه باز کردم. این حساب سود ماهیانه ندارد؛ اما اگرچند ماه پول در حساب من باشد بانک چند برابر آن مبلغ به من وام می‌دهد.
حساب‌جاری	حساب‌جاری، درست مثل حساب قرض‌الحسنه است و بانک به شما سودی نمی‌دهد؛ اما خوبی آن این است که بعد از افتتاح حساب‌جاری، بانک به شما یک دسته‌چک می‌دهد و شما می‌توانید به‌جای پول نقد با چک خرید کنید.
حساب سپرده	من معلم هستم و فرصت سرمایه‌گذاری و انجام کارهای اقتصادی را ندارم. برای همین یک حساب سپرده‌گذاری در بانک باز کردم. در این حساب شما پولی را به بانک می‌دهید، بانک با پول شما کار می‌کند و هرماه سودی را به شما پرداخت می‌کند.
حساب ارزی	من تاجر زعفران هستم و هرماه به کشورهای مختلف سفر می‌کنم تا زعفران بفروشم. زعفران ایران بسیار باکیفیت است برای همین بسیاری از کشورها این محصول را از شرکت ما می‌خرند. آنها بعد از خرید زعفران پول را به حساب ارزی شرکت واریز می‌کنند. حساب ارزی حسابی است که می‌توان از یک کشور دیگر به آن پول واریز کرد و یا اینکه از یک کشور دیگر از آن پول برداشت کرد.

شنیدن

الف) به گفتگوهای زیر گوش بدهید، سپس جدول زیر را کامل کنید. در هر مورد افراد از کارمند بانک چه درخواستی دارند.

	افتتاح حساب قرض‌الحسنه	افتتاح حساب‌جاری	افتتاح حساب سپرده	افتتاح حساب ارزی	پرداخت قسط	پرداخت قبض	فعال کردن همراه بانک	فعال کردن اینترنت بانک	گرفتن وام	واریز پول به‌حساب	برداشت پول از حساب	تبدیل ارز	درخواست کارت‌بانکی	مسدود کردن کارت‌بانکی
۱														
۲														
۳														
۴														

ب) یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید. کدام جمله درست و کدام جمله غلط است.

			درست	غلط
۱	الف	قسط وام این ماه او پنجاه و سه هزار تومان است.		
	ب	او می‌تواند قبض‌هایش را از دستگاه خودپرداز پرداخت کند.		
۲	الف	او نمی‌خواهد تا شش ماه آینده اتوبوس بخرد.		
	ب	او برای خرید اتوبوس به حدود ۸۰ میلیون تومان پول نیاز دارد.		
۳	الف	او هرماه چندین بار برای تفریح به خارج از ایران سفر می‌کند.		
	ب	با کارت‌بانکی حساب ارزی فقط می‌توان خرید کرد.		
۴	الف	برای مسدود کردن کارت‌بانکی حتماً باید گواهی‌نامه رانندگی داشته باشید.		
	ب	با استفاده از حساب اینترنتی می‌توان قسط‌های وام را پرداخت کرد.		

ج) یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و معنی اصطلاحات زیر را حدس بزنید.

۱	برای این کارها لزومی ندارد بیایید بانک.	....
۲	همین‌الان برایتان ترتیبش را می‌دهم.	....
۳	این حساب خیلی به درد من می‌خورد.	....
۴	بدون کارت شناسایی نمی‌توانم کارتتان را بسوزانم.	....

گفتگو

پیش‌گفتگو

با هریک از واژه‌های درون جدول، یک جمله بسازید. از افعال سمت راست کمک بگیرید.

نقد کردن
پرداخت کردن
درخواست کردن
پاس کردن
فعال کردن
برگشت زدن
مسدود کردن

۱	دسته‌چک	
۲	وام	
۳	کارت بانکی	
۴	اینترنت‌بانک	
۵	همراه‌بانک	
۶	قبض	
۷	قسط وام	

گفتگو

▪ سلام روزتان بخیر.

▫ سلام خسته نباشید.

▪ بفرمایید در خدمتتان هستم.

▫ این چک را می‌خواستم برایم نقد کنید.

▪ بله حتماً. کارت شناسایی‌تان را لطف می‌کنید؟

▫ بفرمایید.

▪ متشکرم. می‌شود لطفاً پشت چک را هم امضا کنید؟

▫ بله. حتماً.

▪ پول نقد می‌خواهید یا اینکه مبلغ چک را به حسابتان بریزم.

▫ اگر می‌شود به حساب عابر بانکم بریزید.

▪ چشم. فقط لطف کنید این فرم را پرکنید.


باجه


رئیس بانک


صندوق



- می‌شود این چک را نقد کنید؟
- می‌شود این چک را برگشت بزنید؟
- می‌شود این چک را مسدود کنید؟
- می‌خواهم این قبض‌ها را پرداخت کنم.
- می‌خواهم این چک را نقد کنم.
- می‌خواهم این قسط‌ها را پرداخت کنم.
- می‌خواهم یک حساب قرض‌الحسنه بازکنم.

- می‌شود اینجا را امضا کنید؟
- می‌شود این فرم را کامل کنید؟
- امکانش هست که مدارکتان را به من بدهید؟
- شمارۀ حسابتان را می‌فرمایید؟
- شمارۀ کارت‌بانکی‌تان را می‌فرمایید؟
- لطفاً به باجۀ شمارۀ ۳ بروید.
- باید این مشکل را به رئیس بانک بگویید.
- می‌توانید کارت خود را در باجۀ شمارۀ ۲ فعال کنید.

- کارت‌بانکی
- قبض
- ارز
- همراه بانک
- دسته‌چک
- دستگاه‌خودپرداز
- چک
- اینترنت بانک
- باجه
- صندوق
- قسط
- وام

بحث آزاد

چند روز پیش یک جوان بیست و چهار ساله، در قرعه‌کشی بانک، برندهٔ یک خودروی ۲ میلیون دلاری شد. او پس از شنیدن خبر برنده شدنش از هوش رفت و چندساعتی در اورژانس بیمارستان شریعتی تهران بستری شد. زمانی که خبرنگاران از او پرسیدند: «می‌خواهی با پول این خودرو چکار کنی؟» گفت: «اول ازهمه پدر و مادرم را برای زیارت به کربلا می‌فرستم، بعد بقیهٔ آن را به همسرم می‌دهم تا هر طور دوست داشت آن را خرج کند.»

حالا تصور کنید فردا صبح به شما اطلاع بدهند که در یک قرعه‌کشی شما یک خودروی چند میلیون دلاری برنده‌شده‌اید.
با این خودرو چکار می‌کنید؟
آیا آن را نگه می‌دارید؟ یا اینکه آن را می‌فروشید؟
اگر آن را بفروشید با پولش چکار می‌کنید؟

اول از همه به همهٔ دوستانم زنگ می‌زنم و از آنها خداحافظی می‌کنم. به بانک می‌روم، ماشین را می‌گیرم، به بنگاه فروش ماشین می‌روم آن را می‌فروشم و یک ماشین



گلی

یک‌میلیون دلاری می‌خرم. بعد سفر دور دنیای خودم را شروع می‌کنم. وقتی همهٔ پول‌هایم تمام شد برمی‌گردم و دوباره در کنار پدر و مادرم زندگی می‌کنم. ☺

قطعاً آن را می‌فروشم و هرگز سوارش نمی‌شوم. به یک علت ساده، خجالت می‌کشم. من نمی‌توانم در شهر با یک ماشین ۲ میلیون دلاری رانندگی کنم و همه من را نگاه کنند. از



نرگس

این گذشته من و شوهرم درحال حاضر مستأجر هستیم. نه خانه داریم و نه ماشین. فکر می‌کنم بهتر است پورشه را بفروشم و با پول آن خانه‌ای کوچک و ماشینی ارزان‌تر بخرم.

وای فقط خدا می‌داند اگر ماشینی به این گران‌قیمتی ببرم چقدر خوشحال می‌شوم. البته نه به خاطر خودش، به خاطر پولش. امیدوارم این باعث شود حداقل بروم گواهینامه رانندگی‌ام را بگیرم. البته



لیلا

درهرحال ماشین را می‌فروشم و با پولش یک عالمه لباس و کفش می‌خرم. شاید چند تا مغازهٔ لباس‌فروشی هم بازکنم. می‌خواهم به خودم ۵۰ درصد تخفیف بدهم. ☺☺☺

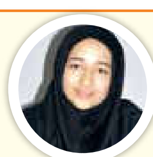
صد در صد می‌فروشم، شک نکنید. اگر یک ماشین گران‌قیمت داشته باشید، فقط اذیت می‌شوید و مدام باید مواظب باشید بلایی سر ماشینتان نیاید. اگر ماشین برای من باشد، برنامه‌های خوبی در ذهنم دارم. سال‌هاست می‌خواهم یک فیلم مستند



سایه

دربارهٔ شهرم (کرمانشاه) بسازم. می‌خواهم دربارهٔ همه‌چیز آن از حیات‌وحش و طبیعت گرفته تا موسیقی، تاریخ و... صحبت کنم. نه اینکه حالا بگویم از پول بدم می‌آید. اتفاقا می‌خواهم با ساخت این فیلم هم فرهنگ شهرم را معرفی کنم و هم پول دربیاورم.

من اگر چنین ماشینی برنده شوم، شاید برای تفریح یکی دو بار با آن رانندگی کنم؛ اما درنهایت آن را می‌فروشم و پولش را



معصومه

صرف ساخت چند مدرسه می‌کنم. با یک چنین پولی به‌راحتی می‌توان چند مدرسه در روستاها و مناطق محروم ساخت.

شما؟ ...

خواندن

پیش‌خواندن

آیا با استفاده از کارت‌های بانکی موافق هستید؟ محاسن و معایب این کارت‌ها چیست؟

نکات ایمنی خرید با کارت‌بانکی

در حال حاضر بسیاری از فروشگاه‌ها مجهز به دستگاه‌های کارت‌خوان هستند. این دستگاه‌ها این امکان را فراهم می‌آورند تا مشتریان با آرامش و بدون نیاز به حمل پول نقد، خدمات مختلف مالی را انجام دهند. درست است که دستگاه‌های کارت‌خوان در سال‌های اخیر، خرید را برای مشتریان و فروشندگان بسیار ساده کرده است؛ امّا گاهی خبرهای بدی هم دراین‌باره به گوش می‌رسد. سارقان، به دلیل بی‌دقتی مردم، هرساله، میلیون‌ها تومان از حساب‌های بانکی سرقت می‌کنند. در این بخش با چند نکتهٔ امنیتی ساده آشنا می‌شویم که رعایت آنها می‌تواند به شما در محافظت از حساب‌های بانکی کمک کند.

اول از همه، فراموش نکنید گذرواژه (رمز) کارت‌بانکی شما یک راز است؛ پس از ارسال یا حتی ذخیره آن در گوشی همراهتان خودداری کنید. بعضی‌ها فکر می‌کنند مناسب‌ترین کار برای حفظ رمز، نوشتن آن روی کاغذ است. این کار اصلاً صحیح نیست؛ چون امکان دارد رمز شما، در دسترس دیگران قرار گیرد. جمله معروفی است که می‌گوید: «رمز مانند مسواک است؛ آن را در اختیار هیچ‌کس نگذارید.»

رمز کارت خود را هرچند وقت یک‌بار تغییر دهید. دربارهٔ رمز کارت‌های بانکی بدترین کار استفاده از شماره شناسنامه، شماره تلفن، تاریخ تولد یا شماره‌های مشابه است. کلاه‌برداران و هکرها برای حدس زدن رمز شما، اوّل چنین اعدادی را امتحان می‌کنند. گذرواژه یا رمز کارت شما باید چند اعداد بی‌ربط باشد. از گرفتن عکس از کارت خود و ارسال آن از طریق اینترنت خودداری کنید. به‌علاوه، اگر از فروشگاهی خرید کردید و دستگاه کارت‌خوان در انتهای فروشگاه بود، از فروشنده بخواهید دستگاه را نزدیکتان بیاورد تا خودتان رمز را وارد کنید و هیچ‌گاه رمز کارت خود را به فروشنده‌ها نگویید.

اگر کارت‌بانکی بدون استفاده دارید، آن را بشکنید و در صورت سرقت یا گم‌شدن کارت خیلی سریع به یکی از شعبه‌های بانک مراجعه و کارت خود را غیرفعال کنید.

تمرین

الف) در متن بالا به چه شیوه‌هایی برای امنیت کارت‌های بانکی اشاره‌شده است؟ فهرستی از این شیوه‌ها تهیه نمایید.

ب) با کمک همکلاسی خود به شیوه‌های دیگری که برای امنیت کارت‌بانکی استفاده می‌شود اشاره‌کنید.

ج) با اصطلاحات زیر چند جمله بسازید.

۱	مجهز بودن به	
۲	به گوش رسیدن	
۳	در دسترس کسی قرار دادن	
۴	در اختیار کسی گذاشتن	
۵	مراجعه کردن	

بیاموزیم

حروف ربط

حروف ربط به کلماتی گفته می‌شود که دو یا چند گروه کوچک را به هم ربط می‌دهند. مثال: علی و رضا آمدند.
حروف ربط از نظر ساختار به دو دستهٔ ساده و مرکب تقسیم می‌شوند.

حروف ربط مرکب

حروفی هستند که از بیش از یک کلمه تشکیل‌شده‌اند.

الف) «هم ... هم ...»
ب) «یا ... یا ...»
ج) «نه ... نه ...»

حروف ربط ساده

حروفی هستند که تنها از یک کلمه تشکیل‌شده‌اند.

مثال: علی و مرجان آمدند.

الف) «هم ... هم ...»: در این ساختار هر دو اتفاق رخ‌داده است.

مثال: آنها هم به اصفهان سفر کردند، هم به شیراز سفر کردند.
هم علی به خانه آمد، هم رضا به خانه آمد.

نکته: برای بیان اختصار و پرهیز از تکرار، می‌توان بخش‌های یکسان دو جمله را حذف کرد:

آنها هم به اصفهان سفر کردند، هم به شیراز سفر کردند.
↓
آنها هم به اصفهان سفر کردند، هم به شیراز.
آنها هم به اصفهان، هم به شیراز سفر کردند.

هم علی به خانه آمد، هم رضا به خانه آمد.
↓
هم علی به خانه آمد، هم رضا.
هم علی هم رضا به خانه آمدند.

ب) «یا ... یا ...»: در این ساختار یکی از دو اتفاق رخ‌داده است.

او یا با اتوبوس می‌رود یا با تاکسی می‌رود.
↓
او یا با اتوبوس یا با تاکسی می‌رود.
او یا با اتوبوس می‌رود یا با تاکسی.

ج) «نه ... نه ...»: در این ساختار هیچ‌یک از دو اتفاق رخ نداده است.

نکته: در زمانی که از حروف مرکب ربط «نه ... نه ...» استفاده می‌کنیم، فقط می‌توانیم فعل دوم را ازجمله حذف کنیم:

او نه با من به سینما می‌رود نه با برادرش به سینما می‌رود.
↓
او نه با من به سینما می‌رود نه با برادرش.

تمرین

الف) جمله‌های زیر را با حروف ربط و عبارات مناسب کامل کنید.

۱. احمد نه با خانواده‌اش به مسافرت می‌رود .... با دوستش به مسافرت می‌رود.

۲. هم حسین به دانشگاه رفت هم ....

۳. او یا با تاکسی به پارک می‌رود یا ....

۴. فرزانه .... دوستش به دانشگاه رفتند.

۵. سارا .... مریم از بازار آمدند.

ب) ساخت‌های بزرگ را مانند مثال به ساخت کوچک تبدیل کنید.

مثال: هم علی به بازار می‌رود هم برادرش به بازار می‌رود. (ساختِ بزرگ)

الف) هم علی به بازار می‌رود هم برادرش.

ب) هم علی هم برادرش به بازار می‌روند. (ساختِ کوچک)

۱. رضا یا با اتوبوس به مشهد می‌رود یا با هواپیما به مشهد می‌رود. (یا یا)

....

....

۲. او نه به مدرسه می‌رود و نه به پارک می‌رود. (نه نه)

....

....

۳. هم حامد در دانشگاه درس می‌خواند هم علی در دانشگاه درس می‌خواند.

....

....

۴. فاطمه یا با برادرش از عربستان می‌آید یا با دوستش از عربستان می‌آید.

....

....

۵. هم سارا دانشجوی خوبی است هم زینب دانشجوی خوبی است.

....

....

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۷
درس هفتم

تجارت و اقتصاد

■ واژه‌های جدید

تجارت، اقتصاد، ارث،
املاک، وارث، مالیات،
شریک، اختلاف طبقاتی،
فقر، سرمایه، زیان، ضرر،
خرج کردن، صدقه، ربا،
خمس، محتاج،
سفارش کردن، قدری،
حلال، ثواب، فاکتور،
جور کردن، کارگاه،
با هم خواندن،
بودجه بندی، اولویت،
درآمد، مالی، خرج کردن،
جایگزین، زیاده خواهی،
بابت، دچار، حراجی،
تجمل گرایی، متعدد،
ولخرج، اسراف کردن،
دور زدن،
رعایت حق تقدم،
سبقت،
خیابان یک طرفه،
ممتد، متقاطع ، آژیر،
سیگار کشیدن،
ضایع کردن حق،
قانون شکنی،
زیر پا گذاشتن قانون

■ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. دربارۀ کسب و کارش توضیحاتی ارائه کند.

۲. درمورد میزان درآمد و مخارجش صحبت کند.

۳. در رابطه با صرفه جویی و روش‌های آن اطلاعاتی داشته باشد.

۴. بتواند متنی را سریع بخواند.

۵. انواع نشانه‌های جمع فارسی و عربی را تشخیص دهد.

واژه

جمله‌های زیر را بخوانید. هر جمله معنی کدام‌یک از سه واژهٔ زیر آن است؟

۱ ثروت، پول و اموال کسی که از دنیا رفته و پس از مرگ او این اموال به افراد دیگری داده می‌شود.
الف. املاک   ب. ارث   ج. وارث

۲ قسمتی از ثروت افراد که برای هزینه‌های عمومی کشور به‌وسیله دولت دریافت می‌شود.
الف. مالیات   ب. املاک   ج. اقتصاد

۳ کسی که پس از مرگ یک نفر، مالک اموال او می‌شود.
الف. وارث   ب. ارث   ج. شریک

۴ علمی که به‌وسیلهٔ آن تولید و مصرف پول و اموال در یک کشور مطالعه می‌شود.
الف. تجارت   ب. ثروت   ج. اقتصاد

۵ تفاوت مالی بین افراد ثروتمند و فقیر
الف. فقر   ب. اختلاف طبقاتی   ج. ثروت

۶ پول، دارایی و اموال هر کس را گویند.
الف. تجارت   ب. ثروت   ج. اقتصاد

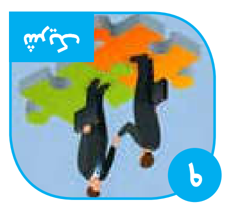
۷ کم بودن پول و اموال یک فرد
الف. فقر   ب. مالیات   ج. ثروت

۸ خرید و فروش کالا
الف. املاک   ب. اقتصاد   ج. تجارت

۹ افرادی که باهم مالک یک‌چیز هستند.
الف. شریک   ب. وارث   ج. اختلاف طبقاتی

۱۰ زمین، باغ، خانه و اموالی شبیه به این
الف. اقتصاد   ب. املاک   ج. وارث

پاسخ‌ها:









تمرین

جمله‌های زیر را با استفاده از واژه‌های بالا کامل کنید. (هر جمله ممکن است بیش از یک پاسخ داشته باشد.)

۱. من برای شروع تجارت خود پول و سرمایهٔ کافی نداشتم؛ برای همین با یکی از دوستانم .... شدم.
۲. در بسیاری از کشورها دولت برای از بین بردن .... از مردم مالیات دریافت می‌کند.
۳. پدربزرگ من .... زیادی داشت که پس از فوت او پدر من همهٔ آنها را به ارث برد.
۴. در بسیاری از کشورها وضعیت .... تا حد زیادی به قیمت فروش نفت بستگی دارد.
۵. پرداخت .... به دولت کمک می‌کند تا بیشتر به مردم خدمت کند.
۶. مادربزرگ من .... زیادی داشت، برای همین پس از فوت ایشان ارث زیادی به پدر من نرسید.
۷. فوتبال در این سال‌ها فقط یک ورزش نیست و خرید و فروش بازیکنان فوتبال به یک .... تبدیل‌شده است.

کارِ گروهی

نظر شما دربارهٔ موارد زیر چیست؟

خرج‌کردن ↔ پس‌انداز کردن	قرض‌دادن ↔ قرض‌گرفتن	سود ↔ زیان
برای آینده بدون هدف پول خود را پس‌انداز نکنید، اگر هدف خاصی (خرید خانه یا خودرو) ندارید، بدون دلیل زندگی را برای خود سخت نکنید. پولتان را خرج کنید و لذت ببرید.	هر وقت از کسی پول قرض می‌گیرید یا پولی را به کسی قرض می‌دهید، قبل از هر چیز، زمان پس دادن پول را مشخص کنید.	در آغاز یک فعالیت اقتصادی نباید زیاد به سود و زیان آن فکر کرد. باید صبر کرد. گاهی یک اتفاق ساده می‌تواند تمام زیان‌های شما را جبران کند.
موافقم ☐ مخالفم ☐	موافقم ☐ مخالفم ☐	موافقم ☐ مخالفم ☐
چرا؟	چرا؟	چرا؟

شنیدن

الف) به گفتگوی رادیویی زیر گوش دهید.
در این برنامه کارشناس به چهار ویژگی مهم در اقتصاد اسلامی اشاره می‌کند؛ این چهار ویژگی چیست؟

۱	صدقه	....
۲	قرض الحسنه	....
۳	ربا	....
۴	خمس	....

ب) یک‌بار دیگر به این برنامه رادیویی گوش دهید؛
سپس مشخص کنید کدام‌یک از جمله‌های زیر درست و کدام‌یک غلط است.

		درست	غلط
۱	ازنظر اسلام، اقتصاد یکی از جنبه‌های مهم زندگی انسان است.		
۲	مهم‌ترین هدف اقتصاد اسلامی کمک کردن به فقیران است.		
۳	از نظر اسلام مسلمانان باید به همه صدقه بدهند.		
۴	میزان صدقه‌ای که یک مسلمان باید بدهد، مانند خمس مشخص نیست.		
۵	خمس یک واژهٔ عربی است و به معنی یک‌پنجم.		
۶	مسلمانان باید خمس را به فقرا بدهند.		

ج) یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و معنی اصطلاحات زیر را حدس بزنید.

۱	آنها به نان شبشان محتاج هستند.	....
۲	امام صادق عليه‌السلام به دوستانشان سفارش می‌کردند،	....
۳	هر چه بیشتر بهتر.	....
۴	هدف اقتصاد اسلامی این است که اختلاف طبقاتی را از بین ببرد.	....

گفتگو

پیش‌گفتگو

- پس از فوت، پدربزرگم ارث زیادی برای وارثانش گذاشت.
- پس از فوت پدربزرگم ارث زیادی به پدرم رسید.
- من هرماه به دولت مالیات می‌دهم.
- دولت هرماه از من مالیات می‌گیرد.
- من به‌قدری پول نیاز داشتم؛ برای همین از برادرم مقداری پول قرض گرفتم.
- من به‌قدری پول نیاز داشتم، برای همین برادرم مقداری پول به من قرض داد.
- سال گذشته من از بانک وام گرفتم. آنها هرماه قسط وام را از حسابم برداشت می‌کنند.
- سال گذشته من از بانک وام گرفتم. من هرماه قسط وام را به حسابم واریز می‌کنم.

گفتگو

■ سلام سینا. چرا این‌قدر پکری؟

□ سلام هادی. چطور بگویم؟ یک مقدار پول نیاز دارم، می‌توانی به من قرض بدهی؟

■ چقدر لازم داری؟

□ زیاد! حدود ۷ میلیون تومان.

■ ۷ میلیون! خب، من این‌قدر پس‌انداز ندارم. راستش ماه پیش یک زمین خریدم و الان یک‌کمی دستم خالی است. حالا پول را برای چه می‌خواهی؟

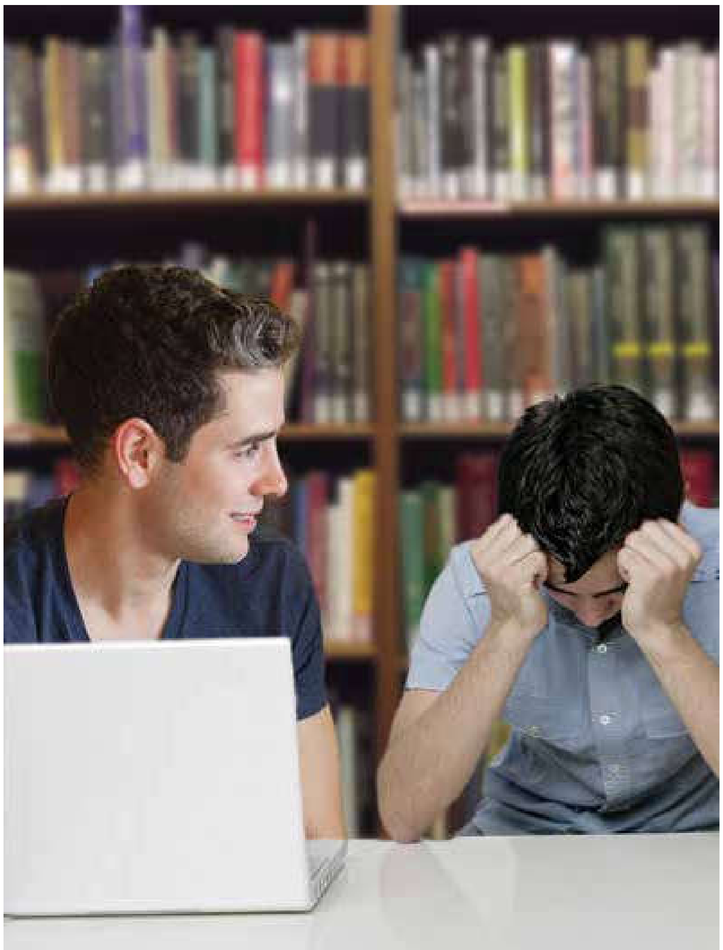
□ مادرم بیمارستان است. باید چشمش را عمل کنیم؛ ولی هزینهٔ عملش خیلی زیاد است. من هم مانده‌ام چطوری جورش کنم.

■ این که مشکلی نیست. می‌توانی از صندوق قرض‌الحسنهٔ مسجد محل ما وام بگیری.

□ جدی میگی؟ حالا قسط وامش چقدراست؟

■ نگران نباش. وام قرض‌الحسنه است، قسطش خیلی زیاد نیست.

□ ممنون. خدا خیرت بدهد.



- می‌خواهم وام قرض‌الحسنه بگیرم.
- می‌خواهم خمس مالم را بپردازم.
- یک‌کمی پول به برادرم قرض دادم.
- من هرروز صدقه می‌دهم
- باید پول‌هایم را در یک بانک اسلامی پس‌انداز کنم.
- به او ارث زیادی رسید.
- سال گذشته حدود ۲ میلیون مالیات پرداخت کردم.

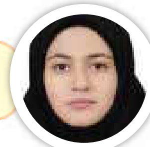
- می‌توانی یک مقدار به من پول قرض بدهی؟
- می‌توانم یک مقدار از تو پول قرض بگیرم؟
- از کجا می‌توانم یک مقدار وام بگیرم؟
- قسط این وام هر ماه چقدر است؟
- سود ماهیانهٔ این حساب سپرده چند درصد است؟
- تا چه مقدار می‌توانم وام بگیرم؟

- ممنون!
- خدا خیرت بدهد.
- این مقدار پول مشکلم را حل می‌کند.
- به پول بیشتری نیاز دارم.
- می‌توانم پول را قسطی برگردانم؟ / پس بدهم؟
- کمی دستم خالی است.
- مانده‌ام چطور جورش کنم.

بحث آزاد



پریسا فقط بیست و چهار سال دارد. سال گذشته شوهر او در یک حادثهٔ رانندگی فوت کرد و او را تنها گذاشت. پریسا یک پسر چهارساله هم دارد که باید از او نیز مراقبت کند. خوشبختانه او خیاط خوبی است و اگر بتواند یک کارگاه کوچک خیاطی افتتاح کند، بسیاری از مشکلات اقتصادی او حل می‌شود. برای افتتاح کارگاه، پریسا به ۶ میلیون تومان نیاز دارد.
به نظر شما بهترین روش برای کمک به پریسا چیست؟



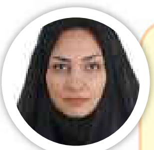
سپیده ✓: ۶ میلیون تومان، پول چندان زیادی نیست. من خودم می‌توانم این پول را به او بدهم.



ملیحه ✓: اگر بخواهد من می‌توانم یک وام ۶ میلیونی به او بدهم و او هرماه ۲۰۰ هزار تومان به من پس بدهد. با این کار بعد از دو سال و نیم هم قرض من را پس داده و هم کارگاهش را بازکرده.



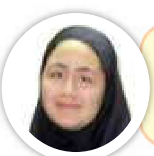
فرناز ✗: من با قرض دادن به دیگران مخالفم؛ مخصوصاً به کسی که توانایی کار کردن دارد. به نظرم باید او خودش کار کند و آیندهٔ خودش را بسازد. اگر او از اول عادت کند قرض بگیرد، همیشه بدهکار خواهد بود.



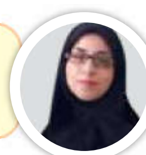
سارا ✗: ۲۰۰ هزار تومان در هرماه می‌تواند کمک زیادی به او بکند. از این گذشته، شاید به راحتی بتواند قسط هایش را پرداخت کند. این کار به او کمک می‌کند تا بتواند کارش را سریع‌تر شروع کند؛ اما ممکن است هر ماه نگران پرداخت قسط وامش باشد.



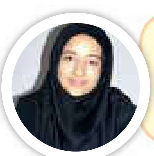
فریبا ✓: من می‌توانم با او شریک شوم. با این کار دیگر لازم نیست هرماه نگران قسط وامش باشد. سرمایه از من، کار از او. بعد پایان هرماه سود کارگاه را باهم تقسیم می‌کنیم.



شهره ✓: این کار درستی نیست. همهٔ کار را پریسا خانم انجام می‌دهد و شما ۵۰ درصد از سود را می‌گیرید. این عادلانه نیست.



مهناز ✗: من یک کارگاه خیاطی دارم. اگر پریسا بخواهد می‌تواند برای من کار کند. من هرماه حقوق خوبی به او می‌دهم و دیگر لازم نیست او نگران مشکلات کارگاه باشد.



معصومه ✗: اینکه شما هرماه به پریسا حقوق می‌دهید، کار خوبی است؛ اما به نظر من او نباید برای شما کار کند. پریسا می‌تواند برای خودش یک کارگاه داشته باشد. او باید تلاش خودش را بکند.

۱. شما با نظر کدام‌یک از افراد بالا موافق هستید؟ چرا؟
۲. به نظر شما بهترین راه برای کمک به افرادی که در شرایط پریسا هستند، چیست؟

خواندن

پیش‌خواندن

آیا خرج و دخل شما به هم می‌خواند؟

متن زیر را یک‌بار سریع بخوانید و دو ردیف زیر را به هم وصل کنید.

۱ درآمد	۲ مالی	۳ مخارج	۴ چه لزومی دارد	۵ ارضا کردن	۶ بودجه‌بندی	۷ اولویت
اقتصادی	برنامه‌ریزی	نیاز نیست	راضی کردن	اهمیت	حقوق	هزینه‌ها

عادت‌های مالی غلط در خانواده‌ها

«خرج و دخل ما باهم نمی‌خواند.» شاید این جمله را بارها از اطرافیان خود شنیده باشید. این جمله یعنی پولی که آنها در یک ماه به دست می‌آورند کافی نیست و باید بیشتر کار کنند؛ اما وقتی با دقت به درآمد ماهانهٔ آنها نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که اتفاقاً درآمدشان برای یک ماه کافی است. پس مشکل کجاست؟ چرا این افراد همیشه در پایان ماه مشکل مالی دارند؟ یکی از پاسخ‌های کارشناسان این است که آنها مدیریت صحیحی در خرج کردن ندارند و عادت‌های غلط مالی آنها باعث به وجود آمدن این مشکلات می‌شود. در این متن بخشی از عادت‌های غلط مالی و اقتصادی را باهم مرور خواهیم کرد.

این روزها کارت‌های بانکی جایگزین پول نقد شده و خرید را برای همه آسان کرده است؛ اما‌تجربه، ثابت کرده، وقتی با کارت‌های متعدد خرید می‌کنید، مخارجتان بیشتر می‌شود؛ زیرا فراموش می‌کنید چقدر پول دارید و پولتان را در کجا خرج می‌کنید. چند هزار تومان از این کارت و چند هزار تومان از کارت دیگر و... . در پایان ماه خواهید دید بیشتر از نیاز ماهانهٔ خود خرج کرده‌اید!

«زیاده‌خواهی» نیز از جمله عادت‌های غلط مالی است. انسان زیاده‌خواه فردی است که از چیزهایی که دارد هیچ‌وقت احساس رضایت نمی‌کند و همیشه به دنبال چیزهای بیشتری می‌گردد؛ مثلاً وقتی می‌تواند در آپارتمان ۱۰۰ متری زندگی کند، خود را به زحمت می‌اندازد و یک آپارتمان ۵۰۰ متری می‌خرد. با این تصمیم غلط، پولی که بابت ۴۰۰ متر اضافه پرداخت می‌کند، او را دچار مشکلات مالی می‌کند. وقتی نیازی به برنج اضافی نداریم، چه لزومی دارد که انباری خانه را با کیسه‌های بزرگ برنج پرکنیم؟ حس زیاده‌خواهی می‌تواند کم‌کم به یک عادت تبدیل شود. در این شرایط، فرد هر روز به دنبال یک چیز جدیدتر یا بزرگ‌تر است تا بتواند حس زیاده‌خواهی خود را ارضا کند.

شاید از خود سؤال کنید چگونه می‌توانیم از عادت‌های غلط مالی پرهیز کنیم. کارشناسان می‌گویند بهتر است همیشه برای خود یک بودجه‌بندی ماهانه و سالانه انجام دهید. باید برای زندگی مدیریت مالی داشته باشید. یک لیست از نیازهای خود تهیه کنید، سپس بر اساس اولویت آن را دسته‌بندی کنید. چیزهای مهم‌تر را در بالای لیست خرید بنویسید و چیزهای غیرضروری را در قسمت پایین‌تر لیست قرار دهید و یا از لیست حذف کنید. با این کار می‌توانید هزینه مالی خانه را تنظیم کنید و حتی برای تفریح‌ها و سفرهای ماهانه و سالانه برنامه‌ریزی کنید.

تمرین

الف) در متن بالا به کدام‌یک از عادت‌های غلط مالی اشاره شده است؟

ب) آیا شما عادت غلطی در خرج کردن دارید؟ این عادت چیست؟ چطور می‌توانید این عادت‌ها را از بین ببرید؟

بیاموزیم

نشانه‌های جمع

نشانه‌های جمع فارسی- نشانه‌های جمع عربی

جمع‌های فارسی

در زبان فارسی بیشتر واژه‌ها با «ها» یا «ان» جمع بسته می‌شوند.

مثال: کشاورز ← کشاورزان

کتاب ← کتاب‌ها

نکته

نشانهٔ جمع «ها» هم برای جانداران و هم برای غیر جانداران استفاده می‌شود؛

مانند: درخت‌ها، پرستارها، دکترها، میزها، دفترها، مدادها و ...

اما نشانه جمع «ان» تنها برای جانداران به کار می‌رود؛

مانند: زنان، مردان، درختان، گیاهان، جانوران و ...

جمع‌های عربی

به دلیل ارتباطات فرهنگی زیاد میان ایرانیان و عرب‌ها برخی از نشانه‌های جمع عربی به زبان فارسی واردشده است.
در زبان عربی واژه‌ها به دو صورت جمع بسته می‌شوند:

الف) جمع سالم

به جمعی گفته می‌شود که به آخر کلمه مفرد علامت‌های «ات، ون، ین» اضافه می‌شود.

مانند:

۱. ات: تنظیمات/ تبلیغات/ تفریحات

۲. ون: مؤمنون/ روحانیون/ صالحون

۳. ین: معلمین/ مسلمین/ محبین

ب) جمع مکسر

در این نوع جمع، پسوندی به ریشه اضافه نمی‌شود؛ بلکه شکل واژه کاملاً عوض می‌شود.

مانند: دفتر ← دفاتر

مجلس ← مجالس

تمرین

الف) واژه‌های زیر را جمع ببندید. (برای هر واژه ممکن است چند پاسخ وجود داشته باشد.)

مفرد	جمع	مفرد	جمع
دختر		ورق	
پدر		شکل	
میز		عمل	
کتاب		رادیو	
ساعت		مسلمان	
فرد		گل	

ب) در متن زیر دور واژه‌های جمع خط بکشید و نوع آنها را مشخص کنید.

امروزه در کشورهای جهان صادرات نقش مهمی در اقتصاد دارد. تبلیغات برای فروش کالا و

....

محصولات بسیار مهم است. در بیشتر دانشگاه‌ها اساتید، درس‌های مربوط به بازرگانی را تدریس

....

می‌کنند. دانشمندان می‌گویند: «داشتن علم و دانش در تجارت و بازرگانی خیلی اهمیت دارد».

....

ج) متن درس را بخوانید. در متن کدام واژه‌ها با نشانه‌های زبان عربی جمع بسته‌شده‌اند؟

....

....

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۸

درس هشتم

اجاره کردن

واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

اجاره بها
مشاور املاک
اجاره نامه
پول پیش
صاحب خانه
مستاجر
قرارداد
نقلی
دنج
دراندشت
خفه
دلباز
دلگیر
نوساز
تروتمیز
جادار
فسقلی
ترجیح دادن
رنگ کاری
کنتور
بالکن
نورگیر
باصفا
راهرو
مواجه شدن
پیشاپیش
ایستگاه برق
پرس و جو کردن
چیدن
جویا شدن
مجزا
افسوس
اظهار
شکایت کردن

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. صفت‌های مثبت و منفی برای توصیف خانه را بشناسد.

۲. بتواند یک خانه را به خوبی توصیف کند.

۳. نکات مهم دربارهٔ اجاره کردن خانه را بداند.

۴. بتواند به خوبی از ماضی استمراری استفاده کند.

۵. ناراحتی و افسوس از گذشته را در قالب ماضی استمراری بیان کند.

واژه

؟ واژه‌های زیر مربوط به کدام تعریف هستند؟

اجاره‌بها (اجاره‌خانه)	مشاور املاک (بنگاه)	اجاره‌نامه
پولِ پیش	صاحب‌خانه	مستأجر

.... پولی که بعد از اجاره کردن یک خانه به‌صورت ماهیانه به صاحب آنجا می‌پردازند.

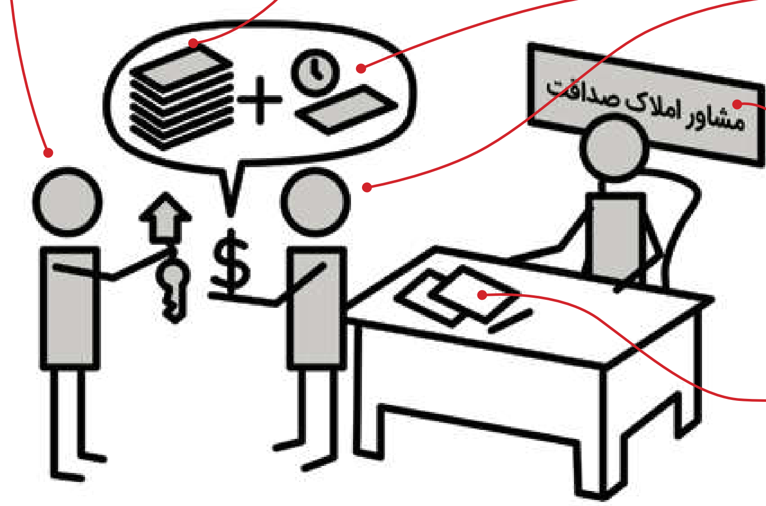
.... پولی که بعد از اجاره کردن یک خانه به‌صورت امانت به صاحب آنجا می‌دهند و پس از تمام شدن زمان اجاره پول را به شما پس می‌دهند.

.... فردی است که می‌تواند خانه‌ای را به یک فرد دیگر اجاره بدهد.

.... فردی است که می‌خواهد خانه‌ای را اجاره کند.

.... دفتری است که در آن برای افرادی که می‌خواهند خانه‌ای را بخرند یا اجاره کنند، خانه پیدا می‌کنند و به آنها مشاوره می‌دهد.

.... قراردادی که برای اجارهٔ یک خانه امضا می‌کنند.



تمرین

الف) کدام‌یک از صفات زیر معنی مثبت و کدام معنی منفی دارند؟

نُقلی	دِنج	دَراندشت	خفه	دل‌باز	فِسقلی
دلگیر	نوساز	تروتمیز	کم‌نور	جادار	

+	−
....	....
....	....
....	....
....	....
....	....

ب) کدام‌یک از صفات بالا فقط در محاوره کاربرد دارند؟ لطفاً بنویسید.

....

....

تمرین: شما برای اجارهٔ یک خانه به چه نکاتی توجه می‌کنید؟

۱ ترجیح می‌دهم خانه در مرکز شهر باشد ☐ نباشد ☐ چون: ....

۲ ترجیح می‌دهم خانه در طبقهٔ اول ساختمان باشد ☐ نباشد ☐ چون: ....

۳ ترجیح می‌دهم خانه حیاط و باغچه داشته باشد ☐ نباشد ☐ چون: ....

۴ ترجیح می‌دهم کنتور آب و برق خانه مشترک باشد ☐ نباشد ☐ چون: ....

۵ ترجیح می‌دهم پول پیش خانه زیاد باشد ☐ نباشد ☐ چون: ....

شنیدن

الف به گفتگوهای زیر گوش بدهید سپس مشخص کنید این افراد این خانه را اجاره می‌کنند یا خیر؟

۱ بله ☐ خیر ☐ چرا؟ ....

۲ بله ☐ خیر ☐ چرا؟ ....

۳ بله ☐ خیر ☐ چرا؟ ....

۴ بله ☐ خیر ☐ چرا؟ ....

ب نکات جدول زیر را بخوانید. هر مورد دربارهٔ کدام خانه صحیح است؟

این خانه...

		۱	۲	۳	۴
۱	در یک محلهٔ آرام و خلوت است.	○	○	○	○
۲	در مرکز شهر است و به همه جا نزدیک است.	○	○	○	○
۳	یک آشپزخانهٔ دلگیر دارد.	○	○	○	○
۴	یک پذیرایی دل‌باز دارد.	○	○	○	○
۵	به رنگ‌کاری نیاز دارد.	○	○	○	○
۶	نورگیر و بالکن دارد.	○	○	○	○
۷	یک حیاط باصفا با باغچه دارد.	○	○	○	○
۸	پول پیش و اجاره خانهٔ گرانی دارد.	○	○	○	○
۹	انباری دارد.	○	○	○	○
۱۰	کنتور آب، برق و گاز مشترک با همسایه‌ها دارد.	○	○	○	○
۱۱	نوساز است.	○	○	○	○

ج یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و معنی جمله‌های زیر را حدس بزنید.

۱	خوبی‌اش این است که ...	....
۲	مجبورید با نورِ کمِ آشپزخانه بسازید.	....
۳	تشریف بیاورید.	....
۴	ارزشش را دارد.	....

گفتگو

پیش‌گفتگو

شما چه خانه‌ای دوست دارید؟
دوست دارم خانه‌ای را اجاره کنم که ...

- در طبقهٔ اول نباشد.
- پله زیاد نداشته باشد.
- آپارتمانی نباشد.
- مبلغ اجاره‌بهایش کم باشد (بالا نباشد).
- یک پنجرهٔ بزرگ در سالن پذیرایی داشته باشد.
- شیک و باکلاس باشد.
- در یک محله ساکت و آرام باشد.
- آشپزخانه‌اش جادار و بزرگ باشد.
- حیاط و باغچه داشته باشد.

گفتگو

▪ به به مبارک است! خانه‌ای که اجاره کردید چقدر بزرگ و شیک است.

▫ ممنون عزیزم. خانهٔ خیلی خوبی است؛ اما اجاره‌اش یک مقدار بالاست.

▪ مگر اجاره‌اش چقدر است؟

▫ ماهی یک‌میلیون تومان.

▪ یک‌میلیون تومان؟! پول پیشش چقدر است؟

▫ پول پیشش زیاد نیست. برای همین اجاره‌اش زیاد است.

▪ اجاره‌اش زیاد است؛ اما سه تا اتاق‌خواب دارد و از خانهٔ قبلی‌تان بزرگ‌تر است.

▫ آره. خانهٔ قبلی خیلی کوچک بود؛ بچه‌ها اذیت می‌شدند.

▪ ان‌شاءالله به همین زودی‌ها یک خانهٔ بزرگ بخرید و از مستأجری راحت بشوید.

▫ خدا از زبانت بشنود.



- انباری هم دارد؟
- آسانسور دارد؟
- پله‌هاش زیاد است؟
- طبقه چندم است؟
- بالکن و نورگیر ندارد؟
- محله‌اش خلوت است؟
- حیاط و پارکینگ دارد؟

- خفه و دلگیر که نیست؟
- کنتور آب و برقش مشترک است؟
- آشپزخانه‌اش بزرگ است یا کوچک؟
- چند خوابه است؟
- اجاره‌اش چقدر است؟
- طبقهٔ چندم است؟

- پول پیش آن چقدر است؟
- نورگیر دارد؟
- محلهٔ خوبی دارد؟
- نزدیک ایستگاه مترو است.
- دو خط تلفن دارد.
- اتاق‌خواب‌هایش دنج است.
- پذیرایی‌اش دلگیر است.
- صاحب‌خانهٔ خوبی دارد.

بحث آزاد



سلام. من مهران هستم ۳۰ ساله از قم. من و نامزدم چند وقتی هست که با یک مشکل کوچک مواجه شدیم. جشن عروسی ما، ماه آینده است و باید تا هفتهٔ آینده یک خانه اجاره کنیم. ما برای اجاره کردن خانه، دو انتخاب داریم: یک خانهٔ بزرگ و یک خانهٔ کوچک. خانهٔ بزرگ‌تر در شهرک پردیسان است. این شهرک بیرون از شهر است و وسایل حمل‌ونقل عمومی چندان مناسبی ندارد. برای همین اگر آن خانه را اجاره کنیم، باید هرروز با خودروی شخصی خودم نیم ساعت رانندگی کنم تا به محل کارم برسم؛ اما اگر خانهٔ کوچک‌تر را اجاره کنم هرروز می‌توانم پیاده تا محل کارم بروم. هیچ‌کدام از دوستان و اعضای خانوادهٔ ما تابه‌حال در شهرک پردیسان زندگی نکرده‌اند و من نمی‌دانم شرایط زندگی کردن در آنجا چگونه است. به نظر شما کدام خانه را اجاره کنم؟



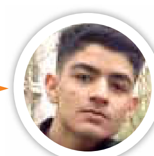
محمد

سلام. اول از همه، پیشاپیش ازدواجتان را تبریک می‌گویم و امیدوارم خوشبخت شوید. من حدود چهار سال است که در شهرک پردیسان زندگی می‌کنم. درست است که این شهرک از مرکز شهر دور است و من مجبورم هرروز یک ساعت برای رفت‌وآمد به محل کار رانندگی کنم؛ اما خوبی اینجا این است که از شلوغی، ترافیک و سروصدای شهر دور است و وقتی بعدازظهر خسته از محل کار به خانه برمی‌گردید، راحت می‌توانید استراحت کنید. به نظرم از فاصلهٔ زیاد خانه‌تان تا محل کار نترسید و خانهٔ بزرگ‌تر را اجاره کنید.



مسعود

من با محمد آقا موافق نیستم، دو سال پیش من و همسرم در شهرک پردیسان زندگی می‌کردیم. درست است که خانهٔ ما خیلی بزرگ بود؛ اما مجبور بودیم بیشتر وقت روز را در ماشین باشیم؛ مثلاً اگر می‌خواستیم خرید کنیم و یا اگر می‌خواستیم به رستوران یا سینما برویم باید ساعت‌ها رانندگی می‌کردیم. از این گذشته، هرماه باید کلی پول بنزین می‌دادیم؛ برای همین چند ماه بیشتر در آنجا نماندیم.



عارف

بله. چند ماه اول رفت‌وآمد سخت است؛ ولی خیلی زود عادت می‌کنید. خوبی این شهرک این است که کوچه‌های تمیزی دارد. از این گذشته چون ترافیک در آنجا نیست، هوای خیلی تمیز و پاکیزه‌ای دارد.



امین

مهم این است که اعضای خانواده‌تان نزدیک این شهرک زندگی می‌کنند یا نه؛ مثلاً اگر خواهر و برادرتان هم آنجا زندگی می‌کردند، خوب بود؛ ولی حالا که می‌گویید آنجا تنها هستید و هیچ‌کس با شما زندگی نمی‌کند، فکر نمی‌کنم اجاره کردن این خانهٔ بزرگ‌تر کار درستی باشد؛ چون ممکن است ارتباط شما با همهٔ دوستان و خانواده‌تان قطع شود.

۱. نظر شما دربارهٔ این پاسخ‌ها چیست؟
۲. او باید کدام خانه را اجاره کند؟
۳. اگر شما در این شرایط باشید، کدام خانه را انتخاب می‌کنید؟

خواندن

پیش‌خواندن

ازنظر شما در زمان اجارهٔ خانه توجه به کدام‌یک از موارد زیر مهم‌تر است؟

۱. میزان اجاره خانه ☐ ۲. محلهٔ خانه ☐ ۳. صاحب‌خانه ☐ ۴. نقشهٔ خانه ☐

موارد دیگر: ....

نکته‌های مهم در اجاره کردن خانه

اگر شما هم مانند بسیاری افراد، مستأجر هستید؛ می‌دانید که برای اجارهٔ خانه باید از پیچ‌وخم‌های زیادی عبور کنید. پیدا کردن خانهٔ جدید و امضای قرارداد قدم اوّل است؛ اما پیش از امضا نکات کوچک و بزرگ بسیاری وجود دارند که باید به آنها خوب توجه کنید. شما می‌توانید با انتخاب یک‌زمان مناسب و داشتن یک برنامه‌ریزی دقیق، بدون هیچ نگرانی و عجله، منزل مناسبی را اجاره کنید.

قبل از امضای قرارداد، محلهٔ خانه را خوب بررسی کنید و به شرایط مختلفی مثل شلوغی و خدمات عمومی آن توجه کنید؛ مثلاً خانه‌ای را انتخاب کنید که به بیمارستان، بانک و یا پارک نزدیک باشد؛ همچنین دقت کنید منزل موردنظر شما از بزرگراه، پمپ‌بنزین و ایستگاه‌های برق فاصله داشته باشد. علاوه بر این، از همسایه‌ها دربارهٔ صاحب‌خانهٔ آینده و اخلاق وی پرس‌وجو کنید.

منزلی را انتخاب کنید که هنگام بازدید شما، خالی‌شده باشد؛ یعنی مستأجر قبلی تمام اسباب و وسایل خود را از آنجا برده باشد. اگر منزلی را که انتخاب کرده‌اید خالی باشد، می‌توانید به‌طور دقیق از تمام امکانات خانه آگاه شوید؛ مثلاً آشپزخانه منزل را خوب بررسی کنید. تعداد کابینت و نحوهٔ قرار گرفتن گاز، یخچال، ماشین لباسشویی و ظرف‌شویی را خوب بازدید کنید.

به نحوهٔ قرارگرفتن سرویس بهداشتی منزل بسیار حساس باشید. بهترین شکل این است که این سرویس‌ها از دید عمومی دور باشند. سعی کنید سالن منزل به‌طور کامل مربع یا مستطیل باشد تا بتوان به بهترین شکل لوازم منزل را در آن چید و مهم‌تر اینکه بهترین خانه، خانه‌ای است که کنتورهای گاز، آب و برق آن از هم مجزا باشد؛ و نکته آخر اینکه برای اجاره خانه، باید اوّل از همه نظر بانوی خانواده را جویا شویم؛ چون معمولاً همسر شما، زمان بیشتری از روز را در خانه می‌گذراند.

تمرین

الف) تصور کنید قصد دارید منزلی را اجاره کنید. با توجه به نکات موجود در متن با کمک همکلاسی‌های خود فهرستی از سؤالات مهم پیش از اجارهٔ یک منزل تهیه کنید.

مثال: کنتور آب این منزل مشترک است یا مجزا؟

ب) به فهرست خود چند سؤال دیگر اضافه کنید که در متن به آنها اشاره‌ای نشده.

ج) یک‌بار دیگر متن را بخوانید و دربارهٔ معنی واژه‌های رنگی با یکدیگر بحث کنید.

بیاموزیم

ماضی استمراری

این فعل معمولاً برای نمایش تکرار و استمرار کاری در گذشته استفاده می‌شود.

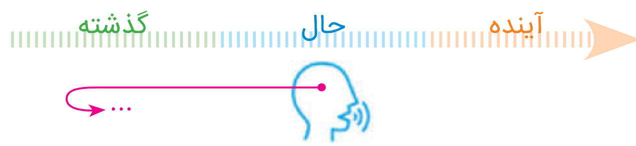
روش ساخت: می + بن ماضی + شناسه

مثال: می‌رفتم، می‌رفتی، می‌رفت، می‌رفتیم، می‌رفتید، می‌رفتند

اظهار ناراحتی، افسوس و پشیمانی

در زبان فارسی هنگامی‌که می‌خواهیم ناراحتی، افسوس و اظهار پشیمانی خود را
از انجام شدن یا نشدن کاری در زمان گذشته نشان دهیم،
از فعل ماضی استمراری همراه با واژه‌های «باید»، «ای‌کاش» و «ای‌کاش» استفاده می‌کنیم.

باید / کاش / کاشکی + ماضی استمراری



باید/کاش می‌رفتم	باید/کاش می‌رفتی	باید/کاش می‌رفت
باید/کاش می‌رفتیم	باید/کاش می‌رفتید	باید/کاش می‌رفتند

من باید قبل از اجارهٔ خانه با پدرم مشورت می‌کردم. (اما نکردم)
کاش این خانه را اجاره نمی‌کردم. (اما اجاره کردم)

نکته

هنگامی‌که از «کاش» استفاده می‌کنیم، می‌توانیم نهاد جمله را
از جمله حذف کنیم و یا بعد از «کاش» بیاوریم.

مانند: کاش من همراه پدرم می‌رفتم.

↓

کاش همراه پدرم می‌رفتم.

تمرین

الف) مصدرهای زیر را با استفاده از واژه‌های «باید ، کاش» به ماضی استمراری تبدیل کنید.

	مثال: کاش/خواندن (او)	کاش درس می خواند.
۱	باید/ با دقت بررسی کردن (تو)	....
۲	باید/ از صاحب‌خانه پرسیدن (شما)	....
۳	کاش/ خوردن (آنها)	....
۴	کاشکی/ نشستن (ما)	....
۵	ای‌کاش/ شنیدن (او)	....

ب) با استفاده از واژه‌های «باید و کاش» و مصدرهای زیر ۵ جمله بنویسید که در آن افسوس و پشیمانی باشد.

خوردن	خریدن	پوشیدن	خواندن	رفتن
اجاره کردن	صحبت کردن	قرض گرفتن	شکایت کردن	تصمیم گرفتن

۱. ....

۲. ....

۳. ....

۴. ....

۵. ....

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۹

درس نهم

نگرانی و تردید

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. بتواند نگرانی‌هایش را بیان کند.

۲. علت نگرانی دیگران را حدس بزند.

۳. دیگران را دلداری بدهد.

۴. چند روش مقابله با استرس را بشناسد.

۵. نشانه‌های استرس را بداند.

واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

پاره شدن
دزدگیر
فرصت کردن
مرخصی گرفتن
دسته گل به آب دادن
یکهو
بند دل پاره شدن
واکنش
غافلگیر
تنبیه
یک جورهایی
خدای نکرده
بد به دل راه دادن
مثل سیر و سرکه جوشیدن دل
امان از دست کسی
دل کسی شور زدن
آرام بخش
مواجه شدن
نشأت گرفتن
پشت سر گذاشتن
به سراغ کسی رفتن
بهبود
سرگیجه
مشکلات گوارشی
سیستم ایمنی
فراموش کاری
درشت
غصه خوردن
شوخی کردن
مدام
خمیازه کشیدن

واژه

الف) موقعیت‌های زیر را بخوانید و با توجه به جمله‌های روبه‌رو آنها را کامل کنید.
(هر قسمت ممکن است چند پاسخ داشته باشد)



۱. شما از محل کار به خانه می‌آیید. زمانی که می‌خواهید در خانه را بازکنید متوجه می‌شوید که در باز است.
نگران می‌شوید و با خود می‌گویید:
....
....

۲. پسر شما به خانه می‌آید. لباس او پاره شده و از بینی‌اش خون می‌آید.
نگران می‌شوید و با خود می‌گویید:
....
....

۳. همسر شما معمولاً ساعت ۴:۰۰ بعدازظهر از محل کار به خانه می‌آید. الان ساعت ۵:۰۰ بعدازظهر است، او هنوز به خانه برنگشته و تلفنش را هم جواب نمی‌دهد.
نگران می‌شوید و با خود می‌گویید:
....
....

۴. دختر شما از مدرسه به خانه می‌آید. خیلی عصبانی به اتاقش می‌رود، در را می‌بندد و ناهارش را نمی‌خورد.
نگران می‌شوید و با خود می‌گویید:
....
....

۵. شما در خانه نشسته‌اید و تلویزیون تماشا می‌کنید. ناگهان صدای دزدگیر ماشینتان بلند می‌شود.
نگران می‌شوید و با خود می‌گویید:
....
....

۶. پدر شما در خانه تنها زندگی می‌کند. او ۷۵ ساله است و بیماری قلبی دارد. شما هرروز به دیدن او می‌روید. امروز فرصت نکرده‌اید به خانهٔ پدرتان بروید. با او تماس گرفتید؛ اما او تلفن را جواب نمی‌دهد.
نگران می‌شوید و با خود می‌گویید:
....
....

ب) برای هریک از موقعیت‌های بالا یک حدس و گمان جدید بنویسید.

۱ ....
۲ ....
۳ ....
۴ ....
۵ ....
۶ ....

شنیدن

الف) به نیمهٔ اول ماجراهای زیر گوش دهید و حدس بزنید چه اتفاقی افتاده است.

۱
الف. شاید با دوستش دعوا کرده باشد.
ب. شاید حالش بد شده و او را به بیمارستان برده باشند.
ج. شاید پسر او در یکی از مسابقات ورزشی مدرسه برنده‌شده باشد.
د. هیچ‌کدام: ....

۲
الف. شاید دزد به خانه آمده باشد.
ب. شاید همسایه اشتباه کرده باشد.
ج. شاید یک گربه به خانهٔ او آمده باشد.
د. هیچ‌کدام: ....

۳
الف. شاید مادر خانمش را به بیمارستان برده باشند.
ب. شاید برادرخانمش تصادف کرده باشد.
ج. شاید پسرش را به بیمارستان برده باشند.
د. هیچ‌کدام: ....

۴
الف. شاید پسرش دستش را بریده باشد.
ب. شاید مادرش دستش را بریده باشد.
ج. شاید پرندهٔ آنها مرده باشد.
د. هیچ‌کدام: ....

ب) با توجه به داستان اتفاقات زیر را به ترتیب از ۱ تا ۵ شماره بزنید.

۱
.... مدیر مدرسه برای او روی تلفن پیغام گذاشت.
.... او نگران شد که حال پسرش در مدرسه بد شده باشد.
.... او به مدرسهٔ پسرش رفت.
.... پسر او از بیمارستان مرخص شد.
.... او پسرش را در دفتر مدیر مدرسه دید.

۲
.... همسایه با او تماس می‌گیرد.
.... او با پلیس تماس می‌گیرد.
.... مادر او مریض شد.
.... او باعجله به خانه‌شان می‌رود.
.... همسایه از خانهٔ او صدای سروصدا می‌شنود.

۳
.... او از مغازه تا خانه دوید.
.... او خواهر و برادرهایش را دید.
.... خانمش با گریه با او تماس گرفت.
.... او در مغازه را بست.
.... او با تلفن همراه با خانمش تماس گرفت.

۴
.... او مرخصی گرفت.
.... او دید که لباس پسرش پر از خون است.
.... او با خانه تماس گرفت و کسی تلفن را پاسخ نداد.
.... او با تلفن همراه مادرش تماس گرفت و او تلفنش را پاسخ نداد.
.... مادرش به خانهٔ او آمد.

ج) یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و معنی جمله‌های زیر را حدس بزنید.

۱	فهمیدم پسرم چه دسته‌گلی به آب‌داده.	....
۲	یکهو به ذهنم خورد که ...	....
۳	برق‌ها روشن شد.	....
۴	بند دلم پاره شد.	....

کارِ گروهی

؟ ۱. آیا در حال حاضر نگران موضوعی هستید؟
۲. معمولاً اگر اتفاق بدی بیفتد، اولین واکنش شما چیست؟
۳. شما برای از بین بردن نگرانی خود چکار می‌کنید؟

گفتگو

پیش‌گفتگو

نگرانی‌ها:	همدردی:
نکند پسرم در امتحان قبول نشود.	نگران نباشید.
می‌ترسم پسرم در امتحان قبول نشود.	نگران نباشید، خدا بزرگ است.
می‌ترسم خدای‌نکرده پسرم در امتحان قبول نشود.	بد به دلتان راه ندهید.
نگرانم که نکند پسرم در امتحان قبول نشود.	خودتان را ناراحت نکنید.

جمله‌های دعایی برای بیان نگرانی:	نگران هستم:
خدا کند پسرم در امتحان قبول شود.	دلم شور می‌زند.
ان‌شاءالله که پسرم در امتحان قبول می‌شود.	دلم مثل سیر و سرکه می‌جوشد.
دعا کنید پسرم در امتحان قبول شود.	

گفتگو



▪ سلام لیلا خانوم. چیزی شده؟ چرا این‌قدر نگران هستید؟

▫ سلام. پسرم هنوز از مدرسه برنگشته. خیلی دیر کرده.

▪ خب، زنگ می‌زدید به مدرسه.

▫ زنگ زدم؛ اما هیچ‌کس تلفن را جواب نداد. می‌ترسم خدای‌نکرده اتفاقی افتاده باشد.

▪ بد به دلت راه نده! ان‌شاءالله که الان پیدایش می‌شود. نگاه کنید. آن پسرتان نیست؟

▫ آره خودش است. امان از دست این بچه. حتماً بازهم رفته بوده با دوستانش توی پارک بازی کند.

▪ حالا دیگر خودتان را ناراحت نکنید. خدا را شکر که حالش خوب است.

- نکند پسرم در امتحان قبول نشود.
- می‌ترسم پسرم در امتحان قبول نشود.
- می‌ترسم خدای‌نکرده پسرم در امتحان قبول نشود.
- نگرانم که نکند پسرم در امتحان قبول نشود.
- خدا کند پسرم در امتحان قبول شود.
- ان‌شاءالله که پسرم در امتحان قبول می‌شود.
- دعا کنید پسرم در امتحان قبول شود.

- شاید با دوستش دعوا کرده باشد.
- شاید فراموش کرده باشم در را قفل کنم.
- شاید تلفنش را جاگذاشته باشد.
- شاید حالش بد شده باشد.
- شاید دزد آمده باشد.
- شاید تصادف کرده باشد.
- شاید امتحانش را خراب کرده باشد.
- شاید تلفن او خراب‌شده باشد.
- شاید در ترافیک مانده باشد.
- شاید خواب باشد.

- دلم شور می‌زند.
- دلم مثل سیر و سرکه می‌جوشد.
- نگران نباشید.
- نگران نباشید، خدا بزرگ است.
- بد به دلتان راه ندهید.
- خودتان را ناراحت نکنید.
- فهمیدم پسرم چه دسته‌گلی به آب‌داده.
- بند دلم پاره شد.

بحث آزاد

- استرس چیست؟
- چه عواملی باعث می‌شود، شما استرس داشته باشید؟
- آیا در طول چند ماه گذشته در شرایط پر استرس قرارگرفته‌اید؟
- زمانی که در شرایط پر استرس قرار می‌گیرید، چه کار می‌کنید؟
- به نظر شما چگونه می‌توان استرس را کاهش داد؟



فرید: من هر وقت استرس دارم، فقط یک کار ساده می‌کنم. چشم‌هایم را می‌بندم تا ۱۰ می‌شمارم و بعد دوباره کارهایم را آغاز می‌کنم. این روش را در یک سایت خواندم. به نظرم روش مناسبی است. حداقل به من خیلی کمک کرده است.



مرتضی: من هر وقت استرس دارم معمولاً سردرد می‌گیرم؛ برای همین چند عدد قرص آرام‌بخش می‌خورم. قرص‌های آرام‌بخش خیلی به من کمک می‌کنند و خیلی زود استرس من را از بین می‌برند.



نیما: خوردن آرام‌بخش کار درستی نیست. این کار حتماً باید با مشورت پزشک انجام شود. من هر وقت استرس دارم با پدرم صحبت می‌کنم. پدرم آدم خیلی آرامی است؛ برای همین هر وقت با مشکلی مواجه می‌شوم و استرس می‌گیرم، اگرچند دقیقه با او صحبت کنم، کاملاً آرام می‌شوم.



احمد: من سعی می‌کنم چند ساعت بخوابم. خوابیدن خیلی مؤثر است؛ البته بعضی از دوستانم می‌گویند وقتی استرس داریم، نمی‌توانیم بخوابیم. اگر قبل از خوابیدن یک دوش آب گرم بگیرید، راحت‌تر می‌خوابید.



اشکان: ورزش. به نظر من بهترین روش برای از بین بردن استرس ورزش است. هر وقت احساس می‌کنم استرس دارم یا از موضوعی نگران هستم، به استخر می‌روم و چند ساعت شنا می‌کنم. این کار معمولاً خیلی من را آرام می‌کند.



فرامرز: من همیشه نماز می‌خوانم. وقتی نماز می‌خوانی و مشکلاتت را با خدا می‌گویی استرس‌ها از بین می‌رود. صحبت کردن با خدا خیلی من را آرام می‌کند.



علی: هر وقت موضوعی باعث می‌شود استرس داشته باشم، به پارک نزدیک خانه‌مان می‌روم و در آنجا کمی قدم می‌زنم. به نظرم این کار خیلی مناسب است و من را کاملاً آرام می‌کند.

شما؟ ...

خواندن

پیش‌خواندن

آیا تا به حال در بخشی از زندگی‌تان دچار استرس بوده‌اید؟ از نظر شما نشانه‌های استرس چیست؟

الف) متن را سریع بخوانید و معنی اصطلاحات زیر را با توجه به آن حدس بزنید.

از چیزی نشأت گرفتن | به سراغ کسی آمدن | سر کسی شلوغ بودن | غصهٔ چیزی را خوردن | پشت سر گذاشتن

نشانه‌هایی از استرس در زندگی روزمره

همهٔ ما تابه‌حال استرس را تجربه کرده‌ایم؛ مثلاً قبل از آزمون یا یک قرار ملاقات مهم استرس داشته‌ایم. گاهی استرس بخشی از زندگی روزمرهٔ ما می‌شود؛ بنابراین، بهتر است نشانه‌های آن را بشناسیم.

افرادی که استرس دارند کم‌خواب می‌شوند. عجیب آن‌که باوجودِ خستگی شدید، وقتی دچار استرس هستید، خوابیدن برایتان دشوارتر می‌شود. این نوع بی‌خوابی از این نشأت می‌گیرد که نمی‌توانید به مشکلات زندگی فکر نکنید. به دلیل بی‌خوابیِ روزهای گذشته، روز بعد خسته‌تر هم خواهید بود که این خستگی، مقدار استرس شما را افزایش می‌دهد.

اگر مدتی است که زیاد مریض می‌شوید، به احتمال زیاد استرس دارید. دلیل این بیماری‌های پشت سر هم مشخص است. وقتی خوابتان دچار مشکل باشد، بیماری ظرف مدت کوتاهی به سراغتان می‌آید. چون بدنتان در این دورهٔ پراسترس، بیش‌ازحد کار کرده و فرصتی برای بهبود یافتن از بیماری‌های کوچک و ساده را نداشته است. گاهی سردرد و بدن‌درد دارید و گاهی سرگیجه و مشکلات گوارشی پیدا می‌کنید. مطالعات نشان می‌دهد، وقتی دچار استرس هستید، سیستم ایمنی بدن شما حدود ۳۰٪ ضعیف‌تر می‌شود.

یکی دیگر از نشانه‌های استرس فراموش‌کاری است. بیشتروقت‌ها دلیل استرس شما این است که به‌احتمال فراوان سرتان شلوغ شده است. کار زیاد و مسئولیت‌های مختلف، توجه به همهٔ نکات ریز و درشت را برایتان مشکل می‌کند. اگر بعضی وقت‌ها یادتان نمی‌آید، کلیدهایتان را کجا گذاشته‌اید یا قرار ملاقات را فراموش می‌کنید، به‌احتمال زیاد استرس دارید و باید به روان‌پزشک مراجعه کنید.

افرادی که استرس دارند احساساتی می‌شوند. همیشه غصهٔ گذشته‌ها را می‌خورند و یا اگر کسی با آنها کمی شوخی کند، خیلی زود عصبانی می‌شوند؛ بنابراین اگر متوجه شدید از شوخی دوستتان مانند سابق لذت نمی‌برید، ممکن است استرس داشته باشید.

با توجه به نشانه‌های ذکرشده، بهتر است وقتی دچار استرس می‌شوید، آرامش خود را حفظ کنید تا راحت‌تر این دوره را پشت سر بگذارید. اسلام دراین‌باره توصیه‌های مفیدی دارد که در هنگام استرس می‌توانید به آنها عمل کنید. وضو گرفتن، نمازخواندن و یا حمام کردن ازجملهٔ این توصیه‌ها است.

ب) با توجه به متن آیا احتمال استرس در این افراد وجود دارد؟ چرا؟

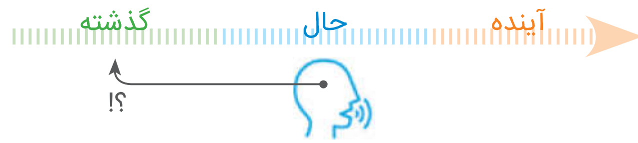
توصیف	احتمال استرس وجود: دارد	احتمال استرس وجود: ندارد	چرا؟
۱. همسر شما روز تولدتان را فراموش می‌کند.			
۲. خواهر شما چند وقتی است که مدام با شما دعوا می‌کند.			
۳. چند ماه است که دوست دارید به مسافرت بروید.			
۴. همکلاسی شما در کنارتان نشسته و خیلی خمیازه می‌کشد.			
۵. مادرتان چند ماه است که سرماخورده است.			
۶. دوست شما چند وقتی است که چاق شده است.			

بیاموزیم

ماضی التزامی ← تردید

ساختار این فعل به شکل زیر است:

بن ماضی + ه + باش + شناسه



رفته باشم	رفته باشی	رفته باشد
رفته باشیم	رفته باشید	رفته باشند

کاربرد: ماضی التزامی به معنای این است که فعلی در گذشته همراه با شک و تردید واقع شده است.

الف) گوینده شک دارد که فعلی در گذشته رخداده است:

شاید + ماضی التزامی

شاید دوستم دیروز از مسافرت برگشته باشد.
شاید آنها پارسال در آزمون شرکت کرده باشند.

ب) گوینده تقریباً اطمینان دارد که فعلی در گذشته رخداده است:

باید + ماضی التزامی

دوستم باید دیروز از مسافرت برگشته باشد.
آنها باید پارسال در آزمون شرکت کرده باشد.

پ) گوینده آرزو می‌کند که اتفاقی در گذشته یا حال و یا تا یک‌زمان خاص در آینده رخداده باشد. (یادآوری)

کاش/خداکند/... + ماضی التزامی

خدا کند دوستم تا فردا از مسافرت برگشته باشد.
کاش دوستم تا الان از مسافرت برگشته باشد.
خدا کند دوستم دیروز از مسافرت برگشته باشد.

تمرین

الف) جمله‌های زیر را با «فعل ماضی التزامی» کامل کنید.

۱. پدرم می‌خواست به مسافرت برود، او باید .... (رفتن)

۲. او گرسنه بود، شاید غذا .... (خوردن)

۳. حامد و علی به سینما رفتند، شاید آن فیلم را .... (دیدن)

۴. شاید پیامم را .... که هنوز با من تماس نگرفته است. (خواندن)

۵. آنها تلفن را جواب ندادند، به احتمال زیاد الان باید .... (خوابیدن)

ب) با استفاده از واژه‌های «ای‌کاش، باید، شاید، اگر» مصدرهای زیر را به ماضی التزامی تبدیل کنید و با آن جمله بسازید

	مصدر	فعل ماضی التزامی	جمله
	مثال: بردن	برده باشند	شاید آنها، بچه‌ها را به پارک برده‌باشند.
۱	دیدن		....
۲	گفتن		....
۳	آمدن		....
۴	خوردن		....
۵	رفتن		....
۶	خوابیدن		....
۷	مریض‌شدن		....
۸	بازگردن		....

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۱۰

درس دهم

قانون و تنبیه

■ واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

جرم
محسوب شدن
مجازات
مواد مخدر
قمار
شرط بندی
نوشیدنی الکلی
قاچاق
مؤلفه
مگر اینکه
مشروبات
رشوه
پوشش
آلات
قدری
لباس بدن نما
خون گرم
لباس پوشیده
از این گذشته
پاسور
در اختیار قرار دادن

■ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با بعضی از قوانین ایران آشنا شود.

۲. بتواند قوانین مختلف را توضیح دهد.

۳. علت وضع بعضی از قانون‌ها را بداند.

۴. جمله‌های شرطی را تشخیص دهد.

۵. به خوبی از جمله‌های شرطی استفاده کند.

۶. تفاوت جمله‌های شرطی ممکن و ناممکن را بداند.

واژه

قانون



رانندگان در ایران [نباید / نمی‌توانند / اجازه ندارند / حق ندارند] با سرعت بیشتر از ۱۲۰ کیلومتر در ساعت رانندگی کنند.

رانندگی با سرعت بیشتر از ۱۲۰ کیلومتر در ساعت در ایران [جرم / ممنوع / غیرقانونی] است.

تمرین

کدام‌یک از موارد زیر در کشور شما جرم است؟ دربارهٔ موارد زیر گفتگو کنید.



۱.سرقت

جرم ☐ است ☐ نیست

مجازات: ☐ زندان ☐ جریمه



۲.سیگار کشیدن

جرم ☐ است ☐ نیست

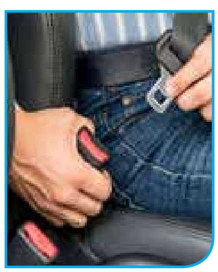
مجازات: ☐ زندان ☐ جریمه



۳.خرید، فروش و مصرف مواد مخدر

جرم ☐ است ☐ نیست

مجازات: ☐ زندان ☐ جریمه



۴.رانندگی بدون کمربند ایمنی

جرم ☐ است ☐ نیست

مجازات: ☐ زندان ☐ جریمه



۵.قمار و شرطبندی

جرم ☐ است ☐ نیست

مجازات: ☐ زندان ☐ جریمه



۶.خرید، فروش و مصرف نوشیدنی‌های الکلی

جرم ☐ است ☐ نیست

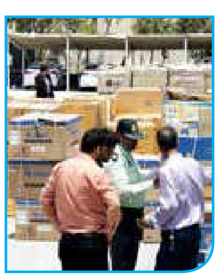
مجازات: ☐ زندان ☐ جریمه



۷.کشتن حیوانات

جرم ☐ است ☐ نیست

مجازات: ☐ زندان ☐ جریمه



۸.قاچاق کالا

جرم ☐ است ☐ نیست

مجازات: ☐ زندان ☐ جریمه

شنیدن

الف) به گفتگوی رادیویی زیر گوش دهید. مهمان برنامه به پنج مورد اشاره می‌کند که مسافرین ایران باید به آن توجه کنند. این ۵ مورد چیست؟ آیا در این قوانین استثنائی وجود دارد؟

		قانون	استثنا: دارد	استثنا: ندارد	مگر اینکه ...
۱	پوشش		☐	☐	
۲	مشروبات الکلی		☐	☐	
۳	قمار		☐	☐	
۴	دارو		☐	☐	
۵	رشوه		☐	☐	

ب) یک‌بار دیگر به برنامهٔ رادیویی گوش دهید. کدام‌یک درست و کدام‌یک غلط است.

		درست	غلط
۱	توبیاس سال گذشته از دانشگاه مجازی المصطفی فارغ‌التحصیل شده است.		
۲	چون ایران یک کشور اسلامی است؛ پس نوع پوشش گردشگران در مکان‌های عمومی بسیار مهم است.		
۳	نوع پوشش ایران برای توبیاس خیلی سخت نیست؛ چون او همیشه لباس پوشیده می‌پوشد.		
۴	واردکردن مشروبات الکلی، آلات قمار و مواد مخدر به ایران کاملاً ممنوع است.		
۵	چون تهیهٔ دارو در ایران قدری دشوار است، پلیس ایران با نسخهٔ پزشک به افراد اجازه می‌دهد تا به ایران دارو وارد کنند.		
۶	اگر گردشگری بخواهد به پلیس رشوه بدهد، بر اساس قوانین جمهوری اسلامی از ایران اخراج می‌شود.		

ج) یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و معنی اصطلاحات زیر را حدس بزنید.

۱	با برنامهٔ «ایران گردان» مهمان خانهٔ شما هستیم.	....
۲	لباس بدن‌نما	....
۳	او بعد از چند روز به آن عادت کرد.	....
۴	سعی نکنید به پلیس ایران رشوه بدید.	....
۵	سفر کردن به ایران شیرین است.	....

کارِ گروهی

۱. با توجه به متن شنیدن و قوانین ایران، به نظر شما آیا سفر کردن به ایران دشوار است؟
۲. اجرای کدام‌یک از قوانین ایران برای شما مشکل است؟
۳. شما کدام‌یک از این قوانین جمهوری اسلامی ایران را دوست دارید؟ چرا؟

گفتگو

پیش‌گفتگو

نام هر یک از تابلوهای زیر چیست؟















توقف ممنوع
سبقت ممنوع
حداکثر سرعت ۵۰ کیلومتر در ساعت
رعایت حق تقدم
پارکینگ
دور زدن ممنوع
ورود ممنوع
محل عبور عابر پیاده
خیابان یک‌طرفه
بوق زدن ممنوع



خط عابر پیاده
(محل عبور عابر پیاده)



خط ممتد (سبقت ممنوع)



خط متقاطع (سبقت آزاد)

گفتگو



■ (آژیر پلیس). خودروی قرمزرنگ بزن کنار، خودروی قرمزرنگ سریع توقف کن!

□ سلام آقای پلیس، اتفاقی افتاده؟

■ سلام. برادر من، این خیابانی را که دارید، توش رانندگی می‌کنید یک‌طرفه است. شما نمی‌توانید از این سمت حرکت کنید. ورودممنوع است.

□ جدی می‌گویید؟ متوجه نشدم.

■ گواهینامهٔ رانندگی‌تان را لطف کنید.

□ ببخشید. من تابلوی ورودممنوع رو ندیدم. می‌شود این بار جریمه نکنید؟

■ نه! موقع رانندگی باید حواستان را کامل جمع کنید. ممکن بود تصادف کنید.

- سرقت
- سیگار کشیدن
- کشتن حیوانات
- قاچاق کالا
- خرید، فروش و مصرف مواد مخدر
- رانندگی بدون کمربند ایمنی
- قمار و شرطبندی
- خرید، فروش و مصرف نوشیدنی‌های الکلی

- جریمه
- زندان
- خط ممتد (سبقت ممنوع)
- خط متقاطع (سبقت آزاد)
- خط عابر پیاده (محل عبور عابر پیاده)

- محل‌عبورعابرپیاده
- دور زدن ممنوع
- ورودممنوع
- رعایت حق تقدم
- سبقت ممنوع
- پارکینگ
- خیابان یک‌طرفه
- توقف ممنوع
- بوق زدن ممنوع
- حداکثر سرعت ۵۰ کیلومتر در ساعت

بحث آزاد



ساعت حدود ۲ بعدازظهر است. ترافیک سنگین در یک ظهر تابستانی. شما و همسرتان پشت چراغ قرمز ایستاده‌اید و تعداد زیادی ماشین هم پشت سر شما منتظرند تا چراغ سبز شود. به‌محض اینکه چراغ سبز می‌شود و شما می‌خواهید حرکت کنید، پیرمردی با عصا و چند پاکت میوه آرام‌آرام روی خط عابر پیاده می‌آید و می‌خواهد از خیابان رد شود. چراغ عابران پیاده قرمز است؛ اما پیرمرد به آن توجه نمی‌کند و می‌خواهد از خیابان رد شود. شاید هم چون چشمانش ضعیف است، چراغ قرمز را ندیده. حال شما باید یکی از این دو کار را بکنید:

۱. برای پیرمرد بوق بزنید تا متوجه شود، چراغ‌قرمز است و خودتان از چهارراه عبور کنید.
۲. صبر کنید تا پیرمرد از چهارراه عبور کند و بعد شما از چهارراه عبور کنید.
به نظر شما کدام کار صحیح‌تر است؟



حسن

من صبر می‌کنم تا پیرمرد رد شود. رد شدن آن پیرمرد ۱۰ ثانیه بیشتر طول نمی‌کشد. اگر ۱۰ثانیه صبر کنم، هیچ اتفاقی نمی‌افتد.



سپهر

بله حسن جان برای شما اتفاقی نمی‌افتد؛ اما تعداد زیادی ماشین پشت سر شما ایستاده‌اند و منتظرند تا از چهارراه رد شوند. حتی ممکن است بعضی از آنها به خاطر این ۱۰ ثانیه نتوانند از چهارراه رد شوند و مجبور باشند مدت بیشتری منتظر بمانند. شما دارید حق آنها را ضایع می‌کنید. به نظر من شما باید بوق بزنید و از چهارراه رد شوید.



مسعود

به نظر من اگر ماشین‌های عقبی هم به‌جای شما باشند، صبر می‌کنند تا پیرمرد رد شود. هیچ‌کس دوست ندارد یک پیرمرد ضعیف را ناراحت کند. به نظر من کار درست این است که صبر کنید. این ضایع کردن حق راننده‌های دیگر نیست؛ بلکه احترام گذاشتن به بزرگ‌ترها است.



اسماعیل

قانون، قانون است! همه در هر سن و سالی باید به آن احترام بگذارند. در این شرایط «حق تقدم» با شما است و آن پیرمرد دارد قانون‌شکنی می‌کند. شما باید جلوی این کار را بگیرید. باید بوق بزنید و از چهارراه با سرعت رد شوید تا از به وجود آمدن ترافیک‌های سنگین جلوگیری کنید.



عارف

به نظر من احترام به انسانیت از احترام به قانون مهم‌تر است. درست است که این پیرمرد قانون را زیر پا گذاشته؛ اما فراموش نکنید که او توانایی‌های افراد جوان‌تر را ندارد و جوان‌ترها باید به او کمک کنند. شاید او واقعاً چراغ‌قرمز را ندیده. پس شما باید صبر کنید تا او از چهارراه بگذرد و بعد شما عبور کنید.

۱. شما با کدام‌یک از نظرات بالا موافق هستید و با کدام‌یک مخالف؟
۲. اگر شما در این شرایط باشید چه کار می‌کنید؟

خواندن

پیش‌خواندن

در کشور شما چه قوانین متفاوت و خاصی وجود دارد؟ به نظر شما چرا این قانون وضع‌شده است؟

قوانین عجیب و غریب در کشورهای مختلف

در برخی از کشورهای مدرن دنیا قوانینی وجود دارند که ممکن است ازنظر مردم عجیب باشد. برخی از این قوانین هنوز هم در این کشورها اجرا می‌شوند.

◂ به‌عنوان مثال رانندگی در شهر مسکو با ماشین کثیف ممنوع است و متخلفین باید ۲۰۰۰ روبل جریمه بپردازند و یا در کشور ژاپن اگر راننده‌ای هنگام عبور با ماشین، آب موجود در جاده را روی عابر پیاده بپاشد، ۶۰ دلار جریمه خواهد شد. چنین قوانینی در بسیاری از کشورهای دنیا قابل مشاهده است.

◂ در کشور سنگاپور جویدن آدامس ممنوع است و شما تنها زمانی می‌توانید آدامس بجوید که پزشک مصرف آن را تجویز کرده باشد؛ بنابراین شما تنها از داروخانه‌ها و با نسخه پزشک می‌توانید آدامس بخرید. افراد برای خرید آدامس از داروخانه حتی با داشتن نسخه باید کارت شناسایی داشته باشند و داروخانه‌ای که در هنگام فروش آدامس این قانون را رعایت نکند، علاوه بر پرداخت جریمه، به دو سال حبس محکوم می‌شود. افراد اگر در هنگام جویدن آدامس آن را به زمین انداخته و به‌جایی بچسبانند حدود ۱۰۰۰ دلار جریمه خواهند شد. همچنین در خیابان افراد حق خوردن غذا و نوشیدنی و سیگار کشیدن را ندارند و متخلفان باید جریمه نقدی بپردازند. سیگار کشیدن، دوچرخه‌سواری و موتورسواری در بیشتر قسمت‌های سنگاپور ممنوع است.

◂ در آلمان یکی از جرائم سنگین راهنمایی رانندگی، بنزین تمام کردن در بزرگراه‌ها است؛ بنابراین چنانچه در بزرگراه‌های آلمان بنزین اتومبیلتان تمام شد، منتظر جریمه‌ای ۱۰۰ دلاری باشید. همچنین اگر به این دلیل مجبور شوید از ماشین پیاده شوید و در کنار اتوبان قدم بزنید، ۱۰۰ دلار دیگر نیز جریمه می‌شوید. ازاین‌رو به تمام رانندگان توصیه می‌شود قبل از ورود به بزرگراه‌ها، بنزین اتومبیل خود را به‌دقت چک کنند.

◂ بر اساس قوانین شهر ونیز ایتالیا، غذا دادن به کبوترها ممنوع است. این قانون تا حدودی منطقی به نظر می‌رسد؛ چون کبوترها، عاملان اصلی آلودگی و کثیف شدن ساختمان‌های این شهر به شمار می‌روند. ازاین‌رو، غذا دادن به کبوترها ممنوع است و پلیس می‌تواند شما را ۵۰ تا ۶۰ دلار جریمه کند.

◂ در کشورهای دانمارک و جمهوری چک، بر اساس قوانین راهنمایی و رانندگی، رانندگان حتی در روزهای آفتابی نیز باید چراغ‌های ماشین را روشن کنند؛ اگرچه در ابتدا این قانون کمی عجیب به نظر می‌رسد؛ اما با توجه به دلایل آن، آن‌چنان هم غیرمنطقی نیست. مطالعات نشان داده است هنگامی‌که راننده‌ها چراغ‌های خودروی خود را روشن می‌کنند، سایر رانندگان حواس خود را به وسایل نقلیه اطراف بیشتر جمع می‌کنند، بدین ترتیب تصادفات کاهش می‌یابد.

تمرین

(الف) پاسخ سؤالات زیر را در متن پیدا کنید؛

۱. چگونه می‌توان در سنگاپور آدامس خرید؟
۲. در آلمان اگر بنزین ماشین شما تمام شود و شما در کنار بزرگراه از رانندگان دیگر درخواست کمک کنید، چقدر جریمه می‌شوید؟
۳. چرا در ونیز غذا دادن به پرندگان ممنوع است؟
۴. در دانمارک، دلیل روشن بودن چراغ‌های ماشین در روز چیست؟

(ب) با وضع کدام‌یک از قوانین بالا در کشور خود موافق هستید؟ چرا؟

بیاموزیم

جمله شرطی ← شرطی ممکن

جمله شرطی، جمله‌ای است که برای انجام کاری به شرط نیاز دارد.
این جمله‌ها دو قسمت دارند:
۱. شرط (شرط معمولاً در ابتدای جمله آمده و با واژهٔ «اگر» شروع می‌شود).
۲. جواب شرط.
جمله‌های شرطی به دو دستهٔ اصلی تقسیم می‌شوند:

شرطی ممکن

شرطی ممکن شرطی است که احتمال وقوع آن در زمان حال یا آینده وجود دارد.

شرطی ناممکن

در درس بعد با شرطی ناممکن آشنا خواهید شد.

شرطی ممکن

شرط	جواب شرط
اگر + مضارع التزامی	مضارع اخباری/آینده

اگر تو بیایی، من هم می‌آیم / خواهم آمد.
اگر خوب درس بخوانی، در امتحانات قبول می‌شوی/ خواهی شد.
اگر لباس گرم نپوشی، سرما می‌خوری / خواهی خورد.
اگر چتر نیاوری، زیر باران خیس می‌شوی / خواهی شد.

در موارد محدود، گاهی ساخت‌های زیر هم دیده می‌شود:

	شرط	جواب شرط	
۱	اگر + مضارع اخباری	مضارع اخباری	اگر تو نمی‌روی، من هم نمی‌روم.
۲	اگر + ماضی ساده	مضارع اخباری	اگر تو نرفتی، من هم نمی‌روم.

نکته: در زبان فارسی عامیانه می‌توان جای شرط و جواب شرط را با هم عوض کرد.

تمرین

الف) مانند مثال با بخش‌های زیر جملهٔ شرطی بسازید.

	مثال: باریدن/ چتر آوردن	اگر باران ببارد، من با خودم چتر می‌آورم / خواهم آورد.
۱	دیر بیدار شدن/ تاکسی گرفتن	....
۲	نیاز داشتن/ ایمیل زدن	....
۳	تلفن نزدن/ ناراحت شدن	....
۴	سفر کردن/ زیارت کردن	....
۵	اجاره کردن/ وام گرفتن	....
۶	بیمار شدن/ بیمارستان بردن	....

ب) در جمله‌های زیر شرط و جواب شرط را بیابید و بنویسید در ساخت آن از چه نوع فعلی استفاده شده است.

مثال: اگر تو غذا می‌خوری من هم غذا می‌خورم.

شرط: اگر غذا می‌خوری (مضارع اخباری) جواب شرط: من هم غذا می‌خورم (مضارع اخباری)

۱. اگر سروقت به درخت‌ها آب بدهی، خشک نمی‌شوند.

......................................(...............) ....(...............)

۲. اگر در کشور سنگاپور آدامس بفروشید، به دو سال حبس محکوم خواهید شد.

......................................(...............) ....(...............)

۳. برادرت را هم باید با خودت ببری، اگر با ماشین می‌روی.

......................................(...............) ....(...............)

۴. در ایتالیا ۵۰ دلار جریمه می‌شوید، اگر به کبوترها غذا بدهید.

......................................(...............) ....(...............)

۵. اگر در کشور دانمارک رانندگی می‌کنید، در طول روز هم باید چراغ‌های خودروی خود را روشن کنید.

......................................(...............) ....(...............)

۶. اگر در کتابخانه درس می‌خوانید، باید سکوت را رعایت کنید.

......................................(...............) ....(...............)

۷. باید خیلی بیشتر تلاش کنی، اگر دوست داری موفق باشی.

......................................(...............) ....(...............)

ج) در متن «خواندن» سه جملهٔ شرطی وجود دارد. آنها را پیدا کنید.

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۱۱

درس یازدهم

منابع انرژی

■ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با انواع انرژی آشنا شود.

۲. راه‌های صرفه‌جویی در مصرف انرژی‌ها را بشناسد.

۳. بتواند به‌خوبی دربارهٔ هر انرژی و تفاوت انرژی‌ها با هم صحبت کند.

۴. مفهوم جمله‌های شرطی ناممکن را درک کند.

۵. یکی دیگر از کاربردهای ماضی استمراری و ماضی بعید را بداند.

۶. قادر باشد به طور صحیح از جمله‌های شرطی ناممکن استفاده کند.

■ واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

سوخت فسیلی
انرژی هسته‌ای
ساقه
مرسوم
زغال سنگ
پایان ناپذیر
توربین
سد
مزیت
قبض
نسل‌های آتی
شیوه
حسن
هدر رفتن
بستگی داشتن
اقتصاد
صرفه جویی
لامپ کم مصرف
آب پاش
اسراف
خشک کن
رشد صنعتی
کمبود
معطوف
آب بها
آب غیر شرب
چکه کردن
کارواش
شلنگ
غیر ضروری
به تعویق انداختن
رشد
کاشتن

واژه

منابع انرژی

در کشور شما از کدام‌یک از منابع انرژی زیر بیشتر استفاده می‌شود؟

انرژی هسته‌ای



سوزاندن چوب، ساقه و برگ گیاهان از قدیم مرسوم بوده است. هنوز در بسیاری از نقاط دنیا از چوب و هیزم به‌عنوان منبع انرژی استفاده می‌کنند.

سوخت‌های فسیلی



نفت، گاز طبیعی و زغال‌سنگ سه نمونه از مهم‌ترین منابع انرژی در دنیا هستند. استفاده از سوخت‌های فسیلی به‌شدت گران بوده و به محیط‌زیست آسیب می‌زند.

سوخت‌های گیاهی



انرژی هسته‌ای با استفاده از ماده‌ای به نام اورانیوم تهیه می‌شود. انرژی یک کیلوگرم اورانیوم با انرژی ۳۰۰۰۰۰۰ کیلوگرم زغال‌سنگ برابر است.

انرژی برق‌آبی



خورشید یکی از منبع‌های انرژی پایان‌ناپذیر است. انرژی‌ای که زمین از خورشید دریافت می‌کند، بسیار زیاد است و به‌سادگی می‌توان با آن برق تولید کرد.

انرژی بادی



یکی از ارزان‌ترین انرژی‌های دنیا انرژی بادی است. در هر نیروگاه بادی بین ۴۰ تا ۱۰۰ توربین وجود دارد. این توربین‌ها می‌توانند مقدار زیادی انرژی تولید کنند.

انرژی خورشیدی



با ساختن سد در منطقه‌های پرآب و در مسیر رودخانه‌ها می‌توان از انرژی آب برای تولید برق استفاده‌کرد.

تمرین

به نظر شما مهم‌ترین فایدهٔ صرفه‌جویی در مصرف انرژی چیست؟

☐ کاهش هزینه‌های زندگی

هر خانواده به‌صورت ماهیانه مبلغ زیادی را برای انرژی می‌پردازد. پول قبض آب، برق، گاز و هزینهٔ بنزین خودروی شما ازجملهٔ همین هزینه‌ها است. صرفه‌جویی در مصرف انرژی، هزینه‌های شما را بسیار کاهش می‌دهد.

☐ حفاظت از محیط‌زیست

سوخت‌های فسیلی با تولید گازهای CO_2 و SO_2 محیط‌زیست را آلوده می‌کنند. صرفه‌جویی در مصرف انرژی باعث می‌شود تا سوخت‌های فسیلی کمتر استفاده شوند و محیط‌زیست آلوده نشود.

☐ حفظ انرژی برای نسل‌های آینده

فرزندان ما نیز به انرژی‌هایی مثل نفت، گاز طبیعی و زغال‌سنگ نیاز دارند. اگر ما از این انرژی‌ها بیش‌ازحد استفاده کنیم، نسل‌های بعدی ما با مشکلات بسیاری روبه‌رو خواهند شد.

☐ سایر: ....

شنیدن

الف) به این برنامهٔ رادیویی گوش دهید. ازنظر مهندس «میراشرفی» با چه شیوه‌هایی می‌توان در مصرف انرژی صرفه‌جویی کرد؟ پنج مورد از این شیوه‌ها را بنویسید.

۱

۲

۳

۴

۵

ب) یک‌بار دیگر به این برنامهٔ رادیویی گوش دهید و مشخص کنید کدام جمله درست و کدام جمله غلط است؟

		درست	غلط
۱	تنها حسن صرفه‌جویی این است که هزینه‌های قبض برق شما را کاهش می‌دهد.		
۲	لامپ‌های «ال ای دی» از لامپ‌های معمولی گران‌تر هستند؛ اما نور و مصرف برق آنها از لامپ‌های معمولی کمتر است.		
۳	فقط خریدن لوازم برقی کم‌مصرف، هزینه‌های قبض برق شما را کاهش نمی‌دهد.		
۴	گذاشتن غذای گرم در یخچال مصرف برق را کاهش می‌دهد.		
۵	گرمای خانه بیشتر از طریق آشپزخانه هدر می‌رود.		
۶	پوشیدن لباس گرم در خانه می‌تواند میزان مصرف انرژی را کاهش دهد.		

ج) یک‌بار دیگر به متن برنامهٔ رادیویی گوش دهید و معنی جمله‌های زیر را حدس بزنید.

۱	نسل‌های آینده	....
۲	بستگی دارد که	....
۳	قدم اول	....
۴	یکی از شنوندگان ما پشت خط هستند.	....
۵	صبر کنید ظرف‌های کثیف جمع شوند.	....
۶	یواش‌یواش	....

کارِ گروهی

۱. شما معمولاً برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی از چه روش‌هایی استفاده می‌کنید؟
۲. کدام‌یک از روش‌هایی که در «شنیدن» آمده بود، برای شما جدید بود؟
۳. آیا روشی را برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی می‌شناسید که در متن به آن اشاره نشده بود؟

گفتگو

پیش‌گفتگو

چطور در مصرف انرژی صرفه‌جویی کنیم؟

به کودکانمان آموزش بدهیم که...



گل‌ها را با آب‌پاش آب بدهند.



هنگام مسواک زدن، شیر آب را ببندند.



غذای گرم را در یخچال نگذارند.



در طول حمام کردن شیر آب را ببندند.



لامپ‌های اضافه را خاموش کنند.

گفتگو

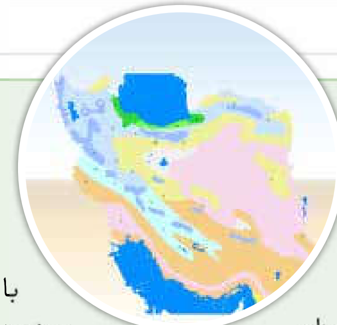
- قبض گاز این ماه را دیده‌ای؟
- نه! مگر این ماه چقدر پول گاز آمده؟
- بیا خودت قبض را ببین.
- چی؟! چرا این‌قدر پول گاز زیاد آمده است؟
- خوب، چرا ندارد. باید تو مصرف گاز صرفه‌جویی کنی. مثلاً به‌جای اینکه بخاری را زیاد کنی توی خانه لباس گرم‌تر بپوش یا وقتی بخاری روشن است پردهٔ پنجره‌ها را بکش.
- باشد. سعی می‌کنم دیگر بیشتر دقت کنم تا این‌قدر قبض گاز زیاد نشود.
- پولش مهم نیست. مهم این است که اسراف نکنیم.



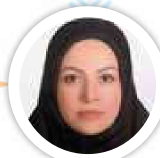
صرفه‌جویی در مصرف برق:	صرفه‌جویی در مصرف آب:	صرفه‌جویی در مصرف گاز:
• لامپ اضافی را خاموش‌کنید. • از لامپ کم‌مصرف استفاده کنید. • از خشک‌کن ماشین لباس‌شویی استفاده نکنید. • لباس‌ها را روی بند پهن و خشک کنید. • غذای گرم را در یخچال نگذارید.	• به‌جای حمام کردن، دوش بگیرید. • شیرهای خراب آب را عوض کنید. • برای آبیاری گل‌ها از آبپاش استفاده کنید. • ماشین را با دستمال و سطل بشویید. • بعد از پر شدن ماشین لباس‌شویی از آن استفاده کنید.	• در فصل سرد سال از پرده‌های ضخیم استفاده کنید. • لباس گرم بپوشید. • پنجره‌ها را دوجداره کنید.

دلایل: • کاهش هزینه‌های زندگی • حفاظت از محیط‌زیست • حفظ انرژی برای نسل‌های آینده

بحث آزاد



کشور ایران در بخش‌های گرم و خشک کرهٔ زمین قرارگرفته است. رشد سریع صنعت و کشاورزی در ایران پس از انقلاب اسلامی باعث شده تا میزان مصرف آب در این کشور روز به روز بیشتر شود. از این گذشته بهبود شرایط سلامت مردم باعث شده تا میزان مرگ‌ومیر در ایران کاهش و جمعیت این کشور روز به روز افزایش پیدا کند. افزایش جمعیت از یک‌سو و رشد صنعتی ایران از سوی دیگر باعث شده تا این کشور بیشتر از هر زمان دیگری به آب نیاز داشته باشد؛ به همین دلیل دولت ایران هرسال با صرف هزینه‌های زیاد تلاش می‌کند تا به مردم هشدار دهد در مصرف آب صرفه‌جویی کنند؛ اما هنوز افراد زیادی وجود دارند که آب را هدر می‌دهند. به نظر شما بهترین روش برای جلوگیری از مصرف بیش از اندازهٔ آب چیست؟



زیبا

به نظر من بهترین روش تبلیغات است. دولت ایران باید تا آنجا که می‌تواند تبلیغات کند تا مردم متوجه شوند کمبود آب جدی است و همهٔ مردم باید در مصرف آب صرفه‌جویی کنند؛ مثلاً با آب آشامیدنی «خودروی» خود را نشویند یا مثلاً در زمان مسواک زدن یا دوش گرفتن شیرآب را ببندند. تبلیغات همیشه مؤثر است. باید تبلیغات را افزایش داد.



عاطفه

تنها تبلیغات کافی نیست. به نظر من آموزش مهم‌تر است. خیلی از افراد به تبلیغات توجه نمی‌کنند. از این گذشته خیلی از افراد هستند که دوست دارند صرفه‌جویی کنند؛ اما این کار را بلد نیستند؛ مثلاً دایی من خیلی به صرفه‌جویی در مصرف آب اهمیت می‌دهد و همیشه به ما تذکر می‌دهد که در مصرف آب صرفه‌جویی کنیم؛ اما او در حیاط خانه‌اش یک باغچهٔ بزرگ دارد که در آن چمن و گل‌های زیادی کاشته است و مجبور است، هر روز آن را آب بدهد. او نمی‌داند که می‌تواند در حیاط خانه‌اش گل‌هایی را بکارد که آب کمتری لازم دارند. با این کار او می‌تواند هر سال مقدار زیادی در مصرف آب صرفه‌جویی کند.



فاطمه

به نظر من آموزش کافی نیست. همین‌الان هم هر وقت تلویزیون را روشن می‌کنی از مصرف صحیح آب صحبت می‌کند. به نظر من آموزش و تبلیغات مؤثر نیست و دولت باید افراد پرمصرف را جریمه کند. از این گذشته باید قیمت آب را گران کنند تا مردم بیشتر قدر آن را بدانند.



مهناز

آموزش یک موضوع به همهٔ افراد جامعه کار ساده‌ای نیست؛ اما به نظر من بهترین کار همین است؛ البته من با آموزش همهٔ افراد جامعه مخالفم. نیازی نیست که ما همه را آموزش بدهیم. آموزش خیلی از بزرگ‌ترها بی‌فایده است؛ چون بزرگ‌ترها به‌سادگی تغییر نمی‌کنند. ما باید همهٔ تمرکز خودمان را معطوف به آموزش بچه‌ها کنیم. این کار به نظر من مؤثرتر است.



نسرین

اما به نظر من جریمه مؤثرتر است. همهٔ افرادی که رانندگی می‌کنند، آموزش‌دیده‌اند تا با سرعت زیاد در شهر رانندگی نکنند؛ اما بااین‌وجود هنوز بسیاری از افراد هستند که با سرعت‌بالا در شهر رانندگی می‌کنند. به نظر من جریمه خیلی مهم‌تر است و دولت باید بیشتر به افزایش جریمه‌ها توجه کند تا آموزش.

۱. شما با نظر کدام‌یک از این افراد موافق هستید؟

۲. به نظر شما برای کنترل مصرف آب در ایران باید جریمه‌ها را افزایش داد یا اینکه آموزش را بیشتر کرد؟

خواندن

پیش‌خواندن

شما تا چه اندازه تلاش می‌کنید تا در مصرف آب صرفه‌جویی کنید؟

میزان آب‌بهای ماهیانهٔ شما چقدر است؟ ☐ کمتر از حد معمول ☐ معمولی ☐ بیشتر از حد معمول

شما کدام‌یک از کارهای زیر را انجام می‌دهید؟

۱. شستن ماشین با یک سطل آب	۲. باز گذاشتن شیر آب در طول حمام کردن	۳. حمام کردن در وان
۴. آبیاری باغچه با آب غیرشرب	۵. تعمیر شیرهایی که چکه می‌کنند.	۶. بردن ماشین به کارواش

الف) آیا این کارها در صرفه‌جویی یا هدر رفتن آب مؤثر است؟ پاسخ را در متن زیر بیابید.

روش‌هایی برای صرفه‌جویی آب در خانه

با رعایت چند نکته ساده می‌توانید میزان آب مصرفی‌تان را به‌طور قابل‌توجهی کاهش دهید. با این روش‌های ساده، هم در مصرف آب صرفه‌جویی می‌کنید و هم آب‌بهای کمتری می‌پردازید.

کاهش زمان حمام کردن

معمولاً بیشتر مردم دوست دارند زمان بیشتری زیر دوش آب باشند و یا هنگام حمام کردن از «وان» استفاده کنند. جالب است بدانید، حمام کردن در وان حدود سه برابر بیشتر از دوش گرفتن، آب مصرف می‌کند. بعضی‌ها در فصل پاییز و زمستان، قبل از حمام کردن، آب گرم را چند دقیقه باز می‌کنند تا حمام گرم شود. برخی نیز عادت دارند شیر آب را از زمان شروع حمام تا آخر باز بگذارند که این کار باعث هدر رفتن آب می‌شود. اگر بتوانید فقط دو دقیقه کمتر در حمام بمانید، مطمئن باشید که در مصرف چندین لیتر آب صرفه‌جویی کرده‌اید.

بستن شیر آب در مواقع غیرضروری

وقتی مسواک می‌زنید شیر آب را ببندید. برای شستشوی ظرف‌ها، هنگام مایع زدن به ظروف، شیر آب را ببندید. شیر آب را فقط زمانی بازکنید که به آن نیاز دارید. اگر می‌خواهید ماشین خود را در حیاط خانه بشویید، به‌جای باز کردن شلنگ آب، از سطل استفاده کنید؛ امّا اگر فرصت کافی دارید، بهتر است اتومبیل را برای شستشو به کارواش ببرید؛ چون آنها از روش‌هایی استفاده می‌کنند که آب کمتری مصرف می‌شود.

تعمیر شیرهای آب

اگر در منزل شیر آبی چکه می‌کند، خیلی زود آن را تعمیر کنید و این کار را به تعویق نیندازید؛ چون آب بسیاری هدر می‌رود. حتی در خیابان و مکان‌های عمومی نیز اگر شیر آبی کاملا بسته نشده است و چکه می‌کند، آن را ببندید و یا اگر نیاز به تعمیر دارد آن را به‌سرعت تعمیر کنید. اگر خودتان نمی‌توانید این کار را بکنید به مدیر آنجا گزارش دهید تا شیر را تعمیر کند.

کاهش آب دادن به باغچه

نگهداری از باغچه به آبِ زیادی نیاز دارد. اگر دوست دارید باغچه‌ای در حیاط داشته باشید، تحقیق کنید چه گیاهانی برای رشد به آب کمتری نیاز دارند، سپس این گیاهان را در کوچه، حیاط یا آپارتمان خود بکارید. نکته دیگر این‌که اگر امکان دارد برای آبیاری باغچه از آب «غیرشُرب» استفاده کنید و سعی کنید آبیاری باغچه را با آبپاش انجام دهید تا آب کمتری هدر رود.

ب) دوباره متن «خواندن» را بخوانید و دو سؤال بنویسید و از دوستان خود در کلاس بپرسید.

۱. ....

پاسخ: ....

۲. ....

پاسخ: ....

ج) شما از چه شیوه‌هایی برای صرفه‌جویی در مصرف آب استفاده می‌کنید؟ دو روش را بیان کنید.

۱. ....

۲. ....

بیاموزیم

جمله شرطی > شرطی ناممکن

شرطی ممکن

در درس گذشته با شرطی ممکن آشنا شدید.

شرطی ناممکن

شرطی ناممکن شرطی است که ازنظر گوینده احتمال وقوع آن (در حال یا گذشته) در شرایط واقعی وجود ندارد. برای نمایش شرطی ناممکن از دو فعل ماضی استمراری و ماضی بعید استفاده می‌شود.

شرطی ناممکن

	شرط	جواب شرط
۱	ماضی استمراری	ماضی استمراری
۲	ماضی بعید	ماضی استمراری
۳	ماضی استمراری	ماضی بعید
۴	ماضی بعید	ماضی بعید

⭐ ۱. اگر درخت‌های جنگل‌ها را قطع نمی‌کردند، هوا گرم نمی‌شد.

۲. اگر درخت‌های جنگل‌ها را قطع نکرده بودند، هوا گرم نمی‌شد.

۳. اگر درخت‌های جنگل‌ها را قطع نمی‌کردند، هوا گرم نشده بود.

۴. اگر درخت‌های جنگل‌ها را قطع نکرده بودند، هوا گرم نشده بود.

نکته ۱: از میان چهار ساخت بالا، ساخت «ماضی استمراری، ماضی استمراری» از سایر ساخت‌ها پرکاربردتر است. (⭐)

نکته ۲: ازآنجایی‌که صرف دو فعل «**داشتن**» و «**بودن**» در ماضی بعید و استمراری چندان مرسوم نیست، در شرطی ناممکن، برای این دو فعل از **ماضی ساده** استفاده می‌شود.

اگر پول‌هایت را جمع کرده بودی، الان یک لپ‌تاپ داشتی.

اگر دیروز حرکت کرده بودیم، الان مشهد بودیم.

تمرین

الف) با استفاده از مصدرهای زیر جمله‌های شرطی ناممکن بنویسید. برای هر بخش می‌توانید از چند روش استفاده کنید.

مثال	غذا خوردن	اگر خوب غذا خورده بودی، گرسنه نمی‌شدی
۱	سینما رفتن	....
۲	مسافرت رفتن	....
۳	سیل آمدن	....
۴	گرسنه بودن	....
۵	پیدا کردن	....
۶	پولدار شدن	....
۷	تحصیل کردن	....

ب) متن «خواندن» را بخوانید و زیر جمله‌های شرطی آن خط بکشید.

ج) با استفاده از ۴ نوع شرطی ناممکن که یاد گرفتید، ۴ اتفاق در زندگی خود را به صورت این چهار نوع شرط بیان کنید.

۱. (ماضی استمراری/ماضی استمراری)

....

۲. (ماضی بعید/ماضی استمراری)

....

۳. (ماضی استمراری/ماضی بعید)

....

۴. (ماضی بعید/ماضی بعید)

....

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۱۲

درس دوازدهم

طبیعت و محیط زیست

▪ واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

ماهی گیری
صعود
تپه
دراز کشیدن
تذکر دادن
کود
برداشت محصول
سم
مسن
دفن شدن
بریدگی
موجب
کمبود
ته سیگار
تهدید
انگار
دنیا روی سرم خراب شد.
مخفیانه
مقصر
بی رویه
گازوئیل
عوارض
تفاله
ته مانده
درآوردن
تفکیک
برخورد کردن
بدهی

▪ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با واژه‌های مرتبط با محیط زیست آشنا شود.

۲. راه‌های محافظت از محیط زیست را بداند.

۳. دربارهٔ خطراتی که محیط زیست را تهدید می‌کند، صحبت کند.

واژه

آیا شما برای تفریح به خارج از شهر می‌روید؟
معمولاً شما زمانی که برای گردش به محل‌های طبیعی می‌روید، کدام‌یک از فعالیت‌های زیر را انجام می‌دهید؟



صعود:
☐ از کوه‌های بلند
☐ از تپه‌های نیمه‌بلند

شنا کردن:
☐ در دریا
☐ در دریاچه
☐ در رودخانه

چادر زدن:
☐ در کویر
☐ در جنگل

ماهیگیری:
☐ در دریا
☐ در دریاچه
☐ در رودخانه

پیاده‌روی:
☐ در تپه‌های کوتاه
☐ در دشت‌ها
☐ در درّه‌ها

دراز کشیدن:
☐ در ساحل دریا
☐ در ساحل دریاچه
☐ در ساحل رودخانه

اگر در زمان گردش کسی را ببینید که طبیعت را آلوده می‌کند، چه کار می‌کنید؟
الف. به او تذکر می‌دهم.　　　ب. هیچ کاری نمی‌کنم.　　　ج. سایر: ....

تمرین

بعضی از انسان‌ها به‌صورت روزانه به یکی از روش‌های زیر به محیط‌زیست آسیب می‌زنند.



قطع درختان

در گزارشی در سال ۲۰۰۵ اعلام شد که هرسال حدود ۶۰ هزار کیلومترمربع از درختان جنگل قطع می‌شود. البته آمار واقعی بسیار بیشتر است؛ چراکه در برخی کشورها درخت‌ها به‌صورت غیرقانونی قطع می‌شوند.



ساختن راه، سد و ساختمان

زمانی که یک اتوبان در وسط کویر ساخته می‌شود، ارتباط بین حیوانات کویر از بین می‌رود؛ چون حیوانات شکارچی نمی‌توانند از اتوبان رد شوند. اگر رودخانه‌ای در آن‌طرف اتوبان باشد، بسیاری از حیوانات از گرسنگی و تشنگی می‌میرند.



آلوده کردن آب‌ها

هرروز میلیون‌ها لیتر فاضلاب از خانه‌ها، کارخانه‌ها و یا بیمارستان‌ها وارد آب‌های آزاد می‌شوند؛ علاوه بر این زباله‌های نفتی، محیط‌زیست دریاها را به‌شدت آلوده می‌کنند.



آلوده کردن خاک

کشاورزان هرسال برای برداشت محصولات بیشتر از کودها و سم‌های شیمیایی در زمین‌های کشاورزی خود استفاده می‌کنند. استفاده از این مواد، خاک را به‌شدت آلوده می‌کند.



آلوده کردن هوا

دود ماشین‌ها، کارخانه‌ها و خانه‌ها هوای شهرهای بزرگ را به‌شدت آلوده می‌کنند. هرسال چندین بار از کودکان و افراد مسن خواسته می‌شود به دلیل آلودگی هوا در خانه بمانند.



تولید زباله

به‌صورت روزانه در جهان حدود ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تن زباله تولید می‌شود که بیشتر آن یا دفن و یا سوزانده می‌شود.

به کارهای روزانهٔ خود فکر کنید. آیا شما هم محیط‌زیست را آلوده می‌کنید؟ چگونه؟

شنیدن

الف) به چهار گفتگوی زیر گوش دهید، سپس مشخص کنید این افراد، در سفر خود چه مشکلات طبیعی را مشاهده کرده‌اند. دلیل آن مشکل چه بوده است؟

۱
الف) اگر گردشگران، زیاد به این شهر سفر نمی‌کردند، درخت‌ها قطع نمی‌شد.
ب) اگر کارخانهٔ چوب‌بری را تعطیل کرده بودند، سیل نمی‌آمد.
ج) اگر مردم درخت‌ها را قطع نمی‌کردند، در شهر «تالش» سیل نیامده بود.

۲
الف) اگر گردشگران زیاد به جنگل‌ها نروند، جنگل‌ها آلوده نمی‌شوند.
ب) اگر گردشگران زباله‌ها را در دریا نمی‌ریختند، دریا آلوده نمی‌شد.
ج) اگر شرکت‌های باربری از کشتی‌های جدیدتری استفاده می‌کردند، دریا آلوده نشده بود.

۳
الف) اگر گردشگران دقت بیشتری می‌کردند، جنگل آتش نمی‌گرفت.
ب) اگر فصل تابستان بود، گردشگران بیشتر دقت می‌کردند.
ج) اگر باران بیشتر می‌آمد، جنگل آتش نمی‌گرفت.

۴
الف) اگر کشاورزان مزرعه‌های کوچک‌تری داشتند، بر روی رودخانه‌ها سد نمی‌ساختند.
ب) اگر بر روی رودخانه‌ها سدهای بیشتری می‌ساختند، دریاچه خشک نمی‌شد.
ج) اگر کشاورزان بیشتر دقت می‌کردند، دریاچه آلوده نمی‌شد.

ب) جمله‌های زیر را بخوانید، کدام‌یک درست و کدام‌یک غلط است.

		درست	غلط
۱	الف) زهرا سعی می‌کند هرسال به شهر تالش سفر کند.		
	ب) بزرگ‌ترین مزیت جنگل‌های تالش این است که آلودگی هوای شهر را کاهش می‌دهد.		
۲	الف) زباله‌های پلاستیکی می‌توانند بریدگی‌های عمیقی را در دهان حیوانات ایجاد کنند و موجب مرگ آنها شوند.		
	ب) شرکت‌های باربری به‌سادگی می‌توانند آلودگی‌های آبی را کاهش دهند.		
۳	الف) آتش‌نشانی به دلیل کمبودِ کمک‌های مردمی نتوانست آتش را به‌موقع خاموش کند.		
	ب) یکی از گردشگران ته سیگارش را بر روی زمین انداخته و باعث آتش‌سوزی در جنگل شده.		
۴	الف) دریاچهٔ «ارومیه» شورترین دریاچهٔ دنیا است.		
	ب) ساختن سد بر روی رودخانه‌های اطراف دریاچهٔ ارومیه، مشکلات بسیاری را برای کشاورزان به وجود آورده.		

ج) یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و معنی اصطلاحات زیر را حدس بزنید.

۱	فکر نمی‌کنم جایی تو ایران مانده باشد که من تا حالا ندیده باشم.	....
۲	این زباله‌ها جان حیوانات را تهدید می‌کند.	....
۳	ما ساکن خرم‌آباد هستیم.	....
۴	انگار دنیا روی سرم خراب شد.	....

کارِ گروهی

۱. محافظت از محیط‌زیست چه اهمیتی دارد؟
۲. شما برای محافظت از محیط‌زیست چه‌کارهایی انجام داده‌اید؟
۳. دولت کشور شما برای محافظت از محیط‌زیست چه برنامه‌هایی دارد؟ آیا این برنامه‌ها کافی هستند؟ به نظر شما چه اقدامات دیگری باید انجام شود؟

گفتگو

پیش‌گفتگو

زباله	آتش
۱. زباله‌های خود را داخل آب رودخانه‌ها نریزید.	۱. اگر در طبیعت آتش روشن کردید، حتماً قبل از رفتن آن را خاموش‌کنید.
۲. زباله‌های تر و خشک را از هم جدا کنید.	۲. فقط شاخه‌های خشک درختان را بسوزانید.
۳. زباله‌های تر را در زیر خاک دفن کنید.	۳. دقت کنید به درختان و لانهٔ حیوانات آسیب نزنید.
۴. زباله‌های خشک را برای بازیافت به شهر بازگردانید.	

زبالهٔ تر: پوست میوه، تفالهٔ چای، ته‌ماندهٔ غذا — زبالهٔ خشک: قوطی کنسرو، ظروف پلاستیکی، کاغذ و ظروف شیشه‌ای

گفتگو

- ■ چرا این قوطی‌های پلاستیکی را انداختی توی سطل آشغال؟
- ▫ خوب کجا بیندازمش؟ زباله است دیگر! زباله را می‌اندازند توی سطل زباله.
- ■ قوطی‌های پلاستیکی زبالهٔ خشک هستند. زباله‌های «خشک» را باید از زباله‌های «تر» تفکیک کرد.
- ▫ من حوصلهٔ این کارها را ندارم. چه فرقی می‌کند؟
- ■ زباله‌های خشک در طبیعت تجزیه نمی‌شوند؛ برای همین این‌ها را بازیافت می‌کنند تا محیط زیست آسیب نبیند. تو با این کارت محیط زیست را آلوده می‌کنی.
- ▫ خیلی خوب، باشد! ببخشید! الآن از تو سطل زباله درشان می‌آورم.
- ■ قول هم بده دیگر زباله‌های خشک و تر را تفکیک کنی.
- ▫ گفتم که، باشد! چشم! اصلاً هر چه شما بگویید.



- اگر جنگل‌ها نباشند، ...
- اگر درختان قطع شوند، ...
- اگر آب دریاها آلوده شود، ...
- اگر دریاچه‌ها از بین بروند، ...
- اگر زباله‌ها را در محیط‌زیست رها کنیم، ...
- محل زندگی حیوانات نابود می‌شود.
- حیوانات از بین می‌روند.
- ماهی‌ها و موجوداتی که در دریا زندگی می‌کنند، می‌میرند.
- با بارندگی شدید، سیل ایجاد می‌شود.
- جنگل‌ها نابود می‌شوند.

- این کارها جان حیوانات را تهدید می‌کند:
- قطع درختان
- ساختن راه، سد و ساختمان
- آلوده کردن آب‌ها
- آلوده کردن خاک
- آلوده کردن هوا
- تولید زباله

- اگر در طبیعت آتش روشن کردید، حتماً قبل از رفتن آن را خاموش‌کنید.
- فقط شاخه‌های خشک درختان را بسوزانید.
- دقت کنید به درختان و لانهٔ حیوانات آسیب نزنید.
- زباله‌های خود را داخل آب رودخانه‌ها نریزید.
- زباله‌های تر و خشک را از هم جدا کنید.
- زباله‌های تر را در زیر خاک دفن کنید.
- زباله‌های خشک را برای بازیافت به شهر بازگردانید.

بحث آزاد

برای تولید هر تن کاغذ باید ۱۷ درخت بزرگ قطع شود. قطع این تعداد درخت هرسال آسیب‌های زیادی را به محیط زیست وارد می‌کند. فقط در ایران سالانه حدود ۲۵۰ هزار تن کاغذ مصرف می‌شود که این یعنی مرگ حدود چهار میلیون و دویست و پنجاه هزار درخت. بسیاری اعتقاددارند اگر به‌جای استفاده از کتاب‌های کاغذی از کتاب‌های الکترونیکی استفاده شود، می‌توان هرسال از قطع شدن میلیون‌ها درخت جلوگیری کرد. حال سؤال اینجاست:

شما در طول سال چند کتاب می‌خوانید؟ آنها بیشتر کاغذی هستند یا الکترونیکی؟

شما بیشتر ترجیح می‌دهید کتاب‌های الکترونیکی بخوانید و به محیط زیست کمک کنید یا کتاب‌های کاغذی بخوانید؟



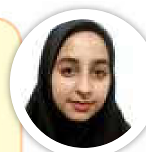
لیلا

به نظر من استفاده از کتاب‌های الکترونیکی خیلی بهتر است؛ چون هم به حفاظت از محیط زیست کمک می‌کند و اجازه نمی‌دهد تا درخت‌ها قطع شوند و هم اینکه مطالعهٔ آنها ساده‌تر است. به‌راحتی می‌توان در آن نکته نوشت و هم اینکه راحت می‌شود آن را از اینترنت دانلود کرد.



ندا

مطالعهٔ کتاب‌های الکترونیکی برای سلامت چشم بسیار خطرناک است. نور صفحه‌های لپ‌تاپ و تبلت چشم‌ها را ضعیف می‌کند. استفادهٔ بیش‌ازحد از کتاب‌های الکترونیکی به سلامت انسان آسیب می‌زند؛ برای همین من همیشه از کتاب‌های کاغذی استفاده می‌کنم.



نرگس

من با شما موافقم ندا جان. درخت‌ها فواید بسیاری دارند که یکی از آنها تولید کاغذ است. استفاده از درخت برای تولید کاغذ یعنی استفادهٔ درست از درخت. هرسال درخت‌های زیادی بریده می‌شوند تا وسایل چوبی بی‌استفاده از آنها درست کنند.



فاطمه

وقتی به‌راحتی می‌توان یک مطلب را در لپ‌تاپ خواند، چرا باید برای انتشار آن، درخت‌ها را قطع کرد. درخت‌ها هم برای انسان‌ها هستند، هم برای حیوانات. ما نباید برای تولید کاغذ آنها را قطع کنیم.



مهناز

لذت خواندن کتاب کاغذی خیلی بیشتر از نگاه کردن به صفحهٔ کامپیوتر است. به نظر من خواندن کتاب‌های الکترونیکی لذت مطالعه را از بین می‌برد.



وحیده

مهناز جان، این احساس فقط به دلیل عادت‌های مطالعهٔ شما است. چون از کودکی فقط کتاب‌های کاغذی مطالعه کردید. اگرچند وقت کتاب الکترونیکی بخوانید، عادت می‌کنید.

نظر شما چیست؟ ....

....

خواندن

پیش‌خواندن

تفکیک زباله‌ها چه فایده‌ای دارد؟

در کشور شما آیا زباله‌ها را تفکیک می‌کنند؟

شما برای تفکیک زباله‌ها روزانه چه‌کارهایی را انجام می‌دهید؟

بطری‌های پلاستیکی در طبیعت

■ پس از نوشیدن آب در کنار جاده، بطری آن را چکار می‌کنید؟

بسیاری از ما این بطری‌ها را در سطل زباله می‌اندازیم؛ اما مدتی است که جمع‌کردن دربطری‌ها برای بعضی افراد به یک موضوع مهم تبدیل‌شده است. این موضوع در ایران از شهر تبریز شروع شد و در تهران و بعضی از شهرهای دیگر هم ادامه پیدا کرد.

یکی از اهالی تبریز به فکر افتاد تا با جمع‌آوری و فروش دِر بطری‌های آب و نوشابه برای معلولان، ویلچر بخرد. او در شهر تبریز گروهی را تشکیل داد و شروع به جمع‌آوری در بطری‌ها کرد. شاید شما هم تاکنون با این گروه برخورد کرده باشید.

با جمع‌آوری ۶۰۰ هزار در، خرید ۶ ویلچر ممکن می‌شود؛ یعنی هر ۱۰۰ هزار در بطری معادل یک ویلچر معمولی است.

یکی از اعضای گروه دربارهٔ اینکه چرا فقط درهای پلاستیکی را جمع‌آوری می‌کنند، می‌گوید: «ما فقط درها را جمع‌آوری می‌کنیم و خود بطری‌ها را تحویل نمی‌گیریم. البته درهای پلاستیکی و بطری‌های پلاستیکی هر دو قابل بازیافت هستند؛ اما امکان بازیافت آنها باهم وجود ندارد. درها باید از بطری‌ها جدا شوند و بعد از دسته‌بندی بازیافت شوند.»



■ دو نفر دیگر از دوستداران محیط‌زیست و طبیعت، قایقی از جنس بطری‌های پلاستیکی ساختند. آن دو، حدود ۱۰۰۰ بطری پلاستیکی را که در طبیعت رهاشده بود، در یک هفته از جنگل و ساحل رودخانه جمع‌آوری کردند و زباله پلاستیکی به شکل یک قایق ساختند و سپس با آن قایق روی رودخانه حرکت کردند. این دوستداران محیط‌زیست گفتند:

«ما تصمیم گرفتیم این قایق را با پیام کمک به محیط‌زیست بسازیم و به سالم ماندن محیط‌زیست کمک کنیم.»

همه برای نجات محیط‌زیست می‌توانند کمک کنند. هنگامی‌که در محیط کار هستید و یا برای تفریح به طبیعت می‌روید، یک پلاستیک بزرگ همراه داشته باشید و زباله‌هایی که اطراف خود می‌بینید، جمع کنید. دیگران را هم تشویق کنید تا از محیط‌زیست محافظت کنند. حفاظت از محیط‌زیست نیاز به تبلیغ دارد و بهترین مکان برای تبلیغ، مدرسه‌ها هستند. باید فرهنگ محیط‌زیست سالم را از همان کودکی به دانش آموزان یاد دهیم تا در آینده آنها با طبیعت برخورد مناسبی داشته باشند.

تمرین

الف) پاسخ سؤالات زیر را در متن بیابید:

۱. اهداف این گروه از جمع‌آوری در بطری چیست؟

۲. چرا این گروه تنها در بطری‌ها را جمع‌آوری می‌کنند؟

۳. هدف از ساخت قایق با بطری‌های پلاستیکی چه بود؟

۴. بهترین راه برای محافظت از محیط زیست چیست؟

بیاموزیم

ادات استثنا

در زبان فارسی به‌جز «اگر» با استفاده از «مگر اینکه» نیز می‌توان جملهٔ شرطی ساخت.

البته از این نوع جمله‌های شرطی زمانی می‌توان استفاده کرد که جملهٔ شرط و جواب شرط از نظر معنایی مخالف یکدیگر باشند.

تو در آزمون حتماً مردود می‌شوی، مگر اینکه خوب درس بخوانی.
او از زندان آزاد نمی‌شود، مگر اینکه بدهی‌اش را بپردازد.

برای استفاده از ساخت «مگر اینکه» از یکی از دو حالت زیر استفاده می‌شود.

جواب شرط		شرط
پلیس شما را جریمه نمی‌کند (نخواهد کرد)	مگر اینکه	خلافی را مرتکب شوید. (حال، آینده)
		خلافی را مرتکب شده باشید. (گذشته و حال)

تمرین

الف) با استفاده از «**مگر اینکه**» و مانند مثال با دو مصدر زیر جمله بسازید.

	مصدر اول	مصدر دوم	جمله
	مثال: در دریا شنا کردن	باران باریدن	ما فردا حتما در دریا شنا می‌کنیم، **مگر اینکه** باران ببارد.
۱	در خانه بودن	سینما رفتن	....
۲	گرسنه بودن	صبحانه خوردن	....
۳	خسته بودن	خوابیدن	....
۴	زندگی کردن	اسباب‌کشی کردن	....
۵	آمدن	مریض بودن	....
۶	برنده شدن	تمرین کردن	....
۷	سروقت آمدن	دیر خوابیدن	....
۸	مسافرت رفتن	خراب بودن	....

ب) جمله‌های شرطی زیر را با استفاده از «مگر اینکه» تغییر دهید.

مثال: اگر هوا خوب باشد، ما فردا حتماً به مسافرت می‌رویم.
ما فردا حتما به مسافرت می‌رویم، مگر اینکه هوا بد باشد.

۱. اگر کتابخانه باز باشد، ما برای درس خواندن به آنجا می‌رویم.

....

۲. اگر رستوران بزرگ بود، جشن تولد را در آنجا می‌گیریم.

....

۳. اگر حال مادرم خوب باشد، او را امسال حتماً به کربلا می‌بریم.

....

۴. در سفرم به ایران، اگر به رشت بروم، حتماً غذای شمالی می‌خورم.

....

۵. اگر حقوقم در این شرکت بالا باشد، حتماً چند سالی در اینجا کار خواهم کرد.

....

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۱۳

درس سیزدهم

حیات وحش ایران

■ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با انواع جانوران آشنا شود.

۲. اندام‌های گوناگون بدن حیوانات را بداند.

۳. حیات وحش ایران را بشناسد.

۴. بتواند داستان‌هایی دربارهٔ حیوانات بیان کند.

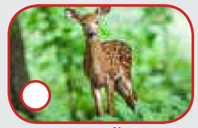
۵. فرایند تکرار را بشناسد.

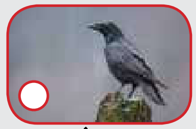
۶. واژه‌های دارای فرایند تکرار را در جمله‌ها استفاده کند.

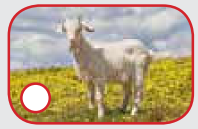
■ واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

کروکودیل، شترمرغ، روباه، گنجشک، مارمولک، خرگوش، آهو، پنگوئن، آفتاب پرست، پستاندار، زنده‌زا، تخم گذار، پر، خزندگان، شکم، کشیده شدن، سم، شاخ، دم، فلس، پولک، نیش، منقار، نوک، چنگال، بال، پنجه، دندان نیش، پوزه، اندام، کوهان، خرطوم، لاک، سیاه گوش، بز کوهی، تمساح پوزه کوتاه، گاندو، گوشت‌خوار، علف‌خوار، انقراض، گرمسیر، سردسیر، شکار، زبر، گل، تکه پاره، آدم خوار، هشدار دادن، بی رویه، نسل، یوزپلنگ، فیل ماهی، آهو، دخالت، زاد و ولد، خون سردی، مشکوک، درپوش، چاله، گودال، حقه باز، کبک، به دام انداختن

واژه


آهو

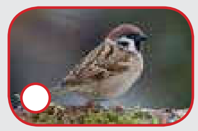

کلاغ


بز


روباه


پنگوئن


شترمرغ


گنجشک


مار

۱ پستانداران
حیواناتی که زنده‌زا هستند و پس از تولد بچه‌هایشان به آنها شیر می‌دهند.

۲ پرندگان
حیواناتی که تخم‌گذار هستند و روی بدنشان پر دارند.

۳ خزندگان
حیواناتی که تخم‌گذار هستند، در هنگام حرکت، شکم آنها روی زمین کشیده می‌شود.


لاک‌پشت


کروکودیل


آفتاب‌پرست


عقاب


سگ


موش


مارمولک

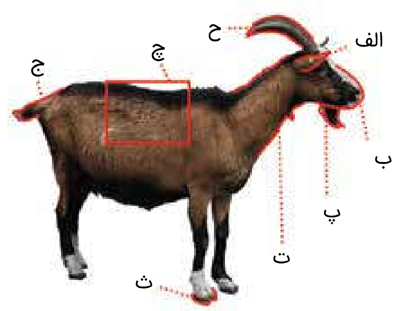

مرغ و خروس

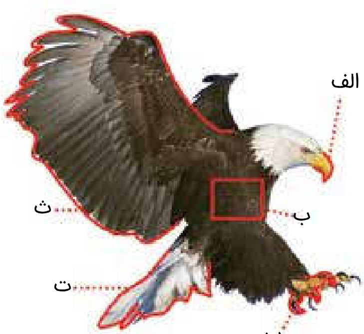

خرگوش

تمرین

الف اجزای حیوان را در مقابل واژه‌ها با حروف مشخص کنید.

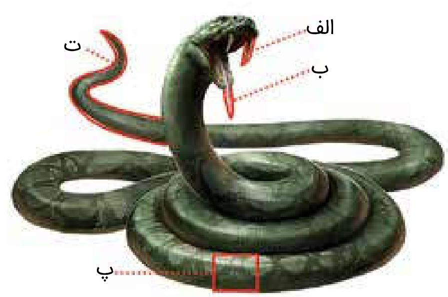
۱. .... سُم
۲. .... شاخ
۳. .... مو
۴. .... ریش
۵. .... پوزه
۶. .... دم
۷. .... گوش
.... گردن

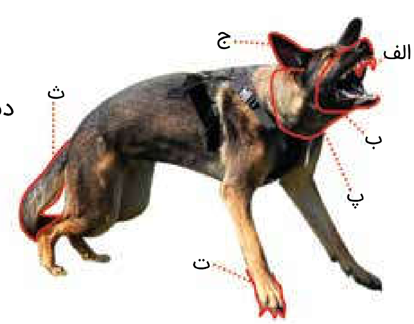




منقار (نوک) ۱
چنگال ۲
بال ۳
دم ۴
پر ۵

۱. .... زبان
۲. .... فلس (پولک)
۳. .... نیش
۴. .... دم





پنجه ۱
دندان نیش ۲
پوزه ۳
دم ۴
گردن ۵
گوش ۶

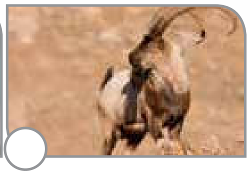
ب معنی این واژه‌ها را با کمک دوستان خود پیدا کنید. این اندام برای چه حیوانی است؟

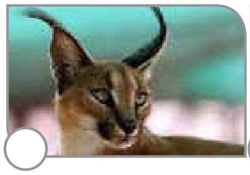
کوهان: .... خرطوم: .... لاک: ....

شنیدن

الف) به سه توضیح زیر گوش دهید، سپس مشخص کنید گوینده در هر مورد دربارهٔ کدام حیوان صحبت می‌کند.







ب) یک‌بار دیگر به این توضیحات گوش دهید و جدول زیر را کامل کنید

	تغذیه		محل زندگی: مناطق ...		درحال انقراض		دلیل خطر انقراض
	گوشت‌خوار	علف‌خوار	گرمسیر	سردسیر	بلی	خیر	
گاندو	◯	◯	◯	◯	◯	◯	....
بزکوهی	◯	◯	◯	◯	◯	◯	....
سیاه‌گوش	◯	◯	◯	◯	◯	◯	....

ج) این جمله‌ها در مورد کدام‌یک از این سه حیوان درست است؟ هر سؤال ممکن است بیش از یک پاسخ داشته باشد.

	گاندو	بزکوهی	سیاه‌گوش
۱. این حیوان دو عدد شاخ دارد.			
۲. این موجود شکارچی است و دندان‌های بسیار خطرناکی دارد.			
۳. حیوان بسیار سریعی است.			
۴. به خاطر رنگ بدنش می‌تواند خودش را در طبیعت مخفی کند.			
۵. بچه‌های آنها خیلی ضعیف هستند و حیوانات دیگر به‌راحتی می‌توانند آنها را شکار می‌کنند.			
۶. این حیوان تخم‌گذار است.			
۷. شکار آنها در ایران غیرقانونی است.			
۸. بدنش با فلس پوشیده شده است.			
۹. این موجود سم‌های پهنی دارد.			
۱۰. جنس نر این حیوان معمولاً چند جفت ماده دارد.			

د) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پرکنید. سپس یک‌بار دیگر متن شنیداری را بشنوید و پاسخ‌های خود را بررسی کنید.

گاندو	بزکوهی	سیاه‌گوش
۱. این حیوانات خزنده، از ماهی‌ها، خزنده‌ها و پستانداران	۱. به همین دلیل بدنشان با موهای زبر و کوتاه .... است.	۱. یک سیاه‌گوش ماده در هر بار .... می‌تواند سه .... به دنیا آورد.
۲. درون دهان آنها حدود ۳۴ دندان بسیار خطرناک وجود دارد که به‌سادگی می‌توانند هر حیوانی را .... کنند.	۲. بزهای کوهی نر علاوه بر ریش، بر روی سرشان شاخ‌های بلندی دارند که به .... عقب	۲. سال‌ها پیش، .... سیاه‌گوش‌ها به دلیل شکار .... در حال انقراض بود.
۳. متخصصان همواره به روستاییان منطقهٔ سیستان .... که زیاد به گاندوها نزدیک نشوند.	۳. البته ماده‌ها هم شاخ دارند ولی این شاخ‌ها کوتاه‌ترند و .... ۲۰ سانتیمتر	۳. اما خوشبختانه دولت ایران با غیرقانونی .... شکار سیاه‌گوش‌ها نسل آنهـا را .... خطر انقراض ....

کارِ گروهی

۱. در کشور شما چه حیوانی بیشتر از سایر حیوانات وجود دارد؟ این حیوان را توصیف کنید؟

۲. آیا مردم از این حیوان در خانه نگهداری می‌کنند؟ آیا شما با این کار موافق هستید؟

گفتگو

پیش‌گفتگو

حیوانات ایرانی	دلایل انقراض
۱. شیر ایرانی منقرض‌شده است.	شکار بی‌رویه
۲. سیاه‌گوش ایرانی در حال انقراض است.	از بین رفتن محل زندگی با دخالت انسان
۳. یوزپلنگ ایرانی درخطر انقراض است.	خشک‌سالی و کمبود غذا
۴. فیل‌ماهی دریای خزر از خطر انقراض نجات پیدا کرد.	آلودگی محل زندگی
۵. در سال‌های اخیر زاد و ولد بزهای کوهی افزایش‌یافته است.	تغییرات بیش‌ازحد شرایط آب و هوایی

گفتگو

▪ دیروز توی یک وب‌سایت یک مقاله دربارهٔ شیر ایرانی نوشته بود.

▫ شیر ایرانی! مگر ایران هم شیر دارد؟

▪ الان نه! تا حدود ۷۰ سال پیش توی خوزستان و شیراز، شیر ایرانی زندگی می‌کرده؛ اما الان دیگر منقرض‌شده‌اند.

▫ چرا؟

▪ مهم‌ترین دلیلش شکار بی‌رویه بوده؛ ولی کمبود غذا و قطع کردن درختان هم باعث شده که محل زندگی آنها از بین برود و منقرض بشوند.

▫ یعنی الان حتی یک حیوان هم ازشان باقی نمانده؟

▪ نه متاسفانه! البته هنوز یک‌گونه از شیر ایرانی تو جنگل‌های هندوستان زندگی می‌کند. سازمان محیط زیست ایران دارد سعی می‌کند چند تا از آنها را به ایران بیاورد.

▫ چه خوب! خدا کند دوباره شیر ایرانی به ایران برگردد.

▪ خدا کند!



- موش
- عقاب
- کروکدیل
- مار
- سگ
- مرغ و خروس
- شترمرغ
- روباه
- لاک‌پشت
- گنجشک
- مارمولک
- خرگوش
- آهو
- کلاغ
- بز
- پنگوئن
- آفتاب‌پرست

- سم
- شاخ
- مو
- ریش
- پوزه
- گوش
- گردن
- منقار (نوک)
- چنگال
- بال
- دم
- پر
- زبان
- فلس (پولک)
- پنجه
- دندان نیش

- پستانداران
- خزندگان
- پرندگان
- ماهی‌ها

- گوشت‌خوار
- علفخوار
- مناطق گرمسیر
- مناطق سردسیر

- شکار بی‌رویه
- از بین رفتن محل زندگی با دخالت انسان
- خشک‌سالی و کمبود غذا
- آلودگی محل زندگی
- تغییرات بیش‌ازحد شرایط آب و هوایی

- ...... منقرض‌شده است.
- ...... در حال انقراض است.
- ...... درخطر انقراض است.
- ...... از خطر انقراض نجات پیدا کرد.
- زاد و ولد حیوان افزایش‌یافته است.

بحث آزاد

کشتن مار ممنوع

سازمان محیط‌زیست کشتن مار در استان یزد را ممنوع کرد

در بیابان‌های اطراف شهر یزد نوعی مار زندگی می‌کند که بسیاری از شرکت‌های داروسازی از زهر آن برای تولید دارو استفاده می‌کنند. شغل بسیاری از مردم روستاهای اطراف یزد شکار این مارها است. متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل شکار بیش‌ازحد، تعداد این مارها بسیار کم شده و نسل آنها در حال انقراض است. سازمان حفاظت از محیط‌زیست ایران در یک اقدام سریع شکار این مارها را غیرقانونی اعلام کرده و از مردم خواسته به‌هیچ‌عنوان این حیوان زیبا را نکشند.



فرشاد

مگر می‌شود نسل مارها منقرض شود. من در استان یزد زندگی می‌کنم. بیابان‌های این استان پر از مار است. این مارها حتی بعضی وقت‌ها به خانهٔ مردم هم می‌آیند. با شکار چند مار که نسل آنها منقرض نمی‌شود.



سعید

من هم با آقا فرشاد موافقم. اتفاقاً من خیلی خوشحال می‌شوم، اگر نسل مارها منقرض شود. من از مارها اصلاً خوشم نمی‌آید. چند روز پیش یکی از آنها وارد خانهٔ ما شده بود. همهٔ ما خیلی ترسیدیم و مجبور شدیم با آتش‌نشانی تماس بگیریم.



محمدرضا

این عقیده کاملاً اشتباه است. مار هم یک موجود زنده است و حق زندگی کردن دارد. شما نباید فقط به خاطر اینکه از مارها خوشتان نمی‌آید، آنها را بکشید. در اسلام بارها تأکید شده که مسلمانان باید به حیوانات احترام بگذارند. می‌گویند، یک روز پیامبر در حال وضو گرفتن بودند. در همین لحظه گربهٔ تشنه‌ای را می‌بینند. پیامبر وضویش را قطع می‌کند، به گربه آب می‌دهد و بعد بازمی‌گردد و دوباره وضو می‌گیرد.



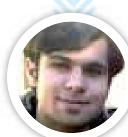
مسعود

محمدرضا جان، من هم با شما موافقم. کشتن حیوانات گذشته از اینکه کار بسیار بدی است، نظم طبیعت را به هم می‌زند. اگر نظم طبیعت به هم بخورد، زندگی همهٔ موجودات به خطر می‌افتد؛ مثلاً اگر نسل مارها منقرض شود، همهٔ دنیا پر از موش می‌شود.



مرتضی

یک موضوع مهم دیگر هم وجود دارد. اگر شکار این مارها ممنوع شود، تعداد زیادی شکارچی مار بیکار می‌شوند. حال این افراد باید چکار کنند؟



فرامرز

آقا مرتضی حرف شما درست است؛ اما این شکارچیان این مارها را برای استفاده در صنعت داروسازی شکار می‌کنند. اگر این مارها شکار نشوند، چطور می‌توان این داروها را تولید کرد؟

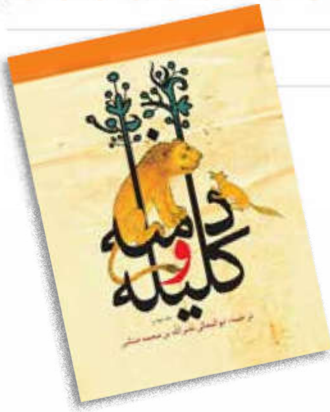
۱. نظر شما چیست؟ شما با نظر کدام‌یک از این افراد بیشتر موافق هستید؟

۲. آیا غیرقانونی اعلام کردن شکار مار در استان یزد کار درستی بوده است؟

خواندن

پیش‌خواندن

آیا تابه‌حال نام کتاب «کلیله‌ودمنه» را شنیده‌اید؟
دربارهٔ این کتاب چه می‌دانید؟
با استاد خود دراین‌باره گفتگو کنید.



دو داستان از «کلیله و دمنه»

▪ گرگ گرسنه‌ای به دنبال شکار بود که ناگهان چشمش به خرگوشی افتاد. خرگوش خیلی ترسید؛ اما سعی کرد خونسردی‌اش را حفظ کند. او به گرگ گفت: «شما حیوان بزرگی هستید. خرگوش غذای مناسبی برای شما نیست. من می‌توانم شما را به خانه روباه ببرم تا او را بخورید. روباه از من هم چاق‌تر است و هم خوشمزه‌تر.» گرگ قبول کرد و خرگوش برای اینکه روباه را فریب بدهد، به خانهٔ او رفت. خرگوش به روباه گفت که دوستش می‌خواهد برای مهمانی به خانهٔ او بیاید تا با هم بیشترآشنا شوند. روباه که حیوان بسیار باهوشی بود به حرف‌های خرگوش مشکوک شده و از پنجره بیرون خانه را نگاه کرد. بیرون از خانه گرگ گرسنه را دید. وقتی خرگوش رفت تا گرگ را به خانه بیاورد، روباه در چاله‌ای را که از قبل جلوی خانه کنده بود، باز کرد و با فرش روی آن را پوشاند. وقتی گرگ و خرگوش وارد خانه شدند، هر دو درون چاه افتادند و روباه هم گودال را با سنگ و خاک پر کرد تا برای همیشه حیوانات از دست گرگ ظالم و خرگوش حقه‌باز راحت شوند.



▪ در یک دشت سرسبز و زیبا، کبک کوچکی در زیر زمین چاله‌ای کنده بود و در آنجا زندگی می‌کرد. یک روز شکارچی‌ای به دشت آمد و او را به دام انداخت. شکارچی کبک را به شهر برد و به مردی ثروتمند فروخت. مرد ثروتمند چند ماهی از کبک در قفس نگهداری می‌کرد؛ اما یک روز وقتی در قفس را باز کرد تا برای او آب و غذا بگذارد، کبک ازآنجا فرار کرد.
وقتی کبک به دشت بازگشت و به لانه‌اش رسید با تعجب دید که موشی به آنجا آمده و در لانهٔ او زندگی می‌کند. کبک با ناراحتی به موش گفت: «اینجا لانهٔ من است، تو اینجا چکار می‌کنی؟» موش گفت: «من مدت‌هاست که در این سوراخ زندگی می‌کنم. این لانه مال من است و از آن بیرون نمی‌روم.» در این زمان کلاغی که درآن نزدیکی زندگی می‌کرد جلو آمد و گفت: «کنار رودخانه گربهٔ باهوشی زندگی می‌کند. بهتر است شما هم پیش او بروید و مشکلتان را به او بگویید، شاید بتواند مشکلتان را حل کند.»
کبک و موش پیش گربه رفتند و موضوع را برای او تعریف کردند. گربه کمی صبر کرد و گفت: «من پیر شده‌ام و گوش‌هایم درست نمی‌شنود. نزدیک‌تر بیاید و دوباره مشکلتان را بگویید.» کبک و موش به گربه نزدیک شدند تا مشکل را دوباره توضیح دهند؛ اما تا نزدیک آمدند گربه روی آنها پرید و هر دو را خورد.

تمرین

الف) در جدول‌های زیر ترتیب اتفاقات در هر داستان را مشخص نمایید.

گرگ و خرگوش

...	الف) خرگوش به روباه گفت می‌خواهم با دوستم بیشتر آشنا شوی.
...	ب) خرگوش گفت: روباه از من خوشمزه‌تر است.
...	پ) روباه در مقابل خانه‌اش چاله‌ای را کند.
...	ت) روباه چاله را با سنگ و خاک پر کرد.
...	ث) گرگ می‌خواست خرگوش را بخورد.

کبک و موش

...	ج) کلاغ به آنها گفت پیش گربه بروند و مشکلشان را به او بگویند.
...	چ) موش به خانهٔ کبک رفت و در آنجا شروع به زندگی کرد.
...	ح) کبک از خانهٔ مرد ثروتمند فرار کرد.
...	خ) گربه آنها را خورد.
...	د) شکارچی کبک را در دشت شکار کرد.

ب) دربارهٔ این دو داستان در کلاس گفتگو کنید. از هرکدام چه نتیجه‌هایی می‌توان گرفت؟

بیاموزیم

فرایند تکرار

اگر آوایی دو بار تکرار شود و یک واژهٔ جدید بسازد،
به این شکلِ واژه‌سازی، «فرایند تکرار» می‌گویند.

الف) اسم صوت: به صداهای موجود در طبیعت، صدای دیگر موجودات زنده و یا صدای به هم خوردن اشیا که در زبان به‌عنوان یک واژه به کار می‌رود «اسم صوت» می‌گویند.
به مثال زیر توجه کنید.

- چهچه صدای آواز بلبل است.
- شُرشُر صدای ریخته شدن آب است (مانند آبِ آبشار).
- اگر کسی روی برگ‌های خشک قدم بزند، صدای خِش‌خِش می‌آید.
- به صدایی که از در زدن به گوش می‌رسد تَق‌تَق می‌گویند.

در جمله‌های بالا صداهای «چهچه» «شُرشُر» «خِش‌خِش» «تق‌تق» اسم صوت هستند.

ب) برخی قیود و صفت‌ها مثل:

رفته‌رفته	یکی‌یکی
گروه‌گروه	آرام‌آرام

ج) در فارسی عامیانه برای نمایش معنی «یک شی یا چیزی شبیه به آن» اسم موردنظر را تکرار کرده و حرف اول آن را به «م» یا «پ» (اگر خود واژه با «م» شروع شود) تغییر می‌دهند.

صندلی مندلی (صندلی یا چیزی شبیه به آن)
کیف میف (کیف یا چیزی شبیه به آن)
مُبل پُبل (مبل یا چیزی شبیه به آن)

تمرین

الف) در متن زیر واژه‌هایی را که با فرایند تکرار ساخته‌شده‌اند، بیابید.

طبیعت در همه فصل‌ها زیباست. صدای چهچه بلبل و شُرشُر آب را در فصل بهار می‌شنویم. گل‌ها و میوه‌های رنگارنگ تابستان بسیار دیدنی هستند و صدای جیک‌جیک گنجشکان در حیاط خانه شنیده می‌شود. در فصل پاییز برگ‌های رنگارنگ روی زمین می‌ریزند و صدای خش‌خش برگ درختان به گوش می‌رسد. در فصل زمستان سفیدی برفی که روی درختان نشسته خیلی زیباست. در این فصل صدای چک‌چک قطره‌های باران به من آرامش می‌دهد.

ب) با کمک همکلاسی خود معنی اسم صوت‌های زیر را پیدا کنید.

۱	جیک‌جیک	....
۲	شالاپ‌شلوپ	....
۳	تیک‌تاک	....
۴	میومیو	....
۵	واق‌واق	....
۶	قدقد	....
۷	قوقولی‌قوقو	....

ج) دربارهٔ اسم صوت‌های موجود در زبان خود در کلاس گفتگو کنید.

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۱۴

درس چهاردهم

تمدن‌های بزرگ جهان

▪ واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

تمدن، سالیان سال، گنبد،
آجری، شورشی، چوگان،
رژه، وارونه، فروپاشی،
جنگ داخلی،
محدوده جغرافیایی، حرفه،
دامداری،
ماهی گیری، مذهب،
بین النهرین، نژاد، آزادانه،
مقبره، پیچیده،
خط میخی، هخامنشیان،
مومیایی، هرم،
آثار باستانی، تمامی، میخ،
کتیبه، قلمرو، حاصل خیز،
آجر، معابد، رواج داشتن،
تقریبی، مردم شناسی،
مؤسس، فرمانروا، نبرد،
دستاورد، به جا مانده،
پیش از میلاد،
پس از میلاد، دستاورد،
رأفت، پایه گذاری، فراگیری،
قومی، ناخواسته،
جای جای، تندرو،
نژادپرست، گسترش،
دیدگاه، قصد، توهین،
بی گناه، محکوم کردن،
قبیله، باستان شناس،
مصنوعی، متعلق،
موکول شدن، مبتلا بودن،
هیدروسفالی، جمجمه،
کاوش، هدفمند، جام،
منحصر به فرد، ایده،
متحرک، پیوند

▪ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. برخی از آثار باستانی ایران را بشناسد.

۲. با بعضی از تمدن‌ها آشنا شود.

۳. اطلاعات مهم مرتبط با تمدن‌های بشری را بداند.

۴. بتواند دربارهٔ یک تمدن و مسائل مرتبط با آن صحبت کند.

۵. حروف ربط و کاربرد آنها را بشناسد.

۶. تفاوت هر یک از حروف ربط را با یکدیگر بداند.

واژه

آثار باستانی مهم در ایران



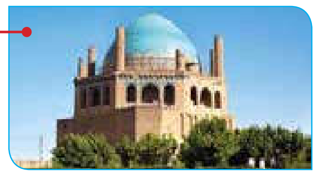
تخت جمشید

تخت جمشیدسالیان سال پایتخت امپراتوری بزرگ ایران بوده است.



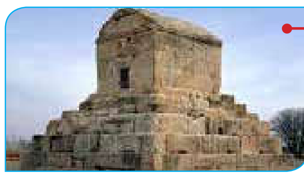
تخت سلیمان

نام محل تاریخی بزرگی در نزدیکی روستای تخت سلیمان در استان آذربایجان غربی است.



گنبد سلطانیه

بزرگ‌ترین گنبد آجری جهان و مقبرهٔ «اولجایتو» پادشاه مغول است که پس از مسلمان شدن نام خود را به سلطان محمد خدابنده تغییر داد.



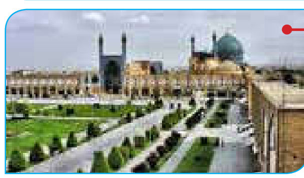
پاسارگاد

«پاسارگاد» مجموعه‌ای از آثار باستانی باقی‌مانده از دوران هخامنشی که در ۱۳۵ کیلومتری شمال شیراز در منطقه پاسارگاد استان فارس واقع‌شده است.



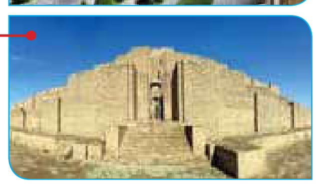
سنگ‌نوشتهٔ بیستون

این سنگ‌نوشته‌حدود ۲۷ کیلومتری شهر کرمانشاه در غرب ایران است و تصویر پیروزی داریوش بر یک شورشی را نشان می‌دهد.



میدان نقش‌جهان

میدان نقش جهان‌در قرن یازدهم هجری قمری (قرن هفدهم میلادی) یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های جهان بوده و در دوره شاه‌عباس در محل بازی چوگان ساخته شده است.



چغازنبیل

«چغازنبیل» درواقع محل عبادت بوده که توسط یکی از پادشاهان ایلام باستان در ۴۵ کیلومتری شهر شوش ساخته‌شده است. چغازنبیل در زبان لری به معنی سبد وارونه است.

تمرین

دربارهٔ یکی از تمدن‌های بزرگ دنیا تحقیق کنید. کدام‌یک از اطلاعات زیر را می‌توانید کامل نمایید.

۱. نام تمدن: ....

۲. زمان تأسیس: .... ☐ قبل از میلاد ☐ پس از میلاد

۳. زمان فروپاشی: .... ☐ قبل از میلاد ☐ پس از میلاد

۴. دلیل فروپاشی: ☐ جنگ‌های داخلی ☐ حملهٔ کشورهای دیگر ☐ سایر: ....

۵. محدودهٔ جغرافیایی تمدن: ☐ آسیای شرقی ☐ آسیای میانه ☐ بین‌النهرین ☐ شمال آفریقا ☐ آمریکای جنوبی ☐ اروپا ☐ سایر: ....

۶. حرفهٔ بیشتر مردم: ☐ تجارت ☐ کشاورزی ☐ دامداری ☐ ماهیگیری ☐ سایر: ....

۷. مذهب: .... ۸. زبان: ....

شنیدن

الف) به متن‌های زیر گوش بدهید سپس جدول زیر را کامل کنید.

	زمان تمدن	محدودهٔ جغرافیایی	حرفه بیشتر مردم	دلیل فروپاشی
۱				
۲				
۳				

ب) یک‌بار دیگر گفتگوها را گوش دهید؛
جمله‌های زیر در مورد کدام‌یک از این سه تمدن صحیح است؟

	تمدن اول	تمدن دوم	تمدن سوم
۱. معماران این تمدن از مجسمه‌های زیبا برای تزئین ساختمان‌ها استفاده می‌کردند.			
۲. به پادشاهان این تمدن فرعون می‌گفتند.			
۳. مردم با هر نژاد و مذهبی، آزادانه در این تمدن زندگی می‌کردند.			
۴. در این تمدن داشتن مقبرهٔ بزرگ نشان‌دهندهٔ قدرت بود.			
۵. پادشاهان این تمدن عقاید خود را بر روی سنگ‌های بزرگ می‌نوشتند.			
۶. هنرمندان این تمدن به معماری، تئاتر و موسیقی علاقهٔ بسیاری داشتند.			
۷. پزشکان این تمدن می‌توانستند جراحی‌های پیچیده‌ای را انجام دهند.			
۸. خط میخی، خط رسمی این تمدن است.			
۹. فیلسوفان و علمای بسیاری در این تمدن زندگی می‌کردند.			
۱۰. تجارت دریایی ازجمله مشاغل مهم در این تمدن بود.			

ج) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پرکنید. سپس یک‌بار دیگر متن شنیداری را بشنوید و پاسخ‌های خود را بررسی کنید.

تمدن ایران	تمدن مصر	تمدن یونان
خط زبان فارسی یکی از مهم‌ترین .... هخامنشیان بود. به دلیل اینکه .... حروف در این خط .... بود، به این خط، خط میخی می‌گویند. از دوران هخامنشیان .... بسیاری .... است که بزرگ‌ترین آن «بیستون» در شهر کرمانشاه است	زمانی که یک فرعون .... ، او را مومیایی .... و در هرم‌ها می‌گذاشتند. هر پادشاهی .... تا کاخ و هرم بزرگ‌تری بسازد و همین موضوع .... که بسیاری از مردم .... کشاورزی، به حرفهٔ معماری نیز	از آن زمان مجسمه‌های بسیاری .... که هم‌اکنون در موزه‌های بزرگ دنیا .... آنها .... می‌شود. موسیقی و تئاتر نیز در میان یونانیان .... تا حدی که بسیاری از کارشناسان .... اولین نمایش‌های دنیا در شهر آتن ....

کارِ گروهی

؟) آیا تابه‌حال از هیچ‌یک از آثار باستانی زیر دیدن کرده‌اید؟


۱. معبد آسمان - چین


۲. اهرام ثلاثه - مصر


۳. تاج محل - هند


۴. کولوسئوم - ایتالیا

۱. دربارهٔ یکی از آثار باستانی کشور خود در کلاس صحبت کنید. این اثر برای چه زمانی است؟
۲. وسعت آن چقدر است؟ در کدام شهر از کشور شما است؟ آیا تابه‌حال از آن دیدن کرده‌اید؟

گفتگو

پیش‌گفتگو

اطلاعات تاریخ و جغرافیای تمدن	اطلاعات مردم‌شناسی
۱. زمان تقریبی تأسیس تمدن	۱. حرفهٔ بیشتر مردم
۲. زمان فروپاشی تمدن	۲. دین اکثر مردم
۳. دلیل فروپاشی تمدن	۳. زبان بیشتر مردم
۴. محدودهٔ جغرافیایی تمدن	۴. هنر موردعلاقهٔ مردم

اطلاعات سیاسی و نظامی	دستاوردهای علمی، فرهنگی و هنری
۱. مؤسس تمدن	۱. دستاوردهای فرهنگی تمدن
۲. آخرین پادشاه، حاکم یا فرمانروای تمدن	۲. آثار به‌جامانده از تمدن
۳. بزرگ‌ترین دشمنان این تمدن	۳. دانشمندان معروف و دستاوردهای علمی آنها
۴. نبردهای مهم در تاریخ این تمدن	۴. هنرمندان معروف و آثار به‌جامانده از آنها

گفتگو



▪ سحر! این کتاب چیست که از صبح داری می‌خوانی؟

▫ خیلی قشنگ است. دربارهٔ تمدن اسلام است.

▪ من هم کتاب‌های تاریخی را خیلی دوست دارم؛ اما هیچ‌وقت وقت نمی‌کنم بخوانم. حالا چه نوشته؟

▫ همه‌چیز. چه می‌خواهی بدانی؟

▪ اسلام محدودهٔ جغرافیایی بزرگی داشته؟

▫ آره! آسیای جنوب غربی، شمال آفریقا، جنوب اروپا، خیلی بزرگ بوده.

▪ شغل بیشتر مردم چه بوده؟

▫ محدودهٔ جغرافیایی اسلام خیلی وسیع بوده. مردم همه کاری می‌کردند. کشاورزی، دامداری؛ اما در کنار این‌ها خیلی‌ها تاجر بودند.

▪ چقدر جالب.

- زمان تقریبی تأسیس/ فروپاشی تمدن حدود ۱۰۰ سال پیش/ پس از میلاد است.
- محدودهٔ جغرافیایی تمدن آسیای میانه/ شرقی/ غربی/ بین‌النهرین/ شمال آفریقا/ آمریکای جنوبی/ خاورمیانه بود.
- بزرگ‌ترین دشمنان این تمدن، قبایل کوچک/ رومی‌ها/ یونانی‌ها و ... بودند.
- حرفهٔ بیشتر مردم ماهیگیری/ کشاورزی/ تجارت/ دامداری بود.

- اهرام ثلاثه مصر/ هرم آفتاب/ دیوار بزرگ چین/ تخت جمشید مهم‌ترین اثر به‌جامانده از این تمدن است.
- بوعلی سینا/ لئوناردو داوینچی/ مولانا/ گوته/ ارسطو مهم‌ترین دانشمندان/ هنرمندان این تمدن بودند.
- بیشتر مردم در این تمدن مسلمان/ مسیحی/ یهودی/ بت‌پرست بودند.
- زبان آنها عربی/ فارسی/ ترکی/ یونانی بوده است.

- اطلاعات تاریخ و جغرافیای تمدن
- اطلاعات مردم‌شناسی
- اطلاعات سیاسی و نظامی
- دستاوردهای علمی، فرهنگی و هنری
- مؤسس تمدن
- آخرین پادشاه، حاکم یا فرمانروای تمدن
- بزرگ‌ترین دشمنان این تمدن
- نبردهای مهم در تاریخ این تمدن

بحث آزاد

تمدن اسلامی؛ اسلام دین رأفت و مهربانی

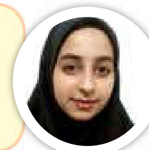





تمدن اسلامی، چهارده قرن پیش، توسط پیامبر اسلام حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله، در عربستان پایه‌گذاری شد. دین اسلام باعث شد تا این کشور در مدت کوتاهی به یکی از ابرقدرت‌های بزرگ دنیا تبدیل شود. مسلمانان توانستند بخش‌های وسیعی از آفریقا، اروپا و آسیای مرکزی را فتح نمایند. البته قدرت آنها در آن زمان تنها محدود به قدرت نظامی نمی‌شد. توجه ویژهٔ دین اسلام به فراگیری علم باعث شد تا دانشمندان بزرگی در کشورهای اسلامی رشد کنند و مدارس و دانشگاه‌های بسیاری در این کشورها تأسیس شود. در تمدن اسلامی حقوق بسیاری به زنان داده شد و تفاوت‌های قومی و نژادی از بین رفت.

اما متأسفانه در سال‌های اخیر، بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی و خبری، خواسته یا ناخواسته، تصویر بسیار وحشتناکی را از مسلمانان به نمایش گذاشته‌اند. این موضوع باعث شده تا مسلمانان در جای‌جای دنیا مورد آزار و اذیت قرار گیرند. تا به امروز گروه‌های تندرو و نژادپرست بسیاری در کشورهای غربی تشکیل‌شده که هدف اصلی آنها مبارزه با اسلام و مسلمانان است. ازنظر این گروه‌های تندرو اسلام دین خطرناکی است و باید از گسترش آن جلوگیری کرد.

نظر شما چیست؟ آیا دین اسلام دین خطرناکی است؟ آیا باید از گسترش این دین جلوگیری کرد؟


نرگس

این دیدگاه که اسلام برای دنیا خطرناک است، دیدگاه خنده‌داری است. تمدن اسلامی تمدن بسیار بزرگی است. در حال حاضر حدود یک‌پنجم از جمعیت جهان مسلمان هستند. این دیدگاه یعنی یک‌پنجم از جمعیت جهان خطرناک هستند و نباید به آنها اجازهٔ زندگی داد.


علی

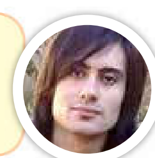
من با خانم نرگس موافقم. اسلام یک فلسفه است. بسیاری از دانشمندان بزرگ دنیا مسلمان بودند و بسیاری از علوم را مسلمانان پایه‌گذاری کردند. ابن‌سینا، فارابی و مولانای رومی چه خطری برای دنیا به وجود آوردند.


لیانا

من قصد بی‌احترامی و توهین به مسلمانان را ندارم. علی آقا حرف شما کاملاً درست است. علما و دانشمندان مسلمان به پیشرفت علم در دنیا بسیار کمک کردند؛ اما من یک سؤال دارم. حملات تروریستی در پاریس و لندن را چه کسانی انجام دادند؟ هرساله تعداد زیادی در آفریقا توسط گروه‌های مختلف کشته می‌شوند. آیا این تروریست‌ها مسلمان نیستند؟


محمد

لیانا خانم، مشکل درست همین‌جا است. ازنظر بسیاری از مسلمانان این افراد مسلمان نیستند. دین اسلام به‌هیچ‌عنوان به مسلمانان اجازه نمی‌دهد تا یک انسان بی‌گناه را بکشد. در قرآن کریم خداوند می‌فرمایند: «هرکس انسان بی‌گناهی را به قتل برساند، مانند این است که همهٔ انسان‌ها را کشته است». اگر کسی به زنان و کودکان بی‌گناه حمله کند و آنها را بکشد با قرآن مخالف است. چطور یک نفر می‌تواند اسم خودش را مسلمان بگذارد و با قرآن مخالفت کند؟


شهرام

اگر بیشتر مسلمانان با این گروه‌ها مخالف هستند، چرا مخالفت خود را اعلام نمی‌کنند؟ چرا اجازه می‌دهند عده‌ای به‌سادگی با استفاده از نام اسلام مردم بی‌گناه را بکشند؟ سکوت مسلمانان در مقابل این گروه‌ها به معنی تایید آنها است.


فرید

مسلمان‌ها بارها و بارها این حملات را محکوم کرده‌اند؛ اما متأسفانه به دلیل اینکه شبکه‌های خبری مسلمان ضعیف هستند، نمی‌توانند صدای آنها را به همه جای دنیا برسانند.

۱. نظر شما چیست؟ آیا تمدن اسلامی، تمدن مهربانی است؟ چرا؟

۲. چرا این روزها بعضی تصور می‌کنند که اسلام دین خشونت و جنگ است؟

خواندن

پیش‌خواندن

۱. آیا شما به جاذبه‌های گردشگری تاریخی علاقه دارید؟ قدیمی‌ترین جایی که تاکنون بازدید کرده‌اید، کجا بوده؟
۲. آیا جاذبه‌های تاریخی ایران را می‌شناسید؟

شگفتی‌های شهر سوخته

«شهر سوخته» در ۵۶ کیلومتری شهر زابل در استان سیستان و بلوچستان واقع‌شده است. این شهر حدود ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد پایه‌گذاری شده و مردم بین سال‌های ۳۲۰۰ تا ۱۸۰۰ قبل از میلاد در آن زندگی می‌کردند. باستان‌شناسان اعتقاد دارند که این شهر به دلیل حملهٔ قبیله‌های دیگر دو بار به آتش کشیده شده است و آثار سوختگی در قسمت‌های مختلف آن دیده می‌شود. به همین دلیل این شهر به نام «شهر سوخته» معروف شده است.



نخستین چشم مصنوعی جهان

درشهر سوخته یک چشم مصنوعی متعلق به ۴۸۰۰ سال پیش کشف شد. این چشم متعلق به زنی ۲۵ تا ۳۰ ساله بوده که در یکی از قبرهای شهر سوخته دفن شده است. جالب اینجاست که باوجود گذشت نزدیک به ۴۸۰۰ سال از ساخت آن، چشم هنوز سالم است. سرپرست گروه باستان‌شناسی می‌گوید: «این برای نخستین بار است که در شهری باستانی یک چشم مصنوعی پیدا می‌شود.» جنس و ماده‌ای که چشم با آن ساخته‌شده هنوز به‌دقت مشخص نیست و تشخیص آن به آزمایش‌های بعدی موکول شده است.

جراحی مغز در شهر سوخته

یکی از شگفت‌انگیزترین یافته‌های شهر سوخته، کشف نشانه‌های قدیمی‌ترین جراحی مغز در دنیا است. این جمجمه متعلق به یک دختر دوازده یا سیزده‌ساله است که به بیماری «هیدروسفالی» مبتلا بوده. در این بیماری مایعی در مغز جمع می‌شود که در ۴۸۰۰ سال پیش، پزشکان «شهر سوخته» برای درمان او بخشی از استخوان جمجمه را برداشته و مغز او را جراحی کردند. باستان‌شناسان معتقدند که این جراحی در زمان کودکی دخترک انجام‌شده و او مدت‌ها بعد از عمل جراحی زنده مانده است.

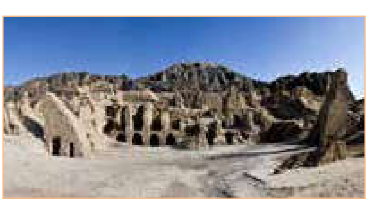


نخستین انیمیشن جهان در شهر سوخته

باستان‌شناسان هنگام کاوش در شهر سوخته، جامی را پیدا کردند که نقش یک بز همراه با یک درخت روی آن کشیده شده بود. آنها پس از بررسی جام دریافتند نقاشی بز و درخت به‌گونه‌ای هدفمند تکرار شده. هنرمندی که این جام را نقاشی کرده، توانسته است در پنج تصویر، بزی را طراحی کند که به سمت درخت حرکت می‌کند و از برگ آن می‌خورد. باستان‌شناسان با نمایش سریع این تصاویر موفق شدند یک انیمیشن ۲۰ ثانیه‌ای بسازند. دکتر سجادی دربارهٔ منحصربه‌فرد بودن این تصاویر در دنیای باستانی گفت: «تاکنون در سفال‌های دوران باستان چنین تصاویری دیده نشده.



در بسیاری از ظروف، یک تصویر بدون تغییر تکرار شده و حرکتی در آنها دیده نمی‌شود. تحقیقات ما نشان می‌دهد که این نقش، قدیمی‌ترین ایده مردمان باستان برای نمایش «تصاویر متحرک» بوده است.»



تمرین

اطلاعات زیر در مورد شهر سوخته کاملاً غلط هستند. دلیل غلط بودن آن را در متن بیابید.

		درست	غلط
۱	مردم حدود ۳۲۰۰ سال در این شهر زندگی می‌کردند.		
۲	به دلیل قدمت زیاد باستان‌شناسان نام این شهر را شهر سوخته گذاشته‌اند.		
۳	چشم مصنوعی شهر سوخته از شیشه ساخته‌شده بود.		
۴	عمل جراحی مغز زمانی انجام‌شده بود که دخترک چهارده‌ساله بوده.		
۵	تصویر بز بر روی جام سفالی بدون تغییر پنج بار تکرار شده.		

بیاموزیم

حروف ربط

حرف ربط یا حرف پیوند کلمه‌ای است که دو کلمه یا دو جمله را به هم ربط یا پیوند می‌دهد.

حروف ربط دودسته هستند:

حروف ربط مرکب

چون‌که	تا اینکه	زیرا که
چراکه	اگرچه	همین‌که
وقتی‌که	...	

مثال:

علی زود به دانشگاه آمد، چون که امتحان داشت.

او بسیار تلاش می‌کند، اگرچه بیمار است.

حروف ربط ساده

و	یا	که	پس
اگر	چون	چه	تا
اما	نه	ولی	...

مثال:

حامد و علی به خانه رفتند.

من خواب بودم که علی آمد.

نکته: ترتیب دو جمله‌ای را که به کمک حروف ربط مرکب به هم مرتبط شده‌اند، می‌توان تغییر داد.

مثال: اگرچه بیمار است، او بسیار تلاش می‌کند.

تمرین

الف) متن زیر را بخوانید و جاهای خالی را با حروف ربط ساده کامل کنید.

دیروز من، حسین ..... مسعود به پارک رفتیم. ..... به پارک رسیدیم، مسعود گفت: من به مغازه می‌روم ..... برای شما بستنی بخرم. من برای خودم کیک می‌خرم ..... گلوی من درد می‌کند ..... نمی‌توانم بستنی بخورم. شما بروید من ..... ۱۰ دقیقه دیگر می‌آیم.

ب) با استفاده از حروف ربط زیر جمله بسازید.

	حرف ربط	جمله
	مثال: اگرچه	من غذا نخوردم اگرچه گرسنه بودم.
۱	تا اینکه	....
۲	همین‌که	....
۳	زیرا که	....
۴	اگر	....
۵	چون‌که	....
۶	که	....
۷	وقتی‌که	....
۸	نه	....
۹	پس	....
۱۰	تا	....

ج) متن درس را با دقت بخوانید و دور حروف ربط خط بکشید.

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

درس پانزدهم
۱۵
تفاوت‌های فرهنگی

■ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با بعضی از فرهنگ‌های ایرانی‌ها آشنا شود.

۲. برخی از تفاوت‌های فرهنگی کشورهای مختلف را بداند.

۳. آداب و رسوم دفن مرده در برخی از کشورها را بشناسد.

۴. بتواند دربارهٔ آداب و رسوم کشور خودش صحبت کند.

۵. فعل لازم و متعدی را بشناسد و تفاوت آنها را بداند.

۶. بتواند فعل‌های لازم را به متعدی تبدیل کند.

■ واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

روبوسی کردن، چندان،
مقدم، کله پاچه،
قابلی ندارد، برکت، دفعه،
خام، لحاظ، همه جور،
محض احتیاط،
عین هم بودن،
به مشکل برخوردن،
تدفین، متوفی، قبرستان،
سالگرد، فاتحه خواندن،
خیرات، حلوا،
خدا کسی را رحمت کند،
کم پیدا بودن،
در آغوش گرفتن، داماد،
ماه عسل، پخش کردن،
کلیسا، معبد، دفن،
مشکل ساز، منجر شدن،
به هیچ وجه،
خطوط قرمز، حوزه، کفن،
به چشم خوردن،
تبعیت کردن، گناه،
هم جنس، حضور،
زیورآلات، کیسه، تعظیم،
گره زدن، حبس کردن،
تراشیدن مو، آیین،
زردچوبه، گلاب،
خوشبو، معطر

واژه

دست دادن و روبوسی کردن



این نکته که در ایران زن‌ها و مردهای غریبه با یکدیگر دست نمی‌دهند، نکتهٔ جدیدی نیست و بسیاری این موضوع را می‌دانند؛ اما بد نیست بدانید که ایرانی‌ها هم برای سلام کردن و هم برای خداحافظی کردن باهم دست می‌دهند؛ از این گذشته، در ایران مردها گاهی در زمان سلام کردن سه بار گونه‌هایشان را به هم می‌چسبانند. به این عمل روبوسی می‌گویند.

اول شما بفرمایید!



در ایران هنگام ورود و خروج به‌جایی چندان مؤدبانه نیست که اول شما وارد شوید. قبل از عبور از «در» همیشه ازجملهٔ: «اول شما بفرمایید» استفاده کنید. فراموش نکنید، هنگام ورود و خروج این افراد مقدم هستند:

۱. میهمان ۲. بزرگ‌ترها ۳. خانم‌ها

کله‌پاچه



کله‌پاچه یک صبحانهٔ بسیار چرب ایرانی است. شاید شکل آن کمی ترسناک باشد؛ اما این غذا بسیار خوشمزه و البته گران است. فقط کافی است یک‌بار این غذای ترسناک را امتحان کنید تا خودتان متوجه شوید چرا ما ایرانی‌ها این‌قدر کله‌پاچه را دوست داریم!

قابلی ندارد!



بسیاری از فروشنده‌های ایرانی قبل از اینکه پول را از شما بگیرند می‌گویند: «قابلی ندارد». در ایران خیلی مؤدبانه نیست که فروشنده سریع پول را از شما بگیرد؛ به همین دلیل، هنگام پرداخت پول به فروشنده این جمله‌ها را زیاد می‌شنوید:

خریدار: بفرمایید! فروشنده: قابلی ندارد.
خریدار: ممنون، خواهش می‌کنم! فروشنده: خدا برکت بدهد!

پیراهن مشکی!



هرسال مردم ایران ده روز از سال را پیراهن مشکی می‌پوشند. امام حسین علیه‌السلام امام سوم شیعیان است. ایشان در روز دهم محرم در صحرای کربلا به شهادت رسیدند و مردم ایران به مناسبت این روز ده روز اول ماه محرم را پیراهن مشکی می‌پوشند.

تمرین

۱. کدام‌یک از نکات فرهنگی بالا برای شما جدید بود؟
۲. آیا این نکات فرهنگی در کشور شما وجود دارد؟ کدام نکتهٔ فرهنگی در کشور شما نیست؟
۳. آیا می‌توانید دربارهٔ چند نکتهٔ فرهنگی جالب در کشور خود صحبت کنید؟

شنیدن

الف) به گفتگوهای زیر گوش دهید و جدول زیر را کامل کنید.

	رفتار مردم	غذا	قوانین رانندگی
ترکیه	متفاوت ☐ مشابه ☐	متفاوت ☐ مشابه ☐	متفاوت ☐ مشابه ☐
ژاپن	متفاوت ☐ مشابه ☐	متفاوت ☐ مشابه ☐	متفاوت ☐ مشابه ☐

ب) یک‌بار دیگر به متن گوش دهید و سپس مشخص کنید کدام جمله صحیح و کدام جمله غلط است.

		درست	غلط
ترکیه	۱. علی غذای کشورهای مختلف را نمی‌تواند بخورد.		
	۲. علی تا پایان سفر هرروز به رستوران می‌رفت.		
	۳. علی می‌خواهد دفعهٔ بعد با اتومبیل شخصی خودش به ترکیه برود.		
	۴. علی گواهی‌نامهٔ رانندگی بین‌المللی دارد.		
ژاپن	۱. هتل خیلی دور بود؛ به همین دلیل آن خانم ژاپنی خیلی سخت فهمید آدرس هتل کجاست؟		
	۲. ژاپنی‌ها اعتقاددارند خوردن ماهی خام برای سلامتی انسان مفید است.		
	۳. به دلیل اینکه هزینهٔ تاکسی او زیاد می‌شد، او مجبور شد تا یک ماشین کرایه کند.		
	۴. بعد از چند روز تمرین او به‌سادگی توانست در خیابان‌های ژاپن رانندگی کند.		

ج) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پرکنید.
سپس یک‌بار دیگر متن شنیداری را بشنوید و پاسخ‌های خود را بررسی کنید.

ترکیه	ژاپن
+ مردم ترکیه واقعاً مهمون‌نواز و مهربونند. - خُب پس از این .... خیلی .... ما ایرانی‌ها هستند. بعضی وقت‌ها .... مهربون بودند که آدم نمی‌دونست چطوری ازشون تشکر کنه. وقتی فهمید من .... غذا با خودم از ایران آوردم، خیلی ناراحت شد و گفت .... ترکیه غذا .... که این‌قدر کنسرو با خودت آوردی. این کنسروها را .... آوردم. خلاصه جات خالی، من که .... خوردم. + ببین، ایران و ترکیه با هم .... دارند. چون قوانین رانندگی توی ترکیه و ایران .... فکر کنم یک ماه .... برای گرفتن گواهی‌نامهٔ بین‌المللی .... کنم.	موقعی که پیاده شدم، راننده گفت: این خانم فکر کرد شما پول .... ندارید برای همین .... را هم .... + آره. آنها می‌گویند اگر ماهی را بپزی یا سرخ‌کنی .... + منم اول فکر می‌کردم دارند بام شوخی می‌کنن؛ ولی وقتی دیدم همه دارند ماهی خام می‌خورند، فهمیدم .... درمجموع بد نبود؛ ولی .... + ژاپنی‌ها .... از سمت چپ رانندگی می‌کنند؛ چون ما .... از سمت راست رانندگی کنیم، اونجا رانندگی کردن .... خیلی سخت است. من خودم .... تصادف کنم.

کارگروهی

۱. آیا تابه‌حال به یک کشور دیگر سفرکرده‌اید؟
۲. ازنظر فرهنگی بین فرهنگ شما و فرهنگ آنجا چه تفاوت‌هایی وجود داشت؟

رفتار مردم	غذا	نوع لباس	قوانین رانندگی
فرهنگ خرید	ساعت کاری فروشگاه‌ها	حمل‌ونقل عمومی	سایر: ....

بزرگ‌ترین تفاوت فرهنگی که در این کشور احساس کردید، چه بود؟ آیا این تفاوت را دوست داشتید یا خیر؟

گفتگو

پیش‌گفتگو





چند نکتهٔ فرهنگی برای مراسم تدفین ایرانی:

- به مراسمی که برای دفن متوفی (کسی که فوت کرده) در قبرستان برگزار می‌شود، در اصطلاح مراسم ختم می‌گویند. در ایران به‌جز مراسم ختم، مراسم سوم، هفتم، چهلم و سالگرد نیز برای مردگان برگزار می‌شود.
- دوستان و خانوادهٔ متوفی برای آرامش روح او به قبرستان می‌روند و یک‌بار سورهٔ حمد و یک‌بار سورهٔ توحید را آرام می‌خوانند. به این عمل اصطلاحاً فاتحه خواندن می‌گویند. سورهٔ حمد و توحید دو سورهٔ بسیار کوتاه از قرآن کریم هستند.
- به خوراکی‌ها و غذاهایی که در مراسم عزا در قبرستان بین مردم و اقوام «مرده» پخش می‌شود، در اصطلاح خیرات می‌گویند. این خوراکی‌ها بیشتر حلوا و خرما هستند. مردم بعد از گرفتن خیرات می‌گویند: «خدا رحمتش کند!» خیرات را می‌خورند و برای متوفی فاتحه می‌خوانند.

گفتگو



- سلام آقا رسول. کم پیدایی؟
- ▫ سلام حامد. خوبی؟ یک ماه رفته بودم مأموریت فیلیپین.
- فیلیپین؟! خوش گذشت؟
- ▫ بیشتر سفر کاری بود؛ ولی خیلی خوش گذشت. نمی‌دانی چقدر کشور قشنگی بود. مردمش هم فرهنگ‌های خیلی جالبی داشتند.
- مگر فرهنگ فیلیپینی‌ها با ما خیلی متفاوت است؟
- ▫ خیلی! مثلاً یک فرهنگ خیلی جالبی که دارند این است که برای آدرس دادن یا اشاره کردن از انگشت استفاده نمی‌کنند.
- منظورت چیست؟
- ▫ ببین، توی فرهنگ آنها اشاره با انگشت بی‌ادب است. به خاطر همین هیچ‌وقت با انگشت به چیزی اشاره نمی‌کنند.
- جدی؟ پس وقتی نیاز داری به چیزی اشاره‌کنی باید چکار کنی؟
- ▫ باید برای اشاره کردن از لب‌هات استفاده کنی.
- چقدر جالب! ولی سخت نیست؟
- ▫ اولش چرا، ولی بعدش عادی می‌شود.

- در این کشور مردم برای سلام دادن یکدیگر را در آغوش می‌گیرید/ یکدیگر را می‌بوسند/ با هم دست می‌دهند.
- مردم برای احترام در هنگام سلام کردن کمی خم می‌شوند/ دست را بر روی سینه می‌گذارند.
- برای رانندگی از سمت راست/ از سمت چپ حرکت می‌کنند.

- برای اشاره کردن از لب‌ها/ انگشت/ دست استفاده می‌کنند.
- مردگان را می‌سوزانند/ دفن می‌کنند/ به رودخانه می‌اندازند.
- بعد از عروسی به خانهٔ داماد می‌روند/ به ماه‌عسل می‌روند.
- برای خیرات شیرینی/ خرما/ غذا پخش می‌کنند.

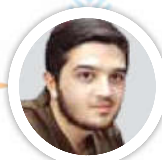
- مراسم ختم را در قبرستان/ کلیسا/ مسجد/ معبد می‌گیرند.
- فرهنگ دفن مردگان در هند چگونه است؟
- فرهنگ مردم آلمان در رانندگی چگونه است؟
- فرهنگ احترام به یکدیگر در ژاپن چگونه است؟
- فرهنگ مسلمان‌ها در رمضان چگونه است؟
- فرهنگ احوالپرسی در برزیل چگونه است؟

بحث آزاد

سلام. اسم من فرزاد سعیدی است. ۳۱ سال دارم و فارغ‌التحصیل رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی هستم. بنده در یک خانوادهٔ مذهبی زندگی می‌کنم؛ اما متأسفانه به دلیل مشکلات شخصی هنوز نتوانسته‌ام ازدواج کنم. چند وقت پیش یکی از دوستانم خانمی را برای ازدواج به من و خانواده‌ام معرفی کرد. این خانم ۲۵ سال دارند و در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی تحصیل می‌کنند.



من چند باری با ایشان ملاقات کرده‌ام. به نظرم این خانم برای ازدواج با بنده مناسب هستند. فقط یک مشکل کوچک وجود دارد؛ این خانم اهل کشور چین هستند. مادرم با این ازدواج موافق است؛ اما پدرم می‌گوید: «بین شما دو نفر اختلافات فرهنگی زیادی وجود دارد. شما در دو فرهنگ متفاوت بزرگ شدید و همین موضوع مشکلات زیادی را برای شما به وجود می‌آورد». نظر شما چیست؟ لطفاً من را راهنمایی کنید.



محمد

به نظر من از این ازدواج نترسید. پدرتان درست می‌گویند. اختلافات فرهنگی می‌توانند برای شما مشکل‌ساز شود و حتی خدای‌نکرده، ممکن است این اختلافات منجر به طلاق شود. برای همین باید بیشتر تحقیق کنید. از این گذشته سعی کنید با خانوادهٔ ایشان هم آشنا شوید. اگر احساس کردید مشکلی وجود ندارد با توکل به خدا ازدواج کنید.



کریم

به نظر من به هیچ‌وجه این کار را نکن. ازدواج با کسی که در یک فرهنگ دیگر بزرگ‌شده خیلی سخت است. برادر من چند سال پیش با یک خانم لبنانی ازدواج کرد که متأسفانه امسال جدا شدند. همسر لبنانی برادر من واقعاً زن خوبی بود؛ اما متأسفانه به دلیل اختلافات فرهنگی نتوانست با برادرم زندگی کند و طلاق گرفت.



محمدرضا

به نظر من این دختر خیلی برای ازدواج با شما مناسب است. چون هردوی شما در دانشگاه در یک‌رشته تحصیل‌کرده‌اید. این نشان می‌دهد شما دو نفر تا چه اندازه به یکدیگر شباهت دارید. به نظر من اصلاً نترسید و حتماً ازدواج کنید.



اشکان

سلام. به نظرم جلسات بیشتری با این خانم و خانواده‌شان داشته باشید. در مورد خیلی از مسائل همین‌الان صحبت کنید؛ مثلاً در آینده کجا زندگی کنید؟ ایران یا چین؟ از همین‌الان کاملاً شفاف و جدی صحبت کنید. خطوط قرمز زندگی‌ات را از همین‌الان با ایشان در میان بگذار و سعی کن خطوط قرمز ایشان رو هم بپرسی و متوجه بشی. اجازه نده احساساتت برایت تصمیم بگیرد.



فرید

اگر می‌توانی خودت به چین مسافرت کن و از نزدیک فرهنگشان را ببین. خیلی به حرف‌های دیگران توجه نکن؛ چون کسی نمی‌تواند به تو کمک کند. من خیلی با مشورت کردن موافق هستم؛ اما متاسفانه همان‌طور که گفتم در این موضوع خیلی به نظرات دیگران توجه نکن؛ چون افراد تجربهٔ زیادی در این‌باره ندارند.

نظر شما چیست؟ ....

....

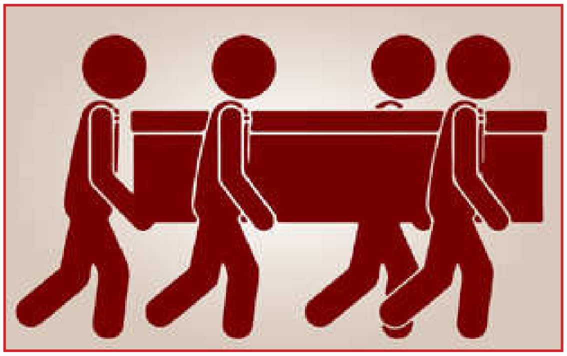
خواندن

پیش‌خواندن

مراسم تدفین در فرهنگ شما چگونه است؟

فرهنگ مُردن

مرگ بخشی از زندگی است. در تمام جوامع بشری برای کفن‌ودفن مردگان آداب‌ورسومی وجود دارد که در بسیاری از موارد با یکدیگر کاملاً متفاوت هستند. در این میان گاهی اعتقادات عجیبی هم در برخی فرهنگ‌ها دیده می‌شود. بعضی‌ها اعتقاددارند که اگر از این رسوم پیروی نکنند، گناهان فردی که از دنیا رفته است، بخشیده نمی‌شود.



کرهٔ جنوبی، پول و برنج در دهان مرده!

در کره جنوبی فقط هم‌جنس‌های متوفی حق حضور در مراسم دفن را دارند؛ یعنی اگر مرده مرد باشد، مردها به مراسم می‌آیند و اگر زن باشد، زن‌ها این کار را می‌کنند؛ البته خانم‌ها در مراسم ختم از زیورآلات استفاده نمی‌کنند. آنها لباس‌های ساده می‌پوشند و موهایشان را نیز شانه نمی‌کنند. کره‌ای‌ها مرده را نمی‌سوزانند. در طول مراسم یک نفرلباس متوفی را روی پشت‌بام می‌برد و نام او را سه بار صدا می‌زند. سپس لباس را بالای سر مرده می‌برند و دفن می‌کنند. دلیل این کار این است که روح مرده در دنیای دیگر بدون لباس نماند. پیش از مراسم، مرده را می‌شویند، ناخن‌هایش را کوتاه می‌کنند و موهایش را شانه می‌کنند؛ سپس او را در کیسه‌ای قرار می‌دهند و در تابوت می‌گذارند. آنها دهان مرده را با مقداری پول و سه قاشق برنج پر می‌کنند تا سفر آسان‌تری داشته باشد. بعد از اجرای مراسم، نزدیکان متوفی چند بار به او تعظیم می‌کنند و تا سه روز برای او غذا می‌برند.

آفریقای جنوبی، رد کردن میت از سوراخ دیوار!

آفریقایی‌ها مرگ را پایان زندگی نمی‌دانند. وقتی کسی می‌میرد، اطرافیان برای احترام به او مراسم دفن می‌گیرند و آن را برای آرامش روح مرحوم هدیه می‌کنند. وقتی فردی از دنیا می‌رود، بدن او را از سوراخ بزرگی که در دیوار ایجاد کرده‌اند، عبور می‌دهند و بعد، آن سوراخ را پر می‌کنند. آنها اعتقاددارند، نباید مرده را از در خارج کنند برای این‌که می‌خواهند او راه برگشت به خانه را پیدا نکند و وقتی‌که بخواهد از سوراخ برگردد، آن را بسته ببیند و زندگی کردن را فراموش کند! مراسم عزاداری حداقل تا یک هفته بعد از مرگ ادامه دارد. معمولاً یک روز بعد از مرگ، عزاداران لباس مشکی می‌پوشند یا به لباس‌هایشان پارچه مشکی گره می‌زنند. خود را در خانه حبس می‌کنند و موهای سروصورت خود را می‌تراشند.

هند، سوزاندن متأهل‌ها، دفن مجردها!

در تمام دنیا جالب‌ترین و متفاوت‌ترین مراسم را در هند می‌بینیم. در فرهنگ هندوستان به مرگ افراد اهمیت زیادی داده می‌شود؛ آن‌قدر که مراسم آنها برای مردگان، چیزی کامل‌تر از یک مراسم عروسی است. وقتی مرده، چه مرد، چه زن، از دنیا می‌رود، اگر ازدواج‌کرده باشد، بدن او را کنار رودخانه می‌سوزانند؛ امّا اگر این فرد ازدواج‌نکرده باشد، او را به خاک می‌سپارند. آنها تا سیزده روز پس از مرگ متوفی غذاهای شیرین نمی‌خورند و لباس جدید نمی‌پوشند. عزاداری در آیین هندو تا ۱۳ روز برای همه و تا یک سال برای نزدیکان مرده ادامه دارد. بعد از یک سال افراد دوباره دورهم جمع می‌شوند و غذاهای موردعلاقه فرد از دنیا رفته را می‌پزند. آنها قبل از این مراسم، ابتدا حمام می‌کنند، بعد با پودر زردچوبه و آب آرایش می‌کنند، لباس نو می‌پوشند و بعد آن را با گلاب، خوشبو و معطر می‌کنند.

تمرین

الف) با توجه به متن سه مورد فرهنگی در هر کشور را در زیر بنویسید.

	کرهٔ جنوبی		آفریقای جنوبی		هندوستان
۱		۱		۱	
۲		۲		۲	
۳		۳		۳	

ب) آیا شباهتی میان آداب‌ورسوم این کشورها و کشور شما وجود دارد؟ دراین‌باره در کلاس صحبت کنید.

بیاموزیم

فعل لازم ، فعل متعدی

فعل لازم (ناگذر)

فعلی که همراه با نهاد، معنایی کامل را می‌رساند و به جزء دیگری احتیاج ندارد.

مثال

نهاد	فعل لازم (ناگذر)
من	رفتم
علی	می‌آید

فعل متعدی (گذرا)

فعلی که به‌جز نهاد، به جزء دیگری نیاز دارد تا معنایش کامل شود.

مثال

نهاد	جزء دیگر (مفعول)	فعل متعدی (گذرا)
مادر	بچه‌اش را	می‌شوید.
ما	کتاب‌ها را	خواندیم.

در این جمله‌ها هرکدام از فعل‌ها نیاز به جزء دیگری دارند که به این جزء «مفعول» می‌گویند.

گاهی به‌سادگی می‌توان با استفاده از ساخت زیر بعضی از فعل‌های **لازم** را به **متعدی** تبدیل کرد.

بعضی فعل‌های لازم			
بعضی فعل‌های لازم	ماضی	←	متعدی: بن مضارع + اند / انید
	مضارع	←	متعدی: بن مضارع + ان

ساخت۱: برای فعل‌های ماضی: خندیدن (لازم) ← خند + اند / انید = خنداند/خندانید (متعدی)

مسعود خندید. ← علی، مسعود را خنداند / خندانید.

ساخت۲: برای فعل‌های مضارع: خندیدن (لازم) ← خند + ان = می‌خندانم (متعدی)

علی خندید. ← من، علی را می‌خندانم.

به این نوع جمله‌های سببی می‌گویند. در جمله‌های سببی «نهاد» باعث می‌شود تا فرد دیگری کاری را انجام دهد. مثلاً در مثال بالا علی سبب شده تا مسعود بخندد.

نکته: گاهی از برخی فعل‌های متعدی می‌توان با ساخت ۱ و ۲، جمله‌های سببی ساخت.

ساخت ۱: برای فعل‌های ماضی: حامد لباس را پوشید. ← مادر لباس را به حامد پوشاند / پوشانید.

ساخت ۲: برای فعل‌های مضارع: بچه دارو را می‌خورد. ← من دارو را به بچه می‌خورانم.

تمرین

الف) کدام‌یک از جمله‌های زیر سببی و کدام‌یک غیرسببی هستند؟

	سببی	غیرسببی
۱. آنها در روز عید فطر غذاهای بسیار خوشمزه‌ای می‌خورند.		
۲. هندی‌ها مرده‌های خود را می‌سوزاندند.		
۳. مردم کرۀ جنوبی در دهان مرده برنج می‌ریزند.		
۴. ایرانی‌ها در عید نوروز به دیدن بزرگ‌ترها می‌روند.		
۵. پس از مراسم آنها یک داروی تلخ را به بچه‌ها می‌خورانند.		

ب) با توجه به دو ساخت (۱) و (۲) که خواندید، ابتدا دو جمهٔ غیرسببی و سپس دو جمله سببی در زمان ماضی و مضارع بنویسید.

مصدر	بن مضارع	جمله غیر سببی	جمله
خندیدن	خند	حامد خندید. حامد می‌خندد.	ماضی: من حامد را خنداندم. مضارع: من حامد را می‌خندانم.
۱. رسیدن			
۲. دویدن			
۳. خوابیدن			
۴. خوردن			
۵. نوشیدن			
۶. نشستن			
۷. پوشیدن			

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۱۶

درس شانزدهم

اخبار

■ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. انواع خبر را بشناسد.

۲. با اصطلاحات مربوط به اخبار آشنا شود.

۳. نام برخی از سایت‌های خبری معروف را بداند.

۴. بتواند اخبار جدید را در اختیار دیگران قرار دهد.

۵. تفاوت فعل معلوم و مجهول را بداند.

۶. به خوبی از جمله‌های مجهول استفاده کند.

■ واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

سرمقاله، جدول،
سرگرمی، مقاله،
تیتر، فونت، درشت،
پسته، دنبال کردن اخبار،
گونهٔ خبری، پرفروش،
قدری، فینال، میزبان،
خبرگزاری، پایگاه خبری،
وبلاگ، شکستن رکورد،
از مرز گذشتن،
نظر کسی را جلب کردن،
رقابت، بیش از حد،
مفصل، منتشر شدن،
پر مخاطب، بیزار بودن،
دراز کشیدن،
دچار شدن، کشتار،
پرطرفدار، اشتراک،
کاربر، راه اندازی، لیگ،
دسترس، محبوبیت،
به روز، لقب،
به خود اختصاص دادن

واژه

آیا شما روزنامه می‌خوانید؟ مطلب موردعلاقهٔ شما در کدام صفحه روزنامه است؟

☐ ۱. سرمقاله	☐ ۲. صفحهٔ سیاسی	☐ ۳. صفحهٔ اقتصادی	☐ ۴. صفحهٔ فرهنگی هنری
☐ ۵. صفحهٔ اجتماعی	☐ ۶. صفحهٔ حوادث	☐ ۷. صفحهٔ علمی	☐ ۸. صفحهٔ ورزشی
	☐ ۹. صفحهٔ آب‌وهوا	☐ ۱۰. جدول و سرگرمی	

در زمان روزنامه خواندن ....



- فقط تیترهای اصلی را می‌خوانم.
- فقط سرمقاله را می‌خوانم.
- مقالات موردعلاقه‌ام را می‌خوانم.

تیتر: جمله یا عبارتی که در بالای مقالات نوشته می‌شود و مهم‌ترین بخش خبر را بیان می‌کند.

تیتر اصلی روزنامه: به تیتر مهم‌ترین خبر روزنامه که با فونت درشت روی صفحهٔ اول روزنامه نوشته می‌شود، تیتر اصلی می‌گویند.

تمرین

با توجه به شغل و علایق افراد زیر هر یک به کدام‌یک از بخش‌های روزنامه بیشتر علاقه دارند؟ با دوستان خود گفتگو کنید.



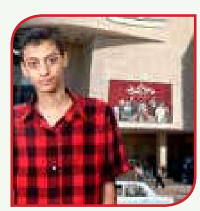
امیر - ۴۳ ساله - رانندهٔ کامیون

من یک کامیون بزرگ دارم که با آن به کشورهای مختلف سفر می‌کنم. من از مزارع پسته در کرمان پسته می‌خرم، آنها را با کامیون به کشورهای اروپایی می‌برم و در آنجا به شرکت‌های تولید مواد غذایی می‌فروشم.
من عاشق فوتبال هستم؛ البته چون همیشه در حال رانندگی هستم، نمی‌توانم فوتبال بازی کنم؛ به همین دلیل مسابقه‌های فوتبال را همیشه از رادیوی ماشین گوش می‌کنم.



طاهره - ۴۹ ساله - استاد دانشگاه

من عاشق اخبار پزشکی هستم. هر وقت اوقات فراغتی داشته باشم، خبر پزشکی می‌خوانم. همیشه دوست دارم بدانم دانشمندان چه چیزهای جدیدی را کشف کرده‌اند. خیلی‌ها فکر می‌کنند رشتهٔ تحصیلی من پزشکی است؛ اما جالب است بدانید من در دانشگاه علوم سیاسی درس می‌دهم. من به رشتهٔ خودم خیلی علاقه دارم؛ اما دوست ندارم در اوقات فراغت به سیاست و موضوعات اجتماعی فکر کنم؛ برای همین در اوقات فراغت اخبار پزشکی را دنبال می‌کنم.



سعید - ۱۷ ساله - دانش‌آموز

من عاشق سینما هستم؛ برای همین می‌خواهم در آینده کارگردان شوم. من تقریباً تمام فیلم‌هایی را که هرسال در ایران ساخته می‌شود، می‌بینم. مخصوصاً فیلم‌های هیجانی و اکشن. من عاشق قصه‌های پرهیجان هستم؛ مثلاً قصه‌هایی که دربارهٔ آدم‌هایی است که پلیس آنها را دستگیر می‌کند. دزدها، قاتل‌ها. خیلی‌ها از این داستان‌ها خوششان نمی‌آید؛ اما من این‌طور نیستم.



مهدی - ۳۵ ساله - ورزشکار

ورزش موردعلاقهٔ من کاراته است. من عضو تیم ملی کاراتهٔ ایران هستم و تا به امروز مدال‌های زیادی را به دست آورده‌ام. امسال قهرمان آسیا شدم؛ اما احساس می‌کنم دیگر نمی‌توانم مثل گذشته‌ها ورزش کنم. احساس می‌کنم دارم پیر می‌شوم. برای همین تصمیم گرفته‌ام دیگر به مسابقات نروم. به‌جای آن می‌خواهم یک باشگاه ورزشی تأسیس کنم و به بچه‌ها کاراته آموزش دهم.

شنیدن

الف) به گفتگوی رادیویی زیر گوش دهید. در این برنامه چهار خبر بررسی می‌شوند. گونهٔ خبری هر خبر را مشخص نمایید.

سیاسی | فرهنگی - هنری | اجتماعی | ورزشی | اقتصادی | حوادث | علمی | محیط زیست

۱ .... ۲ .... ۳ .... ۴ ....

ب) با توجه به برنامهٔ رادیویی، گزینهٔ مناسب را برای هر سؤال انتخاب نمایید.

۱	فیلم «محمد رسول الله»
الف	پرفروش‌ترین فیلم در جشنوارهٔ اسکار شده است.
ب	بینندگان غیر ایرانی زیادی برای دیدن این فیلم به سینما رفته‌اند.
ج	قدری کمتر از ۱۴ میلیارد برای این فیلم بلیت فروخته‌شده.

۲	تیم ملی کشتی ایران
الف	برای سومین بار قهرمان جهان شده است.
ب	در بازی فینال مسابقات، کشور میزبان را شکست داده.
ج	نتوانسته بود در دورهٔ قبل این مسابقات قهرمان شود.

۳	گرم شدن هوا
الف	انسان نمی‌تواند این مشکل طبیعی را حل کند.
ب	برای حل این مشکل یک راه‌حل مناسب پیداشده است.
ج	اگر زمین گرم‌تر شود، حیوانات زیادی کشته می‌شوند.

۴	سرعت اینترنت
الف	سه کشور برتر در زمینهٔ سرعت اینترنت آسیایی هستند.
ب	ده کشور برتر در زمینهٔ سرعت اینترنت آسیایی هستند.
ج	ژاپن پرسرعت‌ترین اینترنت را در دنیا دارد.

ج) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پرکنید. سپس یک‌بار دیگر متن شنیداری را بشنوید و پاسخ‌های خود را بررسی کنید.

آقای محمدی اگر .... با روزنامهٔ جام جم شروع کنیم.
مثل‌اینکه دیروز .... ۱۴ میلیارد تومان ....
این‌طور که من شنیدم «محمد رسول‌الله» در خارج از ایران هم فروش .... داشته.
بله به نظر می‌رسد این فیلم توانسته هم .... بینندگان داخلی را .... هم نظر بینندگان بین‌المللی را.

اگر کشورهای جهان از گرم شدن .... کرهٔ زمین جلوگیری نکنند، ممکن است زندگی همهٔ موجودات روی آن ....
.... سازمان جهانی هواشناسی، سال ۲۰۱۵ گرم‌ترین سال در تمام .... کرهٔ زمین بوده

تیم ملی کشورمان در بازی فینال توانست .... آمریکا با نتیجه ۵ بر ۳ ....؛ و یک‌بار دیگه قهرمانی جهان ....
....، این بچه‌ها همیشه ما را خوشحال می‌کنند.

روزنامه همشهری توی یک مقالهٔ .... سرعت اینترنت توی کشورهای مختلف جهان را ....
روزنامهٔ همشهری توی این گزارش ده کشور برتر .... سرعت اینترنت ....

کارِ گروهی

؟ ۱. آیا خبرگزاری‌های ایرانی را می‌شناسید؟
۲. مهم‌ترین خبرگزاری‌های کشور شما کدامند؟
۳. به کدام‌یک از منابع خبری زیر اعتماد ندارید؟ چرا؟

○ وبلاگ‌های خبری شخصی ○ پایگاه‌های خبری دولتی ○ مقالات روزنامه‌های خارجی ○ اخبار موجود در شبکه‌های اجتماعی

گفتگو

پیش‌گفتگو



اخبار ایرانی

- تا سال ۲۰۱۵، حدود ۷۳ هزار پایگاه خبری اینترنتی در ایران فعالیت داشته‌اند.
- درآمد این پایگاه‌ها، از راه گرفتن تبلیغات از شرکت‌های خصوصی است.
- روزنامه‌ها در ایران در روزهای تعطیل، منتشر نمی‌شوند؛ اما پایگاه اینترنتی در هرلحظه از شبانه‌روز، خبرهایشان را به‌روز می‌کنند.
- معمولاً بعضی سایت‌ها، متن خبری‌شان شبیه به هم است؛ چون خبر را از یک سایت یا روزنامه دیگر می‌گیرند.
- خبرگزاری فارس، روزنامهٔ جام‌جم و شبکهٔ خبر از پرمخاطب‌ترین رسانه‌های خبری در ایران هستند.

گفتگو

■ دیروز یک مطلب خیلی جالب توی روزنامه خواندم.

□ دربارهٔ چه؟

■ دربارهٔ خطرات پشت میز نشستن.

□ مگر پشت میز نشستن خطر دارد؟

■ بله! توی خبر نوشته بود که نشستن پشت میز برای مدت طولانی باعث چاقی می‌شود. تازه به گردن و ستون فقرات هم آسیب می‌زند.

□ خُب برای جلوگیری از این آسیب‌ها باید چکار کرد؟

■ بهترین کار این است که هر پانزده دقیقه کمی قدم بزنیم و حرکات ورزشی انجام بدهیم.

□ چقدر خوب. تو همیشه اخبار پزشکی می‌خوانی؟

■ آره. مگر تو نمی‌خوانی؟

□ نه. من فقط اخبار اقتصادی را می‌خوانم. خیلی به اخبار پزشکی علاقه ندارم.



- من خواندن خبرهای ورزشی/ سیاسی/ اقتصادی/ حوادث را خیلی دوست دارم.
- من به خواندن خبرهای ورزشی/ سیاسی/ اقتصادی/ حوادث خیلی علاقه دارم.
- هیچ علاقه‌ای به دنبال کردن خبرهای ورزشی/ سیاسی/ اقتصادی/ حوادث ندارم.

- من از خواندن خبرهای ورزشی/ سیاسی/ اقتصادی/ حوادث بیزارم.
- من خبرهایی که دربارهٔ ورزش/ سیاست/ اقتصاد/ حوادث/ سلامت است را زیاد می‌خوانم.
- به خواندن خبرهای ورزشی/ سیاسی/ اقتصادی/ حوادث علاقهٔ چندانی ندارم.

- خبرهای ورزشی/ سیاسی/ اقتصادی/ حوادث را می‌خوانید؟
- چقدر اخبار روز را دنبال می‌کنید؟
- چقدر از سایت‌های خبری استفاده می‌کنید؟
- به خواندن/ دنبال کردن اخبار ورزشی/ سیاسی/ اقتصادی/ حوادث علاقه دارید؟

بحث آزاد



سلام. من مریم قلی‌پور هستم، معلم ریاضی.
چند ماه پیش به دلیل فشارهای زیاد کاری به‌شدت بیمار شدم و مجبور شدم چندهفته‌ای را در خانه استراحت کنم.
در طول این چند هفته فقط جلوی تلویزیون دراز می‌کشیدم و اخبار تلویزیون را تماشا می‌کردم.
بعدازاین چند هفته وضع بیماری من بدتر شد. دکترها به من گفتند که مشکل من فشارهای کاری مدرسه نیست؛ بلکه دیدن اخبار باعث می‌شود تا دچار استرس شوم. آنها از من خواستند تا دیگر اخبار را دنبال نکنم.
تماشای اخبار تنها کاری است که من در اوقات فراغت انجام می‌دهم.
به نظر شما می‌شود بدون اخبار زندگی کرد؟



ملیحه

اوقات فراغت زمانی است برای استراحت و لذت بردن از زندگی. به نظر من تماشای اخبار، روش خوبی برای پر کردن اوقات فراغت نیست. این روزها اخبار پر است از اتفاقات بد. سیل، زلزله، کشتار. به نظر من این فرصت خوبی برای شما است تا اوقات فراغتتان را به شیوهٔ دیگری پرکنید. اخبار را فراموش کنید و بیشتر کتاب بخوانید و برنامه‌های شاد تلویزیونی را تماشا کنید.



فریبا

تماشای اخبار بسیار مهم است و نمی‌توان بدون تماشای خبر زندگی کرد. به نظر من لازم نیست همه اخبار شبکه‌های مختلف را جز به‌جز نگاه کنید؛ بلکه می‌شود انتخابی عمل کنید؛ مثلاً فقط تیتر اصلی خبرها را بخوانید و یا اینکه به خلاصهٔ اخبار گوش دهید. روزی ده دقیقه گوش کردن به اخبار کافی است. با این کار هم به اخبار گوش داده‌اید و هم به دکترتان.



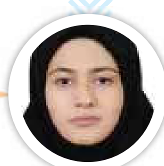
فرناز

من نمی‌فهمم دیدن خبر چه فایده‌ای دارد؛ چون این روزها جز خبرهای ناراحت‌کننده و استرس‌زا چیز دیگه‌ای نمی‌شنویم. این‌که بدانم مثلاً چند نفر در آفریقا به دست تروریست‌ها کشته‌شده‌اند به من چه ارتباطی دارد؟ من که نمی‌توانم به آنها کمک کنم. پس اینکه بدانم در آفریقا کسی کشته‌شده یا نه چه کمکی به من می‌کند؟



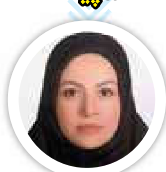
فاطمه

گوش دادن به اخبار وظیفهٔ هر مسلمانی است. ما باید بدانیم چه کسی به کمک نیاز دارد تا به او کمک کنیم. اگر هدف ما این است که در همهٔ دنیا صلح و آرامش به وجود آوریم، باید بدانیم در این دنیا چه خبر است.



سپیده

خوب فاطمه جان، دنیا خیلی بزرگ است و ما نمی‌توانیم صبح تا شب فقط به اخبار گوش کنیم و بفهمیم در همه جای دنیا چه خبر است؟ از این گذشته، بسیاری از شبکه‌ها و سایت‌های خبری برای اینکه مخاطبان خود را افزایش دهند، دروغ می‌گویند و ما مجبوریم بعد از شنیدن خبر باز تحقیق کنیم تا متوجه شویم خبر درست است یا نه؟ با این کار از صبح تا شب فقط باید خبر خواند و شبکه‌های خبری مختلف را دید. من که هیچ‌وقت به اخبار گوش نمی‌دهم.



زیبا

من با شما کاملاً مخالفم. همهٔ ما بخشی از یک جامعه هستیم و باید بدانیم مردم به چه چیزهایی نیاز دارند؟ شاید بتوانیم به آنها کمک کنیم؛ مثلاً سال‌ها پیش، وقتی در بوسنی جنگ شد، مردم ایران برای آوارگان این کشور مقدار زیادی غذا، لباس و دارو فرستادند؛ اگر آنها نمی‌دانستند در بوسنی جنگ شده و مردم به کمک نیاز دارند، چطور می‌توانستند به آنها کمک کنند؟

۱. شما با نظر کدام‌یک از افراد بالا بیشتر موافقید؟ چرا؟
۲. با کدام نظر کاملاً مخالفید؟ چرا؟
۳. نظر شما چیست؟ آیا دنبال کردن اخبار جهان مهم است؟ چرا؟

خواندن

پیش‌خواندن

۱. شما در طول روز از چه سایت‌هایی بیشتر استفاده می‌کنید؟
۲. آیا تابه‌حال تحقیق کرده‌اید که پرطرفدارترین سایت‌های کشور شما کدام هستند؟
۳. اگر شما بخواهید به سایت‌های پرطرفدار کشور خودتان امتیاز بدهید، چه امتیازی می‌دهید؟ چرا؟

پرطرفدارترین وب‌سایت‌ها در ایران و در دنیا

در دنیای امروز و در عصر ارتباطات، «وب‌سایت‌ها» وسیله مناسبی برای اشتراک فایل‌ها و ارتباط با سایر کاربران است. در ایران وب‌سایت‌ها مهم‌ترین رسانه بعد از تلویزیون هستند که در سال‌های اخیر برای بسیاری از مردم جهان به رسانه اول تبدیل‌شده‌اند. برای مثال بسیاری از مردم ایران دیگر روزنامه نمی‌خرند و از طریق وب‌سایت‌ها، خبرها را مطالعه می‌کنند. بسیاری از خریدها از طریق وب‌سایت‌ها انجام می‌شود. مردم کتاب‌های موردعلاقه را از طریق وب‌سایت‌ها تهیه و مطالعه می‌کنند. تعداد سایت‌های اینترنتی در سراسر ایران با سرعت در حال افزایش هستند. افراد و شرکت‌های تجاری سعی می‌کنند با راه‌اندازی پایگاه‌های اینترنتی، مخاطبان بیشتری جذب کنند؛ اما به نظر شما، پرطرفدارترین سایت‌ها در ایران، چه سایت‌هایی هستند؟

احتمالاً رتبه اوّل را می‌توان حدس زد. درست است، «سایت گوگل». کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که نام این شرکت بزرگ را نشنیده باشد. بیشترین بازدید این سایت به سبب موتور جستجوی قدرتمندِ آن است. «سایت یاهو» نیز در رتبه دوم قرار دارد. اگرچه در این سایت موتور جستجو نیز وجود دارد؛ امّا بیشتر بازدیدهای آن در ایران، به سبب سرویس ایمیل این سایت است. در رتبهٔ سوم «سایت بلاگفا» است. این سایت درزمینه ارائه وبلاگ به کاربران فعالیت می‌کند و ساختاری ساده دارد؛ و این بازدید بالا به سبب کاربرانی است که در این سایت وبلاگ نویسی می‌کنند؛ اما رتبهٔ چهارم متعلق به سایت خبری بسیار ساده به نام «ورزش سه» است. سایت «ورزش سه» درواقع یک پایگاه خبرورزشی برای فارسی‌زبانان است که اخبار ورزشی، نتایج بازی‌ها و جدول لیگ‌های ورزشی را در دسترس کاربران قرار می‌دهد. بیشتر کاربران «ورزش سه» ثابت بوده و به‌طور مرتب از این سایت بازدید می‌کنند؛ علاوه بر این هر کاربر به‌طور متوسط حدود ۱۱ دقیقه در سایت می‌ماند. همین موضوع باعث شده این سایت سیصدوپنجمین سایت پربینندهٔ دنیا باشد. این رتبه برای یک سایت ورزشی که بیشتر کاربران آن ایرانی هستند، رتبهٔ بسیار عجیبی است. به‌خصوص سایتی که حدود ۹۰٪ از کاربران آن آقایان می‌باشند.

علت محبوبیت این سایت در ایران بسیار ساده است. درست است که این پایگاه اخبار و اطلاعات به‌روز و مفیدی را در اختیار کاربران قرار می‌دهد؛ اما مهم‌ترین دلیل محبوبیت این سایت، محبوبیت ورزش فوتبال در ایران است. فوتبال ورزشی است که تقریباً همهٔ مردم ایران آن را دوست دارند و بازی می‌کنند؛ به همین دلیل در میان تمام سایت‌های خبری، آموزشی و سرگرمی، چندان عجیب نیست که یک سایت ورزشی لقب پربیننده‌ترین سایت ایران را به خود اختصاص دهد.

آدرس سایت:
www.varzesh3.com

تمرین

الف) چهار سایت پربیننده در ایران چیست؟ دلیل بازدید بالای این سایت‌ها را با توجه به متن بنویسید.

رتبه	نام سایت	علت محبوبیت
اول		
دوم		
سوم		
چهارم		

تمرین

الف) با توجه به متن چند ویژگی مهم سایت «ورزش سه» را بیان کنید.

....

....

....

ب) دربارهٔ معنی واژه‌های رنگی در متن در کلاس بحث کنید.

بیاموزیم

فعل مجهول

فعل مجهول فعلی است که به مفعول نسبت می‌دهیم.

مثال: ۱. علی نامه را فرستاد. ۲. نامه فرستاده شد.

در مثال بالا، در جملهٔ ۲ شخصی که نامه را فرستاده است، معلوم نیست؛ بنابراین فعل به‌صورت مجهول آمده است.

موارد کاربرد فعل مجهول

۱- وقتی‌که فاعل معلوم نباشد.
مثال: پدر او در جنگ کشته شد.

۲- وقتی‌که فاعل اهمیتی ندارد.
مثال: خیابان کنده‌شده است.

۳- گوینده از روی قصد نام فاعل را نمی‌آورد.
مثال: متأسفانه غذای شما خورده‌شده است.

روش ساختن جملهٔ مجهول از جملهٔ معلوم

مثال (جمله معلوم): سعید خانه‌اش را فروخت.	
۱. نهاد را حذف می‌کنیم.	خانه‌اش را فروخت.
۲. مفعول جمله را نهاد قرار می‌دهیم و نشانه مفعولی را حذف می‌کنیم.	خانه‌اش فروخت.
۳. فعل جمله را به صفت مفعولی تبدیل می‌کنیم و فعل «شد» را به آن اضافه می‌کنیم.	خانه‌اش فروخته‌شد.
۴. شناسه را با نهاد جدید مطابقت می‌دهیم.	خانه فروخته‌شد.

مثال: مجهول فعل «آوردن» در زمان‌های مختلف

	فعل معلوم	فعل مجهول	زمان
۱	آورد	آورده شد	گذشته ساده
۲	آورده بود	آورده شده بود	گذشته بعید
۳	آورده باشد	آورده شده باشد	گذشته التزامی
۴	می‌آورد	آورده می‌شد	گذشته استمراری

	فعل معلوم	فعل مجهول	زمان
۵	آورده است	آورده شده است	گذشته نقلی
۶	می‌آورد	آورده می‌شود	حال اخباری
۷	بیاوَرد	آورده بشود	حال التزامی
۸	خواهد آمد	آورده خواهد شد	آینده

تمرین

الف) جمله‌های معلوم را به مجهول تبدیل کنید.

	مثال: حمید خانه‌اش را فروخت.	خانه فروخته شد.
۱	آنها غذایشان را خوردند.	....
۲	پدرم از رستوران غذا خرید.	....
۳	دانشجویان کتاب‌ها را خواندند.	....
۴	پسرم شیشه را شکست.	....
۵	مادرم از بازار چادر زیبایی می‌خرد.	....

ب) جدول زیر را کامل کنید.

فعل معلوم	زمان	فعل مجهول	جمله با فعل مجهول
مثال: دید	گذشته ساده	دیده شد	دوستش دیده شد.
دیده بود	گذشته بعید		
دیده باشد	گذشته التزامی		
می‌دید	گذشته استمراری		
دیده است	گذشته نقلی		
می‌بینم	مضارع اخباری		
ببین	مضارع التزامی		
خواهد دید	آینده		

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۱۷

درس هفدهم

فن‌آوری و اختراعات

واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

سوخت فسیلی، واکسن،
سرتاسر، جت،
امواج رادیویی،
برخوردار بودن، اولویت،
بنده، مناسبت، محاسبه،
بالن، جان، تحمل،
دشوار، خیال راحت،
فاسد شدن، ابداع،
پستچی،
بهبود بخشیدن،
صرف کردن، بی محتوا،
سرگرم کننده،
رو در رو، سلاح گرم،
امنیت، سالانه، مزیت،
فرایند، پنبه، واکنش
شیمیایی، سازگار،
افزودن، نه چندان،
تمام و کمال،
با این حساب،
مواجه شدن، استقبال،
مضطرب، ضربان،
خودکار، تکان خوردن،
شارژ کردن، حرارتی،
کابل، زیرلیوانی، شارژر

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با برخی از اختراعات مهم آشنا شود.

۲. بتواند دربارهٔ علت اهمیت برخی از اختراعات صحبت کند.

۳. مزایا و معایب اختراعات درس را بداند.

۴. چند اختراع جالب و عجیب را بشناسد.

۵. با متمم آشنا شود.

۶. بتواند متمم‌ها را در جمله‌ها تشخیص دهد و به خوبی از آنها استفاده کند.

واژه

فن‌آوری و اختراعات



اختراع کامیون‌هایی که با سوخت‌های فسیلی کار می‌کردند، در اوایل قرن بیستم باعث شد تا هرسال میلیون‌ها تُن مواد مورداستفاده در کارخانه‌ها به‌سرعت در دنیا جابه‌جا شود.



پیش از کشف واکسن هرسال میلیون‌ها نفر در سرتاسر دنیا در اثر بیماری‌هایی مثل آبله می‌مردند؛ اما امروزه می‌توان با یک واکسن ساده مردم زیادی را از ابتلا به بیماری‌های خطرناک نجات داد.



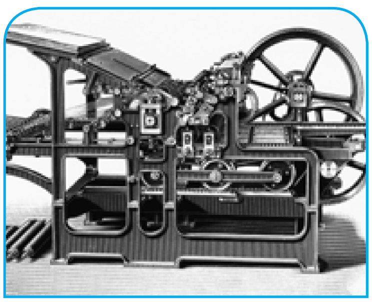
اختراع هواپیما اختراع بزرگی بود؛ اما زمانی که موتورهای جت طراحی شدند، سفرهای هوایی بسیار سریع‌تر و ارزان‌تر شد.



در اوایل قرن بیستم مهندسان متوجه شدند که می‌توانند با استفاده از امواج رادیویی تصویر را هم انتقال دهند. از آن به بعد تلویزیون به یکی از مهم‌ترین وسایل مورداستفاده در خانه‌ها تبدیل شد.



حدود دویست سال پیش مسافرت میان دو شهری که فقط ۵۰ کیلومتر فاصله داشتند حدود یک روز طول می‌کشید؛ اما امروزه می‌توان این مسافت را با کمک خودرو در کمتر از نیم ساعت طی کرد.



اختراع صنعت چاپ باعث شد در زمانی کوتاه تعداد زیادی کتاب با قیمت ارزان تهیه شود.

تمرین

به نظر شما از میان اختراعات بالا کدام‌یک از اهمیت بیشتری برخوردار است؟ جدول زیر را به ترتیب اولویت خود شماره بزنید و دلیل پاسخ خود را بیان نمایید.

کامیون ◯	واکسن ◯	موتور جت ◯
تلویزیون ◯	ماشین ◯	صنعت چاپ ◯

آیا می‌توانید اختراع دیگری را نام ببرید که ازنظر شما از اختراعات بالا مهم‌تر باشد؟

شنیدن

الف) ازنظر گویندهٔ متن چهار اختراع و اکتشاف مهم قرن بیستم چیست؟ جدول زیر را کامل کنید.

۱	۲	۳	۴ ....

ب) یک‌بار دیگر به متن گوش دهید. ازنظر تاریخی ترتیب این چهار اختراع و اکتشاف مهم چه بوده است؟

	۱	۲	۳	۴
نام اختراع یا کشف				
سال اختراع یا کشف				

ج) یک‌بار دیگر به متن گوش دهید و دربارهٔ پاسخ سؤالات زیر با یکدیگر گفتگو نمایید.

۱. زمان پخش این برنامه چه روزی است؟

....

۲. اولین کامپیوتر چگونه بوده است؟

....

۳. تفاوت تلفن ثابت و تلفن همراه چیست؟

....

۴. آیا برادران رایت اولین انسان‌هایی بودند که توانستند پرواز کنند؟ چرا؟

....

۵. چرا کشف آنتی‌بیوتیک برای انسان مهم است؟

....

د) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پرکنید. سپس یک‌بار دیگر متن شنیداری را بشنوید و پاسخ‌های خود را بررسی کنید.

- امروز ۱۰ اسفند، روز جهانی اختراعات است. .... خواستم امروز در مورد اختراعات مهم قرن بیستم با هم صحبت کنیم.
- البته انتخابشان از بین .... اختراع مهم ....
- می‌توانیم بگوییم اولین کامپیوتر .... توسط پرفسور «ایکن» طراحی شده.
- فقط می‌دانم برای .... از لامپ استفاده می‌کرده. این لامپ‌ها هم خیلی .... و هم گرمای زیادی ....
- البته .... کامپیوتر اختراع اینترنت هم خیلی مهم بوده، چون واقعاً .... اینترنت .... را تغییر داد.
- من .... بگویم تلفن همراه دومین اختراع ....
- الان برای استفاده از اینترنت .... حتماً از لپ‌تاپ و کامپیوتر استفاده کنیم.
- .... می‌شود گفت برادران رایت اولین انسان‌هایی بودند که پرواز کردند.
- به نظر بنده باید .... را به آنتی‌بیوتیک‌ها ....
- در آن زمان همیشه .... مرگ .... و متأسفانه مردم با کوچک‌ترین بیماری جان خودشان را ....

کارِ گروهی

؟ ۱. آیا می‌توانید اختراعاتی را نام ببرید که برای انسان ضرر داشته است؟

۲. چگونه می‌توان جلوی ضررهای این اختراع را گرفت؟

گفتگو

پیش‌گفتگو



مزیت‌های فن‌آوری

۱. اگر هواپیما اختراع نشده بود، سفرها طولانی و خسته‌کننده می‌شد.

۲. اگر کامپیوتر طراحی نشده بود، انجام کارها و محاسبات ریاضی خیلی دشوار و سخت می‌شد.

۳. اگر اینترنت اختراع نشده بود، به‌سختی از اخبار همه دنیا باخبر می‌شدیم.

۴. اگر اشعه ایکس (X) کشف نشده بود، تشخیص شکستگی‌های استخوان برای پزشکان خیلی سخت می‌شد.

۵. اگر تلویزیون اختراع نشده بود، نمی‌توانستیم در اوقات فراغت برنامه‌های موردعلاقه‌مان را ببینیم.

گفتگو



■ تا حالا فکر کرده‌ای اگر ماشین لباسشویی اختراع نشده بود چه اتفاقی می‌افتاد؟

□ وای نه! حتی فکر کردن به آن هم من را می‌ترساند. آخر من سه تا پسر دارم که هرروز کلی لباس، کثیف می‌کنند.

■ می‌دانی اگر ماشین لباسشویی اختراع نشده بود، هرروز چند ساعت باید لباس می‌شستی؟

□ احتمالاً همهٔ روز را. تازه کلی آب هم اسراف می‌شد. می‌دانی، ماشین لباسشویی ۸۰ درصد مصرف آب را کاهش می‌دهد.

■ از این گذشته. اگر ماشین لباسشویی اختراع نشده بود، تو به بچه‌هایت اجازه نمی‌دادی این‌قدر با خیال راحت بازی کنند و لباس‌هایشان را کثیف کنند.

□ راست می‌گویی. تازه اگر هم کثیف می‌شد، چون دیربه‌دیر لباس‌ها شسته می‌شدند، احتمال داشت بچه‌ها بیشتر مریض بشوند.

■ واقعاً دست آن‌کسی که ماشین لباسشویی را اختراع کرده درد نکند!

- یخچال به مردم کمک می‌کند تا مواد غذایی را بدون فاسدشدن برای مدت طولانی نگهداری کنند.
- ماکروویو به مردم کمک می‌کند تا در زمانی کوتاه غذای خود را گرم کنند.
- تلفن همراه این امکان را می‌دهد که در هرلحظه و در هر مکان، دیگران با شما در ارتباط باشند.
- اختراع چاپ، تحصیل در دانشگاه‌ها را بسیار ساده کرد.
- کشف واکسن، جان بسیاری از افراد را نجات داده است.
- قبل از ابداع خرید اینترنتی مردم برای خرید کالاهایی که در محل زندگی‌شان پیدا نمی‌شد، باید به سفر می‌رفتند.
- قبل از اختراع ایمیل پستچی‌ها خیلی فعال بودند.
- قبل از اختراع تلویزیون افراد بیشتر ورزش و تفریح می‌کردند.
- قبل از به وجود آمدن شبکه‌های اجتماعی مردم بیشتر با هم حرف می‌زدند.
- قبل از اختراع اینترنت دوستانی که از هم دور بودند، خیلی دیر همدیگر را می‌دیدند.
- قبل از اختراع تلفن، ارتباطات مردم خیلی کم بود.
- قبل از اختراع رادیو و ضبط‌صوت افراد برای یادگرفتن مطالب باید کتاب‌ها، روزنامه‌ها و... را تهیه می‌کردند و اطلاعات به‌راحتی در دسترس نبود.
- قبل از طراحی دانشگاه‌های مجازی دانشجوها برای تحصیل علم باید به سفر می‌رفتند.

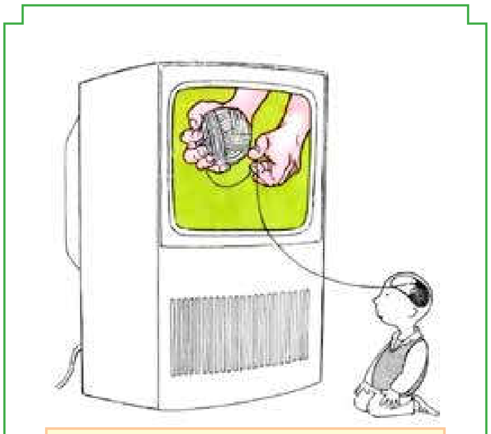
بحث آزاد

هرسال دانشمندان بسیاری در جهان به دنبال این هستند تا با اختراع وسایل جدید، زندگی انسان را ساده‌تر کنند. هدف از تولید هر وسیلهٔ جدیدی که ساخته می‌شود این است که شرایط زندگی انسان بهتر شود.
اما آیا این تصور درست است؟ آیا فن‌آوری‌ها شرایط زندگی انسان را بهبود بخشیده‌اند؟
به مثال‌های زیر توجه کنید.



شبکه‌های اجتماعی

هدف: نزدیک کردن افراد به هم
واقعیت: اعضای خانواده بیشتر زمان خود را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند و دیگر کمتر رودررو با هم صحبت می‌کنند.



تلویزیون

هدف: بالا بردن اطلاعات و دانش انسان
واقعیت: هرروز مردم بیشتروقت خود را صرف تماشای برنامه‌های بی‌محتوا و سرگرم‌کننده می‌کنند.

سلاح

هدف: به وجود آوردن امنیت در جامعه
واقعیت: سالانه حدود ۲۸ هزار نفر در آمریکا با سلاح گرم کشته می‌شوند.



خودرو

هدف: بالا بردن سرعت انجام کارها و آسان کردن حمل‌ونقل شهری.
واقعیت: تهرانی‌ها روزانه ۲۰ میلیون ساعت در ترافیک می‌مانند.



۱. نظر شما چیست؟
۲. آیا پیشرفت‌های علمی به بهتر شدن زندگی انسان کمک می‌کند؟

خواندن

پیش‌خواندن

آیا تا به حال با اختراعی برخورد کرده‌اید که ازنظر شما هیچ مزیتی نداشته باشد؟

اختراع جالب، اختراع خنده‌دار

لباس کهنه بیار، بنزین ببر!

سه سال قبل، سه محقق ایرانی در دانشگاه «بوروس» سوئد اعلام کردند که روش جدیدی برای تولید سوخت، اختراع کرده‌اند که کاملاً ارزان و عملی است. آنها ۴ کیلوگرم پارچه را در آزمایشگاه به یک لیتر سوخت خودرو تبدیل می‌کنند. دکتر «کیخسرو کریمی» استاد شیمی دانشگاه صنعتی اصفهان که در این تحقیقات با دکتر «محمد طاهرزاده» و «اعظم جیحانی‌پور» همکاری می‌کرد، می‌گوید: «در این فرایند پنبه پارچه که با محیط‌زیست سازگار است، جداشده و بعد از چند واکنش شیمیایی به سوخت خودرو تبدیل می‌شود. وی افزود با سوختی که به این روش از یک شلوار به دست می‌آید، می‌توان ۸ کیلومتر رانندگی کرد».
بنابراین، شاید در آیندهٔ نه‌چندان دور، مردم بعد از خرید لباس و استفادهٔ از آن، دیگر آن را دور نیندازند. آنها می‌توانند با تحویل لباس‌های کهنه، یک بطری سوخت دریافت کنند یا حتی پول آن را تمام و کمال بگیرند؛ چون فروشنده می‌تواند با فروش لباس‌ها به تولیدکنندگان سوخت، پول خوبی به دست بیاورد. با این حساب، اگر اختراع این محققان ایرانی به نتیجه برسد؛ دیگر هیچ لباس کهنه‌ای دور ریخته نخواهد شد.

دُم!

یک مخترع ژاپنی چند ماه قبل اختراعی کرد که با استقبال زیادی مواجه نشد؛ اما کسانی که از این اختراع باخبر شدند، ساعت‌ها خندیدند. اختراع این محقق، دم درآوردن انسان‌ها بود! او برای انسان‌ها دمی طراحی کرد که مردم می‌توانند آن را با یک کمربند مخصوص به خودشان وصل کنند! آقای «شوتا ایشیواتاری»، مخترع این دم انسانی می‌گوید: حیواناتی مثل سگ و گربه وقتی هیجان‌زده می‌شوند دم خود را سریع‌تر تکان می‌دهند. به همین دلیل کمربندی طراحی کردم که ضربان قلب را کنترل می‌کند و اگر شما خوشحال یا مضطرب شوید و ضربان قلبتان بالا برود، دم شما به‌طور خودکار شروع به تکان خوردن می‌کند.







شارژ موبایل با چای

شده تا به حال در اداره باشید و شارژ موبایلتان تمام شود؟ خب از این به بعد دیگر نیازی نیست نگران شوید و دنبال شارژر بگردید. می‌توانید بنشینید و چای داغ بنوشید و گوشی‌تان را با همین چای داغ شارژ کنید! مخترعان دستگاهی را طراحی کرده‌اند که انرژی حرارتی را به برق تبدیل می‌کند. کافی است لیوان چای داغ را روی آن بگذارید و کابل گوشی را به دستگاه متصل کنید. زیرلیوانی شما گوشی‌تان را شارژ خواهد کرد. این شارژر جالب، بسیار سبک، کوچک و قابل‌حمل است و حتی می‌تواند با نوشیدنی خنکی مثل آب و شربت یخ هم گوشی شما را شارژ کند! طراحان این وسیله جالب اعلام کرده‌اند که این شارژر برای همهٔ وسیله‌هایی که با USB شارژ می‌شود، مناسب است.

تمرین

الف) به نظر شما این اختراعات می‌تواند چه تأثیراتی را به همراه داشته باشد؟ آیا این اختراعات مفید هستند؟ دراین‌باره در کلاس بحث کنید.

ب) معنی اصطلاحات زیر را با توجه به متن حدس بزنید.

۱	با محیط‌زیست سازگار بودن	....
۲	در آیندهٔ نه‌چندان دور	....
۳	تمام و کمال	....
۴	با استقبال مواجه نشدن	....
۵	به‌طور خودکار	....
۶	شده تا به‌حال ...	....

بیاموزیم

متمم

متمم اسمی است که بعد از حروف اضافه واقع می‌شود.

حروف اضافه: از، به، با، برای، در و ...

مثال:

خواهرش از گربه می‌ترسید.

مادرشان هر شب برای آنها غذا می‌پزد.

من با فریدون رفتم.

نکته

برخی افعال باوجود داشتن فعل، فاعل و مفعول همچنان معنای کاملی ندارند و برای تکمیل معنای خود به متمم نیاز دارند تا معنایشان کامل شود.

فریده	ایمیل را	برای خواهرش	ارسال کرد.
	مفعول	متمم	
پدرم	ساعت را	روی دیوار	نصب کرد.

تمرین

الف) در جمله‌های زیر متمم‌ها را مشخص کنید.

۱. فناوری نقش مهمی در زندگی انسان‌ها دارد.

۲. من برای صحبت کردن از فناوری اینترنت استفاده می‌کنم.

۳. حامد برای شرکت دوستش چند ایمیل ارسال کرد.

۴. سارا در دانشگاه مجازی درس می‌خواند.

۵. برادرم با تلفن همراه صحبت می‌کند.

۶. او از مدرسه به دلیل مشکلات تحصیلی اخراج شد.

۷. او توانست با تلاش زیاد مشکلاتش را حل کند.

ب) با واژه‌های زیر جمله بنویسید.

	مثال: دانشگاه/ من	من به دانشگاه می‌روم.
۱	می‌خورند/ در	
۲	حامد و رسول/ به	
۳	رستوران/ می‌رویم	
۴	مسافرت/ با	
۵	حسن و علی/ کتابخانه	

ج) متن درس را با دقت بخوانید و دور متمم‌های آن خط بکشید. آیا در متن جمله‌ای هست که به‌جز مفعول به متمم نیز نیاز داشته باشد؟

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۱۸

درس هجدهم

جشن‌ها و اعیاد

■ واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

برگزاری، فانوس،
رقص محلی، خاص،
عیادت، تزئین،
سال‌های سال،
شرکت کردن، دیدار،
ارواح، شرور،
عروسک گردان،
خوش یمن، اعم از،
فرارسیدن، بغل کردن،
اواسط، اسکلت،
جمجمه، به هیچ وجه،
سرزنده، عید دیدنی،
آجیل، پاشیدن، باریکلا،
خدمت رسیدن، خرافات،
نحس، برداشت کردن،
حنا، جهیزیه، ولیمه،
حنابندان، گرداندن،
جهازبران، پاتختی،
دفترخانه، خواستگاری،
بله‌برون، عاقد،
عقد کردن، مهریه، وعده

■ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. بعضی از عیدها و جشن‌های معروف کشورهای جهان را بشناسد.

۲. با آداب و رسوم برخی از مراسم آشنا شود.

۳. خرافات را بشناسد.

۴. بتواند دربارهٔ آداب و رسوم و خرافات کشور خود صحبت کند.

۵. مراسم ازدواج ایران را بشناسد.

۶. با پیشوند و پسوندهای فارسی آشنا شود و بتواند با آنها واژه‌سازی کند.

واژه

جشن‌ها و اعیاد

آداب و رسوم در برگزاری جشن‌ها


روشن کردن آتش، شمع یا فانوس


دعوت کردن از میهمان، به میهمانی رفتن و دیدوبازدید


موسیقی و رقص‌های محلی


پختن یک غذا یا شیرینی خاص در این روز


عیادت از بیماران


دعا یا نمازخواندن و برگزاری مراسم مذهبی

تمرین

۱. مهم‌ترین جشنی که هرسال در کشور شما برگزار می‌شود، چیست؟
۲. دلیل برگزاری این جشن چیست؟
۳. آیا برای این جشن غذای خاصی تهیه می‌شود؟ در صورت مثبت بودن پاسخ دربارهٔ این غذا توضیح دهید.
۴. آیا برای این جشن لباس خاصی می‌پوشید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ دربارهٔ لباس مخصوص این جشن توضیح دهید. مردم در این جشن چه می‌کنند؟

شنیدن

الف) دربارهٔ جشن فانوس‌ها، جشن رنگ‌ها و جشن روز مردگان چه می‌دانید؟
با توجه به متن شنیداری در مورد موارد زیر با یکدیگر گفتگو کنید.

۱	جشن فانوس‌ها در کشور	غذای این جشن:
		مراسم «رقص شیر»:
		هدیه‌ها:
۲	جشن رنگ‌ها در کشور	دلیل برگزاری:
		آداب تبریک گفتن:
		آداب احترام به بزرگ‌ترها:
۳	جشن روز مردگان در کشور	مکان برگزاری:
		روز دوم و سوم جشن:
		قدمت:

ب) یک‌بار دیگر به متن‌ها گوش دهید و بگویید جمله‌های زیر مربوط به کدام جشن‌هاست. (هر جمله ممکن است بیش از یک پاسخ داشته باشد)

	جشن فانوس‌ها	جشن رنگ‌ها	جشن مردگان
۱. این جشن در فصل بهار برگزار می‌شود.			
۲. برای برگزاری این جشن نوعی رقص خاص انجام می‌دهند.			
۳. در این جشن مردم به هم عیدی می‌دهند.			
۴. شرکت‌کنندگان در این جشن برای دوستان و آشنایانشان دعا می‌کنند.			
۵. این جشن بیش از یک روز طول می‌کشد.			
۶. رنگ قرمز در این جشن کاربرد خاصی دارد.			
۷. خوراکی‌ها در این جشن به شکل خاصی تزئین می‌شوند.			
۸. برای برگزاری این جشن، آتش یا شمع روشن می‌کنند.			
۹. مردم در این جشن لباس‌های رنگی زیبایی می‌پوشند.			

ج) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پرکنید. سپس یک‌بار دیگر متن شنیداری را بشنوید و پاسخ‌های خود را بررسی کنید.

جشن فانوس‌ها	جشن رنگ‌ها	جشن مردگان
- در این روز، چینی‌ها لباس‌های قرمز می‌پوشند و .... بزرگ‌ترهای فامیل .... - سال‌های سال است که خانواده‌های چینی برای بیرون کردن .... از خانه‌هایشان این .... را .... - در این مراسم آنها یک شیر عروسکی را که توسط چند .... کنترل می‌شود به خانه دعوت می‌کنند.	- آنها .... این جشن، زمان خوبی برای .... از رنگ‌های بهار و خداحافظی با زمستان است. - در این جشن شاد، همه افراد .... از زن و مرد و پیر و جوان .... - در غروب ....، مردم .... شیرینی .... و همدیگر را در آغوش می‌گیرند.	در .... این سه روز همه بانک‌ها و .... تعطیل هستند. - آنها برای مردگانشان دعا می‌خوانند و .... آنها را .... - در این روزها همه‌چیز مرگ را به زنده‌ها .... - تزئینات و خوراکی‌ها همه به شکل .... و .... هستند. - و روز دوازدهم نیز جشن مرده‌های .... است.

کار گروهی

۱. شما دوست دارید در کدام‌یک از این جشن‌ها شرکت کنید؟ چرا؟

☐ جشن فانوس‌ها ☐ جشن رنگ‌ها ☐ جشن مردگان

۲. در کدام‌یک دوست ندارید شرکت کنید؟ دلیل آن چیست؟

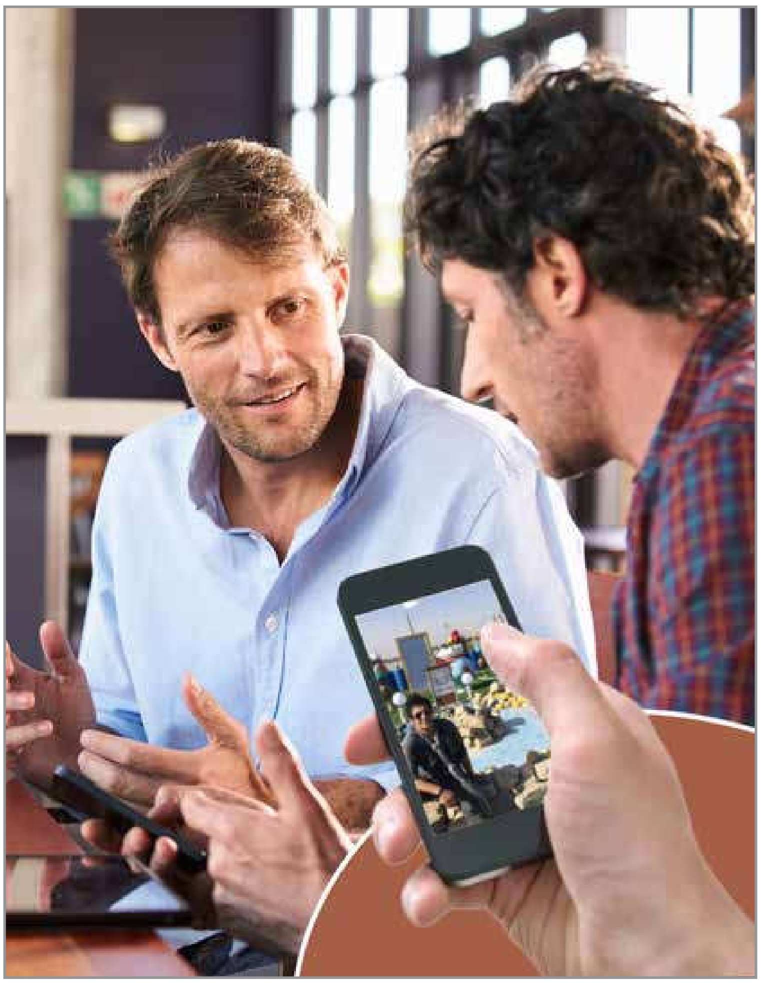
گفتگو

پیش‌گفتگو

۱. در عید نوروز مردم به عید دیدنی می‌روند و شیرینی و آجیل می‌خورند.
۲. در جشن فانوس‌ها همهٔ مردم لباس‌های قرمزرنگ می‌پوشند.
۳. در روز جشن رنگ‌ها همهٔ مردم به سروصورت یکدیگر رنگ می‌پاشند.
۴. در جشن هالووین مردم لباس‌های وحشتناک می‌پوشند.
۵. در جشن شب یلدا همهٔ در خانه پدربزرگ و مادربزرگ‌ها جمع می‌شوند و هندوانه می‌خورند.
۶. در روز عید فطر مردم به مساجد می‌روند و نماز عید فطر را می‌خوانند.

گفتگو

■ برنامه‌ات برای روز اول عید نوروز چیست؟
□ من هرسال اول می‌روم دیدن پدر و مادرم.
■ باریکلا! لباس نو چه خریده‌ای؟
□ یک‌دست کت‌وشلوار خریده‌ام. خیلی خوشگل است. باید ببینی‌اش. راستی، کلی هم میوه و آجیل خریده‌ام. نکند امسال عید دیدنی خانهٔ ما نیایی.
■ نه حتماً خدمت می‌رسم.
□ تو چه؟ برنامه‌ات چیست؟
■ دو روز اول را خانه هستیم و عید دیدنی می‌رویم؛ اما روز سوم می‌رویم سفر. امسال می‌خواهیم برویم آبادان. می‌گویند آبادان توی نوروز خیلی قشنگ است.
□ آره من ۳ سال پیش نوروز رفتم آبادان. خیلی خوش گذشت.



- برنامه‌ات برای نوروز امسال چیست؟
- از کدام‌یک از جشن‌های کشورت بیشتر خوشت می‌آید؟
- در روز جشن فانوس‌ها/ عید غدیر/ عید فطر چکار می‌کنی؟
- در نوروز به دیدن بزرگ‌ترها می‌روند.
- جشن مردگان در مکزیک برگزار می‌شود.
- جشن فانوس‌ها در چین برگزار می‌شود.

- به عقیدهٔ چینی‌ها رقص شیرها باعث خوش‌یمنی می‌شود.
- به عقیدهٔ ایرانی‌ها رفتن به عید دیدنی عمر را طولانی می‌کند.
- عید فطر به مناسبت پایان ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود.
- عید نوروز به مناسبت روز اول بهار برگزار می‌شود.

- در جشن فانوس‌ها مردم گوشت نمی‌خورند.
- در عید نوروز مردم لباس نو می‌پوشند.
- در شب یلدا مردم هندوانه می‌خورند.
- در جشن مردگان مردم برای مردگان گل، غذا و هدیه می‌برند.
- در جشن رنگ‌ها مردم به یکدیگر رنگ می‌پاشند.

بحث آزاد

خرافات چیست؟

خرافات، به معنای عادت‌ها و باورهایی است که هیچ دلیل مشخصی ندارد. در طول تاریخ همواره عالمان دینی و دانشمندان تلاش کرده‌اند تا با افکار و عقاید خرافی مبارزه کنند؛ اما با این حال هنوز در بسیاری از کشورها خرافات دیده می‌شود.

– در انگلستان و برخی کشورهای اروپایی مردم معتقدند، اگر کسی سکسکه کند، یک نفر دارد به او فکر می‌کند!

– در یونان معتقدند، سکسکه علامت آن است که فردی در همان لحظه دارد پیش دیگران از شما بدگویی می‌کند و اگر شما بتوانید نام کسی را که پشت سرتان غیبت می‌کند، حدس بزنید سکسکه متوقف می‌شود.



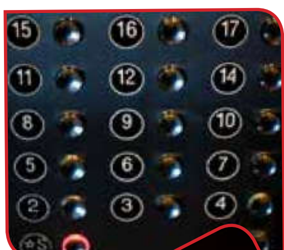




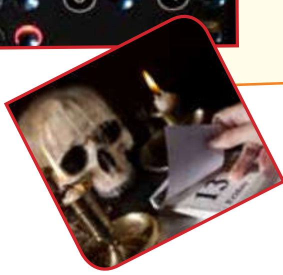
– در بعضی کشورهای اروپایی مردم معتقدند، اگر بینی کسی بخارد، علامت آن است که او با کسی دعوا خواهد کرد.

– در اسکاتلند مردم معتقدند، اگر بینی کسی شروع به خاریدن کند، نشانهٔ آن است که کسی عاشق او است.

– در کانادا نیز مردم معتقدند، اگر بینی کسی بخارد، غریبه‌ای را ملاقات می‌کند.



در بین بعضی از اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها عدد ۱۳ یک عدد نحس است؛ مثلاً در بسیاری از هواپیماهای اروپایی صندلی شمارهٔ ۱۳ و در بعضی از ساختمان‌ها طبقه ۱۳ وجود ندارد. در بین بعضی از مردم ایران نیز این عدد نحس است.





حتی دلیل برخی از جشن‌های امروزی یک عقیدهٔ خرافی قدیمی است؛ مثلاً دلیل اصلی جشن هالووین یک عقیدهٔ قدیمی اروپایی است. در قدیم مردم اروپا معتقد بودند در زمان برداشت محصول کشاورزی مُرده‌ها می‌توانند به زمین بیایند و مردم را اذیت کنند. آنها هم برای ترساندن مُرده‌ها لباس‌های عجیب‌وغریب و ترسناک می‌پوشیدند تا مرده‌ها بترسند و آنها را اذیت نکنند.
این جشن هنوز هرسال در آمریکا برگزار می‌شود. در روز ۳۱ اکتبر مردم آمریکا با لباس‌های ترسناک به خیابان‌ها می‌آیند و هالووین را جشن می‌گیرند. مردم آمریکا در این روز حدود شش میلیارد دلار شکلات و لباس ترسناک می‌خرند.

۱. نظر شما دربارهٔ برگزاری این گونه جشن‌ها چیست؟

۲. نظر شما دربارهٔ سکسکه، عطسه و عدد ۱۳ چیست؟

خواندن



پیش‌خواندن

۱. مراسم ازدواج در کشور شما چگونه است؟
۲. مهم‌ترین مراسم در این جشن چیست؟

الف) متن زیر را بخوانید و با توجه به آن معنی واژه‌های زیر را حدس بزنید.

حنا	داماد	عروس	مهریه	عاقد	عقد کردن	جهیزیه	ولیمه
....	....	....	....	....	....	....	....

مراسم ازدواج در ایران

حنابندان

«حنا» گیاهی است که برای رنگ کردن مو یا پوست بدن از آن استفاده می‌شود. جشن حنابندان مراسم خداحافظی عروس از خانهٔ پدرش است و در آخرین شب اقامت او در آنجا برگزار می‌شود. در شب حنابندان ظرفی پر از حنا دورتادور مراسم گردانده می‌شود و زنان دست‌هایشان را با آن رنگ می‌کنند. این آیین امروزه بیشتر در روستاها و شهرهای کوچک ایران دیده می‌شود.

جهازبران

در ایران وظیفهٔ تهیهٔ وسایل و اسباب خانه با خانوادهٔ عروس است. به وسایلی که خانوادهٔ عروس برای دخترشان تهیه می‌کنند در اصطلاح «جهیزیه» می‌گویند. مراسم جهازبران چند روز پیش از مراسم عروسی برگزار می‌شود و در آن جهاز عروس را به خانهٔ داماد می‌برند.

پاتختی

پاتختی مجالسی است که در بسیاری موارد بلافاصله بعد از عروسی و در اولین صبح پس از این مراسم با حضور نزدیکان عروس و داماد برگزار می‌شود. در این مراسم عروس را بر تخت یا «صندلی» می‌نشانند و اقوام و دوستان عروس و داماد برای آنها هدیه می‌برند.

مراسم عقد

این مراسم بیشتر جنبهٔ دینی و قانونی دارد. در این مراسم که معمولاً چند ماه پیش از عروسی برگزار می‌شود عروس و داماد به همراه خانواده به دفترخانهٔ ازدواج می‌روند و به‌صورت قانونی زن و شوهر می‌شوند. البته در بسیاری از مواقع برای زیباتر شدن این مراسم، پدر عروس دوستان و آشنایان را دعوت و جشنی کوچک برگزارمی‌کنند. در این شرایط عاقد یا همان فردی که به‌صورت قانونی و مذهبی عروس و داماد را عقد می‌کند به محل برگزاری جشن رفته و کارهای قانونی را در همان جا انجام می‌دهد.

خواستگاری و بله برون

مراسم ازدواج و عروسی در ایران با خواستگاری آغاز می‌شود. در این مراسم خانوادهٔ داماد با گل و شیرینی به خانهٔ عروس می‌روند و از عروس خواستگاری می‌کنند. درصورتی‌که پاسخ عروس و خانواده‌اش مثبت باشد مراسم بله برون برگزار می‌شود. در این مراسم بزرگ‌ترهای فامیل جمع می‌شوند و دربارهٔ مبلغ مهریه، شروط ازدواج و تاریخ مراسم عقد صحبت می‌کنند.

جشن عروسی

عروسی مراسمی سنتی است که در آن آغاز زندگی مشترک یک زوج جشن گرفته می‌شود. این جشن در ایران از بخش قانونی ازدواج جدا بوده و کارهای قانونی ازدواج در دفترخانه‌های ثبت ازدواج و طلاق صورت می‌گیرد. این مراسم درواقع اصلی‌ترین جشن در مراسم ازدواج است و پس‌از‌آن عروس و داماد زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند. در این مراسم همهٔ شرکت‌کنندگان یک وعده (معمولاً شام) میهمان داماد هستند که به این وعده اصطلاحاً «ولیمه» می‌گویند.

ب) یک‌بار دیگر متن را بخوانید و مشخص کنید ترتیب برگزاری این مراسم‌ها چگونه است؟

۱.حنابندان ۲.خواستگاری ۳.بله برون ۴.پاتختی ۵.مراسم عقد ۶.جهازبران ۷.جشن عروسی

مراسم اول	مراسم دوم	مراسم سوم	مراسم چهارم	مراسم پنجم	مراسم ششم	مراسم هفتم

بیاموزیم

پیشوندها و پسوندها

پیشوند: حروفی هستند که در ابتدای واژه می‌آیند و **معنی** آن را تغییر می‌دهند.

به‌عنوان نمونه به جدول زیر نگاه کنید.

	پیشوند	معنی	مثال
۱	با	کاربرد این پیشوند در رساندن مفهوم «دارندگی» چیزی است.	باخرد، باادب
۲	بی	کاربرد این پیشوند در رساندن مفهوم «نداشتن» چیزی است.	بی‌خرد. بی‌ادب
۳	نا	این پیشوند «منفی‌ساز» است.	ناجوانمرد، ناآرام
۴	باز	این پیشوند معنی «دوباره» می‌دهد.	بازآمدن، بازگفتن

پسوند: حروفی هستند که در انتهای واژه می‌آیند و معمولاً **نقش** آن را تغییر می‌دهند؛ یعنی اسم، صفت، فعل، قید و ...

به‌عنوان نمونه به جدول زیر نگاه کنید.

	پسوند	معنی	مثال
۱	ی	این پسوند به اسم و صفت می‌چسبد و اسم‌ساز است	شیرینی، عکاسی
۲	بان	اسم‌ساز در معنی «محافظت و نگهبانی»	باغبان، جنگلبان
۳	چه	اسم‌ساز در معنی «تصغیر و کوچک‌سازی»	باغچه، دفترچه
۴	دان	اسم‌ساز بر «ظرف» اشاره می‌کند	نمکدان، گلدان
۵	ستان	اسم‌ساز در معنی «مکان»	گلستان، دبیرستان
۶	ان	فاعلی به بن مضارع می‌چسبد و «صفت فاعلی» می‌سازد	نالان، گریان
۷	ناک	صفت‌ساز در معنی «دارندگی»	خشمناک، دردناک

البته جدول‌های بالا تنها نمونه‌ای از پسوندها و پیشوندهای فارسی است و تعداد آنها بسیار بیشتر است.

تمرین

الف) جمله‌های زیر را بخوانید و جدول را کامل کنید.

	جمله	واژه پیشوندی	معنی واژه پیشوندی
	مثال: او به خانه‌اش بازآمد	بازآمد	باز = دوباره
۱	دانشجویان این دانشگاه بسیار باهوش هستند.		
۲	انسان بی‌ادب نمی‌تواند خوب زندگی کند.		
۳	ظلم، کاری ناپسند است.		
۴	وحید پسر باادبی است.		
۵	او سخنانش را بازگفت.		

ب) در جمله‌های زیر واژه‌های پسوند دار را مشخص کنید و نوع پسوندها (اسم‌ساز، صفت‌ساز، قیدساز) را بنویسید.

	مثال: این کار بسیار خطرناک است.	خطرناک= صفت‌ساز
۱	برادرم سحرگاه روز شنبه به دنیا آمد.	
۲	پدر حسین باغبان است.	
۳	ما همیشه در سفره نمکدان می‌گذاریم.	
۴	خداوند دانا و شنوا است.	
۵	عمویم راننده است.	

ج) به انتخاب خود ده واژه از متن انتخاب کنید و معنی پیشوندها و پسوندهای آن را حدس بزنید.

مثال: خواستگاری = خواست + گار + ی ← بن ماضی خواستن + گار (کسی که مثل پروردگار) + ی اسم‌ساز

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۱۹

درس نوزدهم

جاذبه‌های گردشگری

▪ واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

تونل، چادر زدن،
آرامگاه، مقبره،
قلعه، ارتفاع،
آکواریوم، امام زاده،
به خصوص، تمساح،
دلفین، راستش،
چرا (بله)، انگار،
کف دریا، غواصی،
کوهنوردی، مفصل،
داغ، غار، یادگاری،
بریده، بارندگی، سد،
متعلق، تخریب،
بشر، محافظت،
رکاب زدن، دلتنگی،
غربت، کنار آمدن،
میزبان، استادکار،
صرف، افطار،
پاک شدن، غریبه،
گرم گرفتن

▪ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. برخی از جاذبه‌های دیدنی ایران را بشناسد.

۲. تفریح‌های مختلفی را که می‌توان در سفر انجام داد، بداند.

۳. با اهمیت حفظ آثار باستانی آشنا شود.

۴. بتواند دربارهٔ تجربه‌های سفر خود صحبت کند.

۵. جمله‌های ساده و مرکب را بشناسد.

۶. بتواند به خوبی از جمله‌های مرکب استفاده نماید.

واژه

جاذبه‌های گردشگری

مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری در ایران

پارک جنگلی گیسوم



یکی از نقاط دیدنی استان گیلان و شهرستان تالش پارک جنگلی گیسوم است. مسیری زیبا و دیدنی با درختان بلند که یک تونل جنگلی زیبا ایجاد کرده است.

دریاچه گهر



دریاچه گهر یک دریاچه زیبا در غرب ایران است که در کوهستان واقع‌شده. این دریاچه ۲۳۵۰ متر بالاتر از سطح دریا است.

کویر مرنجاب



کویر مرنجاب در شمال استان اصفهان قرار دارد. هرسال هزاران نفر برای دیدن ستاره‌ها شب‌ها در کویر چادر می‌زنند.

حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام مشهد



آرامگاه امام هشتم شیعیان* که هرساله میلیون‌ها نفر برای زیارت به این شهر می‌روند.

حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام قم



حضرت معصومه علیهاالسلام خواهر امام رضا علیه‌السلام، امام هشتم شیعیان است و آرامگاه ایشان در شهر قم است.

شاه‌چراغ شیراز



آرامگاه احمد ابن موسی برادر بزرگوار امام رضا علیه‌السلام در شهر شیراز است. مردم شیراز به آرامگاه ایشان «شاه‌چراغ» می‌گویند.

بیستون



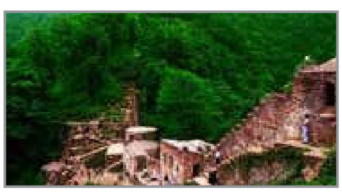
تخت سنگی بزرگ در دل کوه در استان کرمانشاه.

پاسارگاد



مقبرهٔ کوروش پادشاه ایران در ۲۵۰۰ سال پیش. این مقبره در استان فارس است.

قلعه رودخان



یک قلعهٔ بسیار زیبا و بزرگ در استان گیلان در بالای یک کوه بلند.

پل طبیعت



یک پل زیبا در ارتفاع ۴۰ متری برای پیاده‌روی بر روی اتوبان در شهر تهران.

سرزمین موج‌های آبی



یک پارک آبی بسیار زیبا در شهر مشهد. هرساله هزاران نفر برای تفریح به این پارک می‌روند.

آکواریوم کیش



آکواریومی بزرگ و زیبا با انواع ماهی‌های خلیج‌فارس.

* از دیدگاه شیعیان، پس از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله دوازده نفر از نسل ایشان وظیفهٔ رهبری جامعه را بر عهده داشتند. مسلمانان در اصطلاح به این دوازده نفر «امام» می‌گویند.

شنیدن

الف دربارهٔ جزیرهٔ کیش و شهر سرعین اردبیل چه می‌دانید؟
به گفتگوهای زیر گوش دهید. در هر گفتگو افراد از چه نوع جاذبه‌های گردشگری بازدید کرده‌اند؟

	جاذبهٔ تاریخی	جاذبهٔ طبیعی	جاذبهٔ تفریحی	جاذبهٔ زیارتی	بهترین بخش سفر
گفتگوی اول	☐	☐	☐	☐	....
گفتگوی دوم	☐	☐	☐	☐	....

ب یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

گفتگوی اول	۱	چه فصل‌هایی برای سفر به کیش مناسب‌تر است؟ چرا؟ ....
	۲	چطور می‌توان در سواحل جزیرهٔ کیش غواصی کرد؟ ....
	۳	در آکواریوم جزیرهٔ کیش چه حیواناتی وجود دارد؟ ....
گفتگوی دوم	۴	چرا همسر او با او به این سفر نرفته است؟ ....
	۵	چرا شهر کوچک سرعین معروف است؟ ....
	۶	امامزاده را توصیف کنید. ....

ج جاهای خالی را با واژه‌های مناسب کامل کنید. سپس یک بار دیگر متن شنیداری را بشنوید و پاسخ‌های خود را بررسی کنید.

گفتگوی اول	گفتگوی دوم
- چون هوا گرم است، واقعاً شنا توی دریا .... به‌خصوص که آب دریا خیلی .... اســت............... می‌شود ماهی‌های کف دریا را دید. - فکر نمی‌کردم .... ورزش .... - توی کیش کنار ساحل چند تا مربی هست. اول یک‌کمی .... بعد همان مربی با خودش .... غواصی. - .... این است که به‌جز ماهی، مار و پرنده‌های .... هم دارد. حتی می‌توانی .... به تمساح‌ها و دلفین‌ها	- راستش .... چرا، خیلی سخت بود. وسط راه .... بود. - وقتی رسیدیم بالای کوه سبلان .... که این‌همه راه را آمده‌ام. - آب چشمه گرم است برای همین کسایی که .... یا .... دارند یکی، دو ساعت توی اون آب می‌شینن تا .... - رفتیم توی امامزاده .... کردیم، نماز .... و نشستیم. همه ساکت بودن. - هرچی گشتیم دیگه امامزاده رو پیدا نکردیم. انگار .... و رفته بود ....

کار گروهی

؟
۱. آیا تابه‌حال به ایران سفرکرده‌اید؟
۲. تاکنون از کدام‌یک از جاذبه‌های توریستی ایران دیدن کرده‌اید؟
۳. اگر بخواهید به ایران سفر کنید از کدام‌یک از جاذبه‌های گردشگری ایران حتماً دیدن خواهید کرد؟

گفتگو

پیش‌گفتگو

جاذبه‌های دیدنی شهر من:

- اگر همدان رفتید حتماً «غار علی‌صدر» و «گنج‌نامه» را ببینید.
- من تابه‌حال دو بار به «باغ فین» کاشان رفته‌ام. آنجا جاهای دیدنی زیادی دارد.
- من یک‌بار به شهر باستانی و زیرزمینی «نوش‌آباد» رفته‌ام، چون از دیگران تعریف آن را خیلی شنیده بودم.
- من به‌تان «بادگیر باغ دولت‌آباد» یزد را پیشنهاد می‌کنم. خیلی زیبا است. یکی از بلندترین بادگیرهای جهان است.
- حتماً به شهر «ماسوله» بروید چون آب‌وهوای خیلی خوبی دارد.
- یادتان نرود کنار میدان آزادی تهران عکس بگیرید، میدان آزادی واقعاً زیباست.
- اگر قم رفتید سوغاتی فراموشتان نشود. حتماً «سوهان» بخرید.
- توی حرم امام رضا ﷺ یاد ما هم باشید. التماس دعا!

گفتگو









- پیمان فردا می‌خواهیم با بچه‌ها برویم لرستان؛ ولی جاهای گردشی‌اش را بلد نیستیم. تو چند سال توی لرستان زندگی کرده‌ای می‌تونی چند جا را به ما پیشنهاد بدهی؟
- □ حتماً. لرستان جاهای طبیعی و تاریخی زیادی دارد. من به شما «آبشار بیشه» را پیشنهاد می‌کنم.
- آبشار بیشه! کجاست؟
- □ از خرم‌آباد ۶۵ کیلومتر فاصله دارد. فقط موقع رانندگی خیلی احتیاط کنید؛ چون جاده‌اش خیلی باریک و خطرناک است، ولی منظره‌هاش فوق‌العاده است.
- به‌جز آبشار جای دیدنی دیگری هم دارد؟
- □ آره! می‌توانید «قلعه فلک الافلاک» هم بروید. یک بنای تاریخی مربوط به قرن سوم میلادی است که بالای یک تپه در مرکز شهر خرم‌آباد قرار دارد.
- روی تپه؟ رفتن به قلعه سخت نیست؟ چون پدر و مادرم همراه ما هستند.
- □ خوب بالا رفتن کمی سخت است؛ چون خیلی پله دارد؛ ولی پدر و مادرت می‌توانند در پایین قلعه در میدان اصلی شهر یک‌کمی بگردند تا شما قلعه را ببینید.
- ممنون از راهنماییت.
- □ قربانت. سفر خوش بگذرد.

- پدر و مادرت می‌توانند در میدان اصلی شهر یک‌کمی بگردند.
- این بنای تاریخی مربوط به قرن سوم میلادی/ قرن پنج هجری قمری/ قرن چهارم هجری شمسی است.
- این بنای تاریخی در مرکز شهر/ بالای کوه/ کنار دریا/ وسط جنگل است.
- جاذبهٔ تاریخی
- جاذبهٔ طبیعی
- جاذبهٔ تفریحی
- جاذبهٔ زیارتی
- سفر خوش بگذرد!
- سفر بی‌خطر!
- زیارت قبول!

- اگر قم/ اصفهان/ رشت/ رفتید سوغاتی فراموشتان نشود.
- در قزوین/ اصفهان/ کرمان/ قم/ یزد برای سوغات شیرینی بخرید.
- صنایع‌دستی سیستان/ تبریز/ یزد/ اصفهان زیباست. حتماً از این شهرها یادگاری بخرید.
- یادتان نرود در میدان آزادی/ کوه‌سنگی/ میدان حسن‌آباد تهران عکس بگیرید، واقعاً زیباست.
- توی حرم امام رضا ﷺ / حضرت معصومه ﷺ/ مسجد جمکران/ شاه‌چراغ یاد ما هم باشید. التماس دعا!

- حتماً غار علی‌صدر/ گنج‌نامه/ بیستون/ مسجد امام/ سی‌وسه‌پل را ببینید.
- من تابه‌حال دو بار به باغ فین کاشان/ سعدیهٔ شیراز/ بازار کهنهٔ قم رفته‌ام. آنجا جاهای دیدنی زیادی دارد.
- من یک‌بار به کیش/ شیراز/ تبریز/ ایل‌گلی رفته‌ام، چون از دیگران تعریف آن را خیلی شنیده بودم.
- من به شما بادگیر باغ دولت‌آباد/ حمام وکیل/ بازار وکیل را پیشنهاد می‌کنم. خیلی زیبا است.
- حتماً به شهر ماسوله/ اردبیل/ کرمانشاه/ کردستان/ انزلی بروید؛ چون آب‌وهوای خیلی خوبی دارد.

بحث آزاد

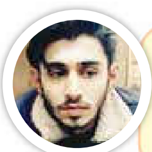


چند سال پیش به دلیل کاهش بارندگی‌ها و نیاز بیش‌ازپیش مردم آذربایجان شرقی، در این استان چندین سد ساخته شد. در میان این چند سد، ساخت سد «سیلوه» با مشکلات بسیاری روبه‌رو شد. از یک‌سو نیاز مردم این منطقه به آب برای کشاورزی مسئولین را مجبور می‌کرد تا این سد را بسازند و از طرف دیگر گروه‌ها و سازمان‌های فرهنگی این استان با ساخت این سد مخالف بودند. این سد باید در نزدیکی آثار باستانی این شهر ساخته شود. مخالفت این گروه‌ها به این دلیل است که ساخت این سد به برخی آثار باستانی این استان آسیب می‌زند. حال مردم این شهر باید بین آب و آثار باستانی شهرشان یکی را انتخاب کنند ... .



احمد

محافظت از آثار باستانی خیلی مهم است؛ اما مهم‌تر از آن شرایط زندگی مردم است. پدر من کشاورز است و هرسال به دلیل بزرگ شدن مزرعه‌های اطراف مزرعهٔ ما، به آب بیشتری نیاز داریم. اگر این سد ساخته نشود، معلوم نیست چه اتفاقی برای مزرعهٔ ما بیفتد.



امیرحسین

آثار باستانی یک شهر فقط متعلق به همان شهر نیست؛ مثلاً دولت مصر نمی‌تواند برای ساختن اتوبان، اهرام مصر را تخریب کند. درست است که مردم این شهر به آب نیاز دارند؛ اما حق ندارند قسمتی از فرهنگ بشر را از بین ببرند.



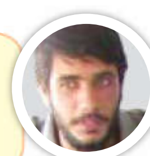
فرید

این حرف درستی است، آثار باستانی برای همهٔ مردم دنیا است؛ اما چرا همهٔ مردم دنیا کمک نمی‌کنند تا مشکل آب شهر ما حل شود. مردم این شهر به آب نیاز دارند. ما نمی‌توانیم برای محافظت از چند ساختمان قدیمی بیکار شویم.



محمدرضا

حق با فرید است. من دو سال پیش مجبور شدم مزرعه‌ام را به دلیل کم‌آبی بفروشم و یک رستوران بازکنم. سود رستوران خوب است؛ اما از دویست سال پیش تا به امروز پدران من در این مزرعه کار می‌کردند. حفظ این مزرعه برای من خیلی مهم بود؛ اما متأسفانه به دلیل کمبود آب مجبور شدم آن را بفروشم. اصلاً دوست ندارم کشاورزان بیشتری مجبور شوند تا مزرعه‌هایشان را بفروشند.



مجید

آقا محمدرضا شما امروز ناراحت هستید که چرا مزرعهٔ پدریتان را فروخته‌اید. فکر نمی‌کنید در آینده ممکن است فرزندان شما به شما بگویند: «چرا اجازه دادید این سد ساخته شود و آثار هنری پدربزرگان ما خراب شود؟». به نظرم نباید فقط مشکلات امروز را دید.

به نظر شما حق با چه کسی است؟ آیا باید این سد ساخته شود یا خیر؟
آیا راه‌هایی وجود دارد که هم بتوان مشکل آب این شهر را حل کرد و هم از آثار باستانی آنها را محافظت کرد؟
تصور کنید شما یکی از کشاورزان این شهر هستید. اگر مجبور باشید از بین آب و آثار باستانی شهرتان یکی را انتخاب کنید، کدام را انتخاب می‌کنید؟

خواندن

پیش‌خواندن

مصاحبه‌ای که می‌خوانید، مصاحبه‌ای با یک دوچرخه‌سوار ایرلندی است که مدتی پیش با دوچرخه از ترکیه وارد ایران شد.

الف) لطفاً برای پاسخ‌های او سؤال بنویسید.

مصاحبه‌ای با یک دوچرخه‌سوار ایرلندی

در سال‌های اخیر بسیاری از علاقه‌مندان به سفر، با دوچرخه یا موتورسیکلت جهانگردی می‌کنند. یکی از این ماجراجویان که حدوداً یک ماه پیش وارد ایران شد «هنری تیندال»، جوان ۲۷ ساله ایرلندی است. او برنامه‌نویس کامپیوتر است و قصد دارد از ایرلند تا استرالیا را رکاب بزند.

....

.................................؟

هنگامی‌که هنوز در اروپا بودم زیاد احساس دل‌تنگی یا غربت نداشتم، چون فرهنگ تمام کشورهای اروپایی شبیه هم است؛ اما وقتی وارد خاک ترکیه شدم، همه‌چیز تغییر کرد. آن زمان بود که تازه متوجه شدم در قارهٔ آسیا هستم. اگرچه این تغییر ابتدا باعث نگرانی من شد؛ اما به‌سرعت توانستم با این تغییر کنار بیایم.

....

.................................؟

اولین قانون گردشگری، احترام به قوانین و فرهنگ کشور میزبان است. من دربارهٔ ماه رمضان اطلاعاتی داشتم. برای من خیلی جالب بود که از طلوع تا غروب خورشید همهٔ رستوران‌ها بسته بودند و مردم هیچ‌چیزی نمی‌خوردند. البته ایرانیان با لبخندی گرم به من اجازه می‌دادند در رمضان بخورم و بیاشامم و حتی بسیاری با توجه به خارجی بودنم به من کمک می‌کردند تا غذا تهیه کنم؛ ولی بازهم اگر می‌خواستم چیزی بخورم در چادرم این کار را انجام می‌دادم تا به فرهنگ مردم ایران احترام گذاشته باشم.



....

.................................؟

وقتی به شهر زنجان رسیدم، برای خرید به مغازه‌ای رفتم. چند جوان که در کارگاه آهنگری نزدیک این مغازه کار می‌کردند از من خواستند عکس یادگاری بگیرند. همه این جوانان همراه استادکارشان با لبخندی جالب کنار دوچرخه من ایستادند و عکس گرفتیم. این جوانان من را برای صرف افطار دعوت کردند. اوقات خوبی را با هم داشتیم که هرگز از ذهن من پاک نخواهد شد. نکته جالب برایم این بود که ایرانیان چقدر به‌راحتی با غریبه‌ها گرم می‌گیرند.

....

.................................؟

خوشمزه‌ترین قسمت سفرم در ایران مربوط به خوردن غذاهای ایرانی است. به عقیدهٔ من جوجه‌کباب بهترین غذای ایرانی است که من تابه‌حال خورده‌ام؛ اما عجیب‌ترین غذایی که در طول عمرم دیدم و امتحان کردم کله‌پاچه است، غذای محبوب ایرانیان. اولین بار که این خوراکی را در زنجان خوردم واقعا تعجب کردم؛ اما امتحان آن ضرری نداشت!

....

.................................؟

اگرچه تهران پایتخت ایران است و شاید امکانات زیادی برای جذب گردشگران دارد؛ اما تبریز بهترین شهری است که تاکنون دیده‌ام. البته من هنوز در طول سفرم شهرهای زیادی از ایران را ندیده‌ام و شاید نظرم تغییر کند؛ اما تا این لحظه تبریز بهترین است. من دربارهٔ اصفهان هم مطالب زیادی شنیده‌ام. جایی خواندم که برخی گردشگران بین‌المللی می‌گویند اگر این شهر را نبینیم مثل این است که ایران را ندیده‌ایم.

....

.................................؟

ایران، سرزمینی گرم و زیباست. مردم این کشور بسیار مهمان‌نواز هستند. وقتی از کشاورزان اجازه می‌خواستم تا در زمینشان چادر بزنم، آنها با مهربانی من را به منزلشان دعوت می‌کردند و از من پذیرایی می‌کردند. این مهمان‌نوازی را در شهرهای بزرگ‌تر هم دیده‌ام.

ب) دربارهٔ معنی بخش‌های رنگی در متن با یکدیگر بحث کنید.

بیاموزیم

جمله

مجموعهٔ واژه‌ها و حروفی که در کنار هم قرار می‌گیرند و پیامی را به شنونده می‌دهند.

جمله‌ها ازنظر تعداد فعل به دو بخش «ساده و مرکب» تقسیم می‌شوند:

جمله ساده

جمله‌ای است که فقط یک فعل دارد و معنای جمله با همان یک فعل کامل است.

مثال:

آنها دانشجویان خوبی هستند.

سعید پدر مهربانی است.

چرا به دانشگاه نرفتی؟

جمله مرکب

جمله‌ای است که برای کامل شدن نیاز به بیش از یک فعل دارد.

مثال:

وقتی‌که ناراحت می‌شوم، به پارک می‌روم.

اگر خوبی کنید، خداوند پاداش خوبی شما را می‌دهد.

در جمله‌های مرکب به‌طورمعمول واژه‌هایی مانند

اگر، تا، هنگامی، وقتی، زمانی و...

استفاده می‌شود.

این واژه‌ها، دو جمله را ازنظر معنایی به هم پیوند می‌دهند.

مثال:

اگر وقت داشتی، به منزل ما هم بیا.

هنگامی‌که من آمدم، تو رفته بودی.

تمرین

الف) هفت جمله ساده بنویسید.

۱. ....

۲. ....

۳. ....

۴. ....

۵. ....

۶. ....

۷. ....

ب) با استفاده از حروفی چون «اگر، تا، هنگامی‌که، وقتی‌که و ...» جمله‌های سادهٔ بالا را به جمله‌های مرکب تبدیل کنید.

۱. ....

۲. ....

۳. ....

۴. ....

۵. ....

۶. ....

۷. ....

ج) متن درس را با دقت بخوانید و پنج جملهٔ مرکب را از آن انتخاب کنید. این جمله‌های با استفاده از چه حروفی مرکب شده‌اند؟

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۲۰

درس بیستم

ادبیات فارسی

▪ اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با برخی از شاعران ایرانی و شعرهای آنها آشنا شوند.

۲. تفاوت مصراع و بیت را بداند.

۳. قافیه و ردیف را بشناسد.

۴. فواید آشنایی با یک زبان جدید را بشناسد.

۵. بداند که هر فعل با چه حرف اضافه‌ای استفاده می‌شود.

۶. بتواند تشخیص دهد که هر فعل به چند حرف اضافه نیاز دارد.

▪ واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

خرد، برنگذرد، کسب،
وقف کردن، اثر، پهلوان، ظلم،
آمیزد، غرقه، آویختن،
زشت نام، خیزد، تفسیر،
تألیف کردن، به خاک سپردن،
چو، بدان، دیده، درود، پارسا،
خلوتگه، پارسایی، حافظ،
دیوان، فراگرفتن، الهام، کارگه،
دوش، کوزه، گویا، خموش،
ناگاه، خروش، برآورد، کوزه گر،
طب، محاسبات، رصد، سرشار،
موجود افسانه‌ای، دیو، سیمرغ،
اژدها، نبرد، ضدقهرمان،
قهرمان، مغز، در نهایت،
شکست دادن، لذیذ، پاداش،
ظاهر شدن، عظیم، یاری،
شکست دادن، اسیر کردن،
این چنین، بیداد، آسوده شدن،
گردیدن، مصرع، بیت، قافیه،
ردیف، بنی آدم، پیکر، افرینش،
گوهر، به درد آوردن، دگر، قرار،
محنت، بی غم، نشاید، نهادن،
تخصص داشتن،
به خاک سپرده شدن، تور،
سفارت خانه، پژوهش، تجاری،
صادرات، واردات،
سرمایه گذاری، بقال، دکان،
سوداگر، خواجه ، بزرگوار، بیم،
کچل، بی مو، ضرب، ندامت،
درویش، نطق، کلام، جولقی،
پشمی، قیاس، خلق،
صاحب دلق، خوش نوا، گویا،
فارغ، کل، روزکی، حیران،
نومیدوار، برهنه، طاس، طشت،
اندر، بانگ، پاک، نبشتن،
کتک زدن

واژه



فردوسی

به نام خداوند جان و خرد
کز این برتر اندیشه برنگذرد

«ابوالقاسم حسن پورعلی طوسی» معروف به «فردوسی» در سال ۳۱۹ در یکی از روستاهایی طوس به نام «باژ» به دنیا آمد. او از همان کودکی به کسب علم و دانش پرداخت. وی به خواندن داستان، مخصوصاً به داستان‌های تاریخی ایران، علاقهٔ بسیاری داشت. همین علاقه باعث شد که نزدیک به ۳۰ سال از بهترین روزهای زندگی خود را وقف نوشتن «شاهنامه» کند. شاهنامه معروف‌ترین اثر فردوسی و یکی از بزرگ‌ترین کتاب‌های ادبیات فارسی است. این کتاب حدوداً ۶۰ هزار بیت شعر دارد که در تمام این کتاب پهلوانانی همچون «فریدون»، «سیاوش» و «رستم» تلاش می‌کنند تا مردم ایران را از ظلم افرادی همچون «ضحاک» و «سلم» و «تور» نجات دهند.



خیام

درکارگه کوزه‌گری رفتم دوش
دیدم دو هزار کوزه گویا و خموش
ناگاه یکی کوزه برآورد خروش
کوکوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه‌فروش

حکیم ابوالفتح مشهور به «خیام» در سال ۴۳۹ هجری قمری در نیشابور به دنیا آمد. او یکی از دانشمندان بزرگ جهان است. خیام در علومی مانند فلسفه، ریاضیات و طب بسیار معروف بود. او شاعر هم بود و به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. خیام منجم نیز بوده است و تقویم امروز ایرانی، حاصل محاسباتی است که او انجام داده. ازجمله آثار او «ترتیب رصد ملکشاهی» و تألیف کتاب‌های فراوان علمی است. وی در سال ۵۲۶ هجری قمری از دنیا رفت. آرامگاه او در شهر نیشابور قرار دارد.



حافظ

سلامی چو بوی خوش آشنایی
بدان مردم دیدهٔ روشنایی
درودی چو نور دل پارسایان
بدان شمع خلوتگه پارسایی

خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی مشهور به «حافظ»، شاعر بزرگ فارسی‌زبان است. وی در سال ۷۲۶ هجری قمری در شیراز متولد شد. او علوم اسلامی را در کلاس درس استادان زمانش فراگرفت و حافظ کل قرآن شد. «گوته» دانشمند بزرگ و شاعر و مشهور آلمانی «دیوان شرقی» خود را به نام او و با الهام از افکار حافظ نوشت. وی در سال ۷۹۲ هجری قمری در شیراز درگذشت. آرامگاه او در حافظیهٔ شیراز است.



سعدی

نادان همه‌جا با همه‌کس آمیزد
چون غرقه به هر چه دید دست آویزد

«مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی» شاعر و نویسندهٔ بزرگ قرن هفتم هجری قمری معروف به «سعدی» است. وی احتمالاً بین سال‌های ۶۰۰ تا ۶۱۵ هجری قمری زاده شده است. در جوانی به مدرسهٔ نظامیهٔ بغداد رفت و به تحصیل ادبیات و تفسیر قرآن پرداخت. سپس به شام و مراکش و حبشه و حجاز سفر کرد و پس از بازگشت به شیراز، در سال ۶۵۵ کتاب «بوستان» و در سال بعد کتاب «گلستان» را تألیف کرد. سعدی بین سال‌های ۶۹۰ تا ۶۹۴ هجری در شیراز درگذشت و در همان‌جا به خاک سپرده شد.

تمرین

۱. آیا به ادبیات علاقه دارید؟
۲. معروف‌ترین شاعر کشور شما کیست؟ آیا می‌توانید یکی از اشعار او را به زبان خودتان بخوانید؟
۳. شعری که به زبان خودتان خواندید را به فارسی ترجمه کنید. این شعر به کدام زبان زیباتر است؟ به زبان خودتان یا ترجمهٔ فارسی آن؟ چرا؟
۴. آیا تا به حال شعری از یک شاعر ایرانی به زبان فارسی خوانده‌اید؟

تمرین: متن زیر را بخوانید و معنی واژه‌هایی را که رنگی شده‌اند، حدس بزنید.

شاهنامه یکی از کتاب‌های مهم در ادبیات زبان فارسی است. این کتاب سرشار از داستان‌های زیبا دربارهٔ زندگی پادشاهان و پهلوانان ایرانی است. البته در کنار قصه‌های تاریخی موجودات افسانه‌ای هم در این کتاب وجود دارند. موجوداتی مانند دیو، سیمرغ و اژدها. بیشتر شاهنامه داستان‌هایی دربارهٔ نبرد میان خوبی و بدی است و همواره قهرمانان و ضدقهرمانان در حال نبرد با یکدیگر هستند.

شنیدن

الف) نام‌های زیر نام شخصیت‌های یکی از قصه‌های زیبای شاهنامه به نام ضحاک و کاوهٔ آهنگر است. با توجه به متن شنیداری، این افراد قهرمان داستان هستند یا ضدقهرمان؟

	قهرمان	ضدقهرمان
مرداس	◯	◯
فریدون	◯	◯
شیطان	◯	◯
کاوه	◯	◯
ضحاک	◯	◯

ب) با توجه به داستان به سؤالات زیر پاسخ دهید.

۱. در این داستان شیطان چند بار ضحاک را فریب می‌دهد؟

....

۲. دلیل دشمنی فریدون با ضحاک چه بود؟

....

۳. دلیل دشمنی کاوه با ضحاک چه بود؟

....

۴. فریدون چگونه توانست ضحاک را شکست دهد؟

....

۵. پایان کار ضحاک چه شد؟

....

ج) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب از متن پر کنید.

مرداس پادشاهی قدرتمند و مهربان بود. همهٔ مردم ایران او را دوست داشتند و او را به‌عنوان پادشاهی عادل می‌شناختند؛ اما مرداس پسری داشت به نام ضحاک. روزی شیطان ضحاک را ....؛ و به او گفت: «پدرت مرداس .... او را بکش و خودت پادشاه ایران شو.» ضحاک .... شیطان را ....؛ و پدرش را کشت. [...]

این بار شیطان .... پزشک ....؛ و به ضحاک گفت: «برای نجات از دست مارهایی که بر روی شانه‌هایت درآمده‌اند باید هرروز دو انسان را بکشی و مغزشان را به مارهایت بدهی تا آنها آرام شوند و به تو آسیبی نرسانند.» [...]

یکی از کسانی را که ضحاک کشت و مارهایش مغز او را خوردند، پدر کودکی به نام «فریدون» بود. یک روز، زمانی که فریدون شانزده سال داشت از مادرش پرسید: «مادر پدر من چه کسی بود؟» مادرش پاسخ داد: «پدرِ تو مردی شجاع بود که .... ضحاک او را کشتند تا مغزش را به مارها بدهند.» فریدون با شنیدن داستان .... ضحاک تصمیم گرفت به جنگ او برود. نام پهلوان دیگری که در جنگ .... ضحاک به فریدون کمک کرد، کاوه بود. کاوه .... بود. [...]

یک‌شب، .... از سوی خداوند به شکل جوانی زیبا .... فریدون آمد و به او یاد داد چگونه می‌تواند ضحاک را در این .... شکست دهد. درنهایت فریدون با .... خداوند ضحاک را ....؛ و او را .... کرد.

گفتگو

پیش‌گفتگو

ردیف — قافیه

ز چشم مست ساقی وام کردند	نخستین باده کاندر جام کردند

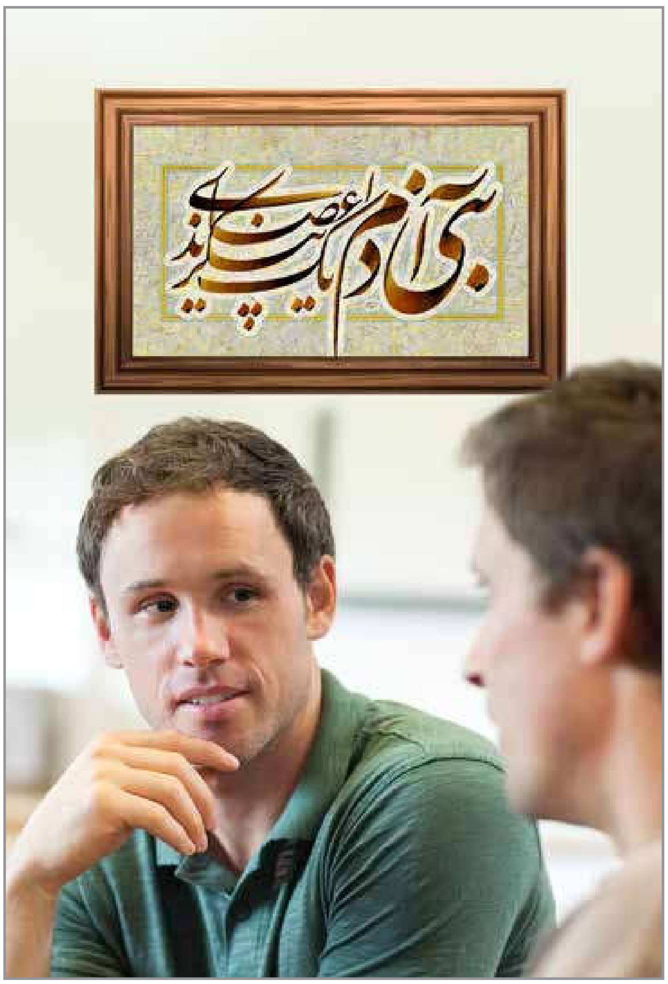
مصرع: به هر جمله از شعر یک مصرع می‌گویند.

بیت: به هر دو مصرع، یک بیت می‌گویند.

قافیه: به کلمات آخر هر مصرع یا بیت که حرف آخر آن به هم شبیه باشند، قافیه می‌گویند.

ردیف: به کلمات آخر هر مصرع یا بیت که کاملاً به هم شبیه باشند، ردیف می‌گویند.

گفتگو



- شاعر مورد علاقهٔ تو کیست؟
- سعدی.
- می‌توانی چند بیت از شعر سعدی برایم بخوانی.
- آره.

بنی‌آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی‌غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

- حالا این شعر یعنی چه؟
- یعنی: انسان‌ها مثل اعضای بدن می‌مانند. اگر یک عضو از بدن درد بگیرد، همهٔ بدن مریض و بیمار می‌شود. پس کسی که از ناراحتی دیگران ناراحت نمی‌شود، نمی‌شود به او گفت انسان.
- احسنت!

- این شاعر در چه سالی به دنیا آمد؟
- در کدام شهر به دنیا آمد؟
- در چه علومی مشهور است؟
- موضوع اشعار او چیست؟

- به‌جز ادبیات در چه علومی تخصص داشت؟
- آرامگاه او کجاست؟
- در چه سالی از دنیا رفت؟
- نام کتاب‌های او چیست؟
- آیا فعالیت سیاسی هم داشت؟

- در فراهان به دنیا آمد.
- در نیشابور متولد شد.
- در فلسفه و نجوم مشهور است.
- آرامگاه او در نیشابور است.
- آرامگاه او در همدان است.
- در تفرش به خاک سپرده شد.

بحث آزاد

آیا می‌توانید جملهٔ زیر را بخوانید؟

«من می‌توانم به زبان فارسی بخوانم و بنویسم.»

مدتی پیش تصمیم گرفتید زبان فارسی را یاد بگیرید؛ و اگر معنی جملهٔ بالا را می‌دانید معنی آن این است که زبان فارسی را یاد گرفته‌اید. حال سؤالی که وجود دارد این است که تصمیم شما برای ادامهٔ راه چیست؟ آیا می‌خواهید همچنان به یادگیری زبان فارسی ادامه دهید؟ آیا می‌خواهید شروع به یادگرفتن زبان دیگری بکنید؟ دوست دارید از زبان فارسی به چه نحوی استفاده کنید؟

ما مسلمان‌ها برای تماشای تلویزیون همیشه مشکل داریم. تلویزیون ایران بهترین انتخاب برای ما است. از زبان فارسی برای تماشای برنامه‌های خوب تلویزیون ایران استفاده می‌کنم.

به‌عنوان مترجم کتاب‌های ارزشمند زبان فارسی را ترجمه می‌کنم.

برای تحصیل به ایران می‌آیم.

از این زبان برای مطالعه و پژوهش استفاده می‌کنم.





به‌عنوان راهنمای تورهای مسافرتی به ایران مشغول به کار می‌شوم.

در سفارت‌خانه‌ها و مراکز سیاسی مشغول به کار می‌شوم.

در رشتهٔ ادبیات و زبان فارسی ادامهٔ تحصیل می‌دهم.

به‌عنوان استاد زبان فارسی شروع به آموزش زبان فارسی می‌کنم.

با شرکت‌های تجاری ایرانی برای صادرات، واردات و سرمایه گزاری همکاری می‌کنم.

سایر فعالیت‌ها: ....

اگر بخواهید از میان گزینه‌های بالا سه مورد را انتخاب کنید، انتخاب‌های شما به ترتیب کدامند؟

خواندن

پیش‌خواندن

واژه‌ها

بقال = فروشنده، مغازه‌دار	دکّان = مغازه	سوداگر = تاجر	خواجه = انسان بزرگوار
بیم = ترس	کَل = کچل، بی‌مو	ضرب = ضربه	ندامت = پشیمانی
درویش = فقیر	نطق = گفتار، کلام	قیاس = مقایسه	خلق = مردم
صاحب دلق = مرد فقیر	جولقی = کسی که لباس پشمی پوشیده (در اینجا یعنی مرد فقیر)		

داستان طوطی و بقال

بود بقالی و وی را طوطی‌ای
خوش‌نوایی، سبز و گویا طوطی‌ای
بر دکان بودی نگهبان دکان
نکته گفتی با همه سوداگران
خواجه روزی سوی خانه رفته بود
بر دکان، طوطی نگهبانی نمود
گربه‌ای برجست ناگه بر دکان
بهر موشی طوطیک از بیم جان
جست از سوی دکان سویی گریخت
شیشه‌های روغن گل را بریخت
از سوی خانه بیامد خواجه‌اش
بر دکان بنشست فارغ، خواجه‌وش
دید پرروغن دکان و جامه چرب
بر سرش زد، گشت طوطی کَل ز ضرب
روزکی چندی سخن کوتاه کرد
مرد بقال از ندامت آه کرد:
«دست من بشکسته بودی آن زمان
که زدم من، بر سر آن خوش‌زبان»
هدیه‌ها می‌داد هر درویش را
تا بیابد نطق مرغ خویش را
بعد سه روز و سه شب حیران و زار
بر دکان بنشسته بد نومیدوار
جولقی‌ای سر برهنه می‌گذشت
با سر بی‌مو چو پشت طاس و طشت
آمد اندر گفت، طوطی آن زمان
بانگ بر درویش زد چون عاقلان:
«کز چه؟ ای کل با کلان آمیختی
تو مگر از شیشه روغن ریختی؟»
از قیاسش خنده آمد خلق را
کو چو خود پنداشت، صاحب دلق را
کار پاکان را قیاس از خود مگیر
گر چه ماند در نبشتن «شیر و شیر»



تمرین

با توجه به شعر داستان را مرتب کنید.

.... صاحب مغازه طوطی را کتک زد.
.... مردم از مقایسهٔ طوطی خوشنان آمد و به او خندیدند.
.... طوطی کچل شد و دیگر حرف نزد.
...۱...... صاحب مغازه به خانه رفت
.... طوطی به مرد فقیر گفت: «چرا کچل شدی؟ تو هم ظرف روغن را ریختی؟»
.... طوطی ظرف روغن گل را ریخت.
.... گربه‌ای برای گرفتن موش وارد مغازه شد.
.... مرد فقیر کچل وارد مغازه شد.

بیاموزیم

حرف‌اضافهٔ مخصوص فعل

برخی از فعل‌های مرکب و ساده در زبان فارسی حرف‌اضافهٔ مخصوص به خود را دارند.

در زیر فهرست برخی از افعال پرکاربردتر در زبان فارسی آمده است.

حرف اضافه	ساخت	مثال
از	۱. از .... پرسیدن	من معمولاً سؤالاتم را از معلم می‌پرسم.
	۲. از .... ترسیدن	او از گربه می‌ترسد.
	۳. از .... خواستن/ خواهش کردن	آنها از من خواستند تا زودتر نامه را ارسال کنم.
	۴. از .... گرفتن	من معمولاً از نانوایی نان تازه می‌گیرم.
	۵. از .... خریدن	برادرم یک جفت کفش نو از بازار خرید.
	۶. از .... یادگرفتن	من از او چیزهای زیادی یاد گرفته‌ام.
	۷. از .... عصبانی/ خوشحال و ... شدن	من از این کار تو خیلی عصبانی شدم.
به	۸. به .... دادن	او کتاب را به من نداد.
	۹. به .... گفتن	خواهرم تمام ماجرا را به دوستش گفت.
	۱۰. به .... کمک کردن	پدرم خیلی به آنها کمک کرد.
با	۱۱. با .... ازدواج کردن	من چند ماه پیش با همسرم ازدواج کردم.
	۱۲. با .... بازی کردن	برادرم در پارک با دوستانش بازی می‌کرد.
	۱۳. با .... صحبت کردن/ حرف زدن	با دخترم خیلی دربارهٔ ازدواج صحبت کردم.
در	۱۴. در .... ماندن	من چند ماهی در شیراز ماندم.
	۱۵. در .... نشستن	میهمان‌ها در اتاق نشستند.
	۱۶. در .... زندگی کردن	شما پیش از این در آفریقا زندگی می‌کردید؟

تمرین

الف) با برخی از افعال در زبان فارسی بیش از یک حرف‌اضافه به کار می‌رود که معانی آن با هم متفاوت است. با حرف‌اضافه‌های مختلف هر فعل یک جمله بسازید و به تفاوت معنای آن توجه کنید.

۱	رفتن	(از)	(به)
۲	پیاده آمدن	(از)	(با)
۳	درس دادن	(در)	(به)
۴	بردن	(از)	(به)
۵	تلفن زدن	(از)	(به)
۶	درس خواندن	(با)	(در)

ب) متن درس را با دقت بخوانید و حروف اضافهٔ مخصوص هر فعل در مشخص کنید.

خلاصه‌نویسی

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.